

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عبور از فتنه

بازخوانی پرونده یکسال نبرد نرم

جلد دوم

از اوج تا زوال

مؤلف: محمدجواد اخوان



مرکز مطالعات و پژوهشها

تهران - خیابان آیت الله طالقانی - تقاطع خیابان شهید مفتاح - مجتمع فرهنگی دانشجویی ۱۳ آبان

تلفن: ۸۸۳۴۴۹۴۳ - ۸۸۳۸۱۵۶۴

---

### عبور از فتنه

بازخوانی پرونده یکسال نبرد نرم

---

### از اوج تا زوال جلد دوم

بهار ۱۳۸۹

جلد ۱۰۰۰۰

محمود عباس نژاد

نوبت چاپ اول:

تیراژ:

طراح جلد و گرافیک:

تقدیم بہ علمدار ولایت

خلف صالح حضرت روح اللہ (رہ)

حضرت امام خامنہ ای (مدظلہ العالی)

کہ شجاعانہ و یک تنہ در مقابل قنہ کران استاد

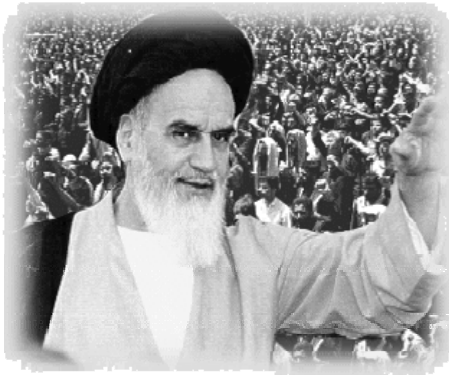
و یک کام از موضع اسلام عقب نشست

و بہ امید آن کہ این پرچم را بہ دست صاحب آن رساند

و تقدیم بہ ملت عاشورایی

کہ با بصیرتی تحسین براگنیز

ندای بل من ناصر مولاشان را البیک گفتند...



## معمار کبیر انقلاب اسلامی

حضرت امام روح الله (قدس الله نفسه الزکیه):

«نباید ما فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا و تفاله های آمریکا (هستیم)، این تفاله هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم، الان هم هستیم. باید هر یک از اینها را شناسایی کنید و به دادگاهها معرفی کنید، ننشینید که باز یک جایی را آتش بزنند. اینها می خواهند خرابی کنند کار ندارند به این که کی

کشته بشود و کی از بین برود، دشمنی خصوصی هم با هیچ کدام ندارند... اینها می خواستند که این منافقین هم آزاد بیایند توی مردم و بعد از یک سال دیگر بسیاری از جوانهای ما را منحرف کنند آزادانه و بسیاری از کارهایی که می خواهند مخفیانه انجام بدهند، آزادانه انجام بدهند، برای اینکه، آزادی است! بی جهت نیست که در آن نطقهای با اجتماع زیاد روز عاشورا سوت می زنند و کف می زنند. امام مظلوم ما به شهادت رسیده، روز شهادت امام مظلوم ما، پای نطق و سخنرانی یک نفر آدمی که با آنها دوست است کف می زنند و سوت می کشند و آمریکا را از یاد می برند. خط این بود که اصلاً آمریکا منسی بشود، یک دسته شوروی را طرح می کردند تا آمریکا منسی بشود، یک دسته الله اکبر را کنار می گذاشتند، سوت می زدند و کف می زدند آن هم روز عاشورا. خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود...<sup>۱</sup>

راه افتادن در کوچه و محله ها بدون اینکه از طرف وزارت کشور اجازه داده شده باشد، این انحراف است و محرم (حرام) است و قوای انتظامی و نظامی و پاسداران و بسیج و تمام ملت موظفاند، شرعاً مکلفاند به تکلیف الهی که جلوگیری از این مفسده ها بکنند.<sup>۲</sup>

بر قوای مسلح اسلامی از ارتش، سپاه و بسیج و سایر قوای نظامی و انتظامی تا نیروهای مردمی در جبهه و پشت جبهه است که چون سیلی خروشان ... ایران عزیز را از این **خس و خاشاکها** پاک نمایند و بدانند که نیروی ایمان پیروز است.<sup>۳</sup>

اینهایی که الان در ایران مشغول فتنه هستند؛ اینها از اسلام هیچ اطلاع ندارند، و به حسب آن طوری که من می فهمم، اینها مرتبط با آمریکا هستند ولو اینکه اسمشان برخلاف است! و ملت ما باید اینها را رد بکنند و اعتنایی به آنها نکنند، و خودشان در همین سیل جمعیت ایران متحل خواهند شد»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - صحیفه امام (ره) ج ۱۵ - ص ۲۹

<sup>۲</sup> - همان ج ۱۴ - ص ۴۱۷

<sup>۳</sup> - همان، ج ۱۵ - ص ۲۴۱

<sup>۴</sup> - همان ج ۶ - ص ۴۷۱



## مقام معظم رهبری

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی): مسئله‌ی اصلی این است که مردم در یک حرکت عظیمی، در یک انتخابات پرشور خوب کم‌نظیری حضور پیدا کردند و این رأی بالا را توی صندوقها ریختند. این انتخابات، نظام را که در این یکی دو سال اخیر همین طور پی‌درپی پیشرفتهای اقتصادی و علمی و سیاسی و امنیتی و بین‌المللی برای خودش کسب کرده بود، در یک مرحله‌ی عالی از امتیاز و آبرو قرار می‌دهد، بعد ناگهان مشاهده می‌کنیم یک حرکتی صورت می‌گیرد برای نابود کردن این حادثه‌ی افتخارآمیز! مسئله اصلی این است.

انتخاباتی بود، عمومی هم بود، درست هم بود، اشکالی هم نتوانستند بر انتخابات بگیرند و ثابت کنند؛ حالا هی ادعا کردند، فرصت هم داده شد؛ گفتیم بیایید، نشان بدهید، ثابت کنید؛ نتوانستند، نیامدند؛ تمام شد. پایبندی به قانون اقتضاء می‌کند که انسان ولو این رئیس جمهوری را که انتخاب شده است قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل بود، بایستی در مقابل قانون، خضوع کند ...

قطعاً این بلوهای بعد از انتخابات، به نظر آدمهای خبره و آگاه، برنامه‌ریزی شده بود. یعنی انسان با هر کسی از انسانهای فهیم که با مسائل کشور و با مسائل جهانی آشنا هستند، در میان می‌گذارد، می‌فهمد. همه این را می‌فهمند که این کار برنامه‌ریزی شده بوده و این یک کار دفعی نبود که بخواهیم بگوئیم یک چیزی پیش آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد؛ نه، این کار برنامه‌ریزی شده بود؛ از یک مرکزی هدایت می‌شد.

خب، اینها ایجاد فتنه می‌کند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود می‌کند. شعار طرفداری از قانون می‌دهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام می‌دهند. شعار طرفداری از امام می‌دهند، بعد کاری می‌کنند که در عرصه‌ی طرفداران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود.

آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند، بجمردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهتگیری‌ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه می‌شود. چرا متنبه نمی‌شوند؟ وقتی شنیدند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال،

آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلامش حذف می‌شود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط می‌روند، اشتباه می‌کنند؛ باید تبری کنند. وقتی می‌بینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده می‌شود، باید متنبه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم. وقتی می‌بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت می‌کنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی، هم در دوره‌ی تاریخی صد سال و دویست ساله‌ی تا حالا - دارند از اینها حمایت می‌کنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند. وقتی می‌بینند همه‌ی آدمهای فاسد، سلطنت‌طلب، از اینها حمایت می‌کند، توده‌ای از اینها حمایت می‌کند، رقااص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت می‌کند، باید متنبه بشوند، باید چشمشان باز بشود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان یک عیبی دارد...

# فهرست

صفحه	عنوان
۱۳	مقدمه جلد دوم.....
۲۱	فصل پنجم.....
۲۱	نافرمانی خیابانی!.....
۲۱	انتخابات دهم، حماسه ملی.....
۲۳	بازتاب انتخابات در رسانه‌های خارجی.....
۲۶	پروژه تقلب نمایی کلید خورد!.....
۲۹	صحنه سازی و پیام دو پهلوی موسوی!.....
۳۳	فاز آشوب کلید خورد!.....
۳۶	پیام مهم رهبر معظم انقلاب:.....
۳۷	اعلام موضوع سازمان مجاهدین.....
۳۷	دیدار میرحسین موسوی با مقام معظم رهبری.....
۳۸	دعوت به راهپیمایی بدون مجوز از سوی ستاد میرحسین موسوی.....
۳۸	راهپیمایی غیرقانونی ۲۵ خرداد.....
۳۹	دلایل جالب زهرا رهنورد برای تقلب!.....
۴۱	بیانات حکیمانه رهبر انقلاب(مدظله)؛ آب بر آتش فتنه انگیزان.....
۴۲	تعهد سیاسی و احساس مسئولیت نسل اول انقلاب.....
۴۳	جواب ملت ایران به تبلیغات مغرضانه.....

- ۴۳..... آشنایی نزدیک و شناخت ۴ نامزد.....
- ۴۴..... مناظره های تلویزیونی ابتکاری مهم.....
- ۴۴..... ادامه مناظره ها در سطوح مدیریتی.....
- ۴۵..... تخریب و سیاه نمایی.....
- ۴۵..... مقصر بودن دو طرف مناظره ها.....
- ۴۶..... نظر رئیس جمهور به نظر بنده نزدیکتر است.....
- ۴۶..... مبارزه جدی و پیگیری با فساد مالی.....
- ۴۶..... ۲۲ خرداد حماسه ای تاریخی و جهانی.....
- ۴۷..... چهار نامزد در درون جبهه انقلاب.....
- ۴۷..... مجاری قانونی تنها مسیر رسیدگی به شبهات.....
- ۴۷..... لحظه حساس تاریخی برای کشور.....
- ۴۸..... همه باید قانون را فصل الخطاب بدانند.....
- ۴۸..... صندوق های رأی، نه در کف خیابانها.....
- ۴۹..... مسئولیت تبعات و هرج و مرج.....
- ۵۰..... طمع دشمنان.....
- ۵۲..... اظهارات گستاخانه نخست وزیر انگلیس.....
- ۵۲..... عبور جریان فتنه از چارچوب نظام!.....
- ۵۲..... اغتشاش در ۳۰ خرداد.....
- ۵۷..... ماهیت اغتشاشگران.....
- ۵۸..... بیانیه سید محمد خاتمی.....
- ۵۸..... اعتراض مجامع جهانی به مداخله بیگانگان.....
- ۶۰..... پیام تبریک شخصیت‌های جهانی به دکتر محمود احمدی نژاد.....
- ۶۱..... کشف اسناد توطئه.....
- ۶۱..... بازداشت اعضای جریانهای سیاسی وابسته.....
- ۶۲..... افشاگری عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی.....
- ۶۶..... تأیید صحت انتخابات دهم.....



۶۹	<b>فصل ششم</b>
۶۹	پروژه تقلب و آشوب
۶۹	تقلب چگونه طراحی شد؟
۷۱	سفر مشکوک خاتمی
۷۲	ستاد قیطریه
۷۳	آشوب از قیطریه کلید می خورد!
۷۴	مصاحبه‌ای که نقشه را لو داد
۷۴	شکست در انتخابات و جلسه با کمیته X
۷۶	جلسه سران فتنه
۸۶	ادعای بدون مستند
۸۸	نقد استدلال‌های موسوی برای تقلب در انتخابات
۹۴	چرا اتهام تقلب مطرح شد؟
۹۵	دروغ عنصر اصلی در کودتای مخملی
۹۶	دروغ بزرگ کار ویژه نفاق
۹۷	شکست پروژه تقلب
۹۸	طراحی آشوب‌ها
۱۰۷	واکاوی اردوکنشی‌های خیابانی
۱۰۹	ابطال انتخابات هدف اصلی تجمع‌های غیرقانونی
۱۱۰	مردم، ابزار براندازی
۱۱۰	عملیاتی کردن نظریه فشار از پایین، چانه زنی در بالا
۱۱۱	ریزشهای اردوکنشی خیابانی
۱۱۴	جزوه براندازی؛ منشور راهبردی جریان فتنه
۱۱۶	تحلیل‌های ه گانه از وقایع انتخاباتی
۱۴۳	<b>فصل هفتم</b>
۱۴۳	اتهام جنایت!
۱۴۳	سناریوی اتهام

۱۴۷	قتل رسانه‌ای ندا آقاسلطان
۱۵۹	لیست ۷۲ شهید خیالی!
۱۶۱	ماجرای ترانه موسوی
۱۶۸	ماجرای عاطفه امام
۱۷۲	سعیده پورآقایی، شهیده خیالی که زنده شد!
۱۷۵	تجاوز و شکنجه
۱۸۱	ماجرای کهریزک:
۱۹۳	<b>فصل هشتم</b>
۱۹۳	روز قدس؛ تقابل فتنه با اسلام
۱۹۵	حضور فتنه گران در راهپیمایی قدس
۱۹۵	واکنش مردم به فتنه گران
۱۹۷	بازتاب راهپیمایی
۱۹۸	شعارهای ساختارشکنانه فتنه گران
۲۰۱	بازتاب در جهان اسلام
۲۰۳	<b>فصل نهم</b>
۲۰۳	۱۳ آبان؛ حمایت از آمریکا
۲۰۵	سیر نزولی جنبش سبز
۲۰۶	دعوت به اغتشاش در حمایت از شیطان بزرگ!
۲۰۸	اتخاذ مواضع متناقض
۲۱۰	تبلیغات
۲۱۰	نقش آفرینان حماسه
۲۱۱	تبلیغات زود هنگام ولی بی نتیجه
۲۱۱	اغتشاش
۲۱۲	بخش دانشجویی سبزها
۲۱۲	تنفرزدایی نسبت به آمریکا
۲۱۳	بازتاب رسانه‌ای

۲۱۷	.....	<b>فصل دهم</b>
۲۱۷	.....	دشمنی فتنه گران با امام (ره)
۲۱۷	.....	تلاش برای ایجاد فتنه در ۱۶ آذر
۲۲۹	.....	آنچه در ۱۶ آذر ۱۳۸۸ اتفاق افتاد
۲۳۲	.....	حوادث خارج از دانشگاه
۲۳۳	.....	حمایت غرب از فتنه گران ۱۶ آذر
۲۳۴	.....	واکنش مردم به توهین به حضرت امام و سقوط فتنه
۲۳۵	.....	تکذیب به جای محکومیت
۲۴۱	.....	<b>فصل یازدهم</b>
۲۴۱	.....	انتحارا!
۲۴۱	.....	پروژه محرم سبز!
۲۴۴	.....	موانع پیش روی جریان فتنه
۲۴۵	.....	پروژه عاشورا
۲۴۸	.....	فتنه گری در عاشورای حسینی
۲۴۹	.....	مقابله مردم با هتاکان
۲۵۰	.....	کشته سازی
۲۵۰	.....	بازتاب اغتشاشات روز عاشورا
۲۵۳	.....	تخریب حداکثری وجهه نظام
۲۵۵	.....	محکومیت حرمت شکنی فتنه گران
۲۵۸	.....	خروش عاشورائیان
۲۵۸	.....	همه آمده بودند
۲۵۹	.....	فتنه گران؛ مفسد فی الارض و محارب با خدا
۲۶۰	.....	سردرگمی رسانه‌های خارجی
۲۶۱	.....	عاشورا جداکننده حق و باطل
۲۶۳	.....	سقوط فتنه کلید خورد!
۲۶۳	.....	فتنه حکمیت

۲۶۳	.....	فاز اول - عقب نشینی تاکتیکی
۲۷۳	.....	فاز دوم - نامه نگاری
۲۷۵	.....	فتنه در نفس مصنوعی!
۲۷۸	.....	تشکیل اتاق فکر
۲۸۱	.....	<b>فصل دوازدهم</b>
۲۸۱	.....	کوبیدن آخرین میخ بر تابوت فتنه
۲۸۱	.....	۲۲ بهمن، آخرین فرصت!
۲۸۶	.....	تاکتیک اسب تروا
۲۸۷	.....	توهم مجازی به سر می‌رسد!
۲۸۸	.....	سر خوردگی شدید و نزاع فتنه‌گران پس از شکست بزرگ
۲۹۰	.....	وقتی اسب تروا در گل می‌ماند!
۲۹۴	.....	مصادره به مطلوب سران فتنه!
۳۰۳	.....	منابع

## مقدمه جلد دوم

پیامبر اعظم(ص): «از فتنه‌های آخرالزمان کراهت نداشته باشید که منافقان را نابود می‌کند»  
(کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۸۹)

انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، یکی از به یادماندنی‌ترین انتخابات پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی است. با نیم‌نگاهی دوباره به این انتخابات می‌توان شاخصه‌های متمایز کننده آن را از دیگر رویدادهای سیاسی سه دهه پس از انقلاب را مشخص نمود.

حضور حداکثری با نصابی بی‌سابقه (۸۵ درصد واجدان شرایط) شور و شوق انتخاباتی بی‌نظیر در سطح جامعه، ورود همه بازیگران داخلی و خارجی اعم از احزاب دورن نظام و حتی جریان‌های معاند و ضد انقلاب و قدرتهای بیگانه و رسانه‌های وابسته به رویدادهای قبل و بعد این انتخابات وجه تمایز اساسی آن است.

حضور حماسی و حداکثری ملت مسلمان در این انتخابات و رأی اکثریت آنان به گفتمان امام و انقلاب، تصویری به نام «حماسه ملی» از این انتخابات در ذهن‌ها تداعی می‌کند.

در مقابل برای تحرکات وسیع برخی جریان‌ها که قبل از انتخابات در قالب یک «جنگ احزاب» و «پروپاگاندا غیراخلاقی» آغاز شد و پس از انتخابات و روشن شدن شکست این اتحاد شوم در قالب «اتهام» و «آشوب» ادامه یافت، نامی جز «فتنه» نمی‌توان گذارد.

به شهادت تاریخ همیشه در پشت صحنه حوادث پرمخاطره کسانی قرار دارند که شرایط موجود را در خلاف امیال و آرزوهای خود می‌بینند. به زعم آنها شرایط موجود به آنها اجازه جولان و نزدیک شدن به خواسته‌های شان که یا مغایر با نظر جمعیت

معاصرشان است و یا اینکه صلاحیت و شایستگی رسیدن به آن خواسته را ندارند و یا اینکه از راه خلاف در پی کامیاب شدن هستند را نمی دهد، از این رو زیرکانه با آن به ستیز برمی خیزند. چنانچه این دسته از افراد برای رسیدن به هدف به آشوب روی آورند و در این آشوب طلبی با تظاهر به پایبندی به ارزش های مشترک از آنها استفاده ابزاری کنند فتنه متولد می شود.

بررسی رخدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم نشان می دهد که ایران به محض ورود به بحث انتخابات وارد فضای فتنه انگیز شد. در گذشته ملت هایی که درگیر فتنه شده اند یا در چنگال فتنه گرفتار شدند و هستی شان به باد فنا رفت و یا اینکه توانستند فتنه را به بند بکشند و به راه خود ادامه دهند، آنهایی که بر فتنه غالب شدند از اصول و برنامه های مشخصی تبعیت کردند و راه را برای عبور همراه با سلامت دیگران از صحنه فتنه باز نگه داشتند. شناخت این مسئله می تواند کمک شایانی به عبور از فتنه موجود کند. پرچمدار عبور موفق از میدان فتنه بصیرت است که در کنار بررسی رفتار خواص و مجهر شدن به آن می تواند دشمن فتنه گر را بر زمین زند.

شایسته ترین شخص برای سخن گفتن و تبیین فتنه حضرت امیرالمومنین (ع) است که در دوران حکومت چهارساله و ۹ ماهه اش درگیر با فتنه گری و توطئه چینی بود. آن حضرت می فرماید «هنگامی که آیه دوم سوره عنکبوت «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امانا و هم لایفتنون؛ مردم گمان کردند همین که گفتند ایمان آوردیم کفایت می کند و آزاد می شوند و امتحان نمی شوند.» نازل شد، از پیامبر سؤال کردم: «یا رسول الله (ص) فتنه چیست و به چه معناست؟ فرمود مثلاً مردم رشوه می گیرند و اسم آن را هدیه می گذارند... گفتم از نظر اجتماعی به چه معناست؟ فرمود: فتنه وقتی است که حقیقت دچار ابهام شده باشد. مثلاً تو با دشمنانی که من با آنها بر سر تنزیل قرآن جنگیدم، بر سر تأویل قرآن می جنگی. چون آنها مسلمان شده اند و قرآن را قبول دارند اما آن را به نفع خودشان تأویل می کنند.»

در انتخابات ریاست جمهوری دهم حقیقت این بود که انتخابات قانونی و صحیح برگزار شد، اما فتنه گرها با ترویج دروغی به نام «تقلب» به روی چهره حقیقت خاک پاشیدند تا حقیقت به وضوح دیده نشود و آن را دچار ابهام کردند. میرحسین موسوی با مصاحبه پیش هنگام و قبل از شروع و اتمام شمارش آرا خودش را پیروز انتخابات

معرفی کرد تا حقیقت بیشتر در ابهام فرو رود. این روشی بود برای مخدوش کردن حقیقت که پیشتر استکبار جهانی آن را در چند کشور دیگر آزموده بود.

به فرموده حضرت امیر (ع) «اگر باطل از آمیختگی با حق، خالص می شد، طالب حقیقت سرگشته نمی گشت.» اما اختلاط حق و باطل فتنه ساز می شود. «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه؛ آنجاست که شیطان بر دوستانش غلبه پیدا می کند.» و «وینجواالذین سبقت لهم من الله الحسنی؛ کسانی که مشمول لطف خداوند شده اند نجات می یابند.»

مولا علی (ع) در خصوص پیچیدگی و نامحسوس و مخرب بودن فتنه می فرماید: «فتنه در شکل حق روی می آورد و هنگامی که پشت می کند، با خبر می سازد. در حال آمدن ناشناخته است و به گاه رفتن شناخته می شود. مانند گردبادها به بعضی شهرها اصابت می کند و از بعضی می گذرد.» از فرمایش حضرت امیر (ع) مشخص می شود که «فتنه» پدیده بسیار خطرناکی است که به سبب ناپیدا بودن در زمان پدیدار شدن برخوردار با آن بسیار سخت است و قادر است هدف گذاری شده هجمه بیاورد و فقط نقاط هدف را ویران کند. فتنه ای که انتخابات ایران را در بر گرفت نیز همین گونه بود هنگامی که در آستانه انتخابات در شرف تکوین بود کسی گمان نمی برد که نشانه های مشهود علائم فتنه ای است که در راه است. از بین ده ها هدفی که می توانست مورد هجمه قرار دهد اهداف انتخاب شده را مورد هجوم قرار داد.

حضرت امیرالمومنین (ع) ریشه های فتنه را این چنین بیان می فرماید: «انمابدء وقوع الفتن، اهواء تتبع و احکام تبدع یخالف فیها کتاب الله و یتولی علیها رجال رجالاتاً علی غیر دین؛ به درستی که شروع هر فتنه ای هواپرستی و بدعت گذاری در احکام آسمانی است. نوآوری هایی که قرآن با آن مخالف است و گروهی بر گروه دیگر سلطه و ولایت یابند که بر خلاف دین خداست. هوا و هوس عامل فتنه آفرینی است که در زمان حاضر بیش از بدعت گذاری در ایجاد فتنه نقش دارد اگر چه جریان فتنه از برخی روحانی نماها نیز برخوردار است که برخی شاخص های دینی را برای آنها خرج می کنند، اما همچنان قدرت طلبی و خروج از انزوا که ریشه در هوا و هوس دارد محرک اصلی فتنه موجود است.

مطابق آموزه های دینی آنچه که می تواند هر فرد و یا ملتی را از کوران فتنه به سلامت عبور دهد مرکب رهوار «بصیرت» است. اهل «بصیرت» فریب نمی خورند. هر چند تصویر تظاهر مزوران بسیار بلند و صدایشان پرطنین و بیانشان پرطمطراق و مسحورکننده و اعجاب انگیز باشد.

همچنین مولای متقیان علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «انما البصیر من سمع وتفکر و نظر فابصر و انتفع بالصبر ثم سلک جدرا واضحا یتجنب فیہ الصرعه فی المهاوی؛ اهل بینش کسی است که بشنود و بیندیشد و با بینش در آن درنگ کند و از رخدادهای پند گیرد و بهره مند شود و خود را از پرتگاه ها نگاه دارد.» آنچه که در این فرمایش برجسته است نتیجه بکارگیری بصیرت است که مانع از سقوط از پرتگاه می باشد. در جریانات پس از انتخابات «بصیرت» رهبری و خواصی که اهمیت «بصیرت» را می دانستند و تبعیت مردم وفادار به امام (ره)، رهبری و انقلاب از آنها موجب شد با وجود فشار و دسیسه های فتنه گرایانه دشمن، نظام همچنان محکم و استوار اهدافش را دنبال کند و فتنه گران را ناکام گذارد. آن حضرت در جای دیگر می فرماید: «فلا تستعملوا الرأی فیما لایدرك قعره البصر؛ در جایی که بینش به عمق آن نرسیده و متوجه آن نشده اظهار نظر نکنید.»

حال سؤالی که باید بدان پاسخ داد آن است که این فتنه عمیق چگونه تکوین و ادامه یافت؟

در پاسخ به این سؤال بایستی فتنه ۸۸ را در سه فاز تحلیلی کرد،

فاز اول: ظهور و تکوین

فاز دوم: اوج

فاز سوم: افول و زوال

فاز اول:

در این فاز تلاش هماهنگ و گسترده برای ایجاد فضای منازعات قومی و صنفی و مناقشات گروهی با استفاده از شرایط دوران انتخابات انجام گرفت. نظام سلطه تمام همت خود را به کار گرفت تا در پوشش فضای آزاد و دموکراتیک انتخابات با بکارگیری عناصر موجه، از یک طرف تنازعات قومیتی و مناقشات حزبی و اختلافات جناحی را دامن بزند و از طرف دیگر با حمله به اعتقادات و باورها و تغییر گرایشات افراد مستعد اختلافات را زیاد کند.



همچنین وجود گره های کور با بزرگ نمایی نقاط ضعف و کتمان نقاط قوت القا شد، آنها با برجسته سازی ضعف ها و وارونه سازی نقاط قوت دولت سعی کردند وانمود کنند که در اثر مدیریت ضعیف اصولگرایان گره های کور بسیاری در مسیر توسعه و پیشرفت ایران بوجود آمده است.

در این مرحله فضای دوقطبی در رقابت های سیاسی از طریق یارگیری های تفرقه افکنانه برای ایجاد یک جبهه واحد از معاندان، مخالفان و منتقدانش کل گرفت؛ استکبار جهانی با استخدام عناصر واسط و تسهیل کننده سیاست های مداخله جویانه خود تصمیم گرفت پروژه ملت در مقابل ملت را اجرایی نماید و با عملیات روانی گسترده، جنگ مواضع بر سر هر موضوع کوچک و بزرگ، طرح تقلب گسترده، غیر مشروع قلمداد نمودن دولت، ایجاد تزلزل و شکاف بین گروه ها و القاء بحران و ایجاد یک سازمان رای، توانست به شکل گیری یک فضای دوقطبی مخرب دامن بزند.

### فاز دوم:

در این مرحله ساماندهی نافرمانی مدنی در جهت قرار دادن ملت در مقابل نظام پس از انتخابات و پیروزی اصولگرایان اجرایی شد. جریان فتنه در این مرحله سعی کرد نافرمانی مدنی سازمان یافته را ساماندهی کنند تا نظام اسلامی را باچالش های گسترده مواجه نمایند. برای این امر، تلاش زیادی برای محصور نشدن فعالیت ها در چارچوب تفسیرهای رسمی از قانون، عادی سازی عبور از قانون از طریق تفسیر جدید از قانون و در نهایت قانون گریزی آشکار و نافرمانی مدنی ساماندهی نمایند تا با استفاده از مکانیسم بحران سازی و نا امن سازی محیط جامعه، امنیت ملی ما را آسیب پذیر نمایند. هم چنین با تحریف واقعیات و حقایق و باهدف همراه نمودن مردم با خود «ابهام سازی» گسترده ای انجام شد. در این مرحله نظام سلطه تمام تلاش خود را برای غبار آلود کردن فضا و تحریف حقایق بکار برد تا مردم را باخود همراه نماید. برای تحقق این امر از خلق مناسبت و تلاش گسترده برای بهره برداری از آن گرفته تا راه اندازی جنگ قرائت های مختلف از قانون و کوبیدن بر طبل ابطال و فراهم سازی بستر تغییر از رهگذر در انداختن جنگ کدام و القا روند منفی در کشور و مخالفت های فراگیر جهت ممانعت از تثبیت دولت سعی نمود شرایط بغرنجی را بوجود آورد.

اقدام بعدی به چالش کشیدن ساختار و ارکان نظام بود. تحرکات دشمن در این مرحله استفاده از اقدامات ساختار شکنانه با هدف وارد نمودن ضربات قابل توجه بر پیکره نظام اسلامی بود. در این مرحله با استفاده از جنگ رسانه‌ای، آوردن افراد فریب خورده و وابسته در کف خیابان‌ها و تحریک و تشویق آنها سعی نمودند تا ارکان و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران را به چالش بکشند.

هنجار شکنی و مقابله با نهادها و نمادهای ملی و قانونی به صورت سازمان یافته که با هدف تضعیف و انزواسازی آنها برای برخورد با آشوب‌گران و اغتشاش‌گران به اجرا در می‌آمد، از دیگر ویژگی‌های این فاز جریان است. مرحله بعدی اقدامات دشمنان هنجارشکنی و مقابله با نهادها و نمادهای ملی و قانونی بود که سعی کردند از تمام ظرفیت خود در این رابطه استفاده نمایند تا فعالیت‌های هنجارشکن را مشروع و در مقابل، نهادهای قانونی را دیکتاتور، مستبد و نامشروع جلوه دهند.

هم چنین جریان فتنه از طریق جذب پیاده نظام جدید بی هویت به رادیکالیزه نمودن تحرکات و فعالیت‌های آشوب‌گران پرداخت. در این مرحله که با ناکامی‌های گسترده و ریزش‌های وسیعی روبه‌رو شده بودند. تمام همت خود را بکار بستند تا با استفاده از بدترین عناصر نفاق، اراذل و اوباش بی هویت از بن بست که مواجه شده بودند خارج شوند. یعنی آنها وقتی که با آگاهی ملت ایران مواجه شدند و بخش وسیعی از نیروهای خود را از دست دادند سعی کردند از طریق حرکات رادیکالی نوعی فضای آنارسی را بوجود آورند و آستانه تحمل نظام را کاهش دهند تا نظام را به برخورد خشن با ملت و حتی کشتن آنها متهم سازند. در این ارتباط می‌توان به پروژه کشته‌سازی از طریق ترورهای کور اشاره کرد.

### فاز ۳:

به تدریج به روشن شدن فضای غبارآلود و با رهبردی داهیان‌ه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) موج اردوکنشی‌های خیابانی جریان فتنه فروکش و جنگ روانی احساسی عقیم ماند.

در این مرحله جریان فتنه برای رویارویی با نظام با مشکل دیگری مواجه بودن و آن ریزش اردوکنشی‌های خیابانی بود. از این رو به حربه حضور انگلی در مناسبت‌های

اسلامی-ملی معمول جامعه روی آوردند. نمونه های بارز این اقدامات را می توان در حضور فتنه گران در راهپیمایی های روز قدس، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر و روز عاشورا دانست.

در این مرحله استفاده از مکانیسم بحران سازی برای مقابله با آرمان ها، اصول و ارزش ها مشهود بود. دشمنان شکست خورده که منفعل شده بودند و واگرایی نسبتاً گسترده ای در بین پیاده نظام خود احساس می کردند، سعی نمودند با استفاده از مکانیسم بحران سازی در جهت مقابله با اصول و ارزش ها و آرمان های ملت شجاع ایران اقدامات گستاخانه ای انجام دهند که تصریح در شعارهای ضد ارزشی، تغییر شعارها، هتاکی و توهین به ولایت و آتش زدن تمثال مبارک حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) گوشه ای از آن بی شرمی هاست.

دین پیرایی یا دین ستیزی و تهاجم گسترده و آشکار به مقدسات برای خروج از بن بست استراتژیک آخرین حربه اساسی جریان فتنه بود. دشمنان قسم خورده ملت ایران که خود را در نابودی کامل می دیدند، این بار به صورت وحشیانه ای دست به اقدامات خطرناکی زدند که نمود آن در روز عاشورای حسینی بود که روی امویان را سفید نمودند و با هتاکی و حرمت شکنی به آن روز عزیز، در واقع با ملت عزادار ایران به مقابله پرداختند.

اما خروش تاریخی ملت عاشورایی در ۹ دی ۱۳۸۸ همه نقشه های فتنه گران را بر آب کرد. این چنین بود که حضور حماسی ملت در ۹ دی آخرین یخ های فتنه را ذوب کرد. پس از آن تلاشهای بسیاری برای زنده کردن جریان روبه موت «فتنه» صورت گرفت که با حضور تاریخی و با بصیرت ملت در ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ آخرین میخ بر تابوت فتنه کوبیده شد.

کتاب «عبور از فتنه» با هدف «بازخوانی پرونده یک سال نبرد نرم» و در سه جلد مجزا تألیف گردیده است. در این سه مجلد مجزا به تحلیل فتنه ۸۸ پردازیم:

جلد اول- بروز فتنه

جلد دوم- از اوج تا زوال

جلد سوم- بازیگران فتنه

جلد اول این مجموعه که پیش روی شماست به تحلیل زمینه ها و علائم بروز فتنه که در حوادث پیش از انتخابات ظاهر گردید می پردازد.

کتاب عبور از فتنه، تلاشی است ناچیز برای واکاوی رویدادهای پیش و پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری اسلامی ایران با نگاهی تحلیلی و آسیب شناسانه. هرچند با توجه به بضاعت قلیل مؤلف و نیز بدیع بودن نوع کار، تا آن چه مطلوب خوانندگان را فراهم آورد، فاصله بسیار است.

وآخر دعونا ان الحمد لله رب العالمین

# فصل پنجم

## نافرمانی خیابانی!

### انتخابات دهم، حماسه ملی

۲۲ خرداد ماه سال ۱۳۸۸ را شاید بتوان بزرگترین حماسه ملت ایران در طی دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نامید. این روز باشکوه که به حق می‌توان آن را بعد از ۲۲ بهمن سال ۵۷ و سیزدهم آبان ماه سال ۵۸ (روزفتح لانه جاسوسی آمریکا) که امام خمینی(ره) آن را انقلاب دوم ملت ایران نامیدند؛ به انقلاب سوم ملت سرافراز ایران تعبیر کرد.

انقلاب اوج شور و شعور یک ملت و قیام یکپارچه جامعه در برابر قدرتهای مخربی است که در برابر آرمانها و ارزشها و منافع معنوی و مادی ملت ایستاده‌اند. گاه این قدرت مخرب رژیم استبدادی و ضد مردمی همانند رژیم پهلوی است که سالیان طولانی ملت ایران را برای منافع بیگانگان به بند کشیده بود. گاه دخالت مستقیم بیگانه در امور داخلی جامعه و ارتباط بیگانگان با گروهها و تشکلهای ضد ملی برای مقابله با آرمانهای ملت است؛ و گاه امواج مخرب گروهها و تشکلهای سیاسی زیاده‌خواه و باندهای مخوف و مافیایی قدرت و ثروت است که با نفوذ در ارکان جامعه با ایجاد دو دستگی و انشقاق سعی در رویارویی آحاد ملت با یکدیگر برای حفظ منافع خود می‌نمایند. که هر سه مورد آن در جامعه ما بوقوع پیوسته و ملت سرافراز ایران در هر بار با تکیه بر ارزشها و آرمانهای الهی و شعور و آگاهی خود با حضور و قیامی یکپارچه در برابر آن ایستاده است.

۲۲ خرداد ماه قیام سوم ملت ایران طی دهه‌های اخیر است. روزی است که ملت در برابر بزرگترین عجایب تاریخ؛ آزمونی بزرگ را با موفقیت پشت سر گذاشت و به همه آنانی که با اتکا به پول و ثروت و قدرت و دروغ و نیرنگ قصد ایجاد انحراف در مسیر انقلاب اسلامی را داشتند؛ ثابت کرد که صداقت تنها راه نفوذ به قلوب مردم و کسب اعتماد آنان است.

صداقت دکتر محمود احمدی نژاد و تلاش بی وقفه او در چهار سال خدمتگذاری جهت اجرای عدالت در اقصی نقاط سرزمین پهناورمان؛ تمامی ترفندها و دسایس و توطئه‌ها و دروغ‌ها را بر علیه وی که زندگی خود را وقف آحاد ملت ایران کرده بود؛ خشتی کرد و بار دیگر مرد عدالت و این‌بار با میلیونها رأی بیشتر و افزونتر از دوره قبل اعتماد ملت را برای خدمتگذاری بدست آورد.

در دهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران که در ۲۲ خرداد ماه سال ۱۳۸۸ برگزار گردید؛ ملت ایران با حضور حداکثری خود رکوردی بی نظیر از مردمسالاری و مشارکت عمومی در تعیین سرنوشت کشور بجای گذاشت. صرفنظر از مقایسه مشارکت ملت ایران در انتخابات ریاست جمهوری با کشورهای مدعی دموکراسی و مردمسالاری غرب که در هر دوره تنها موفق به جلب مشارکت ۳۵ تا ۵۰ درصد از حائزین شرایط رای دادن می‌گردند. انتخابات دهم ریاست جمهوری رکوردی بی‌نظیر در برابر انتخابات سی سال گذشته کشور نیز بجای گذاشت و با جلب اعتماد عمومی برای حضور حداکثری جامعه در پای صندوقهای رای رکورد ۸۵ درصدی مشارکت و حضور حائزین شرایط رای دادن را بجای گذاشت.

در این انتخابات دکتر محمود احمدی نژاد؛ رئیس جمهور محبوب ملت ایران در دوره نهم موفق گردید با کسب ۲۴۵۲۷۵۱۶ رای معادل ۶۲ و ۶۳ صدم درصد از اکثریت مطلق آرا از مجموع ۳۹۱۶۵۱۹۱ رای مأخوذه؛ اعتماد ملت ایران را برای تشکیل کابینه دهم بدست آورد.

دیگر نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دهم به ترتیب: میرحسین موسوی خامنه با ۱۳۲۱۶۴۱۱ رأی معادل سی و سه و ۷۵ صدم آرای مأخوذه، محسن رضایی با ۶۷۸۲۴۰ رأی معادل یک و ۷۳ صدم درصد و مهدی کروبی با ۳۳۳۶۳۵ رأی معادل ۸۵ صدم

درصد (زیر یک درصد) از آرای مأخوذه را کسب کردند. همچنین تعداد ۴۰۹۳۸۹ رأی معادل یک و ۴ صدم درصد از آرای صندوق‌ها باطله اعلام گردید.

### بازتاب انتخابات در رسانه‌های خارجی

احساس مسئولیت مردم ایران در قبال سرنوشت کشورشان که در قالب مشارکت گسترده آنان در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری متجلی شد، انعکاس گسترده‌ای در رسانه‌های خارجی داشت. این رسانه‌ها که شاید بسیاری از آنها به اتخاذ مواضع ضدایرانی در برهه‌های مختلف مشهور هستند، چاره‌ای جز اعتراف به حضور پرشور مردم ایران در پای صندوق‌های رأی که شاید در هیچ کدام از کشورهای آنها دیده نمی‌شود، نداشتند.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی با عنوان «ایران انتخابات ریاست جمهوری را آغاز کرد»، نوشت: ایران رأی‌گیری برای انتخاب رئیس‌جمهور جدید را پس از رقابت‌های انتخاباتی فشرده آغاز کرد. رقابت در دهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران پس از سه هفته راهپیمایی‌های گسترده و مناظره‌های داغ تلویزیونی به شدت بالا گرفت. در کنار احمدی‌نژاد و موسوی، مهدی کروبی - رئیس پیشین مجلس و اصلاح طلب ایران - و محسن رضایی - فرمانده پیشین سپاه پاسداران - قرار دارند. خبرگزاری فرانسه افزود: ایرانی‌ها روز جمعه در داغ‌ترین رقابت انتخاباتی ایران برای رأی دادن به صف شدند. مقامات انتخاباتی مشارکت بی‌سابقه‌ای را در میان ۶۶/۲ میلیون رأی‌دهنده ایرانی که نیمی از آنان پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ به دنیا آمده‌اند، پیش‌بینی می‌کنند.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از تهران نوشت: حضور بی‌سابقه مردم در ساعات اولیه رأی‌گیری، نشان از استقبال گسترده مردم ایران از این دوره از انتخابات دارد. فرانس پرس به نقل از یک مقام کمیسیون انتخابات که خواست نامش فاش نشود، تصریح کرد که حضور بی‌سابقه مردم در این انتخابات، برای مسئولان برگزارکننده هم باورکردنی نبوده است.

خبرگزاری آسوشیتدپرس هم نوشت که مبارزات انتخاباتی در ایران بسیاری از رأی‌دهندگان را به هیجان آورد و موجب حضور گسترده مردم در انتخابات شد.

خبرگزاری شینهوا نیز گزارش داد: ایرانی‌ها صبح جمعه رأی دادن در انتخاباتی را آغاز کردند که احمدی نژاد را در برابر کاندیداهای دیگر به چالش می‌کشند. روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی نوشت: ایرانی‌ها برای انتخاب رئیس جمهوری جدید پس از مبارزات انتخاباتی فشرده‌ای به پای صندوق‌های رأی رفتند. احمدی نژاد در مسجدهی در تهران رأی داد در حالی که موسوی به منطقه‌ی شهری رفت تا رأی خود را به صندوق بیندازد. خبرگزاری آلمان هم نوشت: انتخابات ریاست جمهوری در سراسر ایران با ۶/۲ میلیون واجد شرایط رأی دادن آغاز شد.

روزنامه «چاینادیلی» نیز نوشت: انتظار می‌رود مشارکت در این انتخابات بسیار بالا باشد. هم چنین خبرگزاری آلمان به نقل از شاهدان عینی از تهران گزارش داد: در حالی که کمتر از پنج ساعت از آغاز انتخابات ریاست جمهوری ایران می‌گذرد، رأی‌دهندگان به تعداد بی‌سابقه‌ای در این انتخابات حضور یافته‌اند.

شبکه «بی.بی.سی.» نیز گزارش داد که انتخابات ریاست جمهوری ایران از آغازین ساعات خود با حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های رأی همراه بوده است. «بی.بی.سی.» خبر انتخابات ریاست جمهوری ایران را در صدر اخبار خود قرار داد و گزارش داد که اقبال مختلف مردم ایران و واجدین شرایط رأی از نوجوان تا سالخورده امروز از آغازین ساعات باز شدن حوزه های رأی گیری در صفهای طولانی اخذ رأی ایستاده‌اند تا نامزد مورد نظر خود را از میان چهار نامزد برگزینند. روزنامه الشروق چاپ الجزایر نیز با ارائه گزارشی از انتخابات ایران نوشت: ویژگی انتخابات ایران سلامت آن است. روزنامه فیگارو چاپ فرانسه نیز در گزارش خود از انتخابات ریاست جمهوری ایران حضور گسترده و صفهای طویل مردم برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را چشمگیر و بی‌سابقه دانست. «فیگارو» امروز در گزارشی درباره دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران نوشت: میزان مشارکت مردم ایران در انتخابات امروز بسیار گسترده است به گونه ای که می‌توان گفت این میزان مشارکت مردمی در تاریخ این کشور بی‌سابقه و بسیار مهم است.

مطبوعات و خبرگزاری های آلمانی در گزارش ها و خبرهای خود از برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، استقبال ایرانی ها از این انتخابات را گسترده و رکورد شکن توصیف کردند. نشریه پرتیراژ اشپیگل در گزارشی از تهران با



تأیید پیش بینی های وزارت کشور ایران مبنی بر رکورد شکن بودن حضور مردم در این دوره از انتخابات نوشت: تنها نیم ساعت بعد از باز شدن حوزه های رأی گیری تعداد زیادی از رأی دهندگان در صف های طولانی منتظر بودند تا رأی خود را به صندوق ها بیندازند.

خبرگزاری د.پ.آ نیز در گزارشی از تهران به نقل از شاهدان عینی نوشت: تعداد شرکت کنندگان در این دوره از انتخابات بی سابقه و بی نظیر است. نشریه دی سایت نیز از درصد بالای شرکت کنندگان در انتخابات و تشکیل صف های طولانی پیش از شروع رأی گیری خبر داد.

شبکه های تلویزیونی آلمان نیز در بخش های مختلف خبری خود به صورت مرتب تصاویری از رأی دادن مردم ایران پخش کرده و گزارشگران آنان خبر از هجوم بی سابقه و گسترده مردم به مراکز رأی گیری دادند.

شبکه های خبری انگلیسی اسکای نیوز، بی.بی.سی، سی، کانال ۴، آی تی وی و دیگر شبکه های تلویزیونی و رادیویی انگلیس هم موضوع انتخابات ایران را در صدر اخبار خود قرار دادند. خبرنگار روزنامه دیلی تلگراف هم از تهران گزارش داد: این انتخابات ریاست جمهوری یکی از فشرده ترین انتخابات ایران در تاریخ این کشور محسوب می شود.

روزنامه تایمز هم این انتخابات را باشکوه ترین انتخابات ایران در ۳۰ سال گذشته دانست. رابرت فیسک، روزنامه نگار مشهور انگلیسی نیز در روزنامه ایندپندنت نوشت: تمامی دنیا چشم به نتایج انتخابات ایران دوخته اند.

شبکه تلویزیونی ایتالیایی رای نیوز ۲۴، در گزارشی اعلام کرد: مردم ایران برای انتخاب رئیس جمهوری آینده خود به طور گسترده پای صندوق های رأی حاضر شدند. به اعتراف این شبکه تلویزیونی، صف های طویلی که در شعب اخذ رأی ایجاد شد، نشان دهنده شرکت گسترده مردم در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری است، به ویژه اینکه بسیاری از رأی دهندگان حتی پیش از آغاز رأی گیری با تشکیل صف های طولانی منتظر گشودن درهای شعب اخذ رأی بودند.

خبرگزاری رسمی ایتالیا (آنسا) و همچنین روزنامه کوریره دل اسرا با اشاره به تبلیغات بسیار پرتحرک انتخاباتی، حضور مردم در عرصه مبارزات انتخاباتی را گسترده دانستند.

شبکه تلویزیونی العربیه نیز در گزارش‌های خود از تهران، استقبال مردم ایران از دهمین انتخابات ریاست جمهوری را بسیار زیاد اعلام کرد. خبرنگار این شبکه تصریح کرد که استقبال بسیار زیاد جمعیت از حوزه‌های اخذ رأی مشکل‌ساز شده است. وی همچنین اعلام کرد که چشم از دیدن تعداد رأی دهندگان ناتوان است. خبرنگاران شبکه الجزیره هم از چند شهر ایران گزارش دادند: مردم در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سطح بسیار بالا و کم نظیری شرکت کردند.

رئیس دفتر الجزیره در تهران گفت: تعداد افراد حاضر در شعب اخذ رأی افزایش قابل توجهی داشت و حتی تعداد افراد تجمع کننده در مقابل شعب اخذ رأی پیش از آغاز زمان رأی‌گیری بسیار زیاد بود. خبرنگاران اعزامی الجزیره به اهواز، تبریز و قم هم از حضور پرشور مردم پای صندوق‌های رأی خبر دادند. الجزیره همچنین در گزارشی اعلام کرد: بیشتر مردم آمریکا خبری در مورد انتخابات ریاست جمهوری ایران شنیده‌اند و کسانی هم که اخبار و گزارش‌هایی در مورد انتخابات ایران شنیده‌اند، از وضعیت پوشش خبری ضعیف این انتخابات راضی نبوده‌اند.

### پروژه تقلب نمایی کلید خورد!

درحالی که خیل دهها میلیونی ملت ایران برای پیروزی درانقلاب سوم خود آماده برگزاری جشن و شادمانی بودند؛ رقبای متحد که از قبل شکست خود را پیش بینی کرده بودند در همان ساعات اولیه روز ۲۲ خرداد و در حالی که چند ساعتی از برگزاری انتخابات نمی گذشت و مردم درحال رأی دادن بودند با اعلام پیروزی میرحسین موسوی در انتخابات؛ پروژه انقلاب مخملی را کلید زدند.

سایت قلم؛ یکی از پایگاههای رسمی اینترنتی میرحسین موسوی در ساعت ۱۳:۵۹:۴۵ از کاربران این سایت درخواست کرد که تیترو پیروزی را برای نشریات فردا پیشنهاد دهند!! و این در حالی بود که کمتر از شش ساعت از زمان رأی‌گیری می‌گذشت و چندین ساعت به پایان رأی‌گیری مانده بود و مردم درحال رأی دادن بودند.

متن خبرسایت قلم از این قرار است:

«برای ۲۳ خرداد " تیترو پیروزی " را پیشنهاد دهید

قلم - از عموم هموطنان سبز اندیش درخواست می‌شود، تیترا یا جمله پیشنهادی خود را برای "روز بزرگ پیروزی" در انتهای همین مطلب (بخش نظرات) درج یا به آدرس ایمیل [titrepiroozi@gmail.com](mailto:titrepiroozi@gmail.com) اعلام کنید. اخبار واصله از سراسر کشور در کمتر از ۵ ساعتی که از آغاز رأی‌گیری می‌گذرد حاکی از پیروزی قاطع و تاریخی مهندس موسوی در انتخابات است! در همین راستا تیترا نخست قلم نیوز در روز پیروزی میر حسین و اعلام نتایج نهایی (۲۳ خرداد) توسط حامیان وی نوشته می‌شود. این اقدام به منظور ارج نهادن به تلاش و کوشش شبانه‌روزی همه هم‌میهنانی است که با پیوستن به "موج سبز" بار دیگر عزم خود را برای تحقق آرمان‌ها و شعارهای اصیل انقلاب: «آزادی، عدالت و پیشرفت» نشان دادند. از شهروندان و هموطنان سبز اندیش و سبز پوش می‌خواهیم برای نوشتن تیترا یا جملات خود موارد ذیل را رعایت کنند:

۱- تیترا یا جمله حتی المقدور کوتاه و رسا باشد.

۲- مطابق قانون و قابل انتشار در رسانه‌های جمهوری اسلامی باشد.

۳- بداعت و زیبایی را همراه با ظرافت و معنا توامان داشته باشد.

تیترا یا جمله برگزیده به عنوان تیترا اصلی قلم نیوز در روز پیروزی میر حسین موسوی و با نام (در صورت موافقت فرستنده) منتشر خواهد شد و ۳ عنوان برگزیده به جراید کشور پیشنهاد خواهد شد.

اینکه اخبار واصله از کجا حاصل آمده و سایت میر حسین موسوی چگونه از درون صندوقهایی که هنوز شمارش نشده اطلاع دارد!! حکایت از برنامه‌ریزی گسترده و از پیش تدوین شده برای انقلاب محملی می‌کرد.

سایت قلم ساعتی بعد فراتر از این اقدام پیروزی قاطع میر حسین موسوی را در ۲۱ استان کشور اعلام نمود!

متن اطلاعیه سایت قلم که در ساعت ۱۴:۱۵ بعد از ظهر جمعه ۲۲ خرداد ماه منتشر شد چنین است:

### «برتری قاطع مهندس موسوی در ۲۱ استان

قلم - گزارش‌های دریافتی حاکی از برتری قاطع مهندس موسوی در ۲۱ استان کشور تا هم اکنون است. به گزارش قلم نیوز، براساس اخبار واصله تا این لحظه انتخاب مردم تهران، اصفهان، فارس، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل،

خراسان جنوبی، رضوی و شمالی، کرمان، سیستان و بلوچستان، کردستان، بوشهر، خوزستان، قم، زنجان، گیلان، ایلام، یزد، هرمزگان و گلستان میرحسین موسوی است و مردم این استان ها تا این لحظه او را به عنوان رئیس جمهوری انتخاب کردند!!»

### صندوق‌های رأی در تسخیر حامیان کروبی

سحام نیوز (سایت کروبی) ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۲:۴۶ نوشت: کروبی در ۱۶ استان اول است.

### در آستانه شکستن رکورد ۳۰ میلیون رأی

فرشاد مؤمنی عضو ستاد موسوی عصر جمعه ۲۲ خرداد گفت: با وجود کوتاهی‌ها و کارشکنی‌ها مهندس میرحسین موسوی در آستانه شکستن رکورد ۳۰ میلیون رأی است.

### از مرز ۴۰ میلیون نفر گذشت!

سایت موسوی (خرداد نو) جمعه ۲۲ خرداد خبر داد: پیروزی موسوی قطعی شد. میزان شرکت‌کنندگان در انتخابات ریاست‌جمهوری از مرز ۴۰ میلیون نفر گذشت. میزان مشارکت به حدود ۴۰ میلیون نفر رسیده و تعداد آرای موسوی به حدی بالا رفته که موجبات ترس بسیاری را فراهم کرده است.

### ۶۹ درصد رأی‌دهندگان موسوی را انتخاب کردند!

سایت کلمه جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۶:۲۹ نوشت: ۶۹ درصد رأی‌دهندگان موسوی را انتخاب کردند.

### شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک را جبران می‌کنند

ایلنا / بامداد شنبه: آمار منتشر شده از سوی ستاد انتخاباتی کشور عموماً برای شهرهای کوچک و روستاها بوده و آمار شهرهای بزرگ در آن وجود ندارد. آرای موسوی در شهرهای بزرگ حدود ۳ الی ۴ برابر احمدی‌نژاد است و در آمار ستاد انتخاباتی کشور لحاظ نشده است و با احتساب این آرا، انتخابات به نفع میرحسین موسوی تغییر جهت خواهد داد. تفاوت آرای میرحسین با رقبا در شهرهای بزرگ به حدی است که تفاوت آرای وی با رقبا در شهرهای کوچک را جبران می‌کند.

هنوز پنج ساعتی از آغاز رأی‌گیری نگذشته و نیمی از ملت و شاید بیشتر آنها رأی خود را در صندوقها نریخته بودند که جریان فتنه آرای ناتمام ۲۱ استان کشور را به نام خود مصادره کرده بودند!

دروغگویانی که بزرگ تئوریسین و نظریه پردازشان گفته بود: آنقدر بگو احمدی نژاد دروغگوست که اگر گفت ماست سفید است، کسی باور نکند. همین فرد درباره انقلاب مخملی به صراحت اعلام می دارد: انقلاب رنگی، دموکراسی را به ارمغان می آورد!

چند روز مانده به انتخابات؛ سعید حجاریان، عضو ارشد حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و از حامیان میرحسین موسوی با انتشار مقاله‌ای در ارگان این حزب از وقوع انقلاب‌های مخملین و رنگی در کشورهای اقمار شوروی سابق تمجید می کند و می نویسد: انقلابهای مخملین موجی از دموکراسی را برای کشورهای اقمار شوروی سابق به ارمغان آوردند!

حجاریان در این مقاله انقلاب‌های مخملین و نرم را می ستاید و آن را از انقلاب‌های کلاسیک بهتر می داند و می نویسد: تفاوت انقلابهای نرم یا مخملین با انقلاب‌های کلاسیک آن است که در انقلاب کلاسیک، بعد از پیروزی معمولاً یک دوره ترور و وحشت به وجود می آید و فراکسیونها به جان هم می افتند و کشتارهای وسیعی صورت می گیرد و اصطلاحاً انقلاب فرزندان خود را می خورد.

وی در ادامه می افزاید: اما در انقلابهای نرم این فراکسیونها می توانند به گونه‌ای دموکراتیک با یکدیگر تعامل داشته باشند و چرخه قدرت بدون خونریزی میان آنها انجام گیرد!

تمام حرف حجاریان این است که ملت انقلابی ایران با گذشتن از خون صدها هزار نفر از فرزندان شهیدشان و با صرف نظر از آرمانهای بزرگ انقلابی خود که در طی سی سال با چنگ و دندان و تحمل مصائب بسیار از آنها حفاظت کرده است؛ بخاطر پیوندهای امثال آقای حجاریان با باندهای قدرت و ثروت و اپوزیسیونهای داخلی و خارجی و قدرتهای بیگانه؛ انقلابی مخملین کند و نظاره گر تعامل و جشن عروسی فراکسیونهای چپ و راست و میانه و لیبرال و سلطنت طلب و توده ای و منافق و مارکسیست و کمونیست و بهایی و ماسونها و... باشد و برای این تعامل تمامی ارزشها و آرمانها و اهداف دینی و ملی و افتخارات سیاسی و علمی و فرهنگی و اجتماعی خود را زیر پا بگذارد!!

### صحنه سازی و پیام دو پهلوی موسوی!

موسوی که شب قبل از انتخابات با نوشتن نامه به رهبر انقلاب از ایشان درخواست می - نماید تا ایشان با رهنمودها و دخالت مستقیم، موجبات بی طرفی همه مقامات، مجریان

و ناظران انتخابات را فراهم نمایند تا از آرای مردم محافظت شود؛ در پیامی دیگر در همان تاریخ پنجشنبه ۲۱ خرداد ماه که ساعت ۲۰:۳۹:۰۹ در سایت قلم منتشر می‌شود به هواداران خود اطمینان می‌دهد که به برگزارکنندگان انتخابات حسن ظن داشته باشید! وی در این پیام ضمن پیش بینی شکست خود آن را به نگرانی مردم از برگزارکنندگان انتخابات نسبت می‌دهد و اظهار می‌دارد که کوچک‌ترین تنازلی از حق آنان برای برگزاری انتخابات سالم نخواهم داشت.

متن پیام وی از این قرار است:

"بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف ایران

پیام‌های بیشماری از سوی اقشار مختلف شما مبنی بر ابراز نگرانی نسبت به شیوه برگزاری انتخابات و سلامت آن واصل می‌شود. تمامی شما را به حسن ظن نسبت به برگزارکنندگان انتخابات دعوت می‌کنم. ناظران کمیته صیانت از آرای ستاد اینجانب با دقت کامل روند انتخابات را زیر نظر دارند و به طور مستمر نتایج گزارش این کمیته را به اطلاع آنان خواهند رساند. مردم عزیز اطمینان داشته باشند که از کوچک‌ترین تنازلی از حق آنان برای برگزاری انتخابات سالم نخواهم داشت.

میرحسین موسوی "

گزارش لحظه به لحظه:

از همان نخستین دقایق اعلام برنده انتخابات؛ ایده تقلب همانند انتساب دروغ‌گویی آنقدر تکرار گردید که برخی از آنها که این قصه را ساخته بودند خودشان هم باورشان آمد که تقلبی صورت گرفته است!

و این درحالی بود که نمایندگان کاندیداها از همان ساعت اولیه رأی‌گیری در ستاد انتخابات وزارت کشور حضور داشتند و در گزارش لحظه به لحظه نمایندگان آنان از پای صندوق‌های رأی تمام مسایل حاشیه‌ای را نیز رصد می‌کردند و بلافاصله از طریق سایتهای خبری قلم نیوز و کلمه و نیز تلویزیون اینترنتی موج سوم همراه با صدها هزار نفر از هوادارانشان در اقصی نقاط کشور که تمام جزئیات را چک می‌کردند و در دسترس عموم قرار می‌دادند. چگونه است به یکباره در برابر دید این همه ناظر یازده میلیون رأی جابجا می‌شود؟!

و عجیب اینکه در سایتهای خبری آنان که تیترو می‌زنند کوچکترین تخلفات از سوی نیروهای مردمی گزارش می‌شود چیزی از جابجایی یازده میلیون رأی که حداقل ۱۰۰۰۰ صندوق رأی را شامل می‌شود انتشار نمی‌یابد؟!

به چکیده‌ای از سرفصلهای اخبار سایت قلم و کلمه (متعلق به ستاد میرحسین موسوی) در ساعات مختلف رأی‌گیری در روز ۲۲ خرداد توجه فرمایید:

سایت قلم: ساعت ۱۴ و ۴۶ دقیقه و ۹ ثانیه جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸

### «شور، حساسیت و شعور بالای مردم پای صندوق‌های رأی»

کوچکترین تخلفات از سوی نیروهای مردمی گزارش می‌شود نکته شگفت‌انگیز، هوشیاری و حساسیت بسیار بالای مردم پای صندوق‌ها حتی در دورترین نقاط برای جلوگیری از هر گونه تقلب است. شعار "هر شهروند یک ستاد" را می‌توانید در زنگ‌های تلفن ستاد و سایت‌های میرحسین موسوی لمس کنید که چگونه کوچکترین موردی را با دقت توضیح می‌دهند. یک نمونه جالب تماس تلفنی شهروندی بود که تلفنی از نبودن نماینده کمیته صیانت آرا در صندوق ۶۱۷ خیابان سعیدی خبر داد و گفت: "هواداران موسوی پس از آگاه شدن از این خبر همگی تصمیم گرفتند به جایی دیگری بروند که عضوی از کمیته در آن حاضر باشد." این شور، حساسیت و شعور بالا حال و هوای خاصی را به پایتخت و دیگر شهر بخشیده است. فردای سبز ایران را ایرانی به پای دولت امید نهشته است. «

سایت قلم: ساعت ۱۳ و ۶ دقیقه و ۲ ثانیه جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸

### «اخبار زنده انتخاباتی را از تلویزیون موج سوم ببینید»

تلویزیون اینترنتی موج سوم تا پایان رأی‌گیری، مردم را در جریان آخرین اخبار انتخابات قرار می‌دهد. به گزارش خبرنگار قلم‌نویز، مردم و حامیان میرحسین موسوی می‌توانند اخبار لحظه به لحظه انتخاباتی را به شکل زنده از تلویزیون موج سوم به آدرس ... و ... دنبال کنند.»

سایت قلم: ساعت ۱۳ و ۲۵ دقیقه و ۶ ثانیه جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸

«علی اکبر محشومی پور اعلام کرد: شماره مستقیم ... آماده دریافت گزارش

تخلفات است

هم میهنان سراسر کشور می‌توانند هرگونه تخلف صورت گرفته در شعب اخذ رأی را به شماره‌ی ... برای تلفن‌های ثابت، ... برای موبایل و همچنین نمابر ... اطلاع دهند. علی‌اکبری محتشمی پور مسوول کمیته‌ی صیانت از آرای ستاد انتخاباتی مهندس موسوی درباره‌ی موارد تخلفات انتخاباتی صورت گرفته در برخی شعب اخذ رأی گفت: ناظرین شورای نگهبان و نمایندگان وزارت کشور باید پاسخگوی اقدامات غیرقانونی افرادی باشند که با حضور در پای صندوق‌های رأی قصد تحریک مردم به رأی دادن به کاندیدی خاص را دارند!!»

براستی کسانی که تا این حد گوش بزننگ هستند که اگر فردی بقول آنها خواست تا افراد را تحریک کند که به کاندیدی خاص رأی بدهند چگونه متوجه جابجایی یازده میلیون رأی در همان لحظه نمی‌شوند و جلوی او را نمی‌گیرند؟!

اتهام و دروغ در تمام برنامه‌های میرحسین موسوی از همان ابتدای کاندیدا شدنش به چشم می‌خورد. این رسم تمام رندان است که برای پیشگیری از افشای اعمال و جرایم خود دیگران را با اتهام همان جرایم محکوم می‌کنند. نبود ادله‌ی قانونی و تهمت ناروا نه تنها به رئیس‌جمهور و دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات و بیش از ششصد هزار نفر از نیروهای مردمی در مدارس و مساجد و دیگر پایگاه‌های اخذ رأی در اقصی نقاط کشور که مسئول برگزاری انتخابات بودند؛ بلکه تهمت به بیش از ۲۴ میلیون نفر از آحاد ملت ایران که رئیس‌جمهور محبوب خود را انتخاب کرده و به آقای موسوی رأی نداده بودند امری نابخشودنیست که اگر وی از تک‌تک مردم ایران هم عذرخواهی کند قادر نخواهد بود بخشش و رضایت خداوند را بدست آورد.

جالب آن که پس از گذشت ۹ روز از انتخابات و شکست پروژه انقلاب مخملی و بی‌اثر شدن جنگ روانی و درخواست ابطال آرای ملتی که رئیس‌جمهور خود را انتخاب کرده بود به جهت نبودن ادله قانونی سی و یکم خرداد ماه دفتر آقای موسوی شماره فکسی اعلام می‌کند که هواداران وی مشاهدات عینی و مستندات خودشان را از تخلفات انتخاباتی در اختیار دفتر میرحسین موسوی قرار دهند!

**جشن پیروزی را برگزار می‌کنیم!**



میرحسین موسوی جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۲۳:۲۳ اعلام نمود: «از ملت شریف ایران می‌خواهم آماده برگزاری جشن پیروزی در شامگاه میلاد بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (س) باشند.»

## فاز آشوب کلید خورد!

با شمارش آرا و مشخص شدن نتیجه انتخابات و اعلام نام رئیس جمهور منتخب؛ ملت ایران در تدارک جشن پیروزی بزرگ خود بمناسبت برگزاری پرشکوه‌ترین انتخابات جهان با مشارکت ۸۵ درصدی یک ملت بود و جهانیان با تحیر عظمت مردم سالاری و حضور یکپارچه مردم ایران رانظاره گر بودند که نغمه‌ی ثقلب در انتخابات و اعتراض به اعلام نتیجه همگان را در بهت و حیرت فرو برد!

پس از پایان رسمی انتخابات ریاست جمهوری و اعلام نتیجه قطعی آن که با پیروزی قاطعانه محمود احمدی‌نژاد بر سایر رقبا همراه بود. میرحسین موسوی اعلام کرد که نتایج را نخواهد پذیرفت و مردم را به اعتراض فراخواند. در پی آن فاز جدیدی از فعالیت‌های اغتشاشگران حامی میرحسین در سطح تهران آغاز شد.

بدنبال این اعلام، موج اغتشاشات پایتخت را فرا گرفت. در هر انتخاباتی بطور طبیعی افرادی پیروز و افرادی شکست می‌خورند. بدیهی است افرادی که به کاندیدای شکست خورده رأی داده اند از اینکه نامزد مورد نظر آنان رأی اکثریت را کسب نکرده و پیروز نشده است ناراحت می‌شوند؛ اما قانون درهمه جای دنیا آحاد جامعه را به تمکین در برابر رأی اکثریت ملزم می‌کند و این امری نهادینه در ساز و کارهای گزینش‌های ملی است. حال چنانچه کاندیدای شکست خورده سهواً و یا تعمداً و با برنامه‌ریزی قبلی آرای اکثریت را نپذیرد و برای شکستن امر نهادینه شده‌ی تمکین در برابر رأی اکثریت توسط مردم؛ شایعه ثقلب در انتخابات را مطرح کند؛ افرادی که به وی رأی داده و در اقلیت قرار دارند به خود حق می‌دهند که اعتراض کنند. چه رسد به آنکه برنامه‌ریزی‌های از قبل تدوین شده با هماهنگی و همکاری نیروهای مخالف نظام و قدرتهای خارجی نیز پشت این قضیه باشند. بیانیه‌های میرحسین موسوی و حامیان وی در عدم تمکین به رأی ملت و در خواست برای ابطال انتخابات طی یک هفته پس از ۲۲ خرداد جامعه را به آشوب کشید و آنچه را پیش آورد که در تاریخ ثبت

شد. به آتش کشیدن بانکها و اتوبوسها و اموال عمومی؛ حمله به کسبه و منازل مسکونی و وارد ساختن میلیاردها تومان خسارت مادی فقط بخشهای جزئی از این توطئه خائنانه بود. عصر ۲۳ خرداد خبرگزاری ها گزارش دادند تندروهای حامی میرحسین موسوی تجمعات غیرقانونی توأم با خشونت در اطراف وزارت کشور و خیابانهای منتهی به آن داشتند تا بلکه بتواند اندکی از فشار شکست بزرگ خود را بکاهد.

این اغتشاشات با درگیری با نیروهای امنیتی، مأموران پلیس و تخریب اموال عمومی و خصوصی شهروندان همراه بود. پروژه‌ای که کارشناسان مسائل سیاسی از مدت‌ها پیش احتمال وقوع آن را می‌دادند و عفت مرعشی همسر هاشمی رفسنجانی در روز ۲۲ خرداد پس از انداختن رأی خود به صندوق، ناخواسته بخشی از این سناریو را برملا کرد.

اغتشاشگران که بر اساس طرح‌ریزی‌های صورت گرفته توسط آشوب‌سازان میرحسین در چند نقطه پرتردد شهر نظیر خیابان ولیعصر، خیابان حجاب، و میدان انقلاب تهران تجمع کرده بودند فاز میلیشیایی به خود گرفتند و با به آتش کشیدن اموال عمومی و خودروهای پلیس و همچنین شکستن شیشه‌های اماکن خصوصی و عمومی سعی در ایجاد فضای رعب و وحشت در بین مردم داشتند.

شاهدان عینی گزارش می‌کنند که این افراد اراذل و اوباش که پیش‌تر خبر از استخدام آنها توسط کمیته ایکس ستاد موسوی که مسئول ایجاد آشوب پس از انتخابات هستند منتشر شده بود، به انواع سلاح سرد نظیر چاقو، قمه، پنجه بکس و چماق مسلح بودند.

در همین حال که انتظار می‌رفت میرحسین موسوی هواداران خود را به آرامش و پذیرش آرای قاطع ملت فراخواند، این کاندیدای شکست خورده در جلسه‌ای طولانی با حضور افراطیون مشارکت و سازمان مجاهدین نظیر مصطفی تاج‌زاده، و محسن امین‌زاده، به تصمیمات تندخویانه این افراد تن در داد و با انتشار دو بیانیه تند و زیر سؤال بردن سلامت انتخابات در تحریک هر چه بیشتر هواداران خود برای آشوب گسترده‌تر تلاش کرد. در همین حال زهرا رهنورد همسر این کاندیدای شکست‌خورده انتخابات که قرار بود لقب میشل اوبامای ایران را برای خود برگزیند، در تأیید اخبار فوق گفت: برنامه‌ریزی‌های آینده ستاد موسوی در جلساتی انجام می‌شود که هم اکنون در حال برگزاری است.

سعید رضوی فقیه سخنگوی حزب اعتماد ملی اعلام کرد که اعضای این حزب در «عزای انتخابات آزاد و جمهوریت»، از این پس در محافل و تجمعات خود لباس سیاه به تن می‌کنند.

میر حسین موسوی هم چنین در بیانیه‌ای تخلفات در دهمین انتخابات ریاست جمهوری را بسیار جدی و رنجش عمیق ملت ایران را کاملاً به حق دانست. با این حال وی اعلام کرد: «قاطعانه از شما می‌خواهم هیچ فرد یا گروهی خود را در معرض صدمه قرار نداده، آرامش و متانت خویش را از دست ندهد و همگان در هر حال حساب خود را از هر گونه رفتار خشونت آمیز جدا نمایند. همچنین از نیروی انتظامی انتظار دارم با درایت مردم را از خود دانسته احساسات آنها را در این شرایط درک کند.»

استاندار تهران مرتضی تمدن به خبرگزاری فارس گفت: کاندیداها و حامیان آنها می‌توانند اگر به مسئله‌ای اعتراض دارند، آن را از راه‌های قانونی پیگیری کنند اما هرگونه تجمع هواداران کاندیداها غیرقانونی محسوب شده و ما با آن مخالف هستیم.<sup>۱</sup> گزارش‌های دیگر از سطح شهر، حکایت از آن داشت که مأموران اطلاعاتی موفق شدند یک تاکسی ون را که قصد توزیع صدها هزار بیانیه تند میرحسین موسوی را در بین اغتشاش گران داشت، و در آن سلامت انتخابات را زیر سؤال برده بود، توقیف کنند.

همچنین گفته می‌شود که این آشوب طلبان با به آتش کشیدن یک دستگاه اتوبوس باعث وارد آمدن جراحات زیادی به تعدادی از شهروندان شده‌اند. از سوی دیگر ستاد میرحسین موسوی در خیابان ولیعصر کانون تحركات آشوب طلبانه شده و پلیس این ساختمان را تحت محاصره خود قرار داده بود.

گفتنی است که تعداد این آشوبگران اجاره‌ای در حدود ۵۰۰ نفر بود، که در دسته‌های ۵۰ نفری در سطح شهر تردد کرده و دست به آشوب می‌زنند.

در همین حال نیروی انتظامی با صدور اطلاعیه‌ای نسبت به مردم هشدار داد بدون مجوز قانونی دست به برپایی تجمعات و کارناوال‌ها نزنند. در اطلاعیه پلیس امنیت عمومی ناجا آمده است، برابر قانون انتخابات و پیرو مصاحبه خبری جانشین محترم فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران هر گونه تجمع، راهپیمایی، راه‌اندازی کارناوال و... بدون مجوز قانونی ممنوع بود، و نیروی انتظامی بنابر وظایف ذاتی خود

<sup>۱</sup> - خبرگزاری فارس - ۱۳۸۸/۳/۲۲

با هر گونه فعالیت غیرقانونی به شدت برخورد می‌کند. ناجا با تأکید بر غیرقانونی بودن تجمعات تصریح کرد: «مسئولیت عواقب مربوط به آن بر عهده کاندیداها و روسای محترم ستادهای انتخاباتی آنان است.»

### پیام مهم رهبر معظم انقلاب:

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۲۳ خرداد، در پیام مهمی، حضور تعیین کننده، مقتدرانه، متین و آرامش آفرین ملت بزرگ و هنرمند ایران را در جمعه حماسی ۲۲ خرداد، لطف و رحمت پروردگار حکیم و حادثه‌ای خیره کننده و بی همتا خواندند و با اشاره به تجلی رشد سیاسی، عزم انقلابی و ظرفیت مدنی ملت ایران در انتخابات شورانگیز، زیبا و پرشکوه ریاست جمهوری دهم افزودند: مشارکت بیش از هشتاد درصدی مردم و رأی ۲۴ میلیونی به رئیس جمهور منتخب، یک جشن واقعی است که دشمنان در تلاشند با تحریکات بدخواهانه، شیرینی آن را از کام ملت ایران بزدایند بنابراین آحاد مردم به ویژه جوانان عزیز باید کاملاً هوشیار باشند و هواداران نامزد منتخب و دیگر نامزدهای محترم از هرگونه رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند.

۲۴ خرداد، محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور کشورمان در نشست خبری خود گفت: بعید است در ایران کسی پیدا شود که بخواهد با اتکا بر بیگانگان هدف خود را جلو ببرد و ملت ایران اگر بفهمد کسانی می‌خواهند با تکیه بر بیگانگان دست به اقداماتی بزنند در برابرشان می‌ایستد.

وی افزود: فضای سیاسی ایران آنقدر باز است که دیدیم ۳ نفر در مقابل یک نفر ایستادند و بیش از ۳ برابر از رسانه ملی استفاده کردند و در حالی که مدت قانونی تبلیغات ۲۰ روز است از ۳ ماه قبل تمام تحرکات و تبلیغات رقبا از رسانه ملی منعکس می‌شد و حتی فعالیت‌های عادی هیئت دولت برای اینکه تبلیغ نشود از تلویزیون پخش نمی‌شد.<sup>۱</sup>

منتخب مردم در انتخابات دهم ریاست جمهور ادامه داد: البته برخی افراد با سوءاستفاده از این فضا اقدام به ترویج اخبار دروغ و کذب می‌کنند اما الان انتخابات تمام شده و موقع دوستی‌ها و برادری‌هاست و حالا اگر برخی دوست دارند این راه را ادامه دهند این فضا باز است و همیشه بوده و کشور آزاد نیز همین است و این مسائل چندان قابل توجه نیست.

<sup>۱</sup> - خبرگزاری فارس، ۲۴ خرداد ۱۳۸۸

احمدی نژاد خاطر نشان کرد: البته دستگاه قضایی با کسانی که بخواهند از طریق بیگانگان کوچکترین اقدامی کنند برخورد قاطع خواهد کرد؛ برخی افراد احساساتی هستند و فکر می‌کنند حتماً باید نامزد مورد نظر آنان پیروز شود اما الان که شکست خورده‌اند باید به آنها گفت که چکار به اماکن عمومی و مردم دارید؟ این اعتراضات مانند یک مسابقه فوتبال است که وقتی تیمی نتیجه نمی‌گیرد هواداران آن عصبانی شده و اقداماتی مانند چنگ انداختن به صورت دیگران انجام می‌دهند اما ما با صبر و حوصله کار را دنبال می‌کنیم.

مهدی کروبی با انتشار بیانیه دوم خود در روز ۲۴ خرداد ۱۳۸۸، اعلام کرد که به هیچ وجه کوتاه نخواهد آمد و احمدی‌نژاد را به عنوان رئیس جمهور ایران به رسمیت نمی‌شناسد.

### اعلام موضوع سازمان مجاهدین

پس از رد نتایج انتخابات توسط مجمع روحانیون مبارز که در روز ۲۳ خرداد انجام شد، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در روز ۲۴ خرداد نتایج اعلام شده در انتخابات را «کودتایی نرم علیه مردم سالاری» خواند.

### دیدار میرحسین موسوی با مقام معظم رهبری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار میرحسین موسوی با ایشان، بر پی‌گیری مسائل از طریق مراجع قانونی تأکید کردند. در این دیدار که عصر ۲۳ خرداد انجام شد آقای میرحسین موسوی ضمن ارایه گزارشی دیدگاه خود را درباره روند انتخابات بیان کرد. رهبر معظم انقلاب نیز با تأکید بر لزوم حفظ آرامش و متانت خاطر نشان کردند: در دوره های قبلی انتخابات نیز برخی افراد و نامزدها، مسائلی داشتند که از طریق شورای نگهبان به عنوان مرجع قانونی رسیدگی به شکایات انتخاباتی، پیگیری کردند و طبعاً در این دوره نیز مسائل باید از طریق قانونی دنبال شود.

ایشان با اشاره به نامه آقای موسوی به شورای نگهبان افزودند: به شورای نگهبان تأکید شده که با دقت به این نامه رسیدگی شود. رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به تحریکات دشمن و برخی طراحی‌های پشت صحنه برای به آشوب کشاندن خیابان‌ها خطاب به آقای موسوی افزودند: جنس شما با این گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تحسین حضور بی‌سابقه مردم در انتخابات ۲۲ خرداد افزودند: به یاری پروردگار انتخابات با اتقان، صحت و آرامش خوبی برگزار شد و شما هم مسائل مورد نظر را از طریق قانونی پی‌گیری کنید.

### دعوت به راهپیمایی بدون مجوز از سوی ستاد میرحسین موسوی

با این حال ستاد میرحسین موسوی یکشنبه ۲۴ خرداد با ارسال نامه‌ای به وزارت کشور خواستار مجوز برای راهپیمایی هواداران موسوی در روز دوشنبه ساعت ۱۶ از میدان انقلاب به میدان آزادی شده بود که با این درخواست موافقت نشد. راهپیمایی در تهران از میدان انقلاب به سوی میدان آزادی برگزار می‌شود، گفته می‌شد میرحسین موسوی خود پیشاپیش راهپیمایان حرکت خواهد کرد و سخنران مراسم خواهد بود. موسوی وزارت کشور را تهدید کرده که در صورت عدم صدور مجوز در مرقد حضرت امام (ره) تحصن می‌کند. رئیس شورای تامین استان تهران هم در گفتگو با خبرگزاری فارس خبر برخی سایت‌ها در خصوص اخذ مجوز ستاد میرحسین موسوی از وزارت کشور برای راهپیمایی فردا دوشنبه هواداران وی از میدان انقلاب تا آزادی را تکذیب کرد و گفت: این راهپیمایی غیر قانونی است.

### راهپیمایی غیرقانونی ۲۵ خرداد

عصر ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ راه پیمایی بدون مجوز قانونی موسوی و حامیانش از میدان انقلاب به سمت میدان آزادی برگزار شد.

در این راهپیمایی که برای اعتراض به نتیجه انتخابات باشکوه مردم ایران با مشارکت ۸۵ درصدی و رأی ۲۴/۵ میلیونی محمود احمدی نژاد برگزار شده بود، میرحسین موسوی نیز حضور داشت.

این راهپیمایی در حالی برگزار شد که سایت رسمی موسوی خبر لغو آن را اعلام کرده بود. وزارت کشور و استانداری و فرمانداری تهران نیز این راهپیمایی را غیر قانونی اعلام کرده بودند.

موسوی و گروهی با شرکت در این راهپیمایی هواداران خود را به آرامش و بیان اعتراض در چارچوب قانون دعوت کردند. اما اقلیتی از این افراد در لابلای صفوف بدنبال اقدامات خشونت آمیز، غارت اموال عمومی، تخریب مغازه ها و کتابفروشی ها و هرج و مرج بودند.

موسوی که خود در این راهپیمایی غیرقانونی حضور یافته بود، در حالی که با یک بلندگوی دستی با شرکت کنندگان در راه پیمایی سخن می‌گفت از حامیان خود خواست تا آرامش خود را حفظ کنند و اعتراضات خود را فقط از طریق مجاری قانونی پیگیری کنند.

سیدمحمد خاتمی نیز در بیانیه ای خطاب به هواداران خود اعلام کرد که حضور پر نشاط با روش‌های مسالمت‌آمیز حق شما است و توصیه می‌کنم آرامش و متانت خود را حفظ کنید تا بهانه به دست بدخواهان و خشونت جویانی که می‌خواهند اعتراض مسالمت‌آمیز شما را دیگرگونه جلوه دهند، نیفتد.

وی ادامه داد: جمهوری اسلامی از ما است و اگر اعتراض هست این است که شاهد روش‌ها و سیاست‌هایی هستیم که به اصل نظام که محور آن مردم اند لطمه می‌زند. ما و شما در این مسیر همچنان حرکت خود را ادامه می‌دهیم و انتظار داریم که مطالبات روشن جناب آقای مهندس موسوی که خواست همه ما است مورد توجه قرار گیرد.

در این برنامه مجید انصاری و محمدرضا خاتمی نیز سخنرانی کردند. مجید انصاری که از خیابان یادگار امام به خیابان آزادی پیوسته بود، در برخی شعارها با حامیان موسوی همراهی می‌کرد.

متروی تهران نیز مسافران را در این مسیر رایگان جابجا می‌کرد.

### کشته شدن چند نفر در حوالی میدان آزادی

خبرگزاری‌ها گزارش دادند عصر ۲۵ خرداد تعدادی از اغتشاش‌گران در حوالی خیابان آزادی به سوی مهد کودک "آوای باران" تیراندازی کردند که بر اثر آن مادر و دختری که پشت درب ساختمان مهدکودک بودند مورد اصابت گلوله قرار گرفته و به شهادت رسیدند.

### دلایل جالب زهرا رهنورد برای تقلب!

نزدیک‌ترین و قدیمی‌ترین همکار سیاسی و همراه انتخاباتی میرحسین موسوی در گفت‌وگویی با شبکه ماهواره ای دولت انگلیس مهم‌ترین دلایل تقلب در انتخابات دهم ریاست جمهوری را تشریح کرد که این گفتگو به جهت نوع دلایلی که در آن ذکر شد به یادماندنی است.

زهرا رهنورد در تشریح بداهت پیروزی موسوی و وضوح تقلب در انتخابات گفت: «یک سری نقاطی هستند که اصلاً مشخص است که خودش ملاک تشخیص نادرست بودن نتایجی است که وزارت کشور اعلام کرده است. مثلاً آذربایجان و ترک زبان ها هیچ وقت فرزند خودشان را نمی گذارند که به کس دیگری رأی بدهند.»

وی در ادامه اظهار داشت: «خود من لر هستم و موسوی هم بارها گفته من داماد لرستان هستم. بنابراین اهالی لرستان موسوی را نمی گذارند به آقای احمدی نژاد رأی بدهند. این دو تا ملاک است و باقی موارد هم شبیه همین است.»

وی در پاسخ به خبرنگار بی.بی.سی که پرسید: «رأی آقای موسوی در قیاس با آقای احمدی نژاد بر اساس برآورد های شما چهار به یک بوده است، مستندات شما چیست؟» اظهار داشت: «در شهرستان ها و تهران در واقع تجمع مردم حاکی از این بود که آرای موسوی بسیار بالاتر از آن است که قابل تصور باشد. هر وقت طرفداران دو طرف حاضر می شدند طرفداران احمدی نژاد در مقابل طرفداران موسوی در حد یک صدم بودند.»

وی همچنین با اشاره به گزارش هایی که در روز انتخابات دریافت می کرده گفت: «مرتب به ما گزارش می شد که نسبت حتی ۴/۵ به ۱ بود. نسبت های موسوی به احمدی نژاد...»

وی همچنین اظهار داشت: «همه می شناسند که آنهایی که به احمدی نژاد رأی دادند چه تیپ خاصی هستند و اول صبح رفتند رأی خودشان را دادند و از ساعت ۱۱ صبح تعرفه ها در دست مردم قرار نگرفت و مردم له له می زدند برای اینکه تعرفه به ایشان داده بشود. حتی تا ساعت یازده و سی دقیقه و دوازده شب هم پشت در ستاد و محل های انتخابات جمع شده بودند.»

وی در پایان این گفت و گوی زنده با شبکه ماهواره ای دولت انگلیس (بی.بی.سی) گفت: «ما نمی دانیم چگونه با این صندوق ها عمل شده و رأی ها چگونه دست برده شده و چه بوده فقط می دانیم که نسبت موسوی به احمدی نژاد ۴/۵ به ۱ یا چهار به یک یا جاهای دیگر ممکن است مثلاً ۳ به ۱/۵ باشد.»

این گفتگوی همسر موسوی با شبکه ماهواره ای انگلستان و دلایل جالب او برای اثبات تقلب، تا مدت ها به عنوان طنز در افکار عمومی و رسانه ها نقل می شد! البته در



جریان انتخابات و شکل‌گیری اعتراضات بعد از آن، افرادی در ستادهای انتخاباتی کروی و موسوی با رسانه‌های بیگانه (نظیر شبکه ماهواره‌ای بی.بی.سی فارسی یا صدای آمریکا) در ارتباط بودند. در این بین، به بهانه در اختیار نداشتن رسانه، با شبکه‌های بین‌المللی تماس برقرار می‌شد و عملاً این شبکه‌ها به عنوان اهرم فشاری بر حاکمیت مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

### بیانات حکیمانه رهبرانقلاب (مدظله)؛ آب بر آتش فتنه انگیزان

مردم که از وضعیت پیش آمده به خشم آمده بودند و به عینه می‌دیدند از یکسوآرای اکثریت آنان در معرض بی حرمتی فردی جاه طلب، که به زور می‌خواهد انتخابات آنان را ابطال کند، قرار دارد و از سوی دیگر خانه‌ها و اموال عمومی آنان را توسط طرفدارانش به آتش می‌کشد، منتظر پاسخ رهبری و تعیین تکلیف خود بودند. بهمین منظور با حضوری پرشکوه در بی نظیر ترین اجتماع نمازگزاران جمعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نماز جمعه هفته بعد از انتخابات به امامت؛ مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) شرکت کردند. معظم له در خطبه‌های نماز جمعه با تشریح مسایل مربوط به انتخابات، ضمن دعوت مردم به آرامش و هشیاری و مراقبت در برابر فتنه‌های بیگانگان نامزدهای معترض را به تمکین از رأی ملت و قانون و پیگیری اعتراضات خود از مجاری قانونی دعوت کردند و در پایان هشدار دادند چنانچه این وضعیت ادامه پیدا کند اسامی و چهره‌های پشت پرده اغتشاشات را به ملت معرفی خواهند کرد.

### اگر کسانی بخواهند راه دیگری بروند با مردم صریح تر صحبت خواهیم کرد

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در نماز جمعه تاریخی و وحدت بخش تهران در سخنان بسیار مهمی، یاد خدا، اعتماد به کمک پروردگار و افزایش سکینه و آرامش را عامل مهم عبور سرافرازانه ملت مؤمن ایران از طوفان‌ها و حوادث ۳۰ سال اخیر خواندند و با تبیین صریح و روشن ابعاد مختلف رقابت‌های انتخاباتی و مسائل پس از انتخابات تأکید کردند: حضور بی نظیر و حماسی ملت در ۲۲ خرداد، نمایش عظیم اعتماد و امید و شادابی ملی، زلزله‌ای سیاسی برای دشمنان و جشنی تاریخی برای دوستان ایران و انقلاب بود و همه ی ۴۰ میلیون شرکت

کننده ی پرشور و فهیم انتخابات، به امام و انقلاب و شهدا رأی داده اند و هر ۴ نامزد محترم نیز متعلق به نظام اسلامی هستند بنابراین همه باید در چارچوب قوانین روشن موجود، مسائل را پیگیری کنند.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در خطبه دوم نماز که بارها با تکبیر و ابراز احساسات مردم همراه شد در تبیین و تشریح مسائل گوناگون مربوط به انتخابات، خطاب به «ملت، نامزدهای ریاست جمهوری و نخبگان، فعالان سیاسی»، و نیز سران برخی دولت‌های مستکبر غربی، مطالب جداگانه‌ای مطرح کردند.

ایشان با تجلیل از ملت آگاه و مومن ایران، حضور نزدیک به ۴۰ میلیون رأی دهنده عزیز را در انتخابات ۲۲ خرداد، نمایش عظیم «احساس مسئولیت و روح مشارکت جوی» مردم دانستند و افزودند: حماسه پرشور اعلام دلبستگی یکپارچه مردم به نظام اسلامی و مشارکت بسیار کم نظیر ۸۵ درصدی مردم در انتخابات، نشان دهنده رحمت و تفضل پروردگار و عنایت خاص ولی عصر(عج) به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است.

### تعهد سیاسی و احساس مسئولیت نسل اول انقلاب

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای حضور لبریز از «شور و شعور» جوانان سراسر کشور را در انتخابات ریاست جمهوری دهم، تجلی استمرار «تعهد سیاسی و احساس مسئولیت» نسل اول انقلاب در نسل جوان امروز خواندند و افزودند: از اعماق دل در مقابل عظمت ملت ایران و جوانانمان، ابراز تواضع می‌کنم.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به اختلاف سلیقه مردم و رأی دادن آنان به نامزدهای مختلف انتخابات ریاست جمهوری افزودند: در ورای همه آرای متفاوت مردم، احساس تعهد جمعی برای حفظ کشور و نظام موج می‌زند به گونه‌ای که حضور «زن و مرد و پیر و جوان»، «اقوام و پیروان مذاهب گوناگون» و «شهری و روستایی»، حماسه‌ای فراموش ناشدنی رقم زده است که برای دشمنان ایران و انقلاب، زلزله‌ای سیاسی، و برای دوستان ملت ایران در سراسر جهان، جشنی واقعی و تاریخی محسوب می‌شود.

ایشان شرکت ۴۰ میلیون نفر در انتخابات ۲۲ خرداد را جنبش عمومی ملت برای ابراز وفاداری به امام و انقلاب و شهدا برشمردند و افزودند: با این حرکت عظیم، نظام

اسلامی برای ادامه راه پیشرفت و سرفرازی، نفس تازه کرد و معنای حقیقی مردم سالاری دینی، به رخ بدخواهان نظام کشیده شد.

### جواب ملت ایران به تبلیغات مغرضانه

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای حضور همراه با «اعتماد، آزادی، امید و شادابی» ملی را در انتخابات ریاست جمهوری، جواب ملت ایران به تبلیغات مغرضانه دستگاه رسانه ای مستکبران دانستند و خاطر نشان کردند: اعتماد ملت به نظام، به عنوان بزرگترین سرمایه جمهوری اسلامی بار دیگر در انتخابات ۲۲ خرداد، متجلی شد و دشمنان اسلام و ایران، تلاش می‌کنند با ایجاد شک و تردید درباره انتخابات، این اعتماد ملی را متزلزل کنند و با کاهش مشارکت مردم، مشروعیت نظام را زیر سؤال ببرند که اگر این هدف شوم محقق شود با هیچ زیان و خسارت دیگری قابل مقایسه نیست.

ایشان با یادآوری تبلیغات چند ماهه جبهه استکبار مبنی بر تقلب در انتخابات ۲۲ خرداد افزودند: در سخنرانی اول فروردین، به دوستان خوبمان در داخل تذکر دادم که حرف دشمن درباره تقلب را تکرار نکنند چرا که بیگانگان درصددند اعتمادی را که نظام با مسئولان و عملکردش در طول سی سال بدست آورده، زیر سؤال ببرند. رهبر انقلاب اسلامی، رقابت‌های کاملاً آزاد و جدی نامزدها در دوران تبلیغات انتخابات از جمله مناظره‌های شفاف و صریح تلویزیونی را یادآور شدند و افزودند: رقابت‌های شدید ۴ نامزد محترم انتخابات، رقابت جریان‌های متعلق به نظام اسلامی بود اما رسانه‌های متعلق به صهیونیست‌های خبیث با دروغ پردازی محض سعی می‌کنند این رقابت‌ها را دعوا میان مخالفان و طرفداران نظام جلوه دهند.

### آشنایی نزدیک و شناخت ۴ نامزد

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای با اشاره به آشنایی نزدیک و شناخت وسیع خود از ۴ نامزد انتخابات ریاست جمهوری افزودند: یکی از نامزدها، رئیس جمهور خدوم، پرکار، زحمتکش و مورد اعتماد است، یکی دیگر ۸ سال نخست وزیر خود بنده بوده است، نامزد دیگر فرمانده سپاه و از فرماندهان اصلی دفاع مقدس است و نامزد دیگر هم دو دوره ریاست مجلس بوده است بنابراین همه این آقایان از عناصر نظام و متعلق به نظام

هستند و رقابت آنها برخلاف تبلیغات خباثت آمیز رسانه‌های صهیونیستی، امریکایی و انگلیسی، رقابت درون نظام است.

رهبر انقلاب اسلامی، اختلاف در دیدگاه‌ها، جهت‌گیری‌های سیاسی و برنامه‌های ۴ نامزد انتخابات را یادآور شدند و خاطرنشان کردند: این اختلاف دیدگاه، اختلاف نظر در درون چارچوب نظام است البته بنده برخی را برای خدمت به کشور مناسبتر می‌دانم اما نظر و تشخیص خود را برای مردم بازگو نکردم و لازم هم نبود که مردم براساس آن عمل کنند چرا که انتخابات مال مردم است و نتیجه آن براساس تشخیص ملت رقم می‌خورد.

### مناظره‌های تلویزیونی ابتکاری مهم

ایشان، مناظره‌های تلویزیونی را ابتکاری مهم و جالب ارزیابی کردند و افزودند: مناظره‌های شفاف، جدی و صریح، خشتی‌کننده تبلیغات بیگانگانی بود که رقابت‌های انتخاباتی را غیرواقعی می‌دانستند.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، جدیت، صراحت، مجبور شدن افراد به دفاع و پاسخگویی در مقابل سیلاب نقد و انتقاد، و شفاف شدن مواضع اشخاص و گروه‌ها را از نکات مثبت مناظره‌ها دانستند و افزودند: مردم با دیدن مناظره و دیگر برنامه‌های تبلیغاتی، قدرت قضاوت بدست آوردند و احساس کردند که نظام اسلامی، اندرونی و بیرونی ندارد و مردم را بیگانه نمی‌داند و حقیقتاً برای ملت حق انتخاب آگاهانه قائل است. ایشان آزادی بیان، پرورش ذهنها و افزایش قدرت انتخاب ملت را از دیگر آثار مثبت مناظره‌ها برشمردند و با اشاره به کشیده شدن مطالب مناظره‌ها به خیابانها و خانه‌ها تأکید کردند: یقیناً یکی از عوامل افزایش ده میلیون آراء نسبت به دوره‌های قبل، مشارکت ذهنی و فکری مردم در انتخابات بود که باعث شد ملت به عرصه انتخاب بیایند، بنابراین از این دیدگاه مناظره‌ها، امری مطلوب بشمار می‌آیند.

### ادامه مناظره‌ها در سطوح مدیریتی

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای ادامه مناظره‌ها در سطوح مدیریتی را خوب و ضروری دانستند و افزودند: باید با حذف عیوب و نکات منفی مناظره‌ها، آنها را ادامه داد تا همه افراد و مسئولان خود را در معرض نقد و انتقاد و پاسخگویی ببینند.

## تخریب و سیاه‌نمایی

رهبر انقلاب اسلامی، در تبیین نکات منفی مناظره‌ها، به ایجاد کدورت و کینه، تکیه بر شایعات، ضعف جنبه منطقی مباحث و احساساتی و عصبانی شدن طرفین مناظره اشاره کردند و با ابراز ناخرسندی از این عیوب افزودند: متأسفانه برخی مواقع مناظره‌ها حالت تخریبی پیدا می‌کرد و به سیاه‌نمایی افراطی خدمات دولت فعلی و در مقابل، سیاه‌نمایی عملکرد دولتهای قبلی کشیده می‌شد و در میان طرفداران نامزدها التهاب و نگرانی ایجاد می‌کرد.

## مقصر بودن دو طرف مناظره‌ها

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای با اشاره به مقصر بودن دو طرف مناظره‌ها افزودند: یک طرف به رئیس‌جمهور قانونی کشور، صریح‌ترین و خجالت‌آورترین اهانت‌ها و تهمت‌ها را بیان می‌کرد و با پخش کارنامه‌های جعلی برای دولت، رئیس‌جمهور متکی به آرای مردم را دروغگو، خرافاتی و رمال می‌نامید و اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا می‌گذاشت و طرف دیگر هم، با اقداماتی مشابه، کارنامه درخشان ۳۰ ساله انقلاب را کمرنگ جلوه می‌داد و شخصیت‌هایی که عمرشان را در راه نظام صرف کرده‌اند زیر سؤال می‌برد و اتهاماتی را که در مراجع قانونی اثبات نشده است بیان می‌کرد.

رهبر انقلاب اسلامی، با انتقاد از طرح مباحثی درباره فساد مالی اطرافیان آقای هاشمی رفسنجانی و آقای ناطق نوری افزودند: البته کسی، خود این آقایان را به فساد مالی متهم نکرد اما هر کس هر ادعایی در مورد بستگان آنها نیز دارد نباید قبل از اثبات در مراجع و مجاری قانونی، در رسانه‌ها بیان کند، چرا که اینگونه اقدامات در جامعه و بویژه در اذهان جوانان، تلقی نادرست ایجاد می‌کند.

ایشان با اشاره به شناخت بیش از ۵۰ ساله خود از آقای هاشمی رفسنجانی و خدمات وی به انقلاب و نظام افزودند: آقای هاشمی رفسنجانی در دوران مبارزه با رژیم ستم شاهی از اصلی‌ترین و جدی‌ترین افراد نهضت و بعد از انقلاب هم از مؤثرترین شخصیت‌های همراه امام بوده و بارها تا مرز شهادت پیش رفته است ضمن اینکه پس از رحلت امام بزرگوار هم، تا امروز در کنار رهبری بوده است.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: آقای هاشمی قبل از انقلاب، اموال خود را صرف مبارزه می‌کرد و در سی سال اخیر هم با به عهده گرفتن مسئولیت‌های فراوان، در

حساس‌ترین مقاطع در خدمت انقلاب و نظام بوده و هرگز از انقلاب برای خودش، مالی نیاندوخته است و مردم باید به این حقایق توجه داشته باشند.

### نظر رئیس جمهور به نظر بنده نزدیکتر است

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در عین حال به اختلاف نظر طبیعی خود با آقای هاشمی رفسنجانی در موارد متعدد اشاره کردند و افزودند: این اختلاف نظر طبیعی است و مردم نباید دچار توهم شوند و به گونه ای دیگر فکر کنند.

ایشان افزودند: میان آقای هاشمی و رئیس جمهور نیز از سال ۸۴ اختلاف نظرهای متعددی درباره مسائل خارجی، نحوه اجرای عدالت اجتماعی و برخی مسائل فرهنگی وجود دارد که البته نظر رئیس جمهور به نظر بنده نزدیکتر است.

رهبر انقلاب اسلامی، آقای ناطق نوری را نیز جزو شخصت‌های خدوم انقلاب دانستند و افزود در دل‌بستگی آقای ناطق به نظام و انقلاب هیچ شکی وجود ندارد.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای با تأکید مجدد بر لزوم بر طرف شدن آسیب‌های مناظره اعلام کردند در همان ایام بعد از مناظره به رئیس جمهور تذکر دادم چون می دانستم ترتیب اثر می دهد.

### مبارزه جدی و پیگیری با فساد مالی

ایشان، با تکرار موضع نظام درباره مبارزه جدی و پیگیری با فساد مالی افزودند: اگر فساد اقتصادی در کشور نبود چند سال قبل نامه هشت ماده ای به روسای سه قوه ارسال نمی شد. اما بدون تردید جمهوری اسلامی از سالم ترین نظام های سیاسی - اجتماعی دنیاست و نباید به استناد مراکز و مراجع صهیونیستی، کشور را به فساد متهم کنید و یا در زمینه فساد مالی اشخاص و مسئولان را بی جهت زیر سؤال ببریم.

### ۲۲ خرداد حماسه ای تاریخی و جهانی

رهبر انقلاب اسلامی در جمع بندی این بخش از سخنانشان خاطر نشان کردند: ملت عزیز ایران در ۲۲ خرداد حماسه ای تاریخی و جهانی آفرید اما برخی از دشمنان تلاش می کنند این پیروزی مطلق نظام را به شکست ملی تبدیل کنند و با مشکوک و قابل تردید جلوه دادن انتخابات نگذارند بالاترین نصاب مشارکت جهانی به نام این ملت ثبت شود که البته ثبت شده است و نمی توان این واقعیت را تغییر داد.

### چهار نامزد در درون جبهه انقلاب

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، در ادامه جمع بندی این بخش از سخنان خود خطاب به ملت افزودند: همه کسانی که به یکی از چهار نامزد محترم رأی داده اند در درون جبهه انقلاب و متعلق به نظامند و انشاء الله از اجر الهی برخوردارند به همین علت باید گفت خط انقلاب، ۴۰ میلیون رأی دارد نه بیست و چهار و نیم میلیون رأی که متعلق به رئیس جمهور منتخب است.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند مردم البته اطمینان دارند اما برخی طرفداران نامزدها هم اطمینان داشته باشند که نظام جمهوری اسلامی اهل خیانت در آرای مردم نیست و ساز و کارهای قانونی انتخابات در کشور ما اجازه تقلب نمی دهد آن هم تقلب در حد یازده میلیون رأی.

### مجاری قانونی تنها مسیر رسیدگی به شبهات

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای افزودند: در عین حال به شورای محترم نگهبان تأکید شده که به مستندات ارائه شده از جانب کسانی که شبهه دارند حتما رسیدگی شود و اگر در مواردی نیاز به باز شماری صندوقها بود با حضور نمایندگان نامزدها انجام شود. ایشان مجاری قانونی را تنها مسیر رسیدگی به شبهات مطرح شده خواندند و تأکید کردند: بنده زیر بار بدعتهای غیرقانونی نمی روم چرا که در هر انتخاباتی طبعاً برخی برنده نیستند و اگر امروز چارچوبهای قانونی شکسته شود در آینده نیز هیچ انتخاباتی مورد اعتماد نخواهد بود و مصونیت نخواهد داشت.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، با اشاره به کامل بودن قانون رسیدگی به شکایات انتخاباتی افزودند: قانون همانطور که به نامزدها حق نظارت و شکایت داده، راه رسیدگی به شکایات را هم مشخص کرده است و همه کارها باید براساس روال درست قانونی انجام شود.

### لحظه حساس تاریخی برای کشور

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در ادامه خطبه دوم خطاب به سیاسیون، نامزدها و گردانندگان احزاب و جریانهای سیاسی خاطر نشان کردند: امروز یک لحظه حساس تاریخی برای کشور است و نگاهی به وضع دنیا، خاورمیانه، کشورهای همسایه و

همچنین وضع اقتصادی جهان ثابت می‌کند که در نقطه تاریخی قرار داریم، بنابراین همه وظیفه داریم که در این مرحله تاریخی هوشیار و دقیق باشیم و اشتباه نکنیم. ایشان با تأکید بر اینکه مردم در قضیه انتخابات حقا و انصافا به بهترین وجه به وظیفه خود عمل کردند افزودند: سیاسیون و کسانی که به نحوی مرجعیتی برای بخشی از افکار عمومی دارند باید خیلی مراقب رفتار و گفتار خود باشند زیرا با اندکی افراط گری آنها، دامنه افراط گری در بدنه مردم به مراحل حساس و خطرناکی خواهد رسید که خود آنها نیز نخواهند توانست ابعاد آنرا جمع کنند.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه هر حرکت افراطی، به افراطی گری دیگران دامن خواهد زد تأکید کردند: اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، خواسته یا ناخواسته، مسئول خونها، خشونتها و هرج و مرج ها خواهند بود.

### همه باید قانون را فصل الخطاب بدانند

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای افزودند: به همه این دوستان قدیمی و برادران توصیه می‌کنم با سعه صدر برخورد مسلط باشند و دستهای دشمن و گرگهای گرسنه و کمین کرده را که امروز بتدریج نقاب دیپلماسی را کنار زده اند ببینند و از آنها غفلت نکنند.

ایشان با تأکید بر اینکه این آقایان باید به مسئولیت کارهای خود در نزد خداوند فکر کنند خاطر نشان کردند: برادران، آخرین وصایای امام بزرگوار را به یاد بیاورید که می‌گفت همه باید قانون را فصل الخطاب بدانند.

### صندوق های رأی، نه در کف خیابانها

رهبر انقلاب اسلامی حل و فصل همه اختلافات را در سر صندوق رأی، فلسفه انتخابات خواندند و خاطر نشان کردند: انتخابات برای این است که در صندوق های رأی معلوم شود که مردم چه می‌خواهند نه در کف خیابانها.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای تأکید کردند: اگر قرار باشد بعد از هر انتخابات، آنهایی که رأی نیاورده اند اردوکشی خیابانی کنند و در مقابل این حرکت، کسانی هم که رأی آورده اند طرفدارانشان را به خیابانها بکشانند پس اصلاً چرا انتخابات برگزار



می شود؟ ضمن آنکه مردم چه گناهی کرده اند که باید به علت این کارهای ما، از کسب و کار و زندگی خود باز بمانند.

**تجمعات خیابانی بهترین پوشش برای تروریستهای نفوذی و ضربه های تروریستی**  
ایشان با اشاره به اینکه تجمعات خیابانی بهترین پوشش برای تروریستهای نفوذی و ضربه های تروریستی است افزودند: اگر در این تجمعات اقدام تروریستی انجام شود مسئولیت آن با کیست؟ مسئولیت همین افرادی که از مردم عادی و بسیج در روزهای گذشته جان باخته اند با کیست و چه کسی جواب آنها را می دهد؟ محاسبه و پاسخگویی در قبال واکنشهای احساسی در مقابل ترورها با چه کسی است؟ رهبر انقلاب اسلامی با انتقاد شدید از برخی وقایع روی داده در کوی دانشگاه تهران خاطر نشان کردند: اینکه بروند در کوی دانشگاه و جوان دانشجوی مومن و حزب الهی را آنهم با شعار رهبری مورد تهاجم قرار دهند دل انسان را واقعا خون می کند.

### مسئولیت تبعات و هرج و مرج

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای با اشاره به اینکه زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات در واقع به چالش کشیده شدن اصل انتخابات و مردم سالاری است، تأکید کردند: از همه می خواهیم به این روش غلط خاتمه دهند که اگر خاتمه ندهند مسئولیت تبعات و هرج و مرج آن، بعهدده آنها خواهد بود.

ایشان افزودند: برخی ها بدانند که با حرکات خیابانی نمی توان اهرم فشار بر ضد نظام بوجود آورد و مسئولان را وادار کرد تحت عنوان مصلحت زیر بار خواسته های آنها بروند چرا که تن دادن به مطالبات غیر قانونی زیر فشار، شروع نوعی دیکتاتوری است.

رهبر انقلاب اسلامی خاطر نشان کردند: اینگونه تصورات و محاسبه ها، اشتباه است و اگر این تصورات غلط، عواقبی هم پیدا کند مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد بود که اگر ضروری شد مردم آنها را در وقت لازم خواهند شناخت.

ایشان با دعوت از همه دوستان و برادران برای برادری و تفاهم و رعایت قانون افزودند: راه قانون و راه محبت و صفا باز است و امیدوارم همه در این راه حرکت کنند و جشن پیروزی ۴۰ میلیونی مردم را گرامی بدارند و اجازه ندهند دشمن این جشن بزرگ را خراب کند.

رهبر انقلاب اسلامی در عین حال هشدار دادند اگر کسانی بخواهند راه دیگری بروند آنوقت من خواهم آمد و با مردم صریح تر صحبت خواهم کرد.

### طمع دشمنان

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در ادامه مباحث مربوط به انتخابات به مواضع مقامات برخی کشورهای اروپایی و امریکا اشاره کردند و افزودند: قبل از شروع انتخابات، جهت گیری رسانه‌های غربی و دولتمردان آنها تلاش برای ایجاد تردید در انتخابات و زمینه سازی بمنظور حضور کم‌رنگ مردم بود اما حضور عظیم ۴۰ میلیونی مردم در انتخابات، رسانه‌ها و مقامات غربی را شوکه کرد و به آنها فهماند که سرفصل جدیدی در مسایل مربوط به جمهوری اسلامی ایران بوجود آمده است که چاره ای جز پذیرش آن ندارند.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به برخی اعتراض‌ها و مسایل پیش آمده بعد از انتخابات افزودند: در چنین شرایطی برخی مقامات غربی فرصت را مغتنم شمردند تا موج سواری کنند و لحن آنها نیز تغییر کرد و بتدریج نقابها کنار رفت.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای خاطرنشان کردند: از اوایل هفته تعدادی از سران دولتها و وزیران خارجه غربی موضع گیری کردند و دشمنی خود را با نظام اسلامی نشان دادند که از همه خبیث تر دولت انگلیس بود.

ایشان با اشاره به نقل قولی از برخی مقامات امریکایی مبنی بر اینکه ما منتظر چنین روزهایی بودیم که مردم به خیابانها بریزند افزودند: این سخنان در حالی بیان می شود که از آن طرف نامه می نویسند و ابراز علاقه برای روابط و اظهار احترام به جمهوری اسلامی می‌کنند، کدام را باید باور کرد؟

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: همزمان در داخل کشور هم، عوامل این عناصر خارجی بکار افتادند و خط تخریب، آتش سوزی، غارت اموال عمومی و مردم، و سلب امنیت مردم شروع شد که البته این تخریها ارتباطی به مردم و حامیان نامزدها ندارد بلکه مربوط به بدخواهان ملت ایران و مزدوران و دست نشاندهان سرویس های جاسوسی غرب و رژیم صهیونیستی است.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای افزودند: این وضعیت دشمنان را به طمع انداخت و تصور کردند که در ایران هم می‌توانند همچون برخی کشورهای کوچک با چند ده

میلیون دلار یک سرمایه دار صهیونیست، انقلاب مخملی کنند اما مشکل اصلی این دشمنان نادان این است که هنوز هم ملت ایران را نشناخته اند.

ایشان خاطر نشان کردند: آنچه در این میان از همه زشت تر بود دلسوزی مقامات امریکایی برای حقوق بشر و ادعای سخت گیری بر مردم ایران بود اما کسانی که در افغانستان و عراق آن جنایات را به وجود آورده اند و از رژیم ظالم صهیونیستی حمایت مادی و سیاسی می کنند، چگونه دم از حقوق انسان می زنند؟

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای با یادآوری اقدام دولت دموکرات کلیتون در قتل عام بیش از هشتاد نفر از وابستگان فرقه داوودیان افزودند: شما که بیش از هشتاد زن، مرد و کودک را زنده زنده در آتش سوزاندید، اصولاً حقوق بشر را می فهمید؟

ایشان با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران پرچمدار حقوق انسان و دفاع از مظلومان است و نیازی به نصیحت غربی ها ندارد، خاطر نشان کردند: مسئولان و سیاستمداران اروپایی و امریکایی قدری شرم و حیا کنند و از این کارها دست بردارند.

رهبر انقلاب اسلامی در بخش پایان خطبه دوم نماز جمعه خطاب به حضرت ولیعصر (عج) فرمودند: ای سید و مولای ما، ما آنچه را لازم بود انجام دادیم و آنچه را باید گفت، گفتیم و خواهیم گفت. ما جان ناقابل و اندک آبروی خود را در کف دست گرفته ایم و آن را در راه انقلاب و اسلام فدا خواهیم کرد، ما این راه را با قدرت ادامه خواهیم داد و شما که صاحب حقیقی این انقلاب و کشور هستید برای ما دعا کنید.

پیام رهبر (مدظله) همچون آبی بر آتش؛ قلوب جریحه دار ملت مسلمان ایران را جلا بخشید. با اعلام حمایت اکثریت قاطع ملت و شخصیت های برجسته سیاسی و نظامی و علمی؛ مراجع تقلید؛ روسای قوا و نهادها و ارگان های رسمی؛ احزاب و جریان های سیاسی و... از بیانات معظم له و اعلام تمکین از فرمایشات ایشان - صف بندی های جدید آغاز شد و برخی شبهات و القانات پیش آمده روشن گردید. با عدم تمکین میرحسین موسوی به فرمایشات رهبری و قانون و عدم مراجعه به شورای نگهبان و بدنبال آن حمایت برخی از اعضای مجمع روحانیون مبارز از موسوی و صدور بیانیه های مجدد به بهانه بزرگداشت کشته شدگان حوادث اخیر و ادامه اعتراض به نتایج انتخابات و تأکید بر ابطال انتخابات؛ اکثریت هواداران مردمی و غیرحزبی میرحسین موسوی نیز متوجه اصل ماجرا شدند و با عدم حضور خود در اجتماعات

مورد دعوت وی؛ صحنه خالی به دست بازیگردانانی افتاد که نه برای انتخابات بلکه با هدفی بزرگتر یعنی سقوط نظام به میدان آمده بودند.

### **اظهارات گستاخانه نخست وزیر انگلیس**

خبرگزاری رویترز گزارش داد، وزارت امور خارجه انگلیس امروز جمعه در پی اظهارات مقام معظم رهبری درباره دخالت این کشور در موضوع انتخابات اخیر ریاست جمهوری، رسول موحیدیان فرستاده ایران در لندن را فرا خواند و از وی در مورد اظهارات رهبری توضیح خواست.

گوردون براون نخست وزیر انگلیس نیز در یک کنفرانس خبری که بدنبال اجلاس اتحادیه اروپا در بروکسل برگزار شد با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری به خبرنگاران گفت: «انگلیس تا امروز در مورد انتخابات ایران محتاط بود و نخواست در مورد موضوعات داخلی ایران دخالت نماید.»

براون در ادامه این کنفرانس خبری گفت: «ما خواستیم حقوق مردم ایران برای انتخاب هر کسی که مورد قبول آنهاست را رعایت کنیم.»

وی افزود: «ما امروز با دیگران هستیم، شامل کل (اعضای) اتحادیه اروپا، در انتقاد از استفاده از خشونت، در انتقاد از توقیف مطبوعات.»

نخست وزیر انگلیس در ادامه گفت: «اکنون نوبت ایران است که به جهان نشان دهد انتخابات سالم بوده یا خیر؟ ما می‌خواهیم که ایران بخشی از جامعه بین‌المللی باشد و منزوی نباشد، اما این موضوع را باید ایران ثابت نماید که آیا آنها می‌توانند به این حقوق اولیه احترام بگذارند یا خیر.»

### **عبور جریان فتنه از چارچوب نظام!**

#### **اغتشاش در ۳۰ خرداد**

علی‌رغم آنکه رهبر معظم انقلاب معترضان را به پیگیری مطالبات خود از راههای قانونی فراخواندند، اما اقدامات بعدی فتنه‌گران نشان داد که آن‌ها مایل به حرکت در چارچوب نظام اسلامی نیستند.

اواخر هفته نخست پس از انتخابات، میر حسین موسوی اعلام نمود که راهپیمایی در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ با حضور موسوی، کروبی و خاتمی طبق برنامه از میدان انقلاب تا میدان آزادی برگزار می‌شود. موسوی و کروبی در صفحه‌های شخصی خود در فیس بوک اعلام نمودند که تحت هیچ شرایطی این راهپیمایی لغو نخواهد شد. کروبی اعلام کرد که تجمع شنبه به هیچ عنوان لغو نخواهد شد، حتی به سایت اعتماد ملی اعتماد نکنید که بسیاری از گردانندگان در زندانند و می‌توانند هر لحظه سایت را هک کنند. این راهپیمایی از ساعت ۴ تا ۷ بعد از ظهر صورت می‌گیرد و هدف از این راهپیمایی پی‌گیری مطالبات قانونی و تداوم اعتراض مدنی اعتراض کنندگان است.

در این میان مجمع روحانیون مبارز نقش کلیدی و حساسی را برعهده گرفت و آن هنگامی بود که این مجمع روز سه شنبه (۸۸/۳/۲۶) درخواست راهپیمایی برای روز شنبه ۳۰ خرداد (مصادف با سالروز آغاز حرکت تروریستی منافقین در سال ۱۳۶۰) از میدان انقلاب تا میدان آزادی را به فرمانداری تهران ارسال نمود. این در حالی بود که روز قبل از آن خبرگزاری‌ها از برگزاری نماز جمعه تهران به امامت حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای خبر داده بودند.

در حالی که انتظار می‌رفت گروه‌ها و جریانهای سیاسی نیز همسوی با ملت به استقبال رهنمودهای حکیمانه رهبر معظم انقلاب روند و تا برگزاری نماز جمعه و استماع سخنان ایشان از هرگونه اقدام نسنجیده دوری نمایند، ولیکن مجمع روحانیون مبارز در اقدامی مشکوکانه و پرابهام، پیشاپیش برای روز شنبه - فردای برگزاری نماز جمعه - درخواست راهپیمایی نمود.

پخش این خبر از شکل‌گیری سناریویی جدید خبر می‌داد و این بار بازیگری صحنه گروهی شده بود که خود را وابسته به خط امام و نزدیکترین گروه به اندیشه‌های امام (ره) معرفی می‌نمود. روز ۵ شنبه ۲۸ خرداد مجمع روحانیون این بار ضمن تأکید بر درخواست پیشین، با گسترش سطح آن، برای برگزاری راهپیمایی و تجمع در شهرها و میادین سراسر کشور درخواست مجوز نماید. این اقدام که توسط کارشناسان سیاسی اقدامی فتنه انگیزانه و به قصد تحت الشعاع قرار دادن سخنان رهبری معظم انقلاب اسلامی در نماز جمعه تهران ارزیابی می‌شد، متأسفانه در کارنامه مجمع مدعی خط امام و ولایت مطلقه فقیه، ثبت گردید.

اما متأسفانه «این دوستان قدیمی!» به توصیه‌های امام خویش گوش نسپرده و عملاً رهنمودهای ایشان را "فصل الخطاب" ندانسته و بر تداوم راه خطای خویش تأکید نمودند و در حالی که انتظار می‌رفت بعد از ظهر جمعه خبر لغو تجمع غیرقانونی مجمع روحانیون مبارز در صدر خبرها قرار گیرد، سکوت معنادار این مجمع، دل ملت مسلمان را به درد آورد. و با وجود اینکه رهبر معظم انقلاب در سخنانی صریح و روشن، معترضان به نتیجه انتخابات را به حرکت در مسیر قانونی و خودداری از "زورآزمایی و اردوکشی خیابانی" توصیه کرده بودند، مجمع روحانیون مبارز تا ساعات پایانی منتهی به این تجمع غیرقانونی در روز شنبه (۳۰ خرداد) تلاشی برای لغو این برنامه نکرد.

مجمع روحانیون مبارز در حالی بر برگزاری این اجتماع غیر قانونی در روز شنبه اصرار داشت که حتی موضع‌گیری و هشدار آشکار شخصیت‌های سیاسی و مذهبی هم نتوانست مجمع روحانیون را از برگزاری این مراسم منصرف کند. این در حالی بود که از صبح روز شنبه که این موضوع به خبر اول سایت‌ها تبدیل شد، گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال لغو این راهپیمایی نیز در کنار آن خودنمایی کرد، اما با گذشت چند ساعتی از این گمانه‌زنی‌ها، خبری از تصمیم مجمع به گوش نرسید.

این بلاتکلیفی تا آنجا پیش رفت که سرشاخه‌های معترضان خیابانی خود را به مردم نشان دادند و خیابان آزادی در حال آماده شدن برای ثبت رویداد هولناک دیگری شد که همانند روزهای گذشته آرامش و امنیت را از مردم بگیرد.

برخلاف اعتقاد برخی از اعضای مجمع، تعلل سؤال برانگیز دبیر این تشکل هم‌چنان ادامه یافت تا اینکه بنابر برخی گزارش‌ها آشوبگران آرایش نهایی خود را برای زدن ضربه‌ی دیگری بر پیکره امنیت شهر صورت دهند. در این هنگام بود که ناگهان خبری فوری بر پیشانی سایت‌ها و خبرگزاری‌ها نشست: «راهپیمایی امروز مجمع روحانیون لغو شد»، این عنوان خبری بود که با امضای موسوی خوئینی‌ها، دبیر مجمع روحانیون مبارز، در آستانه شکل‌گیری آشوب دیگری در تهران، راهی خروجی سایت‌های خبری شد. اما دیگر دیر شده بود چرا که همه چیز برای خلق یک شرایط غیرعادی مهیا گردیده بود.

تعلل چند ساعته و مشکوک دبیر مجمع روحانیون در لغو راهپیمایی ۳۰ خرداد بدون وجود کوچکترین توجیه را هرگز نمی‌توان در شکل‌گیری آشوب‌های آن روز نادیده

گرفت. تعللی که موسوی خوئینی‌ها، خاتمی و دیگر اعضای این مجموعه را در پیشگاه خانواده‌های کشته‌شدگان، مجروحین و مال باختگان و عموم ملت مسئول نمود. بیانیه لغو تجمع غیرقانونی مجمع روحانیون که ساعت‌ها معطل امضای موسوی خوئینی‌ها ماند، را شاید بتوان تلاشی تلقی کرد برای خالی کردن شانه از بار مسئولیت و پیامدهای آشوبی که خیابان آزادی را در خود فرو برد.

۳۰ خرداد ۱۳۸۸، درحالی که وزارت کشور هرگونه تجمع حامیان میرحسین موسوی در میدان انقلاب و راهپیمایی آنان به سوی میدان آزادی را ممنوع و غیرقانونی اعلام کرده بود، اغتشاش‌گران که به بهانه حمایت از موسوی دست به تجمع غیرقانونی زده و قصد ورود به خیابان آزادی را داشتند، با پرتاب سنگ به مردم عادی و تخریب اموال عمومی باعث رعب و وحشت در میان مردم شدند. به گزارش ایرنا، حامیان موسوی در حوالی خیابان اسکندری با پرتاب سنگ به مردم عادی موجبات رعب و وحشت آنان را فراهم کردند.

#### **\*تلاش آشوبگران برای حمله به پایگاه بسیج مقداد**

جمعی از اغتشاشگران که تعدادشان به حدود ۳۰۰ نفر می‌رسید، در خیابان آزادی در حال حرکت به سمت پایگاه بسیج ناحیه مقداد بودند. این گزارش حاکی است، آشوبگران کوکتل مولوتف که از مواد محترقه دست‌ساز است، به همراه داشته و حتی برخی از آنها سلاح گرم نیز حمل می‌کردند.

#### **\*طرفداران موسوی، مسجد لولاگر در خیابان آذربایجان را به آتش کشیدند**

حامیان میرحسین موسوی که اراذل و اوباش و برخی گروهک‌ها با آنها همراه شده بودند، مسجد لولاگر در خیابان آذربایجان را به آتش کشیدند. به گزارش فارس، به‌رغم اینکه مجمع روحانیون مبارز تجمع خود را هرچند دیر هنگام لغو کرد، اما موسوی این تجمع غیرقانونی را لغو نکرد و تنها به اراذل و اوباش و گروهک‌ها بهانه داد تا مردم را مورد آزار و اذیت قرار دهند. افرادی در این تجمع غیرقانونی به عنوان حمایت از موسوی و در کنار آنها عناصر گروهک‌های تروریستی و اراذل و اوباش مشاهده می‌شدند با حمله به اموال عمومی درصدد آشوب برآمدند. اراذل و اوباش و حامیان موسوی و گروهک‌های تروریست به تخریب و غارت مغازه‌ها، آتش زدن خودروهای مردم و بانک‌ها و حمله به عابران مبادرت کردند.

عناصر مزدور و وابسته بیگانه که هدفی جز انتقام از نظام جمهوری اسلامی و ضربه زدن به انقلاب را در سر نداشتند با عدم پشتیبانی جمعیتی که در روزهای قبل با توجیه تقلب در انتخابات تحریک شده و به میدان می آمدند با دیدن عرصه خالی و عدم حضور و حمایت هواداران؛ با نهایت توان آنچه را که در طی سی سال گذشته در سر می پروراندند به منصفه ظهور گذاشتند. کشتار مردم بیگناه؛ حمله مسلحانه به مراکز نظامی و پایگاههای بسیج؛ آتش زدن مسجد و کشته و زخمی کردن نمازگزاران؛ ترور برنامه‌ریزی شده مردم عادی در کوچه و خیابان و بلافاصله فیلمبرداری و ارسال آن از طریق اینترنت به سراسر جهان و... از جمله اقداماتی بود که بعد از جدا شدن صفوف مردم عادی از آنها صورت گرفت.

### ۱۰ کشته و ۱۰۰ مجروح در پی آشوب‌های ۳۰ خرداد تهران

حضور عوامل تروریستی و استفاده آنها از مواد منفجره و سلاح گرم در آشوب‌های دیروز خیابان انقلاب - آزادی محسوس بود بگونه‌ای که متأسفانه در آشوب‌های منجر به درگیری، ۱۰ نفر از هموطنانمان کشته و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح و مصدوم شدند. سردار رادان جانشین فرماندهی نیروی انتظامی در گفت‌گو با خبرنگار واحد مرکزی خبر با اشاره به اینکه نیروی انتظامی طبق دستور برای پراکنده کردن آشوبگران از هیچ‌گونه سلاح گرم استفاده نکرده است افزود: «وجود اشرار و عناصر نفوذی گروهک‌های تروریستی در داخل جمعیت و استفاده آنان از انواع سلاح گرم و سرد عامل اصلی تلفات آشوب‌های دیروز است.»<sup>۱</sup>

### انفجار در حرم حضرت امام (ره)

ساعتی قبل از آغاز اغتشاشات ۳۰ خرداد نیز یک تروریست تلاش کرده بود در مرقد مطهر امام روح‌الله بمب‌گذاری کند که با هوشیاری ماموران امنیتی نتوانست وارد مرقد امام شود اما مواد همراه خود را منفجر کرد که در نتیجه چند نفر از زائران و شیفتگان امام راحل مجروح شدند و فرد تروریست نیز به هلاکت رسید.

### مجمع روحانیون مبارز؛ در صف فتنه گران

سه روز پس از آنکه اغتشاشات خیابانی روز شنبه (۸۸/۳/۳۰) در خیابان آزادی و میدان انقلاب رو به سوی آرامش می‌رفت، بنام مجمع روحانیون مبارز بیانیه‌ای دیگر صادر

<sup>۱</sup> - واحد مرکزی خبر، ۱۳۸۸/۳/۳۱



گردید که در آن ضمن به کار بردن عبارات تند علیه نظام - که به هیچ وجه با سیاق عباراتی که موافقان یک نظام به کار می‌برند سازگار نیست و حتی کاملاً در نقطه مقابل آن قرار دارد - عبارات عجیبی به چشم می‌خورد.

در این بیانیه مجمع روحانیون بدون استثناء همه کشته‌شده‌ها "شهید" لقب گرفته بودند، در حالی که فقط تعدادی از آنان که عناصر نیروی انتظامی و بسیجی بوده‌اند و به مقابله با آشوب طلبان پرداخته‌اند، شهید می‌باشند. در این بیانیه بدون استثنا از همه زندانی‌های حادثه دفاع شده، و خواستار آزادی فوری آنان شدند. در دو جای بیانیه به طور مطلق به «حکومت» که به معنای نظام جمهوری اسلامی است تاخته شده و آن را «غیرمردمی» لقب داده‌اند که طبعاً معنای نامردمی همان نامشروع بودن است.

### ماهیت اغتشاشگران

منوچهر متکی وزیر امور خارجه کشورمان بعد از اغتشاشات فوق با احضار سفرای کشورهای خارجی به وزارت امور خارجه و تشریح برنامه هایی که برخی کشورهای اروپایی و دیپلماتهای خارجی در هفته های قبل از برگزاری انتخابات به اجرا در آورده بودند پرده از ماهیت عوامل اصلی برداشت.

متکی با اشاره به مداخلات انگلیسی‌ها در انتخابات ایران گفت: انگلیس در سه سطح رسانه ای، اطلاعاتی و امنیتی از مدتها پیش انتخابات ایران را هدف گرفته بود. وی افزود: نخستین خطی که آنها درپیش گرفتند تحریم انتخابات و القای آن در داخل ایران بود تا کسی مشارکت نکند.

وی در ادامه گفت: اقدام دوم انگلیسی‌ها اعزام مسافرانی بود که با اهداف خاص اطلاعاتی و امنیتی به ایران می آمدند؛ تعداد این مسافران به حدی افزایش یافت که پرواز معمولی و کوچک خط تهران - لندن به یک هواپیمای جمبوجت بوئینگ ۷۴۷ تبدیل شد. وزیر امور خارجه کشورمان خطاب به مسئولان انگلیسی گفت: دیگر باید این جمله را فراموش کنید که خورشید نمی تابد مگر برای امپراتوری و غروب نمی کند مگر برای امپراتوری انگلیس. وی با انتقاد از اظهارات اخیر مقامات فرانسه درباره انتخابات ریاست جمهوری ایران گفت: کوتوله های سیاسی فرانسه رنسانس این کشور را به حراج گذاشته اند. متکی با اشاره به وقایع اخیر و برخی اغتشاشاتی که پس از انتخابات ریاست جمهوری به وجود آمده است از سفرای خارجی خواست تحلیل های

درستی از اوضاع ایران به کشورهای خود مخابره کنند. وی بر خدشه ناپذیر بودن انتخابات در ایران به سبب سازوکارهایی که در نظام مردم سالار دینی کشورمان وجود دارد تأکید و از برخی رسانه‌های غربی و مسئولان این کشورها که اظهارات مداخله جویانه ای داشته اند انتقاد کرد. رئیس دستگاه دیپلماسی کشور با اشاره به اخباری که شبکه تلویزیونی فاکس نیوز وابسته به پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) درباره انتخابات ایران منتشر می‌کند افزود: شبکه‌ای که همواره بر طبل جنگ می‌نوازد نمی‌تواند مدعی دموکراسی باشد. متکی همچنین گفت: آلمان باید خسارت‌هایی را که عده‌ای آشوبگر تحت حمایت پلیس این کشور به دفتر نمایندگی ایران وارد کرده‌اند پرداخت کند.

### **بیانیه سید محمد خاتمی**

سیدمحمد خاتمی در بیانیه‌ای با حمایت از آشوبگران، تأکید کرد که اعتراض مسالمت آمیز حق مردم است: «سکوت اعتراضی و رفتار مدنی مردم در راهپیمایی‌ها هم نشانه رشد بیداری و مسئولیت پذیری مردم است و هم حکایت گر این واقعیت انکار ناپذیر است که مردم دارای حقوق اساسی و مشخص هستند که هر نظامی موظف به رعایت آنهاست. اعتراض و انتقاد به شیوه مدنی و به دور از هر گونه ناآرامی را که حق مسلم مردم است باید همگان پاس بداریم»

### **اعتراض مجامع جهانی به مداخله بیگانگان**

با افشای حرکت برنامه‌ریزی شده استکبار علیه ملت ایران؛ و برملا شدن انگیزه حمایت‌های رئیس جمهور آمریکا؛ و برخی از سران کشورهای اروپایی ورژیم صهیونیستی از اغتشاشگران بسیاری از شخصیت‌های سیاسی غرب با اعلام موضع به رئیس جمهور آمریکا و دیگر شخصیت‌های سیاسی اروپا هشدار دادند که در مسایل داخلی ایران دخالت نکنند.

«سرگئی لیسوفسکی» نماینده شورای فدراسیون روسیه اعلام کرد: سازمان‌های اطلاعاتی غرب در پشت پرده اغتشاشات در ایران دخالت داشته و آن را سازماندهی کرده اند. لیسوفسکی در گفت و گو با خبرگزاری "رگیونز" (مناطق) روسیه گفت: اغتشاشات در ایران که بدنال اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری این کشور آغاز شد بطور خودجوش بوجود نیامده بود و دست‌هایی از غرب در ایجاد و هدایت آن در مسیر مورد نظر شرکت داشتند. این نماینده شورای فدراسیون روسیه همچنین معتقد است که خرابکاری‌های پنهانی خارجی در ایران ممکن است رخ داده باشد.

"کنستانتین کاساچیف" رئیس کمیسیون امور بین المللی دوماى روسیه نیز، مجمع پارلمانی شورای اروپا را از دخالت در امور داخلی ایران در ارتباط با رویدادهای این کشور پس از انتخابات ریاست جمهوری برحذر داشت.

کاساچیف در جمع خبرنگاران گفت: امیدواریم مجمع پارلمانی شورای اروپا در بحث های فوق العاده و فوری خود در باره رویدادهای ایران از دخالت در امور داخلی این کشور بپرهیزد.

ریچارد هاس رئیس شورای روابط خارجی آمریکا هم با بیان اینکه آمریکا باید خود را برای تعامل با ایران آماده کند گفت: استدلال معترضها به نتایج انتخابات در ایران به دور از واقعیت است چراکه هیچ رأیی در ایران دزدیده نشده است.

ریچارد هاس ضمن اعتقاد به عدم تقلب در انتخابات ایران افزود: تقلب در انتخابات هزینه‌های بسیاری به همراه دارد و به هیچ وجه دولتی قادر به پرداخت هزینه‌های آن نیست. وی تأکید کرد: «استدلال آنهایی که می‌گویند در انتخابات ایران تقلب شده است بی‌اساس و نادرست است.»

رئیس «کمیته دوستی آمریکایی‌ها و ایرانیان» نیز در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل از او خواست که از دخالت در امور ایران دست بردارد و بکوشد به وظایف اصلی خود بپردازد و کمتر تحت تاثیر مواضع ضدایرانی برخی قدرتها قرار گیرد.

وی افزود: اگر مدافع دموکراسی هستیم باید به حق اکثریت تمکین کنیم نه اینکه در مقابل حق اکثریت صرفاً به این خاطر که در راستای منافع ما نیست، بایستیم.

«آلگ پانتلیف» عضو کمیسیون کشورهای مشترک المنافع (همسود) نیز اظهارات «باراک اوباما» رئیس جمهوری آمریکا و «آنگلا مرکل» صدر اعظم آلمان در باره رویدادهای ایران را مداخله آشکار در امور داخلی کشورمان دانست. وی افزود: انتخابات ریاست جمهوری در ایران طبق استانداردهای بین المللی برگزار شد و تنها دادگاه حق درخواست شمارش مجدد آرا را دارد. و هر گونه درخواست کشور دیگر در این زمینه، دخالت خارجی در امور داخلی یک کشور مستقل محسوب می‌شود. وی در ادامه گفت: در سالهای اخیر، برخی کشورهای غربی تلاش می‌کنند دولتهای بعضی کشورها را از طریق بی اعتبار دانستن نتیجه انتخابات تغییر دهند و ما نمونه‌ای از این سناریو را در اوکراین و گرجستان شاهد بودیم.

## پیام تبریک شخصیت‌های جهانی به دکتر محمود احمدی نژاد

در ادامه اعتراضات به دخالت‌های برخی قدرتهای بیگانه در امور داخلی کشورمان سران اکثر کشورهای جهان با ارسال پیام به دکتر احمدی نژاد به مناسبت انتخاب مجدد ایشان به ریاست جمهوری اسلامی ایران به وی و ملت ایران تبریک گفتند و مداخله برخی از کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی را در امور داخلی کشورمان محکوم نمودند.

میگل دسکونو برکمن رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛ اکمل الدین احسان اوغلو دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی؛ دمیتری مدودوف رئیس جمهور روسیه؛ هو جین تائو رئیس جمهور خلق چین؛ عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه؛ آصف زرداری رئیس جمهور پاکستان؛ هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا؛ جلال طالبانی رئیس جمهوری عراق؛ میشل سلیمان رئیس جمهور - فواد سنوره نخست وزیر و نیه‌بری رئیس مجلس لبنان؛ شیخ صباح الاحمد الجابر الصباح امیر کویت؛ سلطان قابوس پادشاه عمان؛ علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن؛ عبدالعزیز بوتفلیقه رئیس جمهور الجزایر؛ الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهور بلا روس؛ بشار اسد رئیس جمهور سوریه؛ معمر قذافی رئیس جمهور لیبی؛ عبدالله واد رئیس جمهور سنگال و رئیس دوره ای سازمان کنفرانس اسلامی؛ عمر حسن احمد البشیر رئیس جمهور سودان؛ راثول کاسترو رئیس جمهور کوبا؛ ماهیندا را جاپاکسا رئیس جمهور سریلانکا؛ محمداف رئیس جمهور ترکمنستان؛ نور سلطان نظربایف رئیس جمهور قزاقستان؛ امامعلی رحمان رئیس جمهور تاجیکستان؛ حامد کرزای رئیس جمهور افغانستان؛ ملک حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین؛ شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه نخست وزیر و شیخ سلمان بن حمد آل خلیفه ولیعهد و جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح بحرین؛ واصف طالباف رئیس مجلس عالی جمهوری خودمختار نخجوان؛ آمارا سینگه رهبر حزب «JVP» سریلانکا؛ عمرو موسی دبیرکل اتحادیه عرب؛ رهبرکره شمالی؛ گارگین دوم اسقف اعظم ارمنه جهان؛ دانیل اورتگا رئیس جمهور نیکاراگوئه؛ عبدالله احمد سامبی رئیس جمهور کومور؛ هون سن نخست وزیر کامبوج؛ رافائل کورا رئیس جمهور اکوادور؛ الهام علی اف رئیس جمهور آذربایجان؛ سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان و صد‌ها تن دیگر از شخصیت‌های سیاسی جهان در دیدار حضوری با رئیس جمهور یا با ارسال پیام تبریک انتخاب مجدد دکتر احمدی نژاد را به ریاست جمهوری اسلامی ایران تبریک گفته و ضمن

آرزوی موفقیت برای وی و ملت ایران دخالت عوامل خارجی را در حوادث اخیر ایران محکوم کردند.

### کشف اسناد توطئه

پلیس اطلاعات و امنیت تهران بزرگ در اطلاعیه ای در تاریخ دوم تیرماه ۱۳۸۸ اعلام کرد: براساس اطلاعات رسیده و تحقیقات به عمل آمده دوشنبه شب ساختمانی واقع در میدان هفت تیر با مجوز قضایی مورد بازرسی قرار گرفت که در آن اسناد توطئه علیه امنیت کشور بدست آمد. پلیس اطلاعات و امنیت تهران بزرگ افزود: پس از بازرسی دقیق این ساختمان که ستاد انتخاباتی یکی از کاندیداها بود، مشخص شد که ساماندهی تجمعات غیرقانونی و تشویق به آشوب و اقدام علیه امنیت کشور، ایجاد جنگ روانی و تشویش اذهان عمومی بوسیله تکثیر سی دی های جعلی و تخریبی و تکثیر نامه جعلی منتسب به وزارت کشور در مورد انتخابات در سطح وسیع در آن فعال بوده است.

در ادامه اطلاعیه ذکر شده است: در این ساختمان اسناد و مدارک ارتباط با رسانه های معاند و دخالت بیگانگان و طراحی توطئه های اخیر کشف گردید که با توجه به اسناد و مدارک مکشوفه، مکان یادشده در واقع به مرکز فرماندهی جنگ روانی علیه امنیت کشور تبدیل شده بود. در پایان این اطلاعیه تأکید شده است توطئه گران در این ساختمان براساس مدارک و اسناد مکشوفه، بازداشت شده اند و هم اکنون در حال بازجویی هستند. ضمن اینکه دو مرکز مشابه دیگر نیز بر مبنای اسناد به دست آمده شناسایی گردید که اطلاعات تکمیلی در این خصوص، متعاقباً اعلام خواهد شد.<sup>۱</sup>

### بازداشت اعضای جریانهای سیاسی وابسته

پیامد گسترش نا آرامی ها و دستگیری برخی چهره های سیاسی شناخته شده؛ و قطع کانالهای هدایتی آشوبگران؛ به مرور موج اغتشاشات فرو نشست. حجت الاسلام والمسلمین طائب فرمانده وقت نیروی مقاومت بسیج در همایش «پیامدها و آسیب های حماسه ۲۲ خرداد» از دستگیری افرادی خبر داد که در جریان اغتشاشات و آشوبهای پس از اعلام نتایج انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران برای انجام خرابکاری لباس پلیس یا بسیج را پوشیده بودند.

<sup>۱</sup> - خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۴/۲

وی در پاسخ به پرسشی در باره اقدامات خرابکارانه پلیس و شکستن شیشه های خودروها گفت: هنوز تصویری در این مورد مشاهده نکرده است اما در طول درگیری ها، پلیس، افراد متعددی که لباس پلیس یا بسیج را پوشیده بودند، دستگیر کرده است. وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی، آمریکایی ها با مشاهده این امر که در طول سه دهه نتوانسته اند با انواع روش ها، ملت ایران را تضعیف کنند، شعار تغییر را مطرح کردند.

### افشاگری عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

عدم پذیرش آرای مردم، قانون شکنی و تجمعات غیرقانونی، سناریویی از پیش طراحی شده بود. سید امیرحسین مهدوی عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی شنبه ششم تیرماه ۱۳۸۸ در جمع خبرنگاران در خبرگزاری ایسنا به بیان جزئیاتی درباره مجموعه فعالیت های فرهنگی و رسانه ای ستاد میرحسین موسوی و نقش برخی عوامل در شکل دهی آشوب های اخیر پرداخت.

وی که در کنگره سال ۸۷ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به عضویت شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی درآمده است و در انتخابات خرداد ماه سال جاری در ستاد مرکزی موسوی به عنوان سردبیر روزنامه اندیشه نو مسئول پوشش اخبار ستاد موسوی بود در این افشاگری اظهار داشت: روندی که از فردای روز انتخابات یعنی ۲۳ خردادماه آغاز شد یک انحراف و گردش مسیر در مجموعه فعالیت هایی بود که بخش عمده ای از آنها متعلق به ستاد میرحسین موسوی بود به طوری که نامزدی با ویژگی های موسوی که اساس حضورش را بازگشت قطار اجرایی کشور بر ریل قانون نامیده بود از شامگاه روز رأی گیری با اعلام نتایج پیش از شمارش آراء و پس از آن با عدم پذیرش نتایج شمارش آراء و عدم تمکین به ساز و کار قانونی برگزاری انتخابات زمینه های ایجاد مشکلاتی را در جامعه فراهم کرد.

سردبیر روزنامه اندیشه نو افزود: گروه های حامی ایشان و سازمانی که من عضو شورای مرکزی آن هستم در قالب ۲ یا ۳ بیانیه با رفتاری مشابه رفتارکاندیدای مورد حمایت خود نسبت به روند قانونی بیان اعتراضات و ارائه آنها به شورای نگهبان بی اعتنایی کرده و پس از آن با منتفی شدن زمان قانونی اعتراض و به ویژه پس از خطبه های ۲۹ خرداد رهبر انقلاب با تهییج مردم و صدور بیانیه های مختلف و با

تشویش اذهان عمومی ملت، تلاش داشته‌اند تا مطالبه خود را پیگیری کنند. و این موضوع از زمانی حادث‌تر شد که در کنار این مجموعه رفتارها، برخی دشمنان قسم‌خورده ملت، خاندان پهلوی و گروهک‌های ضد انقلاب نیز با اعلان علنی و رسمی آن را تشویق و مورد حمایت قرار داده‌اند.

عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با بیان اینکه مدارک و اسنادی رسمی دال بر همراهی و همکاری آنها بر آشوب‌ها به دست آمده است اضافه کرد: عدم تمکین به فرایندهای قانونی راهی جدید را در لیست سیاسی برخی جریان‌ها و گروه‌ها به وجود آورد و انتشار بیانیه‌های پی‌درپی نشان داد که این گروه‌ها دیگر متمایل به حرکت در یک فرایند قانونی و در چارچوب قانون اساسی و ساختار آن نیستند.

وی در پاسخ به پرسشی در خصوص نقش وی و سازمان متبوعش در برخی آشوب‌های اخیر و اساساً مکانیزم و ساختار رفتاری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اظهار داشت: من در شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب عضویت داشته‌ام البته ساختار به این صورت است که اعضای شورای مرکزی به عنوان منتخبین کنگره مجموعه فعالیت‌هایی را پیگیری می‌کند که این مجموعه فعالیت‌ها در قالب‌های دیگری نیز علاوه بر شورای مرکزی در کار گروه‌ها پیگیری می‌شود من دو سال عضو علی‌البدل شورای مرکزی و یک سال عضو شورای مرکزی بوده‌ام و به خاطر سابقه روزنامه‌نگاری اقتصادی در تدوین و تبیین مواضع اقتصادی سازمان نقش داشته‌ام و تقریباً در جریان تمامی تصمیمات و تحرکات نامزدهای ریاست جمهوری بودم. وی در خصوص القای نگرانی نسبت به صیانت از آرای مردم از سوی تشکل متبوعش که این روزها با عنوان عدم سلامت انتخابات و تقلب در این فرایند از سوی میرحسین موسوی پیگیری می‌شود، نیز اظهار داشت: از قبل، فرایندی برای انتشار نظرسنجی‌ها و نتیجه از پیش اعلام شده انتخابات طراحی شده بود و بر اساس این برنامه بود که موسوی ساعت ۲۱ روز ۲۲ خرداد و پیش از اتمام رأی‌گیری در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد در مرحله اول پیروز می‌شود و هر نتیجه‌ای غیر از این نادرست است و نشان می‌دهد که در انتخابات تقلب شده است. عضو ستاد انتخابات موسوی گفت: فضا سازی‌ها در باور عمومی برای القاء تقلب در انتخابات به صورت گسترده پیگیری می‌شد و مدام تکرار می‌شد که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد موسوی پیروز انتخابات است و نوعاً نهادهایی به

عنوان مرجع نظرسنجی معرفی می‌شدند که مورد اعتماد هستند تا کسی خواستار ارائه سند در این زمینه نشود.

مهدوی افزود: تجربه انتخابات سال ۸۴ نشانگر نادرستی تحلیل‌هایی بود که بر عدم صحت انتخابات تأکید داشت و خبرگزاری جمهوری اسلامی در آن دوره، سه روز مانده به رأی‌گیری اعلام کرد که مصطفی معین بالاترین آراء را دارد و با هاشمی رفسنجانی به مرحله دوم انتخابات می‌رود ولی دیدیم که او نفر پنجم انتخابات شد. سردبیر روزنامه اندیشه‌نو ادامه داد: در این دوره انتخابات در مرحله نخست اعلام کردیم که موج سبز در کشور راه افتاده و در مرحله بعد گفتیم که آرای آقای موسوی در حال رشد است و در گام دیگر مدعی شدیم او با آقای احمدی‌نژاد به مرحله دوم می‌رود و بعد هم در جامعه القا کردیم موسوی در مرحله دوم قطعاً پیروز انتخابات خواهد بود اما شخصا هیچ ادله‌ای برای قطعیت این نظریه پیدا نکردیم. "القای این اندیشه به موسوی باوراند که اعلام کند پیروز قطعی انتخابات است و در شرایطی که می‌دانستیم اینگونه نیست و به دلیل حضور ناظران آقای موسوی در قریب به اتفاق صندوق‌ها، نگرانی در زمینه سلامت انتخابات وجود نداشت، تکرار گزاره نگرانی از سلامت انتخابات و تقلب از طریق رسانه‌ها و بیانیه‌های گروه‌های مختلف اصلاح طلب به صورت شفاف پیگیری می‌شد." مهدوی درباره یکی از سایت‌های تخریبی اصلاح طلبان افزود: سایت جمهوریت به صورت روشن منسوب به فرزندان آقای هاشمی رفسنجانی بود و معلوم بود که اداره‌کنندگان این سایت بی‌پروا و صریح از کجا خط می‌گیرند و مشغول پرونده‌سازی گسترده در خصوص عملکرد چهارساله دولت نهم بودند. این عضو ستاد انتخابات میرحسین موسوی اظهار داشت: علاوه بر جلسات مستمر سازمان یافته هفتگی بین بهزاد نبوی و مدیران رسانه‌ها و متولیان سایت‌های اصلاح طلب، سایت‌های خبری به صورت مستقیم از چهره‌های شاخص جریان اصلاحات هدایت و حمایت می‌شدند. وی ادامه داد: آقای موسوی نیمه اسفند سال گذشته وارد عرصه انتخابات شد و ایام نوروز نیز کشور در تعطیلات پانزده روزه به سر می‌برد و عملاً گردآوری آمار و ارقام و آرشیو تصویری برای وی به صورت سازمان یافته بر عهده حامیان پشت پرده او بود.



عضو ستاد انتخابات موسوی گفت: مجموعه فعالان تبلیغاتی موسوی به شکل نامتوازن و بی سابقه به تخریب رقیب او که رئیس جمهور مستقر بود، پرداختند و با آنکه منتقدان وضع موجود در کنار اثبات ادعای خود مبنی بر نامطلوب بودن وضعیت باید علت نامزدی خود را تبیین کنند، موسوی در این زمینه ضعف داشت.

عضو ستاد انتخاباتی موسوی ادامه داد: کسی که وضع موجود را نقد می کند، علاوه بر علت نقد باید بیشتر بگوید چه برنامه هایی دارد و چرا باید مردم او را برگزینند اما آقای موسوی عملاً هیچ برنامه و متن مدونی در این زمینه نداشت و آنچه در مناظره آخر در قالب برنامه در تلویزیون به نمایش درآمد، قطع نظر از نقد محتوا یک نوشتار آشفته بود.

سردبیر روزنامه اندیشه نو ادامه داد: آنچه موسوی انجام داد حجم گسترده تخریب دولت بود و کمپین و حرکت انتخاباتی این مجموعه نیز فاقد گزاره ای دال بر اداره کشور و شعار واحد بود و شعارهایی که در این زمینه داده شد، همچون «انسانم آرزوست» و «ادب مرد به ز دولت اوست»، کسی را به سوی آنچه باید انتخاب کنند رهنمون نمی کرد.

" آنچه موسوی در خصوص جمع آوری گشت ارشاد و یا در خصوص تقویت جایگاه دانشگاه ها مطرح کرد، بخش کوچکی از اداره نیروی انتظامی و نهاد آموزش عالی بود و در واقع نشان می داد در برابر تخریب هایی که علیه دولت صورت می دهد برنامه ای برای ارائه ندارد." سردبیر روزنامه اندیشه نو با اشاره به اعتراضات میر حسین موسوی به نتایج انتخابات، نقطه شروع اعتراضات را شامگاه ۲۲ خرداد عنوان کرد و افزود: جو عمومی داخل ستاد، عدم پذیرش نتایج انتخابات و عدم اعتنا به روند قانونی شورای نگهبان بود و دیدیم که در سه روز پس از انتخابات نیز هیچ گونه شکایتی به شورای نگهبان داده نشد.

وی افزود: آقای موسوی دچار یک ابهام و گره ذهنی شده و از قضاوت تاریخ در مورد خود نگران است؛ او از ابتدا مدعی پیروزی در انتخابات بود و سرمایه ۲۰ سال سکوت خود را وارد میدان کرد و حال با این شکست، پذیرش این مسئله باور پذیر نیست و اگر بخواهد شکست را هم بپذیرد، درست کردن قافیه برای مصراعی که

سروده است بسیار سخت است و همچنین حال که بیانیه‌های تحریک آمیز او باعث کشته شدن تعدادی از افراد شده است، در مجموعه او خود را گرفتار می‌بیند.

### تایید صحت انتخابات دهم

سرانجام شورای نگهبان با بررسی‌های بسیار و رسیدگی به شکایات، صحت انتخابات ریاست جمهوری دهم را تأیید کرد. در نامه آیت‌اله جنتی خطاب به صادق محصولی، وزیر کشور چنین آمده بود: در مورد نتیجه کلی و نهایی دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، روز جمعه مورخ ۱۳۸۸/۳/۲۲، بدینوسیله اعلام می‌نماید پس از آگهی عمومی اعلام شکایات و اعتراضات نسبت به روند رأی‌گیری و برگزاری انتخابات، طبق ماده ۸۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری علاوه بر مهلت قانونی دریافت شکایات، در دوره تمدید پنج روزه نیز نسبت به دریافت شکایات اقدام و متعاقب بررسی‌ها و رسیدگی‌های دقیق و همه‌جانبه، از آنجا که بخش عمده‌ای از موارد اعلامی از مصادیق تخلف یا تقلب انتخاباتی خارج و بعضاً تخلفات مختصری که وقوع آن در اغلب انتخابات مشهود و غیر قابل اعتناء است، سرانجام شورای نگهبان با بررسی موضوع در جلسات عدیده و با وارد ندانستن شکایات و اعتراضات، صحت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری را طبق ماده ۷۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری مورد تایید قرار داد.

دبیر شورای نگهبان در نامه خود افزوده است: شورای نگهبان فرصت را مغتنم شمرده، ضمن تکریم حضور حماسی و فراگیر مردم در برگزاری شکوهمند دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که با تجلی و ظهور جمهوریت نظام در کنار اسلامیت آن، برگ زرینی در تاریخ مردم سالاری دینی ایران اسلامی از خود بجا گذاشت، بر خود فرض می‌داند از تلاش همه‌جانبه وزارت محترم کشور، عوامل اجرایی، همچنین هیاتهای نظارت و رسانه‌های گروهی و بویژه از نامزدهای محترم که با حضور خود گرمی و رونق عرصه رقابت را فراهم آورده اند قدردانی نماید.<sup>۱</sup>

با اعلام رسمی تأیید صحت انتخابات و نیز جدیت دستگاه‌های امنیتی قضایی در مقابله با اغتشاشگران، به تدریج اردوکنشی خیابانی در طی هفته دوم پس از انتخابات

<sup>۱</sup> خبرگزاری فارس

فروکش کرد. اما جریان فتنه بازهم برنامه خود را برای تحریک احساسات مردم و برپایی لشکر کشی خیابانی دنبال کرد.

در ۱۸ تیر ماه، سالگرد حوادث کوی دانشگاه، تحخرکاتی در برخی از خیابان های تهران رخ داد که با اقدام به موقع دستگاههای امنیتی انتظامی، عقیم ماند.

امید بعدی فتنه گران به ۲۶ تیر، یعنی روزی بود که نماز جمعه به امامت هاشمی رفسنجانی برگزار می گردید.



# فصل ششم

## پروژه تقلب و آشوب

### تقلب چگونه طراحی شد؟

همان گونه که پیش از این اشاره شد، تشکیک در سلامت انتخابات یکی از راهبردهای جریان فتنه بود. بر اساس راهبردهای طراحی شده لازم بود تا به بهانه وجود تقلب در انتخابات موج اعتراضات مردمی و اردوکنشی خیابانی به راه افتاده و نظام را به عقب نشینی وا دارد. این چنین مدلی بومی شده از انقلاب مخملی در جمهوری اسلامی ایران اجرا می‌گردید. برای تحلیل این طرح بایستی به جلسه‌ای که یک سال قبل از انتخابات دهم برگزار شد اشاره کنیم. در جلسه کمیسیون تدوین استراتژی حزب مشارکت که در تاریخ ۱۹ تیر ماه ۱۳۸۷ تشکیل گردید پس از بیان مدل های مختلف برای در دست گرفتن قدرت، سعید حجاریان با اشاره به مدل «جین شارپ» برای کودتای مخملی با تأکید بر فشار از پائین و استفاده توده‌ای، آنرا اینگونه تبیین می‌کند: «این راه که یعنی جلوی پارک ملت و اینطور جاها شلوغی راه بیفتند و کم کم از این گوشه و آن گوشه شروع بشود و یک کارگر بشود رهبر برود با رژیم چانه بزند.»

مصطفی تاج زاده ضمن برشماری مدل های در دست گرفتن قدرت در کشور می‌گوید: «راه چهارم هم سلاح آمریکاست و انقلاب مخملی که من موافق راه چهارم هستم، تئوری جین شارپ و براندازی نرم خارجی و اینها هم در همین راه چهارم است» محمد رضا خاتمی می‌گوید: «در عین اینکه پشتوانه داخلی را حساب می‌کنیم پشتوانه خارجی را هم حساب کنیم»

تاج زاده می گوید: «این همان مدل چهارم است، مدلی که در برخی از کشورها بصورت مخملی اتفاق افتاد و دو تا کار می کنند یعنی اینکه شما در جامعه چطوری NGO بزیند و دوم اینکه آمریکا چه کمک هایی برای گسترش روند دموکراسی خواهد کرد.» دبیر کل حزب آقای میر دامادی در این جلسه می گوید: «فقط قرار شد انقلاب مخملی را که می خواهیم صحبت کنیم آنرا بومی کنیم.»<sup>۱</sup>

چنین به نظر می رسید که اعضای این حزب مرعوب نسبت به آمریکا در توهمی بودند که انقلاب اسلامی در معرض سقوط توسط آمریکا است و اگر دیر بجنبند فرصت حضور در حکومت کودتای آمریکایی را از دست می دهد. نتیجه این تفکرات توهم آلود این بود که حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از هر فرصتی برای پیشی گرفتن در راه اندازی کودتای مخملین علیه نظام مردمی جمهوری اسلامی ایران از همه قوا استفاده کرده و نمونه آن فتنه تلخ پس از انتخابات دهم است.

در روزهای نزدیک به انتخابات دهم نیز که نظرسنجی ها از شکست کاندیدای جریان فتنه خبر می دادند، بازهم تیم عملیات روانی این جریان به حرکت تخریبی خود ادامه داد. آن ها به خوبی می دانستند که بازی را باخته اند. سعید حجاریان در اعترافات خود در این زمینه می نویسد: «قبل از انتخابات آقای گودرزی آماری را از ایسپا آورده بود و حاکی از آن بود که اختلاف آنقدر فاحش است که احمدی نژاد نیازی به تقلب ندارد.»

اما بر اساس استراتژی دائمی این جریان که «فشار از پایین و چانه زنی از بالا» بعنوان شعار محوری که بارها توسط سران آن تکرار شده و در سالهای گذشته کرازا به مرحله اجرا گذاشته شده است، به ایجاد سازمانها و گروه های غیر قانونی بدون ثبت در وزارت کشور از جمله تشکیلاتی با اقتباس از روش گلد کوئیستی بنام های سازمان رأی، موج سوم، گروه ۸۸ پرداختند. سعید حجاریان در این باره می گوید: «این سازمان به صورت خوشه ای و مانند گلد کوئیست می باشد. طراح آن آقای میردامادی بود و با طرح آن در دفتر سیاسی ما به آن رأی دادیم و آنرا تایید کردیم»

<sup>۱</sup> - کیفرخواست متهمان حوادث پس از انتخابات

تیم عملیات روانی جریان فتنه حتی چند روز قبل از برگزاری انتخابات به بهانه جشن پیروزی، پیشاپیش از وزارت کشور درخواست تجمع در روز بعد از انتخابات (۲۳ خرداد) کردند.

### سفر مشکوک خاتمی

۱۱ خردادماه ۱۳۸۸ یعنی درحالی که ۱۱ روز به انتخابات مانده بود رسانه‌ها از سفر سید محمد خاتمی به تونس خبر دادند. هنگامی که خاتمی برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی «گفت و گوی تمدن‌ها و تنوع فرهنگی» به تونس رفت، همگان گمان کردند که وی صرفاً جهت بیان دیدگاه شخصی درباره یک موضوع فرهنگی تهران را ترک کرده است.

شنیده‌ها اما حاکی بود که خاتمی علاوه بر تونس برای سفر ۵ روزه خود مقصد دیگری نیز در نظر داشته است و خاتمی به آن پس از ترک تونس به قاهره پایتخت مصر، رفته بود.

قصد خاتمی از سفر به مصر البته اگرچه مانند اصل سفر وی اعلام نشد اما همزمانی آن با سفر رئیس جمهور آمریکا و یک تیم از مقامات عالی‌رتبه همراه وی به مصر می‌توانست مشخص کند که خاتمی از این سفر چه هدفی داشته است؟

باراک اوباما پنج شنبه ۲ هفته پیش، مصادف با ۱۴ خرداد ماه در صدر یک هیئت عالی‌رتبه به قاهره رفته بود. در این زمینه شنیده‌های خبرنگار ما حاکی است که خاتمی پس از ورود به قاهره، شخصاً ملاقات‌هایی با یک تیم عالی‌رتبه از مقام‌های امریکایی حاضر در قاهره داشته است.

اگرچه «به کلی سری» بودن این ملاقات مخفیانه و محرمانه مهمترین مانع برای درز اطلاعات و سخنان رد و بدل شده در آن شد اما آنچه که از منابع نزدیک به خاتمی در این مورد گفته شد، مشخص می‌کرد که سخن اصلی در این ملاقات درباره انتخابات ریاست جمهوری دهم بوده است. «عدم حمایت از اصلاح طلبان تا پیش از انتخابات» و همچنین «حمایت نرم از اعتراض آنان در صورت شکست انتخاباتی» از جمله پیشنهادهای خاتمی در این جلسه بوده است.

در این زمینه همچنین گزارش خبرگزاری فارس حاکی است که خاتمی در این جلسه همچنین اطلاعات و برآوردهایی درباره نتیجه انتخابات به مقامات امریکایی داده

و گفته که میرحسین موسوی در نظرسنجی‌ها وضعیت خوبی نداشته و در انتخابات شکست خواهد خورد، در مقابل هیئت آمریکایی توصیه‌هایی را در این باره به خاتمی برای پس از برگزاری انتخابات مطرح کرده‌است.

البته حضور شخص "باراک اوباما" در این جلسه قابل اثبات نیست. گفتنی است خاتمی پس از پایان سفرش به مصر به استانبول رفت و از آنجا با پرواز هواپیمایی ترکیه، ساعت یک بامداد شنبه ۱۶ خردادماه ۱۳۸۸ خود را به تهران رساند.

### ستاد قیطریه

در منطقه قیطریه ستادی تشکیل گردید که منشاء فعالیت‌های غیر قانونی گسترده، مانند پخش شایعات، تخریب علیه سایر کاندیداها، راه اندازی و هدایت گروه‌های غیر قانونی و کشیدن آنها به خیابانها، راه‌اندازی شبکه تلویزیونی غیرقانونی، ارتباط با ایستگاه پخش تلویزیون BBC فارسی و آغازگر و هدایت کننده اغتشاشات و درگیریهای خیابانی شد و نقش اساسی در سوق دادن جریان یکی از کاندیداها ناکام به سمت افراطی‌گری و آشوب داشت.

مطالعه گزارش موثق کاملاً مستندی که در جلسه ساعت ۱۸:۰۰ روز ۲۱ خرداد ۸۸ در محل ستاد قیطریه به ریاست آقای امین زاده تشکیل شده در اینجا نقش این ستاد را روشن تر می‌کند:

در این جلسه که با ترکیب چند تن از اعضای اصلی یا مرکزیت حزب مشارکت از جمله آقایان تاج زاده، مرتضی مبلغ، شهاب الدین طباطبایی، خانم توحید لو و همچنین مرکزیت سایر احزاب مانند کارگزاران و مجاهدین انقلاب از جمله آقایان عطریانفر، هدایت آقایی، عرب سرخی و علی هاشمی و با حضور مسئولان شاخه‌های جوانان و گروهک‌های غیر قانونی خود ساخته برای حضور خیابانی مانند ستاد ۸۸ و پوشش تشکیل می‌گردد ابتدا علی هاشمی<sup>۱</sup> با ارائه نظرسنجی مجعولی که هیچکدام از مراکز معتبر نظرسنجی کشور صحت آنرا نمی‌پذیرند و مغایرت فاحشی با نظر سنجی‌های علمی معتبر انجام شده در کشور دارد و بیشتر به یک نظرسازی برای دنبال کردن مقاصد خاص شباهت دارد تلاش می‌کند اکثریت اعضای جلسه را که جوانان ناپخته و

<sup>۱</sup> - برادزاده آقای هاشمی رفسنجانی و عضو شورای مرکزی کارگزاران سازندگی



تازه وارد به عرصه سیاسی بوده اند را به اوج هیجان و آمادگی برای درگیری پس از انتخابات برساند. علی هاشمی می گوید: "در مجموع موسوی ۱۸ میلیون و احمدی نژاد ۱۰ - ۱۱ میلیون رأی دارد و اگر غیر از این شود حتماً تقلب شده است و باید به یک سری کارهایی دست بزنیم».

به دنبال این گزارش های مجهول و تحریک شده جوانان حاضر در جلسه که بنابه اقتضای طبع جوانی شور عدالتخواهی بیشتری دارند واکنش های تند و شدیدی را در ساعات پس از رأی گیری پیشنهاد می دهند لکن آقای تاج زاده عضو مرکزیت حزب مشارکت با آرام سازی آنان و نفی اجتماعات در شب انتخابات آنرا به روز بعد از انتخابات موکول می کند و اظهار می دارد: «ما نباید شروع کننده باشیم باید ببینیم موسوی چه می گوید و بر همان اساس اعتراضات را دنبال کنیم».

فردای همان روز موسوی خبرنگاران را به کنفرانس خبری دعوت کرد و رسماً اعلام پیروزی نمود. ارتباط جمله تاج زاده با اظهارات پیش گفته میر حسین موسوی خود می تواند روشنگر ابعاد هماهنگی ها برای چگونگی هدایت آشوب ها و اعتراضات غیر قانونی باشد.

### آشوب از قیطره کلید می خورد!

به دنبال پنخس برنامه های تلویزیون غیر قانونی که از محل ستاد قیطره منتشر می شد و برخلاف قانون انتخابات حتی در ساعات رأی گیری مشغول تبلیغات انتخاباتی بود و بدتر از آن، اینکه ارتباط مستقیمی بین این شبکه و تلویزیون استعماری بی.بی.سی برقرار شده و عملاً این ستاد را به مجموعه ای تبلیغاتی در اختیار دستگاه تبلیغاتی رژیم انگلیس در آورده بود. ساعت ۱۸:۰۰ روز جمعه ۲۲ خرداد زمانیکه هنوز رأی گیری جریان داشت گروهی از ماموران انتظامی برای بستن این شبکه غیر قانونی به محل مراجعه نمودند که با مقاومت و سپس گروگانگیری توسط عوامل ستاد مواجه شدند سپس مسئولان ستاد قیطره با فراخوان هواداران خود که از پیش برای درگیری آماده شده بودند، تلاش کردند راه را بر اعمال قانون توسط مأموران ببندند و این تجمع شروع اغتشاشاتی بود که بسیاری از دستاوردهای امنیت ملی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این انتخابات شکوهمند را به آتش کشید.

آقای امین زاده در همان شرایط می‌گوید: «عده‌ای از مأمورین اینجا ریخته‌اند و دارند بازرسی می‌کنند. خبر این حمله پخش شده چند هزار نفر جلوی ستاد جمع شده‌اند. خوب شد که اینها آمده‌اند، احتمالاً پیروزی موسوی اعلام می‌شود و اینها می‌توانند به بزرگراه صدر بروند و از آنجا کل اتوبانها تحت تاثیر قرار می‌گیرد، اگر هم موسوی اعلام نشد حتماً بعنوان اعتراض به خیابانها می‌ریزیم.»

### مصاحبه‌ای که نقشه را لو داد

همزمان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، سایت هفته نامه تایم مصاحبه‌ای با میرحسین موسوی را منتشر کرد که مطالب این مصاحبه را با توجه به وقایع بعدی، می‌توان مانیفست و برنامه جریان معترض به انتخابات دانست. در قسمتی از این مصاحبه، تایم می‌نویسد: "او موکداً ابراز داشت که تجمعات خیابانی چشمگیر هفته‌های گذشته احتمالاً ماهیت ساختار قدرت را به نحوی بنیادین دگرگون خواهد ساخت و در واقع این اتفاق با فشار بر رهبر نسبت به پذیرش بیشتر افکار عمومی رخ خواهد داد. ما پرسیدیم اگر انتخابات را ببازد، آن وقت چه می‌شود. [او پاسخ داد:] «تغییر از مدتی قبل آغاز شده است. تنها بخشی از آن به پیروزی در انتخابات مربوط می‌شود و بخش‌های دیگر ادامه خواهند یافت و هیچ عقب‌گردی در کار نخواهد بود»<sup>۱</sup>.

این مصاحبه البته هفت ماه بعد به طور ضمنی تکذیب شد. البته این تکذیب فاقد ارزش بود چرا که ابوالفضل فاتح در آن نامه "مصاحبه کوتاه مهندس موسوی با تایمز لندن" از قول خود آقای موسوی را تکذیب کرد. در حالی که مصاحبه آقای موسوی با مجله تایم (که یک هفته نامه امریکایی است) می‌باشد، و نه روزنامه تایمز لندن؛ و مسئول اطلاع رسانی ستاد موسوی و مدیرعامل اسبق ایسنا تفاوت این‌ها را نمی‌دانست ...

### شکست در انتخابات و جلسه با کمیته X

همانطور که اشاره شد در شامگاه روز ۲۲ خرداد و پیش از اعلام نتایج شمارش آرا، در حالی که در برخی صندوق‌ها اخذ رأی در حال انجام بود، آقای موسوی یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار کرد و در آن، ضمن ادعای پیروزی قطعی در انتخابات، از بروز تخلفاتی گفت که آنها را پیگیری خواهد کرد، و جالب آنکه همانند مصاحبه با تایم

<sup>۱</sup> - مصاحبه مجله تایم با مهندس موسوی روز قبل از رای‌گیری، سایت الف، ۲ تیر ۱۳۸۸

اضافه کرد: "در این خصوص هیچ راهی برای برگشت وجود ندارد" و بدین ترتیب اتهام «تقلب» وارد فاز اجرایی شد.

او پس از اعلام رسمی نتایج موسوی رسماً بر وجود تقلب در انتخابات تأکید کرد: «نتایجی که برای دهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد بهت آور است. مردمی که در صف های طولانی اخذ رأی شاهد ترکیب آرا بودند و خود می‌دانند که به چه کسی رأی داده اند با حیرت تمام به شعبده بازی دست اندرکاران انتخابات و صدا و سیما نگاه می‌کنند.»<sup>۲</sup>

او همچنین ادعا کرد که تسلیم «این صحنه آرای خطرناک» نخواهد شد: «اینجانب ضمن اعتراض شدید به روند موجود و تخلفات آشکار و فراوان روز انتخابات هشدار می‌دهم که تسلیم این صحنه آرای خطرناک نخواهم شد... به مسوولان توصیه می‌کنم بیش از آن که دیر شود این روند را فوراً متوقف کنند و همگی به خط قانون و امانتداری از آرای ملت بازگردند و بدانند که خروج از عدالت مشروعیت زداست.... کمترین پیام انقلاب ما این است که مردم آگاهند و در برابر کسانی که با تقلب روی کار بیایند تمکین نخواهند کرد.»

ساعت ۱۰ صبح ۲۳ خرداد افراطیون حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب به ستاد مرکزی موسوی واقع در خیابان فاطمی خیابان جویبار کوچه پیرهادی رفته تا با جلسه‌ای در حضور موسوی نخستین گام‌های پروژه آشوب را کلید زنند.

منابع خبری گزارش دادند که در این جلسه افرادی نظیر بهزاد نبوی، مصطفی تاج زاده و محسن امین‌زاده حضور داشتند. منابع خبری تصمیمات این جلسه را صدور بیانیه شدیدالحن میرحسین موسوی در زیر سؤال بردن انتخابات و نیز قرار مصاحبه تند وی در کنفرانس مطبوعاتی ساعت ۱۴ امروز (۲۳ خرداد) در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی دانستند.<sup>۳</sup>

همچنین برخی منابع خبری گزارش دادند که این کمیته، برگزاری تحصن را به عنوان راهکار جدید پیشنهاد داده و به منظور تحریک فضای عمومی جامعه و افزایش

<sup>۱</sup> - کنفرانس خبری و بیانیه میرحسین موسوی در شب ۲۲ خرداد ۸۸، به نقل از خبرگزاری مهر

<sup>۲</sup> - موسوی، ۲۳ خرداد ۱۳۸۸

<sup>۳</sup> - جهان نیوز، ۲۳/۰۳/۸۸

دامنه اغتشاشات خواستار برگزاری تحصن در حرم امام(ره) و یا حسینیه جماران شده است. یکی از اعضا در این جلسه حمایت قدرت‌های خارجی از تحصن و حرکت‌های به ظاهر مدنی را اعلام کرده است.<sup>۱</sup>

### جلسه سران فتنه

موسوی سپس به جلسه سران فتنه رفت. در همان ابتدای کار سران فتنه همبستگی خود را با موسوی در پیشبرد استراتژی جدید اعلام کردند. در پیش از ظهر شنبه ۲۳ خرداد جلسه‌ای با حضور هاشمی، موسوی و خاتمی برگزار گردید.

محمد علی ابطحی رئیس دفتر سابق خاتمی در باره این جلسه می‌گوید: «یکی از آنها جلسه مشترکی بود که آقای مهندس موسوی و آقای هاشمی رفسنجانی و آقای خاتمی روز شنبه درست بعد از روز انتخابات برگزار کردند. در این روز توسط این مجموعه حمایت بسیار جدی از آقای مهندس موسوی شکل گرفت»<sup>۲</sup>

ابطحی علت ورود این سه نفر به این مسئله می‌گوید: «آقای خاتمی از سر خیانت وارد این ماجرا شد. آقای هاشمی رفسنجانی از سر انتقام‌گیری وارد این ماجرا شد. اما واقعا آقای موسوی نمی‌دانست در مملکت چه خبراست، این را می‌شد حدس زد و به همین دلیل من می‌گویم از سر نادانی.... آقای خاتمی درست برعکس، اقتدار دولت، اقتدار نظام، اقتدار قدرت‌های انتظامی، نظامی، قضائی، اقتدار معنوی امام در کشور، اینها همه را می‌دانست، ولی در عین حال برای انتقام از شکست خودش که در آن شرایط از آقای موسوی حمایت کرده بود، آقای موسوی را بر کوبیدن این طبل وادار و حمایت کرد.

آقای هاشمی رفسنجانی هم که من معتقدم انتقام از آقای احمدی نژاد در مرحله اول به دلیل اختلافات این چند ساله و درگیری‌هایی که با همدیگر داشتند و به نوعی هم انتقامی از رهبری من تلقی می‌کنم، یعنی در حقیقت با واسطه انتقام رهبری و بدون واسطه انتقام از آقای احمدی نژاد که اینها دلایل این اتفاقات بود... برای آقای هاشمی رفسنجانی رقابت با آقای احمدی نژاد و نبودن آقای احمدی نژاد یک اصل غیر قابل اجتناب، بود»

<sup>۱</sup> - خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۳/۲۴

<sup>۲</sup> - متن کنفرانس خبری ابطحی پس از دادگاه اول حوادث پس از انتخابات

او هم چنین از ارتباط گیری این جمع با برخی از روحانیون برجسته خبر می‌دهد: «بعد از همان جا به حوزه علمیه قم پیام داده شد که شماها اگر حمایت بکنید در این شرایط بسیار مهم است. بعضی از مراجع از حوزه علمیه قم مثل آیت الله صانعی پیغام دادند که شما از ما بخواهید ما حمایت می‌کنیم، سپس نامه به آیت الله صانعی و به بقیه مراجع نوشتند که حمایت حوزه علمیه قم را بگیرند.»

در پی این جلسه دو جلسه دیگر نیز برگزار می‌گردد. نخست جلسه مجمع روحانیون مبارز که در بعد از ظهر همان روز تشکیل گردید. ابطحی می‌گوید: «مجمع روحانیون مبارز همون روز بعد از ظهر جلسه گذاشت و در جلسه اش ابطال انتخابات رو خواست،»

او همچنین خاطره‌ای از آن جلسه بازگو می‌کند که شنیدنی است: «خودم تو جلسه مجمع روحانیون مبارز بودم که وابسته به امام، همه اعضای آن روحانی بودند، نکته جالب این که آقای مجید انصای که عضو مجمع تشخیص مصلحت و عضو دفتر امام بود، دنبال نوشتن یک بیانیه بود به سرعت راجع به حمایت از آقای موسوی همان روز شنبه و بعد می‌گفت فوری این را ما می‌گذاریم روی سایت مجمع، دو دقیقه بعدش (روی) سایت قلم نیوز (گذاشته می‌شود) که باز متعلق به آقای مهندس موسوی بود و یکی از طرفداران ارزشی مسئولش بود. آنجا که گذاشتند بعد از سه دقیقه از روی سایت قلم نیوز زیرنویس بی.بی.سی می‌شود، یعنی این مسیر با این سرعت شکل می‌گیره برای یک مجموعه یا برای یک جریان ارزشی...»<sup>۱</sup>

بیانیه مذکور چنین بود: «مجمع روحانیون مبارز در جلسه‌ای فوق العاده به این نتیجه رسید که برای دفاع از جمهوریت نظام و بازگرداندن اعتماد عمومی و نگاهبانی از موج آشتی ملی با صندوق های رأی، ابطال این انتخابات و تجدید آن در فضایی عادلانه تر و منطقی تر راهکار مناسب است یا دست کم تعیین هیئت بی طرف و کاردان و شجاع برای حقیقت یابی و اعلام نظر نهایی به ملت و رهبری تصمیمی درست در جهت آرمان های والای انقلاب و اندیشه های حضرت امام و تقویت اعتماد ملی است.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - همان

<sup>۲</sup> - سایت کلمه ۸۸/۳/۲۴

آقای ابطحی به نقش محتشمی پور نیز تصریح می‌کند: «من اعتقاد این است که محتشمی پور ضربه بزرگی به مهندس موسوی وارد کرد، او در جلسه ۲۳ خرداد مجمع اعلام نمود؛ من به مهندس موسوی گفته‌ام که نگران نباش ما آنقدر سند در مورد تقلب داریم که می‌توانیم مسیر انتخابات را تغییر دهیم. آقای مهندس موسوی به دلیل بی تجربگی و دور بودن از صحنه سیاسی زود تحت تأثیر قرار می‌گیرد.»

ابطحی در ادامه گفته فوق افزود: «۲ روز بعد از انتخابات از موسوی لاری در زمینه تقلب پرسیدم که در جوابم گفت؛ محتشمی پور چرند می‌گوید زیرا تغییر در آراء موسوی بیشتر از ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار نخواهد بود.»

جلسه محفلی دیگری که همان روز تشکیل گردید جلسه درون گروهی حزب مشارکت بود. بر اساس مستندات که بعدها به دست مسئولین قضایی و امنیتی رسید، در این جلسه فریده ماشینی (رئیس کمیسیون زنان حزب) می‌گوید: «الان بعضی از بچه های خودمان این ذهنیت را دارند که شاید اصلاً تقلبی صورت نگرفته باشد، ولی تقلب باید تأکید شود.»

محسن میردامادی در ادامه اظهار می‌دارد: «وارد مصادیق تقلب نخواهیم شد. در این تردیدی نیست که نتیجه که اعلام شده واقعی نیست.»

زهره آغاجری در این زمینه بیان می‌دارد: «شوری که ایجاد کردیم خود موسوی ایجاد نکرده، جوانانی که الان دارند بیرون کتک می‌خورند، مسئولشان ما هستیم چون همه را ما آوردیم و ما آنها را وارد صحنه کردیم. ما باید کار عملی کنیم، فراتر از بیانیه و دیدگاه اصلی، حکومت داری را از امروز بیان کنیم.»

جلایی پور می‌گوید: «باید کارهای پشت پرده مان خیلی بیشتر از روی پرده باشد.» محسن صفائی فراهانی در تحریک دیگران به اقداماتی فراتر از بیانیه، خطاب به اعضای شورای مرکزی می‌گوید: «آن بچه ای که امروز دارد در خیابان چوب می‌خورد، آن بچه‌ای که تیر خورده مقصرش من هستم، شما هستید. آن بچه‌ها که سیاسی نیستند. شما که دور این میز نشسته اید سیاسی هستید، شماها آنها را تحریک کردید راه بیافتند.»<sup>۱</sup>

این‌ها در حالی بود که صحنه گردانان پشت صحنه خود به خوبی واقف بودند که تقلبی صورت نگرفته است.

<sup>۱</sup> - متن کیفرخواست متهمین حوادث پس از انتخابات

مصطفی تاج زاده که خود زمانی معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات کشور بود در اعترافات خود می گوید: «تقلب در انتخابات وجهی نداشت اما به محض اینکه انتخابات تمام شد و من از بچه های استانها سؤال کردم احساس کردم که انتخابات را باخته ایم ولی فاصله را ۳ به ۱ نمی دانستیم.»

همین نکته در اظهارات یکی دیگر از متهمین آمده است: «... در جلسه روز شنبه مورخ ۸۸/۳/۲۳ با آقای تاج زاده و تعدادی از دوستان دیگر در ستاد ائتلاف اصلاح طلبان در محل ستاد آقای تاج زاده با حالتی بهت زده و خاص حضور داشتند. از ایشان دو سؤال مطرح کردم سؤال اول: اوضاع رأی آقای موسوی چطور است؟ ایشان گفتند: "رأی آقای موسوی خوب نیست و آقای احمدی نژاد قطعا در دور اول پیروز انتخابات خواهد بود. سؤال دوم: به نظر شما تقلب شده؟ که ایشان پاسخ دادند: من با همه استانها جز استان اردبیل تماس گرفته ام نتایج اعلام شده با نتایجی که ما داشتیم هیچ تفاوتی نمی کند و تقلبی صورت نگرفته است.»

اما جریان فتنه ترجیح داد که با تأکید بر تقلب و بدون ارائه مستند پروژه آشوب را به اجرا در آورد.

البته بیان کلی تقلب در انتخابات توسط برخی شخصیت‌ها و احزاب جریان فتنه بدون ارایه اسناد و مدارکی در این خصوص و حتی پیگیری از مجاری مربوطه، مستمسکی در دست رسانه‌های بیگانه قرارداد تا با کلی گویی بر طبل عملیات روانی علیه انقلاب اسلامی هر چه بیشتر بکوبند. همانطور که مشخص است عملیات روانی در این بخش از طریق کلی گویی در زمانی خاص بدون سند و انتشار این نامه در رسانه‌های مکتوب و الکترونیکی فقط در جهت تحریک احساسات و جهت دهی افکار مخاطبین صورت می گیرد.

در ادامه به گزاره های تبلیغاتی جریان فتنه در خصوص تقلب توجه نمائید:  
«تخلفاتی که در دهمین انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفته است بسیار جدی است و رنجش عمیق شما کاملاً به حق است.»<sup>۱</sup>

«... تجمع عظیم و بی سابقه شما در روز ۲۵ خرداد که در دفاع از حق صیانت از رأیتان و دفاع از جمهوریت و اسلامیت نظام انجام گرفت اصحاب دروغ را آنچنان به خشم آورد که تحمل نیاوردند و کوشیدند شیرینی این همایش پرشکوه را با برخوردهای سبانه به کام دوستداران ایران عزیز تلخ کنند...»<sup>۱</sup>

«هرچند نتیجه آن را طوری دیگر جلوه دادند و با وارونه نشان دادن نتیجه آن خود را بناحق و همانند سایر موارد فاتح این عرصه هم معرفی کردند؛ ولی شور و شعور اجتماعی ملت ایران در حافظه تاریخ خود این بی عدالتی و قانون شکنی را باور نخواهد کرد.»<sup>۲</sup>

«اما آن چنان که می دانید همگی ما در راه این تجدید حیات ملی و تحقق آرمان هایی که در دل و جان پیر و جوان ما ریشه دارند با دروغ و تقلب روبرو شدیم و آن چیزی که از عواقب قانون گریزی پیش بینی کرده بودیم به صریح ترین شکل ممکن و در نزدیک ترین زمان تحقق یافت... اگر حجم عظیم تقلب و جابه جایی آرا، که آتش به خرمن اعتماد مردم زده است، خود دلیل و شاهد فقدان تقلب معرفی شود، جمهوریت نظام به مسلخ کشیده خواهد شد... ما با کجروی ها و دروغ گویی ها روبرو هستیم و در پی اصلاح آنیم؛ اصلاحی با برگشت به اصول ناب انقلاب اسلامی.»<sup>۳</sup>

بیانیه شماره ۵ میرحسین موسوی خطاب به مردم ایران: «نگذارید دروغگویان و متقلبان پرچم دفاع از نظام اسلامی را از شما برابیند.»<sup>۴</sup>

«همان ها هستند که هنوز با اتکاء به امکاناتی که متعلق به عموم مردم است در راستای منافع گروهی خود بی پروا به دروغ گویی و پرونده سازی برای دیگران ادامه می دهند.»<sup>۵</sup>

جالب آن است که تیم عملیات روانی جریان فتنه، از تاکتیک تکرار و پیگیری در مسئله تقلب در انتخابات استفاده نمودند که به کرات توسط رسانه های خارجی و شبکه های ماهواره ای و اینترنتی از قول افراد وابسته به این جریان فکری و عوامل تبلیغی آنان و برخی از کاندیداها به فراوانی مطرح شد. برخی نقل و قولها از این جنس اند.

۱ - موسوی/۳/۲۷/۸۸

۲ - نامه موسوی به شورای نگهبان ۳۰ خرداد ۱۳۸۸، سایت قلم

۳ - موسوی، سایت کلمه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸

۴ - موسوی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸، سایت کلمه

۵ - بیانیه شماره ۸ موسوی



«معترضان به تقلب وسیع صورت گرفته در انتخابات، به قانون شکنی متهم می‌شوند.»<sup>۱</sup>  
 (واقعیتی که آنان بیهوده تلاش می‌کنند نادیده انگارند آن است که در این انتخابات  
 تقلبی بزرگ اتفاق افتاده و پس از آن، معترضان به این وضعیت به گونه‌ای غیرانسانی  
 مورد هجوم قرار گرفته و کشته، زخمی و یا بازداشت شده‌اند... از مجموع آرای ریخته  
 شده در صندوقها تنها یک رأی متعلق به من است و شما به خوبی می‌دانید که مشکل  
 آنها با میلیونها رأی است که جوابی برای سرنوشت آنها ندارند.»<sup>۲</sup>

زهره رهنورد هم در گفت‌وگویی با شبکه ماهواره‌ای دولت انگلیس (B.B.C) مهم‌ترین  
 دلایل تقلب در انتخابات دهم ریاست جمهوری را تشریح کرد. او در اظهاراتی  
 مضحک! در تشریح بداهت پیروزی موسوی و وضوح تقلب در انتخابات گفت: «یک  
 سری نقاطی هستند که اصلاً مشخص است که خودش ملاک تشخیص نادرست بودن  
 نتایجی است که وزارت کشور اعلام کرده است. مثلاً آذربایجان و ترک‌زبان‌ها هیچ  
 وقت فرزند خودشان را نمی‌گذارند که به کس دیگری رأی بدهند.»

«لیندسی گراهام» سناتور جمهوری خواه آمریکایی هم ادعا کرد: حقیقت این است که  
 این انتخابات تقلبی بوده است و مردم در ایران در تلاش هستند تا بی پرده سخن  
 بگویند و ما نیاز داریم تا به آنها کمک کنیم.»

همچنین احزاب محوری جریان فتنه نیز با صدور بیانیه‌هایی نقش خود را در پیشبرد  
 این پروژه ایفا نمودند.

مرور نکته‌های محوری بیانیه‌های حزب مشارکت این مسئله را روشن‌تر می‌سازد:  
 «جبهه مشارکت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری تماماً مخدوش و غیرقابل  
 دفاع است و خواستار ابطال انتخابات شده‌اند.»<sup>۳</sup>

«مردم انتظاری جزء این ندارند که مشروعیت دولت برآورده از تقلب در ارکان نظام  
 به رسمیت شناخته نشود.»<sup>۴</sup>

۱ - بیانیه شماره ۷ موسوی

۲ - بیانیه شماره ۸ موسوی

۳ - پایگاه اطلاع رسانی نوز، بیانیه مورخ ۸۸/۳/۲۵ جبهه مشارکت

۴ - همان، بیانیه مورخ ۸۸/۴/۲۷ جبهه مشارکت

«نظام جمهوری اسلامی در آستانه ورود به دهه چهارم عمرش عملکردهایی را از خود به نمایش گذاشته است که نه تنها هیچ غرابتی با این ارزشهای الهی و اخلاقی ندارد بلکه فقط به رفتار حکومت طاغوتی استبدادی شبهات دارد.»<sup>۱</sup>

همچنین سازمان مجاهدین انقلاب که عنصر کلیدی آن یعنی بهزاد نبوی در رأس کمیته به اصطلاح صیانت از آرا بود نیز با صدور بیانیه هایی این پرژه را پیش برد. بیانیه مورخ ۸۸/۳/۲۴ به مناسبت نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم سند دیگری است که نقش این سازمان را در بحران سازی و تشویش اذهان با هدف تشکیک در سلامت انتخابات و مخدوش نمودن مشروعیت نظام نشان می دهد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «آنچه در این انتخابات رخ داده علاوه بر تقلبات و تخلفات گسترده و بی سابقه در صندوق های رأی، سوء استفاده حداکثری از تمامی امکانات و فرصت های در اختیار برای مهندسی آراء و رأی سازی بود.»

همچنین سازمان مجاهدین با صدور اطلاعیه ای درخصوص دستگیری بهزاد نبوی در مورخ ۸۸/۳/۲۳ هم نوا با ضد انقلاب و دشمنان خارجی و شبکه هایی مانند BBC فارسی و VOA (صدای آمریکا) انتخابات را رسوا اعلام می دارد و چنین می گوید: «در پی انتخابات، رسوایی اخیر که در محافل سیاسی داخلی و خارجی از آن به عنوان کودتای نرم علیه مردمسالاری و جمهوریت در ایران یاد می کنند، اقتدارگرایان حاکم در اقدامی وقیحانه در سطح وسیعی اقدام به دستگیری فعالان سیاسی منتقد و مخالف دولت کرده اند.»

در ادامه نویسنده بیانیه می افزاید: «بی شک موج دستگیری فعالان سیاسی خطای بزرگ دیگری در ادامه بدعت و خطای مصادره آراء مردم در انتخابات، رسوایی دهم است.» سازمان مجاهدین طبق روال از ادبیات ابهام آلود و مغرضانه ای در بیانیه های خود استفاده می نماید که کل حاکمیت را نشانه گرفته است. در همین رابطه در بیانیه مذکور و دیگر بیانیه ها کرارا از عبارت "اقتدارگرایان حاکم" استفاده شده که ذیلا به نمونه ای از آن اشاره می گردد: «ما به اقتدارگرایان حاکم هشدار می دهیم به خود آیند و برای حفظ قدرت و تحقق امیال حقیر خود سرنوشت نظام و ملت ایران را به بازی نگیرند.»

۱ - همان، بیانیه مورخ ۸۸/۵/۱۴ جبهه مشارکت

سازمان مجاهدین هیچگاه مصادیقی برای اقتدارگرایان حاکم نام نبرده و با این عبارت مبهم و کلی قصد تشویش اذهان عمومی را داشته و همچنان به مشی گذشته اصرار می ورزد که صدور بیانیه های زنجیره ای و تکرار تقلب در انتخابات مؤید این مدعاست.

در ادامه گزیده ای از بیانیه ها و اطلاعیه های صادره از سوی سازمان مجاهدین انقلاب که در آن به وضوح القای جعل و تقلب در انتخابات و تشویق و تحریک به آشوب و بلوا و ایجاد فتنه، مطرح گردیده است، به عنوان نمونه آورده شده:

«ما ضمن حمایت مجدد جناب آقای میرحسین موسوی و تقدیر و تشکر از ایستادگی و تلاش مجدانه ایشان برای صیانت از آراء ملت و تجدید انتخابات از مردم بزرگ ایران می خواهیم اعتراضات و تحرکات خود را براساس اصول و محورهایی که ایشان در اطلاعیه های خویش اعلام کرده اند سامان دهند.»<sup>۱</sup>

«در نتیجه این انتخابات نه تنها از نظر میزان مشارکت بلکه از نظر گستردگی و انواع تقلبات در تاریخ ایران کم نظیر و بلکه بی نظیر است.»<sup>۲</sup>

«در ایران انتخاباتی برگزار شده است، و انبوهی از مردم بزرگوار که آن حماسه حضور را آفریدند، نتیجه اعلام شده را باور ندارند و به آن معترض اند. تمام ظرفیت علیه اعتراضات مشروع و قانونی شما علیه تخلفات و تقلبات گسترده در جریان انتخابات ریاست جمهوری دهم بسیج شده اند. اقتدارگرایان می کوشند ضمن وارونه نمایی حقایق و تحریف واقعیات ضمن جاهت و مشروعیت بخشیدن به انتخاباتی که به عنوان تجسم کامل قانون شکنی و بدعهدی و بی رسمی در تاریخ این کشور ثبت خواهد شد.» «سازمان مجدداً تأکید می کند دولت برآمده از انتخاباتی که صحت و سلامت آن از سوی بخش عظیمی از ملت ایران مخدوش و مردود اعلام شده و بر موج گسترده اعمال خشونت علیه شهروندان شکل می گیرد فاقد جاهت قانونی است.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - پایگاه اطلاع رسانی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، بیانیه مورخ ۸۸/۳/۲۶ سازمان مجاهدین انقلاب

<sup>۲</sup> - همان، بیانیه مورخ ۸۸/۳/۲۴ سازمان مجاهدین انقلاب

<sup>۳</sup> - همان، بیانیه مورخ ۸۸/۳/۳۱ سازمان مجاهدین انقلاب

«دولت برآمده از انتخاباتی که ملت صحت آن را نپذیرفته و بر ابطال آن پای می فشارد، فاقد مشروعیت و وجاهت قانونی است.»<sup>۱</sup>

### طرح کلی توطئه

در مجموع می‌توان موارد زیر را به عنوان بخش‌های مختلفی از سناریوی کودتای مخملین فتنه گران برشمرد:

- ۱) طرح دروغ بزرگ تقلب در انتخابات؛
- ۲) درخواست ابطال انتخابات؛
- ۳) بیانیه نویسی و صدور اطلاعیه‌های زنجیره‌ای؛
- ۴) آغاز اردوکنشی‌های خیابانی و کشاندن هواداران به خیابان‌ها؛
- ۵) ناامن سازی و ایجاد اغتشاشگری و تخریب اموال عمومی؛
- ۶) حمله به مراکز نظامی و انتظامی و ضرب و شتم و قتل نیروهای انتظامی و امنیتی؛
- ۷) تلاش برای مستندسازی دروغ بزرگ "تقلب"؛
- ۸) فرصت سوزی و عدم استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای رسیدگی به تخلفات انتخابات و عدم ارائه مستندات قابل قبول برای اثبات ادعای تقلب؛
- ۹) بزرگ نمایی و متهم کردن نظام اسلامی به کشتار مخالفین؛
- ۱۰) متهم کردن نظام اسلامی به تجاوز در زندانها؛
- ۱۱) متهم کردن نهادهای قانونی کشور به ناپاکی؛
- ۱۲) دروغ پردازی و جعل شهادی دروغین برای ادامه فتنه گری؛
- ۱۳) عدم همراهی با ملت و نظام اسلامی در مراسم تحلیف و تنفیذ و نامشروع خواندن دولت منتخب مردم؛
- ۱۴) ایجاد اغتشاش و ناآرامی در مناسبت‌های ملی و مذهبی و ایجاد شکاف در صفوف ملت با طرح شعارهای ساختارشکنانه و استفاده از نمادهای اختلاف برانگیز و رفتارهای اغتشاش آمیز؛

<sup>۱</sup> - همان، بیانیه مورخ ۸۸/۴/۹ سازمان مجاهدین انقلاب

۱۵) تلاش برای بی گناه جلوه دادن مجرمین محکوم شده دادگاههای اسلامی و تلاش برای آزادی آنها؛

۱۶) راه اندازی شبکه های اجتماعی در فضای مجازی (الگوگیری از کودتاهای مخملین)؛

۱۷) مقاله نویسی، هجو نویسی، طراحی کاریکاتور و پوستر، مونتاژ عکس های غیرواقعی و ... در دنیای مجازی؛

۱۸) شعارنویسی و دیوارنویسی علیه آرمانها و ارزش های نظام اسلامی.

در مقابل رهبر معظم انقلاب تشریح سناریوی کودتای مخملین به تشریح سناریوهای پشت پرده دشمن پرداخته و فرمودند: «قطعاً این بلواهای بعد از انتخابات، به نظر آدمهای خیره و آگاه، برنامه ریزی شده بود. یعنی انسان با هر کسی از انسانهای فهیم که با مسائل کشور و با مسائل جهانی آشنا هستند، در میان می گذارد، میفهمد. پرروز من به ایشان (حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی) همین را عرض کردم؛ گفتم اینها برنامه ریزی شده بود. ایشان گفتند: قطعاً. یعنی همه این را میفهمند که این کار برنامه ریزی شده بوده و این کار دفعی نبود که بخواهیم بگوئیم یک چیزی پیش آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد؛ نه، این کار برنامه ریزی شده بود؛ از یک مرکزی هدایت می شد. خوب، شکست خوردند دیگر؛ ان شاء الله این شکست شان ادامه هم پیدا خواهد کرد. منتها دائم دارند توطئه می کنند.»<sup>۱</sup>

ایشان در سخنان دیگری تأکید کردند: «البته اینی که عرض می کنم، تحلیل است؛ خبر نیست. به اعتقاد من، با تحلیل من، این مسئله از بعد از انتخابات یا از روزهای حول و حوش انتخابات شروع نشده؛ این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه ریزی شده. من متهم نمی کنم افرادی را که دست اندرکار بودند، که اینها دست نشاندهی بیگانه هایند یا انگلیسند یا آمریکایند - این را من ادعا نمی کنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست؛ چیزی که ثابت نیست، نمی توانم بگویم - اما آنی که می توانم بگویم، این است که این جریان، چه پیشقراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی شده؛ تصادفی نبود. همهی نشانه ها نشان می دهد که این

<sup>۱</sup> - در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان ۸۸/۷/۲

جریان طراحی شده بود، حساب شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت»<sup>۱</sup>

## ادعای بدون مستند

همان گونه که اشاره شد، جریان فتنه تنها بر طبل تقلب و ابطال انتخابات می کوشید، اما فاقد استدلالهای اثباتی برای این امر بود. واکاوی نامه‌ای که در آن میرحسین موسوی خطاب به اعضای شورای نگهبان، خواستار رسیدگی به رفتارهای غیر قانونی مجریان و برگزارکنندگان انتخابات و همچنین بررسی ابطال انتخابات ۲۲ خردادماه شد، می‌تواند بخشی از این حقیقت را روشن سازد:

متن نامه میرحسین موسوی به شورای نگهبان به این شرح است:

«پیرو ده‌ها مکاتبه ستاد انتخاباتی اینجانب با آن شورا دایر بر تخلفات صریح انتخاباتی عوامل اجرایی وزارت کشور و نیز یکی از نامزدها که قطعاً در نتیجه انتخابات ۲۲ خرداد ماه مؤثر بوده است و ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می‌شود، عدم صحت انتخابات محرز است و رسیدگی و ابطال آن درخواست می‌گردد:

۱. در ایام تبلیغات خصوصاً در مناظره آقای احمدی نژاد، اتهامات بزرگی علیه بعضی از شخصیت‌های حقیقی از جمله آیت الله هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس خبرگان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز آقای ناطق نوری عضو محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس بازرسی ویژه مقام معظم رهبری، در رسانه ملی مطرح شد که بنا به اظهار صریح ریاست محترم قوه قضاییه و دادستان محترم کل کشور مصادیق روشن عمل مجرمانه بوده است. این اتهامات خوراک اصلی تبلیغات انتخاباتی آقای احمدی نژاد علیه سایر نامزدها، خصوصاً اینجانب قرار گرفت.

۲. ایشان در مناظره‌های انتخاباتی اقدام به بیان مطالب خلاف امنیت ملی نمود که نتیجه آن زیر سؤال بردن بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی سلام الله علیه بود. به علاوه عمل ایشان در افشای بعضی از موضوعات محرمانه و سری با

<sup>۱</sup> - در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی، ۸۸/۶/۴

تلفیق موارد نادرست، از جمله متهم کردن دولت جمهوری اسلامی و وزارت کشور به سازماندهی اوباش برای حمله به جوانان و مردم و بریدن کراوات‌ها و تراشیدن موی سر جوانان اتهاماتی واهی است که در هیچ مرجع قضایی مورد رسیدگی قرار نگرفته و بدیهی است که عملی مجرمانه محسوب می‌شود.

۳. کارشکنی‌های عدیده مسئولان وزارت کشور و بسیاری از فرمانداری‌ها، از جمله فرمانداری تهران در ارائه کارت‌های نمایندگان جناب حجت الاسلام والمسلمین کروبی و اینجانب منجر به عدم امکان حضور تعداد قابل توجهی از نمایندگان ما دو نفر در محل شعب اخذ رأی و محل‌های شمارش و جمع آرا گردید و نمایندگان نامزدها هیچگونه نظارتی بر انتخابات نداشته‌اند.

۴. برخلاف اعلام کتبی قبلی مبنی بر اینکه شمارش آرا و جمع آن دستی خواهد بود، ستاد انتخابات کشور در حالی که هنوز تعدادی از شعب در حال شمارش آرای مردم بودند اقدام به اعلام نتایج در حجم انبوه نمود. این در حالی بود که هنوز صورت جلسه‌های موسوم به فرم‌های ۲۲ و ۲۸ از هیات‌های اجرایی دریافت نشده و تنها ملاک ارائه آمار ارقام موجود در سیستم‌های رایانه‌ای بود که هیچگونه وجهت قانونی ندارد و موجب التهاب اجتماعی و نگرانی در جامعه براساس آمارهای فاقد مبنای قانونی می‌شود.

۵. صدها شعبه اخذ رأی در مناطق مختلف کشور از جمله شیراز، تبریز، تهران و... در ساعات قبل و بعد از ظهر دچار کمبود تعرفه اخذ رأی شدند و این امر موجب توقف چند ساعته رأی‌گیری در آنها گردید. با توجه به اینکه تعداد تعرفه‌های چاپ شده با فرض بالاترین تعداد متصوره شرکت‌کنندگان به گونه‌ای بوده است که بیش از ۱۷ میلیون تعرفه اضافی می‌توانست در اختیار وزارت کشور باشد تعلق شدیدی که در جریان توزیع تعرفه‌های انتخاباتی به چشم می‌خورد کاملاً ابهام برانگیز بود و نشان می‌داد که این تعلق و نیز اعلام توقف زمان رأی‌گیری، در حالی که هنوز تعداد قابل توجهی از مردم خواستار شرکت در انتخابات بودند از سر نگرانی نسبت به افزایش تعداد آرای مأخوذه از مرز ۱۰۰ درصد افراد واجد شرایط بوده است. طبیعی است که چنین اموری شائبه وقوع اقدامات غیرقانونی گسترده و وجود تعداد بی‌شمار آرای تقلبی در صندوق‌ها را تحکیم می‌کند.

۶. علاوه بر موارد فوق تخلفات فراوان صورت گرفته در روز و زمان اخذ رأی طی بیش از ۸۰ مورد نامه خطاب به آقای کدخدایی سخنگوی محترم شورای نگهبان توسط رابط اینجانب به آن شورا تقدیم شده است.

۷. آقای احمدی نژاد در وقت تبلیغات اضافی که سازمان صدا و سیما به صورت غیرقانونی به ایشان اهدا کرد وقوع اقدامات ضد امنیتی را پیش‌بینی کرد و به طور ضمنی موفقیت خود را مسلم دانست و رقبا را متهم به توطئه چینی نمود، که تمامی اینها حاکی از برنامه‌ریزی‌های پشت پرده برای دستکاری نتایج انتخابات است. به همین ترتیب تیتیر خبر پیروزی آقای احمدی نژاد در سایت رجانوز، فارس و ایرنا که چند ساعت قبل از پایان اخذ رأی روی داد و نیز تعیین تیتیر روزنامه کیهان با همین عنوان طراحی قبلی اعلام چنین نتیجه‌ای را مشخص می‌سازد.

۸. نقص ماده ۴۰ قانون جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مداخله نظامیان و بسیج در انتخابات و شرکت در میتینگ‌های تبلیغاتی آقای احمدی‌نژاد و استفاده گسترده از امکانات دولتی و نقض ماده ۶۸ قانون انتخابات از جمله تورگردی وزرا در استان‌ها و شهرستان‌ها (تا جایی که پس از سخنرانی معاون اول ریاست جمهوری در گیلان به ستاد اینجانب حمله شد) و حضور آقای وزیر خارجه در شهرهای مختلف ایلام، کرمانشاه، سمنان، گیلان و... در جلسات تبلیغاتی و استفاده آقای احمدی‌نژاد از هواپیمای اختصاصی دولت برای حضور در میتینگ‌های تبریز و ارومیه و اصفهان و... نمونه‌های دیگری از تخلفات از فصول مختلف قانون مذکور به ویژه فصل هفتم آن بوده است.

نظر به موارد فوق انتظار دارم درخواست اینجانب در مورد ابطال انتخابات ۲۲ خرداد ماه مورد رسیدگی و اقدام قرار گیرد.»

### **نقد استدلال‌های موسوی برای تقلب در انتخابات**

میرحسین موسوی در اولین بند نامه اش به شورای نگهبان - که قاعدتا باید حاوی محکم‌ترین استدلال او مبنی بر وجود «تقلب گسترده» در انتخابات باشد - بر خلاف تصور خواننده اصلاً به موضوع «تقلب» در انتخابات اشاره نمی‌کند. ایشان در این بند به موضوعی اشاره می‌کند که هیچگونه ارتباط مستقیمی به موضوع «تقلب» ندارد. تأکید



کردن بر محتوای مناظره های انتخاباتی در بند اول نامه موسوی از چند جهت بسیار معنادار و حتی برملا کننده است.

شاید منظور موسوی این است که سخنان مطرح شده توسط محمود احمدی نژاد در مناظره ها علیه برخی شخصیتها و آقازاده ها، به تحریک و «اغفال» گسترده مردم منجر شد و باعث شد آنها هیجانی شده و فوج فوج به احمدی نژاد تمایل پیدا کنند. در این صورت که آقای موسوی پذیرفته است که رقیب ایشان رأی بسیار بالایی در انتخابات آورده است. واقعا اگر مهندس موسوی قائل بوده است که مطالب عنوان شده در مناظره ها اینچنین تاثیر دگرگون کننده ای در نتیجه انتخابات داشته است چرا در همان روز پس از مناظره در اعتراض به طرح این مطالب از این رقابت «ناعادلانه» خارج نشد؟ چرا ایشان به حضور در این مناظره ها ادامه داد؟ و از همه مهمتر چرا ایشان علی رغم همه مطالب مطرح شده در مناظره ها، در آخرین ساعات روز انتخابات بطور قاطع خود را برنده این انتخابات اعلام کرد؟

اینکه اولین بند نامه موسوی با ذکر نام به تجلیل و دفاع از «مظلومیت» آقای هاشمی رفسنجانی و آقای ناطق نوری در مناظره ها اختصاص می یابد، ناخواسته بازگوکننده ریشه ها و علت های اصلی راه اندازی راهپیمایی ها و اعتراضات در روزهای پس از انتخابات بود. همان «جوشش آتشفشانی» و «بنزین» و «دود و آتش» که قبلا هشدارش داده شده بود. واقعا چه نسبتی میان آن نامه آقای هاشمی و این نامه موسوی وجود داشت؟ آیا میر حسین موسوی در بند اول نامه اش دارد اذعان می کرد که اعتراض اصلی او و حامیان او در این اجتماعات و راهپیمایی ها به برده شدن اسم هاشمی و ناطق و فرزندان آنها در مناظره های انتخاباتی است؟ اگر نه چه لزومی داشت که این موضوع در سرلوحه نامه او قرار گیرد؟

فرض می کنیم که احمدی نژاد در اعلام اسامی اشخاص در مناظره ها و نسبت دادن تخلفات مالی به آنها مرتکب تخلف در تبلیغات انتخاباتی شده باشد. آیا این تخلف در تبلیغات به معنای «تقلب» در نتایج است؟ روشن است که افرادی که حقی از آنها ضایع شده می توانند خواستار پخش پاسخ خود از صدا و سیما باشند و یا حتی موضوع را بطور قانونی پیگیری کنند. اما حتی در این صورت نیز هیچ خللی بر نتیجه انتخابات وارد نیست. اینها دو موضوع جدا از هم هستند.

در بند دوم نامه، باز انتظار ما برای بیان مستندات از «تقلب گسترده» توسط میرحسین موسوی به نتیجه نمی‌رسد. در این بند موسوی دوباره به مناظره‌ها رجوع کرده و طرح «مطالب خلاف امنیت ملی» و «زیر سؤال بردن بنیانگذار جمهوری اسلامی» توسط احمدی نژاد را به عنوان دلیل وجود «تقلب گسترده» در انتخابات مطرح می‌کند.

ادعای «زیر سؤال بردن بنیانگذار انقلاب اسلامی» ادعای بسیار قابل توجهی است. ظاهراً آقای موسوی کلیه اقدامات دولت خود و دوستان خود در دهه شصت را عیناً مورد تایید امام خمینی (ره) می‌داند. اگر استدلال موسوی را بپذیریم، قاعدتاً انتقادهای شدید و بی رحمانه او و دیگر کاندیداها از عملکرد دولت نهم نیز «زیر سؤال بردن ولایت فقیه کنونی» است. چون آنطور که موسوی مدعی است اینکه امام راحل در دهه شصت از دولت وی حمایت می‌کرد، رهبری فعلی نیز در سالهای گذشته از دولت نهم حمایت کرده است. آیا آقای موسوی می‌پذیرد که اعمال خودش در این انتخابات زیر سؤال بردن ولایت فقیه بوده است؟

بالاخره در بند سوم نامه آقای موسوی به موضوعی اشاره می‌کنند که ارتباط به روز انتخابات دارد. در این بند ایشان از عدم صدور کارت برای تعدادی از ناظرین ایشان و آقای کروبی اعتراض می‌کند.

سؤال این است که چرا موسوی که با قاطعیت هرچه تمام از «تقلب گسترده» در انتخابات سخن گفته اند به جای آنکه ابتدا لاقبل به یک گزارش مستند و دقیق از یکی از چند هزار ناظر خود بر سر صندوق‌ها اشاره کنند، مبنای اعتراض خود را بر یک موضوع «عدمی» قرار داده‌اند. قاعدتاً اگر تقلبی به گستردگی ۱۰ میلیون رأی در سطح کشور رخ می‌داد لاقبل ده‌ها نفر از میان چند هزار ناظر آقای موسوی می‌بایست به شواهدی در این خصوص دست یافته باشند. چرا آقای موسوی بجای استناد به آنها به «عدم وجود ناظر» در برخی صندوقها اشاره می‌کند که حتی در فرض صحت هم نمی‌توان آنرا فی نفسه دلیلی بر وجود قطعی تقلب دانست. آیا موسوی اخلاقاً می‌تواند مدعی شود که هر جا ناظر من نبوده قطعاً تقلب شده است؟ این پرسش مهمی است که چرا موسوی در این نامه بطور مشخص به هیچ حوزه‌ای که در آن «تقلب گسترده» صورت گرفته باشد اشاره نمی‌کنند؟

در بند چهارم آقای موسوی نسبت به استفاده از کامپیوتر و شیوه آنلایین در اعلام نتایج آرا هر صندوق به ستاد مرکزی انتخابات اعتراض می‌کند. هیچ عقل سلیمی نمی‌

پذیرد که به صرف اینکه نتایج هر صندوق در حضور همه اعضای هیات اجرایی و نظارت و ناظرین کاندیداها (در صورت حضور) وارد کامپیوتر شده و به طور آنلاین به ستاد انتخابات اعلام شده، پس در انتخابات «تقلب گسترده» صورت گرفته است. صورتجلسه‌های همه صندوقها موجود است و بنا به اعلام وزارت کشور نیز قبل از اعلام نتیجه نهایی همه صورت جلسه‌های مکتوب با آمار اعلام شده کامپیوتری مجدداً تطبیق داده شده است. اگر هم شک و شبهه ای هست قطعاً با مراجعه به صورت جلسه‌ها قابل رفع است.

در بند پنجم موسوی به موضوع کمبود تعرفه اشاره کرد که به ادعای او در برخی حوزه‌ها موجب توقف رأی‌گیری شده است. اولاً نفس کمبود تعرفه با توجه به مشارکت ۸۵ درصدی در انتخابات امر عجیبی نیست. ضمن اینکه بنا به اعلام وزارت کشور به هر شعبه اعلام شده بود که به محض اینکه استفاده از آخرین بسته صد برگی رأی را شروع کردند اعلام اتمام تعرفه کنند تا در این فاصله تعرفه‌های جدید برای آنها ارسال شود. لذا اعلام اتمام تعرفه به معنی تعطیلی رأی‌گیری نیست. موسوی اشاره ای به هیچ صندوقی که در آن رأی‌گیری متوقف شده باشد نکرده اند اما بنا به اعلام ستاد انتخابات هیچ صندوقی به دلیل اتمام تعرفه رأی‌گیری را تعطیل نکرده است. با این حال در اینجا چند پرسش پیش می‌آید آیا اتمام تعرفه در یک یا چند صندوق دلیل بر «تقلب گسترده» در انتخابات است؟ واقعا معلوم نیست تعریف آقای موسوی از تقلب چیست؟ اگر ادعای آقای موسوی را درست فرض کنیم، ایشان از کجا می‌دانند که همه آن افرادی که در برخی حوزه‌ها موفق به دادن رأی نشدند طرفدار ایشان بوده‌اند؟ از کجا معلوم که بسیاری از آنها قصد نداشتند به آقای احمدی نژاد رأی دهند؟ در اینجا نیز استدلال آقای موسوی مبتنی بر یک مقوله علمی و موهوم است. شبیه همان شعار غیبی است که اصلاح طلبان سالها می‌دادند و طی استدلالی غریب مدعی بودند که همه آنهایی که در انتخاباتها رأی نمی‌دهند در دلشان طرفدار اصلاح طلبان هستند!

در بند ششم نامه، او می‌گوید که «علاوه بر موارد فوق» ۸۰ مورد تخلف دیگر نیز در روز انتخابات به شورای نگهبان اعلام شده است. در اینجا ایشان ارجاع به مواردی می‌دهد که برای خواننده مبهم و مجهول است. واقعا پرسش اینجا است که چرا ایشان لااقل چند مورد از این ۸۰ مورد ادعایی تخلفات را همچون موارد ذکر شده در بندهای

بالا در متن نامه خود به شورای نگهبان ذکر نکرده است. واضح و روشن است که اگر موسوی در میان این ۸۰ مورد حتی یک مورد را پیدا می‌کرد که بر ملا کننده تخلفی چشمگیر و افشاگر وجود «تقلب گسترده» در انتخابات می‌بود، قاعدتا می‌بایست آنرا در این نامه، که مهمترین متن و سند اعتراض او به این انتخابات است، مورد اشاره قرار می‌داد. نمی‌توان پذیرفت که ایشان مثلا ایثار کرده اند و یا برای حفظ مصالح مملکت از بیان برخی تخلفات خودداری کرده اند! او که در طول هشت ماه فتنه پس از انتخابات و حتی تا بعد از آن نیز بدون توجه به توصیه‌ها، حرکت سازمان یافته و از قبل طراحی شده‌ای را تا بدانجا پیش می‌برد که امنیت اجتماعی به مخاطره می‌افتد، آشوبهای اجتماعی و تخریب اموال دولتی و شخصی و تعرض به مردم رقم می‌خورد و اصرار بر همین روند می‌شود، چرا در بیان مواردی از این ۸۰ مورد اغماض کرده یا مصلحت اندیشی می‌کند!؟

در بند هفتم مجددا آقای موسوی برای اثبات وجود «تقلب گسترده» در انتخابات به یک موضوع پیش انتخاباتی اشاره کرده است. از نظر ایشان اینکه آقای احمدی نژاد قبل از انتخابات از پیروزی خود سخن گفته «فی نفسه» دلیل روشن و آشکاری است بر وجود «قصد» دستکاری در آراء. آقای موسوی همچنین انعکاس پیشاپیش پیروزی احمدی نژاد در برخی رسانه‌ها را تاییدی بر این موضوع دانسته است. آقای احمدی نژاد تنها کاندیدایی نبودند که در روند تبلیغات انتخاباتی از پیروزی خود در انتخابات سخن گفتند. نه تنها ستاد آقای موسوی بطور مکرر از پیروزی چشمگیر ایشان خبر می‌داد بلکه شخص ایشان حتی قبل از شروع شمارش آرا با اطمینانی بی‌سابقه و منطقی شگفت اعلام کرد که پیروز قاطع انتخابات است و هر نتیجه‌ای غیر از این، به معنی دستکاری در انتخابات است! اگر استدلال بند هفتم ایشان درست باشد خود ایشان نیز متهم به «تقلب» هستند. حتی اگر فرض کنیم که سخن آقای احمدی نژاد بیانگر «قصد» دست کاری در انتخابات بوده باشد. در چنین وضعی برپایه قوانین موضوعه چنین «قصد» و یا «نیت مجرمانه‌ای» برای اثبات «وقوع جرم» - که در اینجا وجود «تقلب گسترده» در انتخابات است - کفایت نمی‌کند. در هر محکمه‌ای علاوه بر «نیت» می‌بایست «مستندات» کافی برای محکوم کردن متهم وجود داشته باشد. به نظر می‌رسد موسوی چون در ارائه اسناد و مدارک کافی برای اثبات «تقلب» دستش خالی است به «نیت خوانی» روی آورده بود.

در بند هشتم آقای موسوی به «نقض ماده ۴۰ جرائم نیروهای مسلح» و «نقض ماده ۶۸ قانون انتخابات» اشاره کرده‌اند. در مورد اول منظور ایشان «حضور نیروهای نظامی و بسیج در انتخابات و در میتینگ‌ها است»، و در مورد دوم اشاره ایشان به استفاده رئیس جمهور و وزرا از امکانات دولتی برای سفر به استانها در ایام تبلیغات انتخاباتی است. اگر منظور ایشان حضور نیروهای نظامی در ستادهای انتخاباتی و فعالیت به نفع یک کاندیدا باشد او باید برای این ادعای خود سند و مدرک ارائه نماید. اما حتی به یک مورد از زمان‌ها و یا مکان‌هایی که چنین نیروهایی در انتخابات مداخله کرده‌اند اشاره نمی‌کند. البته با توجه به اینکه ستاد آقای موسوی از جمله ستادهایی بود که با به کارگیری یک سردار بازنشسته سپاه به تاسیس شاخه «بسیجیان و ایثارگران» اقدام نمود و رسماً به عضوگیری از بسیجیان می پرداخت، اعتراض ایشان به حضور بسیجیان در میتینگ‌های رقیب کمی عجیب به نظر می‌رسید.

باید اضافه کرد آنچه که ممنوع است، اعضای کادر نظامی بسیج‌اند که همانند کارکنان سپاه از ورود به احزاب و گروههای سیاسی و یا تبلیغات علیه یا له کاندیدایی منع شده‌اند و این شامل اقبال عمومی بسیج نمی‌شود زیرا همه ملت ایران می‌توانند بسیجی تلقی شوند و همه مسئولین و کارگزاران نظام افتخارشان این بوده و خواهد بود که بسیجی‌اند. و این همان تعریف امام از بسیج است که ملت ایران با ۲۰ میلیون جمعیت، باید ۲۰ میلیون بسیجی داشته باشد. با این حال، اگر حضور بسیجیان در میتینگ‌های انتخاباتی آقای احمدی نژاد رخ داده باشد، آیا این مسئله دلیل بر وجود «تقلب گسترده» در انتخابات می‌شود؟

حتی اگر نظامیانی در تبلیغات انتخاباتی حضور یافته باشند این مسئله از جنس «تخلف» است و دلیلی بر «تقلب گسترده» نیست. این «تخلف» حتی در صورت وقوع ربطی به وزارت کشور و دولت - که از نظر آقای موسوی متهم ردیف اول در انتخابات هستند - ندارد. شاید هم موسوی براین باور بود که حضور چند هزار بسیجی در یک میتینگ انتخاباتی باعث دگرگونی ۱۰ میلیونی در نتیجه آرا شده باشد!

اشاره آقای موسوی به استفاده کردن دولتمردان از امکانات دولتی برای سفر به شهرستانها نیز اتهامی است بدون ارائه مصداق و مدرک. این اعتراض مستلزم ارائه

مستندات دقیق است و نه صرفاً کلی گویی و ربطی به وجود «تقلب گسترده» در نتایج انتخابات ندارد.

در حالی که آقای موسوی در نامه خود به شورای نگهبان، همانطور که در بالا مشخص شد هیچ گونه استدلال محکمه پسندی مبتنی بر وجود «تقلب گسترده» در انتخابات ارائه نکرده است، ایشان در بند پایانی نامه بدون آنکه خواهان رسیدگی به موارد شک و شبهه خود شود، و یا آنکه مثلاً خواستار بازشماری آرا در صندوقها شود، و یا حتی خواهان تشکیل کمیته مستقل حقیقت یاب شود، در جا تقاضای ابطال کل نتایج انتخابات را مطرح کرد. چنین رویکردی در نوع خود بی سابقه و بر ملا کننده حقیقت نهفته در پشت این نامه و حرفهای ناگفته در لابلای سطرهای آن است. آن حقیقت این است که موسوی و جریان فتنه دیکتاتور مآبانه به چیزی جز ابطال انتخابات نمی اندیشیدند، حتی اگر مدرکی هم برای آن نداشته باشند.

### چرا اتهام تقلب مطرح شد؟

آشوبها و ناآرامیهای پس از انتخابات از آنجا وارد فاز اجرایی شد که میرحسین موسوی روز شنبه ۲۳ خرداد ماه با صدور اطلاعیه ای نسبت به نتایج انتخابات اعتراض کرد و اعلام کرد در این انتخابات با تقلب بزرگ روبه رو شده ایم. وی مدعی بود که رأی اکثریت مردم به ایشان بوده و یا یک تقلب بزرگ این رأی به نفع دیگری اعلام گردیده و مردم باید با اعتراضات، تجمعات و حضور در خیابانها نسبت به این نتیجه واکنش نشان دهند. میرحسین موسوی با چنین دیدگاهی خواستار ابطال انتخابات گردید و برای ابطال انتخابات به اهرم فشارهای هواداران در کف خیابانها بر نظام اسلامی دل بسته بود. آقایان کربوبی و محسن رضایی نیز هر کدام به نوعی نتایج انتخابات را زیر سؤال بردند و با شیوه های متفاوت اعتراضات خود را پیگیری نمودند. بیانیه های تند و تحریک آمیز از سوی جبهه مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، حزب کارگزاران سازندگی، مجمع روحانیون مبارز و ... صادر گردید و هر کدام با تحلیل های نادرست، نظام اسلامی را متهم به تقلب در انتخابات کردند و خواستار ابطال انتخابات شدند. مجموعه این موضع گیریها و تحریکات، سبب کشانده

شدن عده‌ای به خیابان‌ها شد و نهایتاً ناآرامی‌ها، آشوب‌ها، تخریب‌ها و رویارویی گروهی و از جمله منافقین، سلطنت‌طلب‌ها و ارادل و اوباش با نیروهای مدافع نظام اسلامی اعم از ناجا، سپاه و بسیج شکل گرفت و در این میان تعدادی مصدوم و کشته شدند و چند نفر از نیروهای مدافع انقلاب و نظام اسلامی نیز به درجه رفیع شهادت نایل آمدند.

بنابراین طرح تقلب از سوی موسوی و حمایت از او در این اتهام به نظام اسلامی از سوی دیگران چیزی جز یک دروغ بزرگ نبود. در واقع تقلب بزرگ، خود یک دروغ بزرگی بود. دروغ بزرگی که جامعه را ناآرام ساخت و هواداران موسوی را تحریک کرد و به خیابان‌ها کشاند و زمینه‌های سوء استفاده را برای منافقین، سلطنت‌طلب‌ها و بیگانگان فراهم ساخت و این همه خسارات معنوی و مادی را به نظام اسلامی تحمیل کرد. اکنون سؤال این است که اگر تقلب بزرگ یک دروغ بزرگ بود، این دروغ بزرگ با چه اهدافی مطرح شد.

### دروغ عنصر اصلی در کودتای مخملی

حوادث پس از انتخابات دهم نشان از آن دارد که احزاب و گروه‌های سیاسی دوم خردادی به دنبال براندازی نرم با استفاده از مدل انقلاب‌های رنگی یا کودتاهای مخملی در ایران با بهره‌گیری از انتخابات دهم بودند. هر چند عده‌ای این تحلیل را قبول ندارند و سعی می‌کنند آن را با وارد کردن یکسری اشکالات و ایرادات رد نمایند، لکن باید گفت، انقلاب رنگی یا کودتای مخملی شاخ و دم ندارد. عنصر اصلی در این نوع براندازی با استفاده از بستر انتخابات، بی اعتمادسازی مردم نسبت به حاکمیت، طرح انجام تقلب در انتخابات به دروغ، باطل کردن انتخابات و برگزاری انتخابات در شرایط جدید با ساز و کارهای متفاوت از ساز و کارهای موجود و قانونی با هدف به دست گرفتن قدرت می‌باشد. تمامی این عناصر در این وقایع مشاهده شد که از میان این عناصر، عنصر اصلی دروغ است. اکنون چه کسی تردید دارد که تقلبی در کار نبوده و به دروغ این اتهام به نظام داده شده است. دروغی که منشأ این همه خسارات گردید و به موقعیت بین‌المللی نظام خدشه وارد ساخت و شیرینی انتخابات با مشارکت ۸۵ درصدی ملت ایران را در کام مردم وفادار به نظام اسلامی تلخ کرد.

## دروغ بزرگ کار ویژه نفاق

اگر در این انتخابات تقلب به عنوان یک دروغ بزرگ مطرح شد و جامعه را به آشوب و التهاب کشاند، بررسی ها نشان می دهد، جریان فتنه گر در انتخابات دهم، طی سال های اخیر دروغ های بی شماری را مطرح ساخته است. سیاه نمایی از وضع موجود در سال های اخیر از سوی جریان دوم خرداد، عمدتاً مبتنی بر دروغ بود. اما مهمترین دروغ این جریان، ادعای خط امامی، وفاداری به قانون اساسی، قانون گرایی و تلاش برای تأمین حقوق مردم در چارچوب قانون اساسی به شمار می آید. اکنون با توجه به اعترافات و اسناد موجود مشخص شده که این جریان از نظام دینی، ولایت فقیه و قانون اساسی عبور کرده و در تلاش بود؛ تسلط بر قدرت سیاسی، در یک فرآیند طولانی، نظام اسلامی را به یک نظام سکولار و لائیک تبدیل سازد.

این نوع رفتار نشان می دهد انقلاب اسلامی با یک جریان نفاق جدید مواجه شده و این نفاق جدید از پیچیدگی های بسیار زیادی برخوردار است. منافقین کسانی هستند که زبان ودل آنها متفاوت می باشد. به چیزی که می گویند ایمان ندارند و با فریب و نیرنگ به دنبال رسیدن به امیال و خواسته های شیطانی خود هستند.

کسانیکه در اتاق فکر خودشان موضوع تقلب از سوی نظام اسلامی را مطرح و آن را دنبال نمودند، به طور همزمان چندین هدف را دنبال می کردند. گذر زمان نشان داد که ادعای تقلب در واقع یک دروغ بزرگ با اهداف خاص بود و کسانیکه چنین ادعایی را مطرح ساختند، هیچگونه دلیلی برای ادعاهای خود نداشته و قصد داشتند با کشاندن هواداران خود به خیابان ها و از طریق فشارهای اجتماعی به اهداف خود برسند. مهمترین این اهداف عبارت بودند از:

### ۱) مشروعیت زدایی از نظام اسلامی

وقتی یک نظام دینی به دروغ متهم به انجام تقلب در یک انتخابات ملی می گردد، در صورتی که عده ای به این باور برسند که این تقلب صورت پذیرفته و آرای مردم جابه جا گشته، در واقع آنان به این باور رسیده اند که نظام اسلامی به آرای ملت خیانت کرده است. از نظر این افراد، نظام باید دچار نوعی فساد شده باشد و رهبران آن باید به گونه ای از عدالت ساقط شده باشند که به راحتی به آرای مردم بی اعتنا شوند. بدیهی است که از نظر این افراد، نظامی که مشروعیت الهی خود را



به واسطه شرایط و ویژگی رهبران خود از جمله اصل عدالت به دست آورده، با انجام تقلب در انتخابات مشروعیت خود را از دست می دهد.

### ۲) مقبولیت زدایی از نظام اسلامی

در نظام اسلامی مقبولیت مردمی در کنار مشروعیت الهی یک اصل جهت شکل گیری حکومت اسلامی به حساب می آید. مقبولیت نظام ریشه در اعتماد عمومی دارد. یکی از اهداف اتهام تقلب به نظام اسلامی، مخدوش ساختن اعتماد عمومی نسبت به نظام اسلامی بود. اگر عده ای باور کنند که نظام اسلامی در آرای مردم تقلب کرده و با جابه جایی آرا نتیجه انتخابات را تغییر داده، بدیهی است که این افراد دیگر به این مسئولان اعتماد نخواهند کرد.

### ۳) ابطال انتخابات

با القای تقلب در انتخابات در جامعه و تردیدافکنی در نتیجه انتخابات، تلاش زیادی صورت گرفت تا انتخابات باطل گردد. طراحان پشت صحنه اتهام تقلب به نظام اسلامی، اگر موفق می شدند با فشارهای اجتماعی و فضا سازی های رسانه ای انتخابات را باطل نمایند، بدون تردید زمینه ها و بسترهای زیادی را برای انجام تغییرات مورد نظر فراهم می ساختند. ابطال انتخابات در شرایطی که از نظام اسلامی مشروعیت زدایی و مقبولیت زدایی انجام گرفته، یک نشانه ای از موفقیت برای کسانی بود که با اجرای یک نقشه و توطئه در بستر انتخابات، می خواستند مردم ایران را در برابر نظام اسلامی قرار دهند.

### شکست پروژه تقلب

پروژه تقلب بخشی از یک توطئه و فتنه بسیار عمیق و پیچیده بود که از سوی جبهه ای با جریان های متفاوت در شکل و سابقه به اجرا درآمد. طی ۸ ماه جنگ نرم و فتنه به پا شده، یک جبهه سه ضلعی در برابر نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران صف آرایی کرد. یک ضلع این جبهه دشمنان اصلی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و ملت مسلمان و انقلابی ایران، یعنی آمریکایی ها، صهیونیست ها و متحدین اروپایی و منطقه ای آنان قرار داشتند. ضلع دوم این مثلث را تمامی جریان های ضد انقلابی شامل سلطنت طلب ها، منافقین، ملی گراها، لیبرال ها، بهایی ها، گروهک های چپ گرا و تمامی

گروهک های منحرف تشکیل می دهند، اما ضلع سوم جبهه مقابله کننده با نظام اسلامی، جریانی از جنس انقلاب و از خانواده انقلاب بود. این جریان در واقع انقلابیون فرسوده و پشیمان از مبارزه هستند که در مسیر انقلاب هر کدام به دلایلی دچار ریزش شده و راه خود را از راه اسلام ناب محمدی (ص) و ملت مسلمان و انقلابی ایران جدا کرده و به جبهه مخالفین و معاندین انقلاب نزدیک شده اند. این جریان امیدهای زیادی را در دو جریان دیگر برای پیروزی در این توطئه و فتنه علیه نظام اسلامی ایجاد کرده بود. تصور آنان این بود که اتهامات سنگین به نظام اسلامی و از جمله اتهام تقلب از سوی این جریان سوم، مردم را به انجام تقلب متقاعد ساخته و آنان برای دفاع از حقوق خود به صحنه آمده و در مقابل نظام اسلامی خواهند ایستاد. آنان تصور می کردند با یک حضور چند صد هزار نفری در خیابان های تهران و ایجاد رعب و وحشت در دل مسئولان نظام از طریق آتش افروزی، تخریب ها و بحران سازی ها، نظام اسلامی را وادار خواهند ساخت که ابطال نتیجه انتخابات را پذیرفته و تسلیم شود. براساس نقشه آنان ابطال انتخابات اگر انجام می گرفت، کار نظام اسلامی تمام بود و مدیریت سیاسی کشور از رول طبیعی خارج شده و جریان مدعی تقلب با جنگ روانی و عملیات روانی با پشتوانه رسانه های خبری داخلی و خارجی مدیریت افکار عمومی و تحولات سیاسی بعدی را برعهده می گرفت. لکن با هوشیاری مقام معظم رهبری و بصیرت و آگاهی مردم و عنایات حضرت حق، این پیچیده ترین توطئه پس از انقلاب شکست خورد. حضور مردم در راهپیمایی های نهم دی ماه و ۲۲ بهمن دشمنان خارجی و مخالفان داخلی را دچار بهت و شوک روانی ساخت. آنان هرگز تصور نمی کردند با اجرای یک چنین نقشه پیچیده و برپایی چنین فتنه عمیق، باز هم مردم با وحدت و انسجام خود نظام اسلامی و رهبری آن را مورد حمایت قرار دهند.

## طراحی آشوب ها

چند روز مانده به برگزاری انتخابات برخی منابع خبری از تصمیم کمیته ای موسوم به کمیته ایکس برای اجرای استراتژی آشوب پس از انتخابات خبر دادند. یکی از روزنامه ها چنین نوشت: «تأکید ستاد انتخاباتی اصلاح طلبان مبنی بر حضور حامیان خود در سطح شهر و به راه انداختن تظاهرات خودرویی از جدیدترین اقدام آن ها در روزهای منتهی به رای گیری پرده بر می دارد.

پس از آنکه در مناظره میرحسین موسوی و محمود احمدی نژاد وضعیت آرای کاندیدای اصلاح طلبان رو به وخامت گذاشت، سران ارشد این جریان تحت عنوان کمیته X برای جلوگیری از شکست خود در این دوره از انتخابات، "هیاهو" و ایجاد "آشوب" را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

اعضای این کمیته متشکل از ۱۰ نفر شامل، بهزاد نبوی، خسرو تهرانی، مصطفی تاج زاده، سعید حجاریان، علی ربیعی (عباد)، محسن آرمین، محمد نعیمی پور، محسن امین زاده، محمد عطریانفر، مهدی هاشمی رفسنجانی می‌باشد که سازماندهی نیروهای خود در خیابان‌ها را به شدت دنبال می‌کنند.

نیروهایی که بخش عمده آن از طریق هزینه پول‌های فراوان به ازای پرداخت هر شب حضور بیش از "۵۰ هزار تومان" و نیز وعده‌های بی‌شمار ایجاد شغل برای آنان در دولت آتی گردهم آمده‌اند.

ساماندهی این نیروها نیز از طریق پیامک و ارتباطات تلفنی صورت می‌گیرد. به گونه‌ای که ساعت شروع برنامه‌های آنان از ساعات ۱۸ و در محور "چهارراه ولیعصر" تا "تجربیش"، "میدان توحید" تا "فلکه صادقیه"، "نارمک" و "میدان هفت حوض" تا "فلکه اول تهرانپارس" انجام می‌شود.

برپایه مشاهدات، گرچه بسیاری از هماهنگی‌ها از طریق تلفن‌های همراه صورت می‌گیرد اما در تمامی تقاطع‌های ذکر شده در هر محور دو الی سه خودرو حامل گروه فرماندهی، هدایت جمعیت را برعهده دارند که هدایت اصلی توسط «اکبر خوشکوش» از متهمان پرونده قتل‌های زنجیره‌ای می‌باشد که ضمن همراهی با کمیته X وظیفه به میدان آوردن اراذل و اوباش و گسترش اغتشاشات در نقاط مختلف شهر را برعهده گرفته است.

همچنین گفتنی است بخشی از خودروها از تقاطع‌های ذکر شده به صورت هدایت شده از مرکز جدا و به برخی مناطق همچون شهرک غرب، پاسداران و لویزان اعزام می‌شوند. حضور برخی جوانان با ظاهر غیرموجه در این تظاهرات خودرویی یکی دیگر از نکاتی است که قابل توجه است.

گفته می‌شود تمایل این گونه شخصیت‌ها برای ساختارشکنی که طی روزهای گذشته با آوازخوانی و پایکوبی همراه بوده، دلیل عمده به کارگیری این نیروها بوده است.

در این میان تجهیز افراد فوق به گاز اشک آور و سلاح سرد به وضوح از برنامه کلیدی جریان دوم خرداد برای ایجاد اغتشاش در تجمعات و خیابان‌ها خبر می‌دهد. بنا بر اخبار دریافتی کمیته ای متشکل در ستاد میرحسین موسوی تاکنون ۶۰ شعار را علیه دکتر محمود احمدی نژاد و مقامات ارشد نظام طراحی کرده که کاملاً تحریکی بوده و در بردارنده توهین و مباحث ساختارشکنانه می‌باشد.

قرار بر این است که نیروهای این ستاد در برخورد با حامیان احمدی‌نژاد به طرح شعارهای مزبور پرداخته و ضمن تحریک آنان درگیری‌هایی را در سطح شهر حادث کنند. همچنین استخدام ۴۰ عکاس برای پوشش این درگیری‌ها از جمله موارد مهمی است که جریان اصلاح طلبان سعی دارند با انتشار عکس‌های گرفته شده ضمن مظلوم نمایی خود، حامیان احمدی نژاد و نیروهای ارزشی را مقصر اصلی این مناقشات و نزاع‌ها معرفی کنند.

۱- بخش دیگری از برنامه اصلاح طلبان استخدام برخی نیروهای افغانی است. بنا بر سناریوی مصوب اصلاح طلبان، قرار است این افراد با توزیع برخی پوستره‌های احمدی‌نژاد رفتارهای زننده و برخوردهای ناشایست با توده مردم داشته و در صورت ممانعت مردم از پذیرش اقلام تبلیغاتی اقدام به ایراد آسیب به خودروهای آنان بنمایند. هدف اصلی از این اقدام تخریب حامیان احمدی نژاد بویژه شخص وی در اذهان عمومی عنوان شده است.

از دیگر سو نیز تأکید کمیته اطلاع رسانی ستاد میرحسین موسوی به نقل از وی مبنی بر اینکه حامیان حضور مؤثر در صحنه داشته باشند یا اینکه در یکی از شب‌ها مهندس نیز همراه با حامیان در خیابان‌ها حضور خواهد یافت، بیانگر این مسئله است که آنها فعالیت در این مناطق را متوقف و شدت عمل را متمرکز مناطق شمالی شهر کرده‌اند.

۲- گرچه طی چند روز گذشته در مناطق شمالی نیز کارناوال‌هایی در حرکت بوده و هنجارشکنی‌های خاصی را انجام داده‌اند ولیکن نظرسنجی‌ها به رغم این قبیل تحرکات نه تنها منحنی رشدی را برای آنان ثبت نکرده بلکه، روندی نزولی را نیز را برای آنان رقم زده است.

۳- کلید خوردن این سناریو از سوی اصلاح طلبان نیز سه هدف عمده را نشانه گرفته است. هدف اول، ایجاد اغتشاش برای ایجاد رعب و وحشت میان مردم و القای شرایط ویژه برای کشور می‌باشد.

بر این اساس کوشش می‌شود اتهامات به سوی حامیان احمدی نژاد، نشانه رود. در همین حال با توجه به اخبار به دست آمده شواهد بیانگر آن است که: جریان اصلاح طلب با توجه به نظرسنجی‌های انجام شده در مناطق جنوبی و قطع امید از رأی به این کاندیدا تلقین شود؛ مضاف بر اینکه نگرانی‌های خارجی نیز نسبت به سلامت انتخابات ایجاد و فشارهای بین‌المللی برای حمایت از آنان به میدان وارد شود. هدف دوم در صورت موفقیت آنان به تعویق انداختن انتخابات و وارد ساختن فشار خارجی و به صحنه آوردن آرای خاموش و اپوزیسیون است. هدف سوم نیز در صورت شکست در انتخابات به میدان آوردن همین نیروهای سازماندهی شده به میدان در چارچوب جنبش‌های رنگی است.<sup>۱</sup> پس از فروکش کردن آشوب‌ها اخباری در برخی محافل خبری منتشر شد که از چگونگی ساختار مدیریت پروژه آشوب خبر می‌داد بررسی‌ها نشان می‌داد که یک هسته فکری مستقر در «دارآباد» تهران، ضمن «حیثیتی» ساختن موضوع انتخابات برای میرحسین موسوی وی را در موضع لجاجت قفل کرده و از دیگر سو با رایزنی‌های مختلف ضمن طراحی آشوب‌های اخیر، سه کمیته برای عملیاتی ساختن تصمیمات اتخاذ شده تشکیل داده بودند.<sup>۲</sup> این سه کمیته عبارت بودند از:

#### ۱- کمیته رسانه‌ای - تبلیغاتی:

ستاد اصلی این کمیته واقع در قیطریه بوده و فعالان اصلی آن شامل «علی ربیعی»، «محمد عطریانفر»، «سعید شریعتی»، «محمد قوچانی» و... بودند. در این ستاد ضمن هماهنگی با فعالان رسانه‌ای، به خط کردن و بلاگ‌ها، روزنامه‌های همسو و سایت‌ها دنبال می‌شده است.

همچنین در این کمیته مصوبه‌های هسته مرکزی در قالب «شایعات»، «اخبار با منابع سیاه و خاکستری» انتشاراطلاعیه‌ها از طریق چاپ و پست الکترونیک، جهت پمپاژ عملیاتی می‌گردیده است.

<sup>۱</sup> - روزنامه جوان ۱۳۸۸/۳/۱۷

<sup>۲</sup> - همان، ۱۰/۰۵/۸۸

این کمیته ارتباط کاملاً «آنلاین» با شبکه خبری بی.بی.سی داشته و عمده اطلاعات را برای پوشش خارجی و ایجاد هیجان‌ات به این شبکه مخابره می‌کرد. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که پس از شناسایی این کمیته و هنگام ضربه به آن توسط نیروهای امنیتی، شبکه بی.بی.سی به طور مستقیم صحنه ورود مأموران به این مرکز را پوشش داده بود.

همچنین نحوه ارتباط شبکه سازماندهی شده به گونه‌ای بود که پس از وارد عمل شدن گروه ضربت در عرض سه دقیقه حدود ۲۰۰۰ تن از ارادل و اوباش در اطراف ساختمان مزبور گرد آمده بودند.

همچنین در این خانه تیمی، سیستم‌های شنود بی‌سیم و تلفن همراه، دوربین‌های فوق حرفه‌ای، سی‌دی‌های تبلیغاتی و تخریبی و نیز دستگاه ارسال کننده ماهواره‌ای کشف و ضبط گردیده است.

گفتنی است براساس مشاهدات و اعتراف برخی از افراد حاضر در این خانه تیمی، برخی هنرمندان سینما همچون «ن. ک» نیز در این خانه رفت و آمد و همکاری داشته‌اند.

## ۲- کمیته سیاسی:

فعالان این کمیته شامل «مصطفی تاج زاده»، «عیسی سحرخیز»، «محسن میردامادی»، «محسن امین زاده» و... به مدیریت «بهزاد نبوی» به فعالیت مشغول بوده‌اند. ساختمان اصلی این کمیته ساختمانی پنج طبقه واقع در میدان هفت تیر بوده است. گفته می‌شود این ساختمان متعلق به یکی از اعضای اصلی ستاد میرحسین موسوی می‌باشد. هدف این کمیته سازماندهی نیروهای سیاسی جهت سخنرانی، تحریرمقالات، هیجان بخشی به تجمعات و... بوده است.

همچنین این کمیته ساختمان دیگری نیز در حوالی خیابان انقلاب داشته است که نزدیک به تجمعات خیابانی این جریان بوده و نقش رصد و هدایت جریان‌های توسط لیدرها را دنبال می‌کرده است.

## ۳- کمیته تخریب:

این کمیته که شامل ۱۵ الی ۲۰ نفر از نیروهای اخراجی و بازنشسته یک مجموعه بوده‌اند، سازماندهی ارادل و اوباش، محوربندی خیابان‌ها، درگیری‌ها و تجهیز نیروها را برعهده داشته است.

مدیریت این کمیته با «مهدی هاشمی» و با معاونت «اکبر خوشکوش» بوده - که بعداً نیز بازداشت شد- بوده است.

گفته می‌شود کمیته مزبور سیستم پیشرفته مخابراتی را وارد کشور کرده بود که ارتباطات درون تشکیلاتی آنها از طریق همین سیستم انجام می‌شده است.

در بررسی‌های صورت گرفته اعضای این کمیته که دارای خط نفوذ در برخی از مراکز بوده و شناسایی نقاطی که باید مورد حمله قرار بگیرد را دنبال می‌کردند.

شناسایی بانک‌ها، مراکز نظامی، اماکن دولتی، خانه‌های مسئولان و نقطه‌های مناسب آشوب توسط این کمیته دنبال می‌شده است.

اخبار به دست آمده حکایت از آن داشت که با شناسایی و دستگیری سه کمیته ذکر شده، جریان مزبور به شدت آسیب دیده و شیرازه کار آنها به شدت از هم گسیخته شده است.

پراکندگی تجمعات، کم رنگ شدن شعارها و آسیب‌های وارده به اموال عمومی و امنیت مردم نشان دهنده نشانه رفتن گلوگاه جریان اغتشاش طلب توسط نیروهای امنیتی - انتظامی بوده است.

#### ۴- اعترافات برخی دستگیرشدگان

اخبار به دست آمده از اعترافات جالب توجه برخی دستگیرشدگان مرتبط با آشوب‌های اخیر حکایت دارد.

بنا بر گزارش‌های دریافتی «محسن امین زاده» در اعترافات خود ضمن تأکید بر برنامه‌ریزی چندین ماهه این جریان برای ایجاد آشوب پس از انتخابات گفته است «چرا من را گرفته اید، اصل ماجرا و تلاش توسط مثلث «هاشمی، خاتمی و موسوی» صورت گرفته. همه کاره آنها بوده‌اند.»

همچنین «هدایت الله آقای» از اعضای شورای مرکزی کارگزاران نیز در اعترافات خود تأکید کرده است حتی اگر میرحسین هم پیروز می‌شد رویه ما به این شکل برنامه ریزی شده بود.

«محمد قوچانی» نیز اطلاعات عمده‌ای درباره جریان پشت پرده رسانه‌ای این آشوب‌ها مطرح ساخته و از هماهنگی‌های صورت گرفته با برخی از شبکه‌های خارجی برای پوشش اغتشاشات اخیر خبر داده است.

«مصطفی تاج زاده» نیز با افشای شبکه اصلی این جریان، اسامی تعداد زیادی از سرپل‌های تشکیلات خود را اعلام و تصریح کرده است هماهنگی‌ها در این زمینه با چراغ سبز یکی از چهره‌های سیاسی کشور بوده است.

همچنین گزارش دیگری به چگونگی مدیریت اجرایی اغتشاشات خیابانی می‌پرداخت: «فرماندهی این آشوب‌ها متشکل از برخی نیروهای سیاسی و عناصر بازنشسته برخی نهادهای امنیتی می‌باشد. گرچه طی روزهای گذشته برخی از افراد فعال در این کمیته در برخی خانه‌های تیمی و دفاتر اداری در مناطقی همچون پاسداران، قیطریه، باغ فیض، تهران‌پارس، سعادت‌آباد، شهرک اکباتان، خیابان آزادی، ونک و هفت تیر دستگیر شده‌اند. اما بعضی از کمیته‌های این فرماندهی همچون کمیته مالی، عملیات روانی - رسانه‌ای، پشتیبانی؛ محوربند، شناسایی و عملیاتی در سطح شهر به ساماندهی آشوب‌ها مشغول بودند.

کمیته‌های محوربند از مهم‌ترین این کمیته‌ها است که با چرخش لحظه به لحظه در سطح شهر آشوب‌ها را پایه‌ریزی می‌کنند. اساس کار نیروهای محوربند بر اساس انتخاب محل درگیری‌ها و نیز امکان گریز از مهلکه صورت می‌گیرد. برخی از عناصر اصلی این کمیته به دلیل سابقه خود شناخت کاملی از آدرس‌های خیابانی دارند.

#### \* کمیته شناسایی

اعضای این کمیته که دارای خط نفوذ در برخی از مراکز هستند، شناسایی نقاطی که باید مورد حمله قرار بگیرد را دنبال می‌کنند. شناسایی بانک‌ها، مراکز نظامی، اماکن دولتی، خانه‌های مسؤولان، نقطه‌های مناسب آشوب و ... از جمله وظایف این کمیته می‌باشد. در این میان حمله به خانه چند تن از مسؤولان وزارت کشور در منطقه سعادت‌آباد در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

#### \* نیروهای عملیاتی

وظیفه این نیروها به خط کردن ارادل و اوباش و نیز میدان بندی آنها در صحنه می‌باشد. "ا. خ" و "ح. ص" افرادی هستند که سر پل ارتباطی در این بخش بوده و آشوبگران را به مناطق مختلف راهنمایی می‌کنند. همچنین آماده سازی "معرهای گریز" از جمله وظایف این نیروها می‌باشد.



گفته می‌شود کمیته عملیاتی مزبور همچنین در جریانات اخیر با برخی گروه‌های تجزیه طلب ارتباط برقرار کرده و از نیروهای آنان در اغتشاشات بهره‌گیری می‌کنند. دستگیری برخی افراد با لباس‌های چریکی - شهری و سبک که حتی در میان آنها برخی از دختران ساکن در مناطق مرزی هستند، خود مؤید همکاری با برخی گروهک‌های آشوب‌ساز هستند.

### \* نحوه درگیری

بر اساس مشاهدات عینی نوع درگیری‌ها و آشوب‌ها از سازماندهی کاملاً حرفه‌ای در این زمینه پرده برمی‌دارد. در این درگیری‌ها آشوب‌طلبان با ایجاد یک خط حائل فرضی به شمال، جنوب یا شرق و غرب در نقطه‌های تماس، با ریختن روغن، سطح آسفالت را لغزنده می‌کردند تا نیروهای انتظامی هنگام تلاش برای دستگیری آنها با مشکل لغزندگی مواجه شده و از دیگر سو با زمین‌گیر شدن آنها امکان مقابله آسان‌تر فراهم شود.

همچنین در بخش‌هایی که آنها در نقطه تهاجم هستند، نیروها به ۳ لایه تقسیم می‌گردند. لایه اول پرتاب‌های خشن را در دستور کار داشته و با سنگ و آجر به تهاجم می‌پردازند. همچنین نیروهای این لایه مجهز به گاز اشک‌آور برای کور کردن دید افراد رو به روی خود می‌باشند.

لایه دوم نیز که سعی شده عمدتاً از حامیان باشند، تولید سر و صدا، ایراد شعارهای تند و تهییج‌آمیز برای مردم تماشاچی را در دستور کار دارند.

لایه سوم نیز که مسلح به سلاح‌های سرد همچون شمشیر، قمه، نیمچه و پنجه بوکس هستند ایجاد رعب و وحشت را پیگیری کرده و هنگامی که لایه اول نیروهای مقابل را زمین‌گیر کردند این لایه به ضرب و شتم آنان می‌پردازند. همچنین گفتنی است نیروهای این لایه مسلح به سلاح گرم بوده و گلوله مستقیم از میان جمعیت به سوی مردم شلیک می‌کردند.

### \* سلاح و نحوه توزیع آنها

چگونگی توزیع سلاح‌ها نیز در نوع خود قابل توجه است. بر اساس اخبار دریافتی اخیراً در سطح شهر گزارش شده که افرادی با رجوع به بازار خریدهای عمده‌ای از چاقو، قمه، اسید و اکلیل سرنگ انجام داده‌اند.

گفتنی است این خریدها در اماکن امن آنها نگهداری و به همراه برخی از سلاح‌های گرم خریداری و قاچاق شده دپو و توزیع گردیده‌اند. اخبار به دست آمده بیانگر آن است که این دپوها و توزیع‌ها در بخش‌های مختلف شهر و در پوشش برخی صنوف همچون آرایشگاه زنانه صورت می‌گیرد. همچنین سلاح‌های گرم تهیه شده شامل: کلت ماکاروف، کلت ۴۵۰ برونینگ و ... می‌باشد. از دیگر سلاح‌های جدید به کار رفته در اغتشاشات، نوع خاصی از «کوکتل مولوتوف» است که از کشور سوئد وارد می‌شد. این کوکتل مولوتوف که دوجداره می‌باشد دو زمانه نیز بوده و «حرارت‌زا» و «آتش‌زا» می‌بوده.

شاهدان عینی تأکید کرده‌اند با پرتاب این "کوکتل مولوتوف" علاوه بر ایجاد آتش حرارت آن به حدی است که آسفالت خیابان را کاملاً مذاب می‌سازد. گفته می‌شود تهیه این سلاح توسط فرزندان یکی از چهره‌های سیاسی انجام شده است.

#### \* عملیات روانی و رسانه‌ای

این کمیته گر چه تا هنگام انتخابات از طریق برخی سایت‌ها و وبلاگ‌ها به عملیات روانی و اطلاع‌رسانی به حامیان خود مشغول بود، اما با توجه به مسدود شدن رسانه‌های خود برای تجمعات از طریق email، پخش اعلامیه و تراکت در سطح شهر و نیز ارتباط چهره به چهره بهره می‌گیرند.

همچنین طبق هماهنگی صورت گرفته پوشش درگیری‌ها از طریق صدای آمریکا و بی.بی.سی فارسی نیز انجام می‌شد. مضاف بر اینکه مسئولیت استقرار فیلمبرداران و تأمین فضای امن برای انجام مأموریت این افراد نیز در زمره مأموریت‌های آنان می‌بوده. بر اساس خبری که در این زمینه منتشر شد، یک اکیپ فیلمبرداری در خیابان مفتوح شمالی دستگیر شدند که مجهز به دوربین فیلمبرداری فوق حرفه‌ای، لپ‌تاپ و فرستنده ماهواره‌ای بودند.

این اکیپ که دوربین خود را روی یک سه پایه در بالای پشت بام قرار داده بودند، تصاویر خود را به شبکه‌های ماهواره‌ای ارسال می‌کردند. گفتنی است افراد این اکیپ که در حال فرار دستگیر شده بودند ۴ کارت خبرنگاری شبکه‌های خارجی را به همراه داشته‌اند. همچنین کمیته فوق وظیفه خلق و انتشار شایعات همچون دستگیری برخی از افراد، تحصن، استعفای مسؤولان و ... را در دستور کار خود داشتند.

ساماندهی آشوب‌های فوق در حالی صورت می‌گیرد که نیروهای ارزشی با حضور بهنگام خود در اقصی نقاط آشوب‌خیز شهر، عمده تحرکات آنان را خنثی کرده و ضمن حضور خود در راهپیمایی بزرگ وحدت در روز سه‌شنبه آخرین اخطار را به جریان آشوب طلب دادند. بی‌شک، بازنده‌ی این جریان‌ات کسی بود که دست در دست هدایتگران غربی به ماشین اغتشاش علیه ملت تبدیل شد و فرجام خویش را به طغیان و خشم مردم آگاه و بیدار سپرد. این شب‌ها بی‌تردید، مجاهدت و ایثار مردانی تجلی یافت که تأمین امنیت ملت، بر جانشان تقدم یافت.

اینان جانشان را در برابر انقلاب رنگینی قرار دادند که هدفشان نه انتخابات که دگرگون ساختن نظامی بود که خون‌های بسیاری برای اعتلایش به پای درخت انقلاب ریخته شد. بی‌شک باید قدردان فرزندان بی‌نام و نشان ملت بود.

پروژه افراطیون اغتشاش طلب وابسته به ستاد کاندیدای اصلاح طلب با دستگیری تاجرنیا و تاجزاده با شکست رو به رو شد

پس از دستگیری علی تاجرنیا و مصطفی تاج زاده که جمعه شب ۲۲ خرداد در خانه تیمی قیطریه و کشف سیستم پیام مخابراتی و تجهیزات شنود و همچنین مقادیری سلاح سرد از جمله چماق، چاقو و... از این خانه تیمی بسیاری از اعضای تیم‌های عملیاتی وابسته به این خانه تیمی متواری شدند و عملاً پروژه اغتشاش آفرینی در نطفه خفه شد.

از سوی دیگر گفته می‌شود یکی از تئوریسین‌های این جریان که عضویت در حلقه کمیته ایکس را نیز یدک می‌کشد پس از ناکام ماندن این جریان در جلسه روز شنبه خود با میرحسین موسوی گفته که «از اول هم اشتباه کردیم که روی یک مشت بچه حساب باز کردیم. ما باید خون دادن برای اصلاحات را برای اینها درست معنی می‌کردیم.»<sup>۱</sup>

## واکاوی اردوکنشی‌های خیابانی

### اصل ۲۷ قانون اساسی و تجمعات قانونی

میرحسین موسوی در چندین شماره از بیانیه‌های خود بر به راه انداختن تجمع‌های خیابانی اصرار ورزید و برپایی این تجمع‌ها را یک حق قانونی برای معترضین طبق

<sup>۱</sup> - روزنامه جوان ۱۳۸۸/۳/۲۹

اصل ۲۷ قانون اساسی می دانست. او در بیانیه شماره ۵ می نویسد: «ما به دست اندرکاران توصیه می‌کنیم برای برقراری آرامش در خیابان‌ها مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی امکان تجمع‌های مسالمت آمیز را نه تنها فراهم کنند، بلکه چنین گردهمایی‌هایی را تشویق کنند.»

موسوی در بیانیه شماره ۶ که پس از حوادث تلخ ۳۰ خرداد منتشر گردید، ضمن حمایت از آشوبگران و کسانی که با حمله و ر شدن به مأموران و نیروهای انتظامی و امنیتی موجب سلب آرامش جامعه و وارد کردن خسارات سنگین به اموال عمومی و خصوصی شدند، می نویسد: «به کسانی که مردم را به خاطر اظهارنظر قانون شکن نامیده اند خبر می‌دهم که بی قانونی بزرگ عدم اعتنا و نقض اصل ۲۷ قانون اساسی از سوی دولت در عدم صدور مجوز برای اجتماعات مسالمت آمیز است.»

از آنجایی که در طول مدت فتنه برخی از هواداران و رسانه‌های جریان فتنه با استناد به اصل ۲۷ قانون اساسی، بر راه اندازی تجمع‌های خیابانی اصرار کرده و خواهان صدور مجوز از سوی وزارت کشور برای برپایی راهپیمایی بودند، بایستی نقطه هدف و خواسته اصلی در برپایی چنین تجمع‌ها و اعتراضات خیابانی را بررسی نماییم.

بر اساس قانون، صدور مجوز برای برپایی راهپیمایی و انجام تجمع‌ها، در یک چارچوب مشخص و معین انجام می‌شود. طبق قانون، احزاب و گروه‌های قانونی که قصد برپایی چنین تجمع‌هایی را دارند، باید درخواست مکتوب خود را طی نامه رسمی به وزارت کشور ارسال داشته و در وزارت کشور پس از بررسی‌های اولیه و موافقت کمیسیون مربوطه، نماینده آن حزب و گروه سیاسی درخواست کننده باید با حضور در وزارت کشور و پرکردن فرم و امضای آن به نمایندگی از طرف حزب یا گروه خود، متعهد به رعایت قانون در برپایی این راهپیمایی یا تجمع گردد.

بر اساس اخبار موثق، در اولین اغتشاشات پس از انتخابات، فتنه‌گرانی که مردم را دعوت به تجمع و راهپیمایی کرده‌اند، هرگز این مسیر قانون را برای کسب مجوز طی نکرده‌اند. به عنوان مثال آقای موسوی در اولین بیانیه رسمی خود پس از اعلام نتایج انتخابات در روز شنبه ۲۳ خرداد، مردم را به حضور در خیابان‌ها و اعتراض به نتیجه انتخابات فرا خواند و با زیر پا گذاشتن قانون مربوط به تجمع‌ها و راهپیمایی‌ها، مقدمات آشوب‌ها و اغتشاشات خیابانی را فراهم ساخت. در نمونه‌ای دیگر از عدم

رعایت مسیر قانونی برای اخذ مجوز، روز یکشنبه ۲۴ خرداد آقای بهزادیان پور به عنوان رئیس ستاد آقای موسوی، طی نمابری که ساعت چهار بعد از ظهر به وزارت کشور ارسال می دارد، درخواست مجوز برای راهپیمایی روز ۲۵ خرداد از میدان انقلاب تا آزادی نموده و یک مهلت یک ساعته برای وزارت کشور برای صدور مجوز یعنی تا ساعت پنج بعد از ظهر همان روز منظور می دارد! همزمان خبر درخواست مجوز و برپایی راهپیمایی از سوی ستاد میرحسین موسوی در روز دوشنبه ۲۵ خرداد به هواداران اطلاع رسانی می شود. براساس قانون باید یک حزب یا گروه سیاسی قانونی و شناسنامه دار درخواست مجوز نماید و پس از صدور مجوز نسبت به برپایی راهپیمایی یا تجمع اقدام نماید.

اما بدون دریافت مجوز، روز دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ راهپیمایی غیرقانونی انجام شده و این راهپیمایی در پایان از سوی عده ای به آشوب و اغتشاش کشیده می شود و بر اثر آن هفت نفر کشته می شوند. چه کسی پاسخگوی این خون ها بود؟ آشوب و اغتشاشات شنبه ۳۰ خرداد نیز که منجر به کشته و زخمی شدن دهها نفر گردید به همین صورت است. مجمع روحانیون مبارز طی نمابری درخواست مجوز راهپیمایی کرده و قبل از اخذ مجوز برای تجمع و راهپیمایی به هواداران اطلاع رسانی می کند!

### ابطال انتخابات هدف اصلی تجمع های غیرقانونی

بسیار جالب و تأمل برانگیز است که میرحسین موسوی مسئولان و همگان را به رعایت قانون و به ویژه اصل ۲۷ قانون اساسی توصیه و دعوت می کند، لکن با قانون شکنی آشکار و غیرقابل انکار، به ایجاد آشوب و اغتشاش دامن زده و زمینه ها و بسترهای لازم برای تخریب اموال عمومی، برهم خوردن نظم و امنیت، کشته و زخمی شدن عده ای از همه بدتر بسترسازی برای مداخله بیگانگان در امور داخلی ایران را فراهم می سازد.

آن چه روشن است، خواسته و هدف اصلی میرحسین، از آشوبهای پس از انتخابات ابطال انتخابات بود! میرحسین موسوی در طول تبلیغات انتخاباتی خود، چه در وقت قانونی تبلیغات و چه در ماه های قبل از آن، همواره بر این نکته تأکید داشت که قانون شکنی ها من را نگران کرده و من آمده ام تا قانون را پاس بدارم و در چارچوب قانون کشور را اداره نمایم. او به خوبی می دانست که تنها مرجع قانونی و صلاحیت دار برای تأیید و یا ابطال انتخابات شورای نگهبان است. انتخابات ریاست جمهوری دهم، مانند

تمامی انتخابات در ۳۰ سال گذشته در چارچوب قانون انجام شده است. آیا قانون این اجازه را می داد که کاندیدای معترض با اردوکشی های خیابانی و ایجاد اختلال در نظم عمومی و فراهم کردن بستر برای تخریب اموال عمومی و چوب جراح زدن بر اعتماد عمومی به نظام اسلامی، تلاش کند تا به حق خود برسد؟ جواب ناگفته مشخص است.

### مردم، ابزار براندازی

در طرح براندازی نرم دشمن، استفاده از مردم ابزار اصلی بودند. براندازان با دو گزینه که انتخاب هر یک برای آنها پیروزی محسوب می شد حرکت نهایی خود را شروع کردند گزینه اول پیروزی موسوی بود و گزینه دوم شکست موسوی و اعتراض آنها نسبت به نتیجه انتخابات. چه بسا در ابتدا گزینه دوم برای آنها جذاب تر و مهم تر بود زیرا به زعم آنها با محقق شدن گزینه دوم براندازی صورت می گرفت اما با تحقق گزینه اول آنها ناچار بودند به تعامل بانظام پردازند و مسئله دوم خرداد در این راستا برای آنها تجربه مثبتی نبود. در هر صورت آنچه که پیش آمد گزینه دوم بود. موسوی در اعتراض به نتیجه انتخابات از حامیانش خواست تا در مورخ دوشنبه ۲۵ خرداد به میدان انقلاب بیایند و به سوی میدان آزادی راهپیمایی کنند. حضور قابل توجه هواداران موسوی در دوشنبه مذکور باعث شکل گیری یک توهم بزرگ در نزد وی و یاران حلقه اولش شد. آنها بر این گمان بودند که می توانند در هر لحظه ای که اراده و اعلام کردند این جمعیت را به خیابان بکشانند و در راستای هدفی که بسیاری از این جمعیت از آن بی اطلاع بودند، سوءاستفاده کنند و مردم را در برابر نظام قرار دهند و از آن به عنوان یک ابزار فشار بر نظام سود برند. اما آنچه که موسوی و دوستانش از آن بی خبر بودند میزان هزینه ای بود که هواداران مردمی موسوی حاضر بودند پرداخت کنند.

### عملیاتی کردن نظریه فشار از پایین، چانه زنی در بالا

آنچه بعد از انتخابات دهم در کشور از سوی موسوی و هواداران ایشان و به ویژه احزاب و گروه های سیاسی افراطی دوم خردادی مانند جبهه مشارکت، سازمان مجاهدین، مجمع روحانیون و دفتر تحکیم (طیف علامه) رخ داد، در واقع عملیاتی کردن همان نظریه قدیمی و نخ نما شده حجاریان مبنی بر «فشار از پایین و چانه زنی در بالا» می باشد. حجاریان با هدف تغییر ساختارهای نظام دینی و سکولاریزه کردن

کشور، معتقد بود اصلاح طلبان باید تمامی سنگرهای قدرت را یکی پس از دیگری فتح کرده و برای رسیدن به این مقصد باید هر نوع مانعی را از سر راه، با حرکت‌های اجتماعی از میان برداشت.

حادثه کوی دانشگاه در تیر سال ۱۳۷۸ و تحصن نمایندگان مجلس ششم در سال ۱۳۸۲ با هدف به خیابان کشاندن مردم طراحی و اجرا گشت که به دلیل هوشیاری مردم، نتیجه ای برای دوم خردادی های ساختارشکن نداشت. در آستانه انتخابات مجلس هشتم در سال ۱۳۸۶، سعید حجاریان طی مصاحبه ای با صراحت اعلام کرد که همچنان بر این اعتقاد است که اصلاح طلبان باید براساس «نظریه فشار از پایین و چانه زنی در بالا» اصلاحات را به پیش برده و به نتیجه برسانند! تمامی شواهد و قرائن گویای این واقعیت است که گروه های افراطی دوم خردادی در انتخابات دهم، با ایجاد این باور در میرحسین موسوی که او پیروز انتخابات است و نظام اسلامی می خواهد حق ایشان و هوادارانش را پایمال نماید. با چنین تحلیلی، افراطیون میرحسین را در مسیری قرار داده اند تا با دعوت هواداران برای حضور در خیابان ها، زمینه های لازم برای پیشبرد مقاصد ساختارشکنان را فراهم سازد.

ابطال انتخابات با تظاهرات خیابانی که یک امر غیرقانونی به شمار می آید، در صورت تحقق، مسیر را برای تحمیل هر نوع خواسته دیگری از سوی افراطیون به نظام اسلامی فراهم می سازد. این نکته مهمی است که میرحسین موسوی روز قبل از انتخابات در مصاحبه با مجله تایم و در پاسخ به این سؤال که اگر انتخابات را ببازد، چه خواهد شد و چه می کند، با صراحت می گوید: «تغییر از مدتی قبل آغاز شده است. تنها بخشی از آن به پیروزی در انتخابات مربوط می شود و بخش های دیگر ادامه خواهند یافت و هیچ عقب گردی در کار نخواهد بود.» این تغییرات گسترده مورد نظر، همان تغییرات مورد نظر افراطیون دوم خرداد است که اینک پرچم آن را میرحسین به دست گرفته و قرار بود با حرکت های خیابانی و براساس مدل انقلاب های مخملی به نتیجه برسد که با هوشیاری مردم خنثی گردید.

### ریزشهای اردوکنشی خیابانی

در بررسی طیف های شرکت کننده در تجمعات و اغتشاشات پس از انتخابات به دو گروه بر می خوریم:

## ۱. هواداران عادی

### ۲. اراذل و اوباش حرفه‌ای

بسیاری از هواداران مردمی موسوی که از رنگ سبز استفاده کردند و پرشور به دنبال تبلیغ از موسوی بودند، مستقیم و غیرمستقیم با موسوی از دریاچه دوران دفاع مقدس که موسوی نخست وزیرش بود آشنا شدند و چه بسا افراد موجهی که به همین خاطر از وی حمایت کردند، تعداد قابل توجهی نیز به دلیل منتقد بودن نسبت به احمدی نژاد به موسوی روی آوردند این دو گروه که تعدادشان بسیار زیاد بود با نظام مشکلی نداشتند و در موضوع ریاست جمهوری نظرشان موسوی بود. در حالی که موسوی و دوستان برنامه ریزش دچار این توهم شده بودند که آنها یعنی مردم هوادار به سبب مشکل داشتن با نظام از وی حمایت کردند و حاضرند این مسیر را به هر جایی که منتهی شود ادامه دهند. این موضوع را نیز نباید انکار کرد که برخی از مخالفین نظام و حتی آنهایی که به موسوی هم رأی ندادند در فراخوان راهپیمایی وی حضور پیدا کردند اما بخش غالب جمعیت هوادار موسوی را کسانی تشکیل می دادند که با نظام مشکل نداشتند. این جماعت پس از راهپیمایی روز دوشنبه در تجمعات بعدی کمتر شرکت کردند و پس از شرکت در دو سه تجمع به درخواست موسوی راهشان را از موسوی جدا کردند و نشان دادند آنها حداکثر هزینه ای را که برای ریاست جمهوری موسوی پرداخت می کنند یک برگ رأی و شرکت در دوسه تجمع مسالمت آمیز است. بنابراین جریان فتنه دچار ریزش شدیدی شد.

اما در این میان بودند گروه اندکی به نام اراذل و اوباش که از آنها به شیوه دیگری استفاده شد. اراذل و اوباش یکی از گروه هایی هستند که بواسطه برخورداری از پاره ای ویژگی ها مانند فهم پائین، جسارت بالا، خصلت مزدوری و ... به راحتی مورد سوء استفاده قرار می گیرد. در تاریخ معاصر ایران اراذل و اوباش نقش آفرینی های خاصی داشته اند مانند استفاده از آنها در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که زمینه ساز شکست حرکت خیزشی مردم شد. استفاده دربار شاه از این گروه در روند انقلاب اسلامی که این مرتبه با هوشیاری مردم اراذل و اوباش به شدت سرکوب شدند. حضور سازماندهی شده آنها در حوادث ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ که این بار نیز مردم و نیروهای انتظامی حرکت برنامه ریزی شده آنها را به شکست کشاندند و در آخرین مرحله نیز اقدام مزدورانه آنها



در حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم است که توسط نیروهای انتظامی، امنیتی و بسیج سرکوب شدند. استفاده این چنین از اراذل و اوباش در حرکت‌های ضد امنیتی ایجاب می‌کند تا نظام به منظور مصون ماندن از این امور چاره اندیشی اساسی کند تا دچار غافلگیری نشود موتور محرک اقدامات تخریبی در حوادث اخیر در چند نقطه از شهر تهران اراذل و اوباشی بودند که خود و رفتارشان را به کارفرمایانشان فروخته بودند. هر کدام از آنها تعدادی مثل خودشان را به صحنه اغتشاش و آشوب آوردند و پس از اینکه تعدادی از آنها دستگیر شدند و پی بردند که عزم نظام بر برخورد جدی با آنها جزم است به مخفی گاهایشان رفتند و بعضاً متواری شدند.

ذکر این نکته در این جا ضروری است که استفاده از گروه های اراذل و اوباش که علاوه بر تخریب و وارد کردن خسارت به اموال عمومی و شخصی امنیت شهروندان را نیز از بین برده بود هشدار جدی برای نظام تلقی می شود. به نظر می رسد نظام برای جلوگیری از این مسئله باید به یک باور برسد و دو کار را انجام دهد. نظام باید بداند همیشه در نظام گروه ها و کسانی هستند که با آن مشکل دارند و چنانچه فرصتی پیدا کنند آشوبگرانه با نظام مقابله می کنند که نظام برای رویارویی با آن ابتدا باید برنامه گسترده و مستمری برای نظارت دقیق بر رفتار و عملکرد اراذل و اوباش داشته باشد و دیگر اینکه لازم است نیروهای ویژه ای را در حد لازم و با تجهیزات پیشرفته برای مقابله با حوادثی نظیر آنچه واقع شد تربیت کند. دوران باورهای خوش به اتمام رسید و می توان گفت در بهترین حالاتی که به سر می بریم دشمن در حالی برنامه ریزی برای ضربه زدن به نظام است و دشمنی آنها پایانی ندارد پس هوشیاری و آمادگی ما هم باید بی وقفه و بدون پایان باشد.

همان طور که گفته شد آنچه در پی انتخابات ۲۲ خرداد در کشور رخ داد تلاشی سازمان یافته و در قالب یک سناریوی از پیش طراحی شده با الگوگیری از انقلاب های مخملی بود. لکن همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه های تاریخی نماز جمعه مورخ ۱۳۸۸/۳/۲۹ فرمودند: «ایران گرجستان نیست» این جمله کوتاه و گویا ناظر به این حقیقت است که در جمهوری اسلامی اساساً حرکت های براندازی به سبک انقلاب های مخملی امکان ندارد. به عبارت دیگر با وجود خواست بیگانگان و غربی ها برای انجام انقلاب مخملی در ایران از یک سو و تلاش برخی از احزاب و گروه های

سیاسی افراطی داخلی در ایران برای تغییر نظام دینی از طریق انقلاب مخملی، زمینه های شکل گیری چنین تغییر و تحولاتی در جامعه مسلمان، انقلابی و ولایی ایران وجود ندارد. ساختار منحصر به فرد سیاسی و حقوقی در ایران، وجود ولایت فقیه در رأس قوای سه گانه، رابطه مردم با ولی فقیه، تنفر مردم ایران از غرب و بیزاری آنان از مداخله قدرتهای خارجی در امور داخلی کشور و وجود نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی در سراسر کشور مانند سپاه و بسیج در مجموع شرایطی متفاوت از کشورهایی چون گرجستان، اکراین و قرقیزستان را در ایران شکل داده و براساس همین تفاوت‌های اساسی، باید گفت امکان پیاده سازی انقلاب مخملی در ایران در حد صفر بود، ولی دشمنان و پیاده نظام داخلی آنان این مسئله را امتحان کردند.

### جزوه براندازی؛ منشور راهبردی جریان فتنه

در جریان تحقیقات دستگاههای امنیتی از کانون فتنه، جزوه‌ای به دست آمد که پشت پرده بسیاری از مسائل را روشن می‌ساخت. "چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما؟" عنوان جزوه‌ای است که پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم توسط محمد رضا تاجیک تهیه و به میرحسین موسوی ارائه گردیده است. منشور راهبردی جریان فتنه، سندی روشن در خصوص طراحی از قبل حوادث پس از انتخابات است. بنا به شواهد متقن، محمدرضا تاجیک نویسنده اصلی این منشور است. وی چند مقاله با همین ادبیات و مضمون در سال ۱۳۸۳ و ۸۴ و ۸۶ در روزنامه شرق و ... منتشر کرده است.

نویسنده اصلی جزوه، محمدرضا تاجیک، مشاور سید محمد خاتمی در دوران ریاست جمهوری و مشاور میرحسین موسوی در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری بوده است.

وی عنصر اطلاعاتی با دسترسی بسیار بالاست که در دوره نخست وزیری موسوی، ریاست دانشکده امام باقر (وابسته به وزارت اطلاعات) و در دولت خاتمی مسئولیت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری را برعهده داشت. در سال ۱۳۷۳ فوق لیسانس تحلیل گفتمان در سیاست را از دانشگاه اسکس انگلستان دریافت و دکترای تحلیل گفتمان در سیاست را در ۱۳۷۴ اخذ کرد.

تحلیل‌ها، رویکردها و راهکارهایی که دکتر محمد رضا تاجیک مشاور پست مدرن موسوی در ۵ سطح به وی ارائه کرده، بازخوانی مجدد تخمین‌ها و تدبیرهایی است که وی پیش از این برای نیمه دوم دهه سوم انقلاب در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، در دولت دوم سید محمد خاتمی به انشاء در آورده بود. نظر به اهمیت این جزوه در این بخش به تحلیل محتوای آن می‌پردازیم:

### ویژگی‌های این جزوه

- ۱) متن با استفاده از فنون شعر و ادب، مغالطه و خطابه تنظیم شده است.
- ۲) نویسنده در مورد جنبش‌های انقلابی و نظریه‌های جنبش‌های نوین، اطلاعات درخوری دارد.
- ۳) با اصول راهبردها و راهکارهای جنگ نرم آشناست.
- ۴) نشانه یا اسم و یادی از خداوند کریم در نوشتار مورد نقد دیده نمی‌شود.
- ۵) هیچ نشانه‌ای و یا اشاره‌ای به اسلام، قرآن، امام زمان (عج) آرمانهای انقلاب اسلامی در نوشتار دیده نمی‌شود (متن دارای ادبیات سکولاریستی است)
- ۶) متن از جوهره سکولاریستی برخوردار است.
- ۷) هیچ موضعی علیه استکبار، آمریکا، اسرائیل، انگلستان و ... اتخاذ نکرده‌اند.
- ۸) سراسر متن بر پنهانکاری اصرار دارد تا اهداف نهایی آشکار نشود.
- ۹) با نفاق و دورویی و با استفاده از ادبیات مغلق و پیچیده هدف براندازی را پوشیده و مکتوم نگه داشته است.
- ۱۰) ادبیات جوزه کاملاً گرته‌برداری و عیناً انعکاس ادبیات ضد دین پست مدرنیستی از نوع فوکویی (میشل فوکو) می‌باشد.
- ۱۱) الگو و قالب برآورد استراتژیک متن مورد بحث عیناً از کتاب جنگ استراتژیک نرم رابرت هلوی سرهنگ آمریکایی طراح، مدیر عملیات براندازی در یوگسلاوی و مدرس جنگ نرم، گرفته شده است.
- ۱۲) متن نقشه راه (ره‌نامه) براندازی نظام با استفاده از الگوی جنگ نرم و جنبش‌های نوین اجتماعی است.
- ۱۳) متن دارای استراتژی‌ها و برنامه‌های کوتاه- میان و بلند مدت برای تحقق هدف براندازی است.

۱۴) نوک پیکان حمله در متن متوجه ستوان بنیادین نظام و انقلاب یعنی ولایت فقیه می‌باشد.

۱۵) حکومت اعلامی در متن، حکومت دینی مردم سالار و دموکراتیک است. (هدفمند و برای فریب افراد معتقد به امام و انقلاب در جنبش سبز مطرح شده است)

### تحلیل های ۵ گانه از وقایع انتخاباتی

مشاور ارشد میرحسین که باورهای وی در چپ نو شکل گرفته و در مرام پست مدرن ها غسل تعمید یافته، تحلیل های خود از وقایع انتخاباتی را در ۵ سطح برای موسوی ارائه می‌کند.

#### تحلیل سطح اول - جنبش سبز

جنبش سبز چیست؟

تاجیک درباره جنبش فتنه چنین می نویسد: « به نظر من، پدیده شگرفی که به نام «جنبش سبز» در این ایام تجربه کردیم، همان جنبش اصلاحات بود، اما با بیانی نسبتاً متفاوت. به بیان دیگر این جنبش در ادامه جنبش اصلاحات، اما در صورت و سیرتی رشیدتر و بالغ تر قابل تحلیل است. لذا این جنبش همچون جنبش اصلاحات، بیش از هر چیز، نتیجه و حاصل پدیده ی دیگری به نام «قیام شرایط» یا «شورش موقعیت» بود. شورش موقعیت یا قیام شرایط یعنی: «حالا وقتشه»

او در ادامه منظورش از جمله «حالا وقتشه» را چنین تبیین می‌کند. از دیدگاه او:

- ✓ حالا وقت تبدیل جشن به جنبش است.
- ✓ حالا وقت تبدیل خیابان به پارلمان مردم است.
- ✓ حالا وقت خیزش یک ملت، فراسوی ملاحظات و مقتضیات طبقاتی، فرهنگی، قومی، زبانی، نسلی، جنسی، شئونی، دینی، مرامی و سیاسی است.
- ✓ حالا وقت ایجاد زنجیرهء همگونی در میان هویت‌های متمایز است.
- ✓ حالا وقت رسیدن خطوط موازی به یکدیگر در بوم رنگ و تابلوی نقاشی یک جنبش است.
- ✓ حالا وقت شورش دانش ها و گفتمان ها و هویت‌های تحت انقیاد و حذف و طرد شده است.

- ✓ حالا وقت جوشیدن قدرت و مقاومت از ریزبده های جامعه است.
  - ✓ حالا وقت فریاد صداهای خاموش است.
  - ✓ حالا وقت شورش تاریخ علیه خودش است.
  - ✓ حالا وقت شورش وضع موجود علیه خودش است.
  - ✓ حالا وقت شورش خودی ها علیه خودی هاست. (پرنندگان گردن چرخان)
  - ✓ حالا وقت شورش «گفتن» بر «گفته» است.
  - ✓ حالا وقت شورش امید بر ناامیدی و اراده بر خمودگی و انفعال است.»
- تاجیک هم چنین در تبیین اغتششات پس از انتخابات می گوید:
- (۱) شورش موقعیت (هرکس، هر زمان، هر مکان) یا قیام شرایط است.
  - (۲) تبدیل جشن (انتخاباتی) به جنبش است.
  - (۳) خیزش یک ملت فراسوسی ملاحظات فرهنگی، قومی، زبانی، جنسی، دینی و سیاسی است.
  - (۴) ایجاد زنجیره‌ی همگونی در میان هویت‌های متمایز است.
  - (۵) شورش هویت‌ها و گفتمان‌های حذف و طرد شده است.
  - (۶) جوشش قدرت و مقاومت از زیر بدنه‌های جامعه است.
  - (۷) شورش تاریخ علیه خود، خودی‌ها علیه خودی‌هاست.
  - (۸) هم‌رنگی از جنبش‌های هویتی و جنبش‌های فراهویتی است.
  - (۹) بحران سرخی که تجربه می‌کنیم بحران‌هایی را در سطح زیرین جامعه ایجاد می‌کند، بحران اعتماد و مشروعیت و مقبولیت، بحران کارآمدی و مدیریت، بحران وحدت و یگانگی (مأموریت آقای هاشمی، بیانیه سرگشاده، خطبه‌ها و ...)
- مشاور پست مدرن میرحسین، بر این باور است که جنبش سبز نتیجه پدیده دیگری به نام «قیام شرایط» یا «شورش موقعیت» و به تعبیر صریح تر «حالا وقتشه» می باشد.
- وی سپس به این موضوع اشاره می‌کند که «حالا وقت تبدیل خیابان به پارلمان مردم» و «شورش زمانه» ذیل «شورشی رنگین کمانی» است. شورشی که در واقع هم از جنس جنبش‌های مبتنی بر نافرمانی مدنی است و هم از نوع جنبش‌های اکسپرسیونیستی.
- بنظر می‌رسد در این سطح تحلیل، تأکید بر قیام شرایط و شورش موقعیت، بروز دیدگاه پست مدرن‌هایی است که همواره و در هرشرایطی اصالت را به «تغییر» داده و

مدام از وضعیت‌های نو سخن به میان می‌آورند، بی‌آنکه نقش و تدبیر خود را در همان وضع مسبوق تعریف کنند و یا حتی آلترناتیوی برای وضع موجود بیندیشند. در مرام آن‌ها هیچ یک از ارزش‌ها امان و مصونیتی از تغییر ندارد. امر قدسی حاشیه‌ای از امر و خواسته عرفی است. تغییرمورد نظر آنان که همه‌گونه جنسی را با دامنه‌هایی از سنتی، مدرن و پسا مدرن شامل می‌شود در این سطح تحلیل، گرایش‌های «چپ‌نو» را تداعی می‌کند. توجه به جنبش و تأکید بر پارلمان‌خیابانی نکته‌ای است که این مشاور پست مدرن موسوی قبلاً در مقاله‌ای قوام یافته در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (دوره خاتمی)، بدان اشاره کرده بود.

او در این مقاله نوشته بود: «به جنبش ۱۹۶۸ نگاه کنید. احتمالاً با این بیان موریس بلانشو موافق خواهید بود که «جنبش ۱۹۶۸ به عنوان یک تلافی تصادفی و هیجان‌انگیز بدون برنامه، بدون پروژه و در قالب اشکال اجتماعی که فی الفور پذیرفته می‌شد، حال و هوای یک عید را داشت... در آن لحظه هیجان ناشی از زیست برابر و این که هر کس امکان سخن گفتن داشته باشد، هدف بود. هر کس می‌تواند هر آن چه که خواسته بر زبان آورد و حتی بر در و دیوار بنویسد. مهم این نیست که چه می‌نویسد، مهم این است که می‌نویسد، چون که آن لحظه آزادی است، این نوع آب و هوای کارناوال‌گونه، همان لحظه‌ای را به دنبال می‌آورد که فضای برابری مراسم عید در پی دارد، مگر نه اینکه انتظار بچه‌ها هم از روی عید، خروج از سلسله مراتب والدین - بچه‌ها می‌باشد؟».

این استقبال صریح مشاور میرحسین از حرکت‌های کارناوالیستی، توجیهی قبلی برای استراتژی اردوکشی‌های خیابانی در زمان تبلیغات و حتی راهپیمایی‌های غیر قانونی پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری است. گویا هدف از انتخابات نه سطح اول خواست آنها برای انتخاب شدن که ایجاد یک جنبش بوده است؛ «مبارزه جنبشی».

جنبشی که به باور آنها هم می‌تواند در نقش یک گفتمان «هژمونیک» ظاهر شود و هم «ضد هژمونیک». هژمونیک از آن رو که بتواند کنش‌های جمعی را در خدمت نظامی دیگر قرار دهد و ضد هژمونیک به این معنا که در نظم موجود «اختلال» ایجاد کرده و «طغیان‌های فرهنگی»، «قید‌گریزی» و «ضدیت با اقتدار موجود» را رقم بزند.

اینگونه است که به موازات این تحلیل و راهبردها، آموزه‌های جین شارپ نیز توسط تصمیم‌سازان میرحسین در دستور کار قرار می‌گیرد، نماد سازی شده و

تظاهرات خیابانی به راه انداخته می شود. دیوار نویسی و اسکناس نویسی انجام می گیرد و خروج از سلسله مراتب والدین با اغتشاش معنا می یابد. فضا «وانموده شده» و «هست‌ها»، «نیست» می شود و برعکس. شرایط «وهم» که بی شک ضد خرد است حاکم می شود و شیشه‌های کبود بی شماری مقابل چشمها قرار می گیرد تا «اقلیت» خود را «اکثریت» بدانند، وضعیت «قیام شرایط و موقعیت» نام می گیرد تا اینگونه طرح شود که «حالا وقتشه».

این «وهم» اما زمانی که در برابر قانون قرار گرفت بازهم بر «تغییر» تأکید کرد و قانون را نیز قابل تجدید نظر دانست؛ همانگونه که موسوی گفت «قانون اساسی وحی نیست و قابلیت تجدید نظر دارد». و این چنین است که پست مدرن‌ها باز هم نشان می دهند که هیچ امر قدسی و قانونی در مقابل تغییرآنان رنگی از واقعیت ندارد.

بخش دیگری از این واقعیت را البته می توان در مواضع مشاور ارشد میرحسین موسوی در سال ۸۱ و طی سخنرانی مکتوب وی ارزیابی کرد که با تأکید بر خصلت جنبشی در مبارزات آینده سیاسی تأکید کرده بود: «شکل بروز دسته جمعی و تظاهرات آینده حالت جنبشی و کارناوالی دارد و شکل مستمر آن به صورت سازمان دادن نوعی «مقاومت محلی» در هریک از «محل‌ها» و «موضع‌های» قدرت حاکم، خود را نشان می دهد.»

بی تردید شاید آن زمان، این گفتن‌ها چندان روشن نمی نمود اما گفته‌های میرحسین و برنامه‌های او در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، زوایای این گفته‌ها را مشخص تر ساخت. زمانی که میرحسین از «هر شهروند یک ستاد» سخن گفت، وقتی که تصمیم گیرندگان ستادش در راهبرد «۱۰ موج تا اوج» از طرح «هر تاکسی یک ستاد» سخن به میان آوردند و از هر ستاد به عنوان یک کانون «آگاهی و مقاومت» یاد کردند و در ایامی که بناگاه موسوی برای برانگیختن خصلت‌های محلی، قومیت‌ها را نشانه رفت و از حضور آنها در ترکیب قدرت با تحریف وضع موجود سخن گفت، مشخص بود که قرار است جنبشی «هم این، هم آن» و به زعم آنها فراگیر تشکیل شود که حتی با شکست، همگی گرد آمدگان در آن سهیم شده و هریک برای احقاق حق خود شعار «موسوی رأی منو پس بده» را سردهند.

برای راه یافتن به عمق این موضوع اما بهتر است بازهم به جزوه و تالیفات گذشته آقای مشاور اشاره کنیم. وی در جزوه خود با بیان اینکه «حالا وقت ایجاد زنجیره ی همگونی در میان هویت‌های متمایز است» این بخش از تالیف ۷ سال پیش خود را زنده می‌کند که «دوم خرداد یاد داد که تنها آن دسته از نیروهای اجتماعی امکان پیروزی در تسابق های عظیم سیاسی را دارا هستند که بتوانند همچون نخ تسبیح هویت‌های متمایز را به یکدیگر متصل نموده و به اصطلاح زنجیره ای همگون از هویت‌های متمایز ایجاد نمایند. به بیان دیگر، بتوانند با بسیج گروه ها و نیروهای مختلف و گونه گون اجتماعی، قومی، فرهنگی، سیاسی، و... جنبشی کارناوالیستی را سامان دهی نموده و با به رسمیت شناختن تکثر هویتی، مردمان را در جهتی واحد و رو به سوی افقی واحد رهنمون شوند».

نمونه دیگر تأکید بر مبارزه جنبشی در آمیختن آن با شیوه فعالیت شفاهی و علنی بود. این موضع، بوضوح در برنامه‌های انتخاباتی میرحسین موسوی تأکید شده و خیابان‌ها، پارک‌ها، جلسات، ستادها و خیابان‌ها به جولانگاه فعالیت‌های شفاهی تبدیل شده بود. اما رابطه این فعالیت شفاهی و علنی و با جنبش مورد نظر آنان چه بوده است؟ به باور تصمیم گیرندگان ستاد میرحسین «شیوه فعالیت شفاهی به جای شیوه متمرکز و سازمانی به گونه ای است که به راحتی می‌تواند به اشکال شورشی بشود و مرز بین «شورش» و «کارناوال» یک مرز عبور ناپذیر است».

در حقیقت می‌توان گفت در دستور کار قرار گرفتن این شیوه برای آن بود که مبادلات لفظی، عمق یافته و هرکسی یک سخنگو و بازیگر شود. کافی بود که هر فرد تنها زبان مشترک را دریابد. این زبان مشترک رگه هایش در نهضت سخنرانی، در وبلاگ‌ها، در شعارها و تظاهرات بوضوح دیده شد. به دیگر بیان، تأکید بر اهمیت فرهنگ شفاهی به این دلیل بود که «نحوه انتشار اندیشه شورشی نتایج فوری به دنبال دارد».

بی‌گمان تأکید بر بهره‌گیری از این روش بدین دلیل است که بحث و تمرین لفظی که در گردهمایی‌های کوچک، بی‌وقفه بازتولید می‌شوند؛ بطور خود انگیزه، حاملان معانی را پرورش می‌دهند و اینان می‌توانند در جای دیگر مفاهیم را بازتولید کنند. وجود فرهنگ شفاهی، مقاومت جنبش را تشدید می‌کند و آن را در قالب یک قدرت و نیروی پنهان در می‌آورد. پس چندان بی‌مناسبت نبود که این روش تا امروز از طریق سخنرانی و رسانه‌های مجازی حامیان موسوی دنبال می‌شود.



### سطح تحلیل دوم - پدیده ضد جنبش سرخ

مشاور ارشد میرحسین در ادامه تحلیل خود در جزوه مورد اشاره به موضوع حوادث بعد از انتخابات اشاره می‌کند و معتقد است «دیری نپائید که جنبش لبخند ها تبدیل به جنبش اشک ها شد؛ امیدها به ناامیدی ها گرائیدند؛ رفتارهای جمعی مدنی به خشونت گرائیدند؛ هویت‌های متمایز در کنار هم در برابر هم قرار گرفتند؛ جنگ با شمشیرهای برکشیده از نیام جای جنگ با کلام را گرفت.»

او همچنین در ادامه می‌نویسد: «این رفتار جمعی مردم ایران، از سوی دیگر، تابعی بود از؛

احساس بی قدرتی (احساس ناتوانی و عجز فرد در تاثیرگذاری بر تصمیمات و سیاست‌ها و بر عرصه سیاسی. توضیح آنکه وقتی فرد در برابر واقعیت‌های اجتماعی خود را فاقد هر گونه قدرت ارزیابی کند و واقعیت‌های اجتماعی را فراتر از قدرت خود بداند آنگاه دچار احساس بی قدرتی می‌شود)

احساس مهجوری سیاسی (مهجوری سیاسی به طرد قواعد و اهداف سیاسی به علت غیرعادلانه، و تحمیل بودن قواعد بازی گفته می‌شود)

احساس بی قاعدگی سیاسی (وقتی فرد احساس کند و چنین استنباط کند که قواعد و قوانین که باید مناسبات سیاسی را تعیین و هدایت کند، از میان رفته است. به عبارتی

از میان رفتن قاعده و قوانین در مناسبات سیاسی همان بی قاعدگی سیاسی است)  
احساس بیگانگی سیاسی (بیگانگی سیاسی، ناتوانی در اثرگذاری بر ساخت اجتماعی - سیاسی و عجز در دخالت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری ها در عرصه سیاسی است

احساس بی معنایی سیاسی (نبود الگوی قابل درک و قابل تشخیص برای شخص و غیرقابل پیش بینی نتایج انتخاب‌های سیاسی. وقتی فرد احساس کند الگوی قابل درکی برای وی در مناسبات سیاسی تعریف نشده یا نتایج کنش‌ها، رفتارها و تصمیمات سیاسی غیرقابل سنجش و پیش بینی است آنگاه دچار احساس بی معنایی سیاسی می‌شود)

احساس بی اعتمادی سیاسی و نارضامندی سیاسی.  
نارضامندی سیاسی.

افزون بر موارد فوق، این رفتار همچنین ربطی وثیق و تنگاتنگ با:

- ۱) حضور یک نقطه گره بی سلبی (منفی)،
- ۲) بداعت و طراوت فزاینده خود جنبش،
- ۳) شخصیت و گفتمان میرحسین (شخصیت و گفتمانی که در پروسه انتخاباتی در حال شکل گرفتن بود،
- ۴) حمایت یکپارچه تمامی مردمان و نخبگانی که با انگیزه ها و انگیزه های مختلف، خواستار «تغییر» بودند.»

وی همچنین وجود این وضعیت را نتیجه تحولات ژرف سالیان زیر پوست جامعه در میان نخبگان و در مردمان دانسته و بحران های آتی کشور را شامل: «بحران اعتماد؛ مشروعیت و مقبولیت؛ کارآمدی و مدیریت و وحدت و یگانگی جامعه» عنوان می کند. نویسنده با ذکر هفت علت گفته است، اعتراضات، تابعی از آنها بوده که هر هفت نکته، سیاسی و معطوف به کسب قدرت است که عبارتند از:

۱) نویسنده اولین محور از نکات هفت گانه را "احساس بی قدرتی" نامیده است. در یک مغالطه برای توضیح "احساس بی قدرتی" احساسات خود را احساس مردم جلوه می دهد، جمله ای در پرانتز بعد از عنوان احساس بی قدرتی آمده که به شرح زیر است:

۲) در بند مورد بحث چند احساس دیگر جریان فتنه نیز آمده که عبارتند از: احساس مهجوری سیاسی، احساس بیگانگی سیاسی، احساس بی معنایی سیاسی، احساس بی اعتمادی سیاسی

۳) در مورد احساس مهجوری سیاسی این توضیح آمده که مهجوری سیاسی به طرد قواعد و اهداف سیاسی به علت غیر عادلانه و تحمیلی بودن قواعد بازی گفته می شود.

در بخشی دیگر هم نویسنده به علت شناسی می پردازد و علل زیر را می شمارد

۱. حضور یک نقطه گره ای سلبی (منفی)
۲. نقطه گره ای سلبی عبارت است از مخالفت با رهبری، ضدیت با دکتر احمدی نژاد و معارضه با حکومت اسلامی

"بداعت جنبش" در شعارهای مطرح شده جریان فتنه عینیت یافت که عبارتند از:

۲/۱- همراهی با مدیریت نظام جهانی و پذیرفتن و حرکت با آن

۲/۲- ارتباط با همه کشورها (بی‌آنکه اسرائیل مستثنی شود)

۲/۳- مخالفت با ولایت فقیه

۲/۴- مخالفت با نظارت استصوابی

۲/۵- مخالفت با سیاست خارجی نظام (که نقطه کانونی آن استکبار ستیزی است)

۲/۶- پذیرفتن اصول گفتمان لیبرالیسم مانند دموکراسی غربی، حقوق بشر- جدایی

دین از سیاست و...

منبع: نکات شش گانه فوق‌الذکر در بروشورهای تبلیغاتی، سخنان انتخاباتی و

بیانیه‌های ۱۳ گانه میرحسین تصریح شده است.

این تحلیل در حالی از سوی مشاور پست مدرن صورت می‌گیرد که بیش از همه

باید اصل بحران را در درون سران جنبش سبز جستجو کرد. بحرانی که می‌توان آن را

«بحران برآورد و تخمین» نامید.

تأکید بر بحران‌های گفته شده توسط مشاور ارشد میرحسین موسوی نکته جدیدی

از سوی وی نیست که مطرح می‌شود بلکه این مسأله در سال ۸۱ نیز از سوی او مورد

توجه قرار گرفته بود. یعنی درست در زمانی که دولت اصلاحات در راس کار بوده و

تمامی سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در آن ایام در ید آنان بوده است. می-

توان گفت که این نکته در حقیقت بیان مواردی است که به عنوان آسیب‌های جدی دوم

خرداد در آن زمان طرح گردید.

در این زمینه کافی است به نتایج یک تحقیق ملی که در آن ایام (دولت دوم خاتمی)

در کتاب مشاور ارشد موسوی درج شده بود، بود اشاره ای داشته باشیم. در این تحقیق

آمده بود: «احساس بی عدالت اجتماعی در بین شهروندان بر احساس عدالت در نزد آن

ها غلبه دارد. میانگین احساس بی عدالتی اجتماعی در کل و در ابعاد سه گانه

اقتصادی، قانونی و فرصتی کم تر از حد متوسط و منفی است و در این بین، بیشترین

احساس بی عدالتی مربوط به عدالت اجتماعی است.»

توجه به نتایج این تحقیق نشانگر آن است که بحران‌های موجود گفته شده در

حقیقت زایشی در دوران زمامداری جریان دوم خرداد بوده است. در حقیقت اگر

پذیریم که در یک جامعه، اعتماد، ارتباط کاملاً وثیقی با کارآیی و پاسخگویی قدرت

حاکمه دارد باید بگوئیم که بحران بی اعتمادی که در دل خود بحران‌های دیگر

مقبولیت و مشروعیت و کارآمدی را نهفته دارد دست کم شامل دو عنصر حیاتی می باشد اولی ایمان به صداقت و دومی اعتقاد به کارایی. به بیان دقیق تر، صداقت به معنای این است که لایه های پنهانی ذهن با آنچه در ظاهر وجود دارد هماهنگ است و کارآمدی، میزان تخصص و توان به فعلیت رساندن اهداف است.

با این گفته ها می توان گفت که دوم خردادی ها در آن ایام نسبت به نقدینگی اعتماد به خود دچار کسری شدند و مقبولیت و مشروعیت گفتمان آنها در انتخابات سال ۸۴ مورد قبول توده مردم واقع نگردید و آن بحران های گفته شده، در عدم اعتماد مجدد مردم به کاندیداهای مورد حمایت جریان دوم خرداد تجلی پیدا کرد.

از دیگر سو در حالی مشاور پست مدرن از بحران سخن می گوید که دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با مشارکت نمایان ۴۰ میلیونی ایرانیان مواجه شد و اعتماد به نظام در حد بالایی تبلور یافت.

از دیگر سو در حالی در جزوه ارائه شده به میرحسین موسوی از «تبدیل لبخندها به اشک» سخن به میان آمده است که اولاً "هیچ گونه اشاره ای به فرآیند انتخابات نشده و اصل بر همان وهم تقلب در انتخابات است. بی تردید اگر جزاین بود تأکید بر وجود بحران وحدت در جامعه نمی شد. بحران وحدتی که با دوانگاری سازی و دوقطب سازی از سوی تصمیم سازان موسوی در حوادث بعد از انتخابات کلید خورد و پایه ای برای حمله به نقطه ثقل نظام گردید. اینکه از نظرطیف جریان سبز، وحدت بر پایه چه چیز تعریف شده که عدم رأی آوری به بحران وحدت تعبیر می شود از نکات مغفول در این جزوه است.

این اما همه گفته ها در این سطح از تحلیل نمی باشد. مشاور ارشد موسوی در ادامه پیش بینی خود را از استراتژی پیروز انتخابات این گونه شرح می دهد:

- ✓ اتکای بیش تر بر اقلیت معتقد
- ✓ تلاش برای ممانعت از شکل گیری ۲۲ خردادی دیگر
- ✓ گشایش نسبی در فضای اجتماعی - فرهنگی
- ✓ تلاش برای حفظ علقه و علاقه دهک های پائین جامعه
- ✓ گرایش فزاینده به یک نظام بناپارتیستی و نو بناپارتیستی
- ✓ گرایش فزاینده به یک نظام بحرانزا و بحران زی و...

این پیش بینی‌ها در حالی صورت می‌گیرد که ذکر چند نکته لازم بنظر می‌رسد:

۱- تأکید بر اتکای بیشتر به اقلیت معتقد در راستای همان دو انگاره سازی‌ها و دو قطبی سازی‌های جریان سبز بوده و اصولاً توجه به «وانمودگی» هنوز در دستور کار آنان قرار دارد. اینکه اتکای دولت به اقلیت می‌باشد تأکید دوباره بر وجود تقلب در انتخابات و وجود جریانانی اقلیتی در برابر اکثریتی به نام جریان سبز است! نکته قابل توجه این که این بند، دو حالت را هدف قرار داده است. اول این که اگر منظور - بر پایه توهم توطئه- وجود اقلیت دولت ساز است که این توهم در دوم خرداد ۷۶ و دور اول انتخابات شوراها به آن پاسخ داده شده است. مضافاً " این که ادعای میرحسین موسوی این بود که بدنه رأی این دولت اقلیت دولت ساز با وی می‌باشند. ضمن این که ستاد موسوی تنها ستادی بود که کمیته ای خاص در انتخابات برای جذب به تعبیر خود اقلیت دولت ساز تشکیل داده بود.

دوم اینکه اگر تعریف و تفسیر بر روی کارآمدن دولتی با انبان رأی اقلیت بوده، باید گفت که این منظور در تضاد کامل با بخش دیگر این پیش بینی‌ها یعنی بحث حفظ دهک‌های پائین جامعه است. چرا که مشاورپست مدرن میرحسین موسوی در ۳۰ فروردین طی سخنانی تأکید کرده بود که مشکل اساسی اصلاح طلبان در ۵ دهک پائین جامعه بوده و باید برای آن فکری اندیشید و بیان این پیش بینی که دولت دهم همچنان به دنبال حفظ این ۵ دهک می‌باشد در حقیقت به معنای عدم موفقیت اصلاح طلبان در رأی آوری در این دهک‌ها بوده است. دهک‌هایی که با استناد به آمارها می‌توان گفت میزان رأی دهندگان آن در جامعه روستایی ۱۵ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر، معادل ۳۳ درصد و شهرهای کوچک ۱۹ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر، معادل ۴۳ درصد بوده است؛ یعنی چیزی معادل ۷۶ درصد. به تعبیر دیگر، بنا به تعبیر و گفته تصمیم سازان موسوی امکان تقلب با این نسبت کاملاً " منتفی بوده و هدف از تحرکات اخیر توسط جریان سبز واقعیت‌های دیگری را فریاد می‌زند.

۲- تأکید برگرایش فزاینده به یک نظام بناپارتنیستی و نو بناپارتنیستی، درحقیقت تأکید دوباره بر دیدگاه‌های سعید حجاریان است که برای نخستین بار در خرداد ۱۳۸۰ در یادداشتی با عنوان «۱۸ خرداد ۱۸ بروم» نسبت به خطر بناپارتنیسم هشدار داد و گفت که اگر مردم می‌خواهند دچار بناپارتنیسم ۱۸ برومی نشوند باید در ۱۸ خرداد به خاتمی رأی دهند.

حجاریان همچنین بعد از انتخابات سال ۱۳۸۰ در «مجمع عمومی انجمن اسلامی جامعه پزشکی» کشور گفت: «من در چشم انداز آتی زمینه های اجتماعی بناپارتیسم را می بینم. بناپارتیسم شکل خفیف فاشیسم است». وی همچنین قبل از انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری در سال هشتاد و چهار در گفتگویی با نادر فتوره چی گفت: «در یک حالت، دولت استثنایی معمولاً زمانی رخ می نماید که نوعی موازنه قوای طبقاتی به وجود آمده باشد و هیچ یک از طبقات اصلی نتوانند کار را به نفع خود یکسره کنند. لذا در اتحادی نا نوشته قدرت را به اقشار و گروه هایی واگذار می کنند که به طور موقت این وضعیت را از سر بگذرانند اما بعداً با قدرت گیری یک طبقه، دولت استثنایی که دولت انتقالی هم هست، عمرش به پایان می رسد. در غرب هنگامی که طبقات بورژوازی و پرولتری و احزاب هادی آنها به نوعی بالانس رسیدند ناچار شدند قدرت را به اقشار بی سر و پای شهری همچون لمپن پرولتر، خرده بورژوازی سنتی و بازماندگان طبقات ما قبل سرمایه داری و غیره واگذار کنند که یکی را در امپراطوری لوئی بناپارت / برادرزاده ناپلئون / و دیگری را در حکومت توتالیترازی ها در آلمان و البته تا حدودی فالانژها در اسپانیا و نیز فاشیست های ایتالیا دیدیم.»

تأکید برگرایش به دولت بناپارتیسم در این جزوه در حقیقت کنایه ای به این است که حماسه ۲۲ خرداد بیش از هر چیزی حاصل کودتای نظامیان است. در این خصوص باید گفت که طرح این نکته بازهم ناشی از همان توهم توطئه است که وجود یک اقلیت دولت ساز را سرچشمه عدم رأی آوری خود مطرح می کند. در صورتی که در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری آنچه که بیش از هر چیزی نمود داشت، تلاش برخی نیروهای امنیتی سابق و سرویس دهی آنان به موسوی بود که حضور برخی چهره ها در ستاد وی قابل کتمان نبود. مضاف بر اینکه تأکید مشاور ارشد موسوی در سال ۸۳ در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری مبنی بر اینکه نقش آفرینی جریان «رنجبران ژنده پوش»، «قشرهای وازده»، «قشرهای بی طبقه»، «حاشیه نشینان بی هویت»، «بازیچه های جناح راست»، «سیاهی لشگرهای جریان های فاشیستی و ارتجاعی»... در آینده محتمل بوده، نوع نگاه اشرافی آنان به دمکراسی و رأی برابر را نشان می دهد که چگونه در ابتدا رأی اکثریت به نام جریان بناپارتیستی و سپس در قامت ژنده پوشان تفسیر شده بود.

در مجموع بنظر می‌رسد تأکید بر گرایش بنپارتیستی توسط جریان سبز بیش از هر چیزی می‌تواند از سناریویی پرده بردارد که هدف آن آشفتگی‌های سیاسی و ایجاد بحران توسط این طیف باشد. این واقعیت در بخش تاکتیک‌های جریان سبز برای ادامه بقا در جزوه مورد اشاره مورد توجه قرار گرفته که در بخش خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳- طرح گرایش فزاینده به یک نظام بحران‌زا و بحران‌زی نیز در حقیقت همان بیان ساده تلاش‌های جریان سبزی است که می‌کوشد ۴ سال آینده را صحنه درگیری‌های بسیاری نماید. تأکید بر حضور مردم در خیابان‌ها و خلق مناسبت‌های مختلف برای این اردوکنشی‌های خیابانی در همین راستا قابل ارزیابی است. علاوه بر این تأکید بر «عدم تثبیت دولت» خود بوضوح بحرانی را تصویر می‌کند که عامل آن جریان سبز می‌باشند. لذا پیش‌بینی مبنی بر استراتژی بحران‌زایی بیش از هر چیز مبنی بر تلاش این جریان برای خلق این وضعیت می‌باشد. از دیگر سو بازهم باید تأکید کرد ترسیم «کنش‌های موضع‌آفرین» و تلاش برای ایجاد وضعیتی که دولت «حافظ‌بهانه‌های جریان اپوزیسیون باشد» محورهای دیگری هستند که در لابلای تأکیدات تصمیم‌سازان موسوی قابل رصد است.

### شخصیت و گفتمان میرحسین موسوی

نویسنده در داخل پراتز متذکر شده، شخصیت و گفتمان میرحسین موسوی که در فرایند انتخاباتی در حل شکل گرفتن بود؛ یکی از علل رفتار جمعی پس از انتخابات بوده است.

نویسنده "تغییر" را به عنوان خواسته مشترک نخبگان دارای انگیزه‌ها و انگیزه‌های مختلف و مردم وانمود کرده است. (ص ۳)

سطح تحلیل سوم - کنش اجتماعی - سیاسی (تحلیل شرایط «دورانی» که در حال تجربه آن هستیم).

در این سطح از تحلیل، مشاور پست مدرن میرحسین، به مقتضیات «مرحله کنشی» بعد از انتخابات پرداخته و موضوع «عمل سیاسی» را به پیش کشیده است. در این جا، ۴ بحران را پیش‌بینی کرده‌اند که دامن نظام را خواهد گرفت:

۱- بحران اعتماد

۲- بحران مشروعیت و مقبولیت

۳- بحران کارآمدی و مدیریت

۴- بحران وحدت و یگانگی جامعه (ص ۳)

پیش‌بینی‌های مذکور را می‌بایست از نوع آینده‌نگری هنجاری و یا آینده‌سازی بر پایه خواست واراده سران فتنه نامید و لذا باید منتظر ماند که برای تحقق پیش‌بینی‌های خود توان مضاعفی صرف آن نمایند.

وی با طرح این پرسش که اقتضای نظری و عملی جریان سبز بعد از انتخابات چیست؟، شرایط این دوران (فردای بعد از انتخابات) را با بیان اینکه فردای بعد از انتخابات بسیار متفاوت خواهد بود اینگونه بر می‌شمرد:

«بی تردید، فردای بعد از انتخابات فردایی بسیار متفاوت از فرادهای دیگر برای جامعه و کشور ماست؛

✓ فردایی که در آن باید انتظار تغییری ژرف و گسترده در فروماسیون (آرایش و چینش) سیاسی جامعه را داشت.

✓ فردایی که در آن باید انتظار تغییر در کارکردهای حفظ نظم، تداوم و بقای نظام را داشت.<sup>۱</sup>

✓ فردایی که در آن باید شاهد تعریف و تصویری جدید از خودی و دگرها بود.

✓ فردایی که در آن باید شاهد رادیکالیزه شدن هویت‌های مقاومت بود.

✓ فردایی که در آن باید شاهد انفعال و خمودگی آموخته شده افزون تر بود.

✓ فردایی که در آن باید شاهد تعمیق و گسترش شکاف میان حاکمیت و مردم، روحانیت و حاکمیت، و روحانیت و مردم، از یک سو و شکاف‌های درون

حکومتی از سوی دیگر بود. (ص ۵)

این اقتضائات زمانه بی شک برشی از مقاله مشاور ارشد موسوی در همایش

«رقابت‌ها و چالش‌های سیاسی»

در سال ۸۱ می‌باشد که چند گزینه آن بطور قابل فهمی حذف شده، گزینه‌هایی

همچون:

<sup>۱</sup> - اشاره به سقوط نظام



- ✓ شکاف میان بازیگران (الیت) رسمی حکومتی (حاکمیت دوگانه)
- ✓ شکاف میان رهبری و طیف چپ
- ✓ شکاف میان «عمل» و «نظر» نخبگان سیاسی
- ✓ شکاف میان نظام اجتماعی و نظام سیاسی و...

نکته قابل توجه این که مشاور پست مدرن پس از طرح این گزینه ها معتقد است وجود این شرایط، از نظام و جامعه چهره ای ناسازه گون تصویر خواهد کرد. وی در همین راستا از مواردی سخن می گوید که به واقع شرحی از ماجراهای امروز است، مباحثی که گرچه در آن زمانه (دولت دوم خاتمی) به عنوان یک آسیب مطرح می شد اما در این ایام (بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری) به عنوان یک نقشه راه برای یک «مبارزه جنبشی» مورد تأکید قرار گرفته است. این مشاور پست مدرن در خصوص وضعیت مورد اشاره می گوید: «در این وضعیت، نظام حافظ سوژه های اپوزیسیون مشرب خود می شود، ضربه های وارده بر پیکر نظام، از خود نظام تحلیل می شود، نظام و نظم مستقری که می باید نماد تمرکز و وحدت باشد، به نمود کثرت زایی و پراکندگی (آنارشسیسم) تبدیل می شود... نخبگان مسلط که می باید نقش «پوزیسیون» را ایفا نمایند، مقبولیت و مشروعیت خود را از رهگذر مشرب اپوزیونیستی خود کسب می کنند، پروژه اصلاحات آن تولید انقلاب می کند، توسعه آن به ارتجاع می انجامد». وی همچنین با طرح این مباحث معتقد است شکاف ها و ناسازه ها و وفاق هایی نیز در این زمینه شکل می گیرد: «وفاق میان نقش ها (نقش طیف هایی از خودی های درون نظام به نقش دگرهای رادیکال برون نظام) و...». در حقیقت آنچه که در این میان به عنوان اقتضای زمانه به آن اشاره شده تبدیل «نظام به انقلاب» از طریق ریزیدن ای اجتماعی است که در بخش های بعد بدان پرداخته خواهد شد.

#### سطح تحلیل چهارم - تدبیرهای ممکن و مطلوب

سطح تحلیل پنجم - تدوین و تقریر گفتمان هژمونیک برای دوران کنونی، تاجیک در ادامه می نویسد: «بر کمتر اهل تأمل و تعمقی پوشیده است که شرایط کنونی، شرایط فقدان تصمیم و تدبیر است، زیرا هم باید دغدغه صیانت «سیرت» نظام (که توسط عده ای در مسیر تحریف و تخریب قرار گرفته) را داشت، هم باید دلمشغول

صیانت «صورت» آن بود، و هم باید به تغییر اندیشید و هم به ثبات. بنابراین، هر درمان و تدبیری همچون فرماکون افلاطون، هم می‌تواند حامل و عامل درد باشد و هم درمان. اکنون یک بار دیگر با این پرسش مواجه می‌شویم که در این شرایط ناممکنی تصمیم و تدبیر، چه باید کرد و چه نباید کرد؟

بی تردید، فرجام این جنبش در گرو اراده جمعی معطوف به انگیزه و آگاهی (شور و شعور) امروز ماست. رهاسازی جنبش در این مرحله به طور فزاینده‌ی موجب نوعی جابه‌جایی منشی و روشی و نیز جابه‌جایی در هدف و رهبری خواهد شد، و جنبش را در مسیر گرایش به «خودهای جمعی اکسپرسیونیستی (خودهای جمعی که سیکل رهبر و پیرو در خودش بسته می‌شود)»، یا اپوزیسیون رادیکال خارج از کشور قرار خواهد داد و گستره و عمق آن را از یک جنبش درون - نظام و قانونی به یک خیزش برون - نظام و غیرقانونی تغییر خواهد داد. رهاسازی جنبش در این مرحله، همچنین بسترساز چرخشی ژرف و گسترده در تاکتیک‌ها و استراتژی‌های آن در مرام و منش آن در درونمایه و سویه آن در اهداف و آمال آن خواهد شد. لذا:

- ✓ باید به رهبری جنبش در دوران جدید بیندیشیم، اما نه رهبری فردی، بلکه رهبری جمعی؛
- ✓ باید رفتار جمعی سامان یافته، با برنامه و تشکیلاتی را پیشه خود سازیم، اما نه لزوماً در قالب حزبی، بلکه در قالب تشکلات خوشه‌ی و منظومه‌ی که پیرامون موضوعات و دلمشغولی خاص و متنوع و متکثر شکل می‌گیرند.
- ✓ باید به تقریر و تدوین گفتمانی فراگیر برای دوران جدید پردازیم، اما نه یک فراگفتمان ایدئولوژیک، بلکه گفتمانی هویت محور که دربرگیرنده تمامی خرد هویت‌های ایرانی است.
- ✓ باید به تعمیق و گسترش جنبش اصلاحات بیندیشیم، اما نه با سویه‌ها و دقایقی که استعداد تولید معنا برای زمانه ما را از دست داده‌اند، بلکه با سویه‌ها و دقایقی ناظر بر تغییر.
- ✓ باید به حضور در حوزه سیاست و تسخیر قدرت بیندیشیم، اما نه لزوماً به سیاست و قدرت به معنای مرسوم و مالوف آن (ماکروپولتیک و ماکروفیزیک قدرت)، بلکه به سیاست و قدرت اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی.

- ✓ باید به تغییر بیاندیشیم، اما نه از رهگذر راهکارها و سازوکارهای غیرمدنی و خشونت آمیز، بلکه از رهگذر در انداختن جنگ با کلام.»
- مشاور ارشد میرحسین در ادامه به بیان تدبیرهای ممکن پرداخته و تأکید کرده است:
- هم باید دغدغه صیانت «سیرت» نظام را داشت، هم باید دل مشغولی صیانت «صورت» آن بود
  - هم باید از انبوه ای از حاملان و عاملان این جنبش (آنانی که در تمامی مسیر همره و همگام ما نیستند) فاصله زدایی کرد و هم فاصله زایی (برای عقب نماندن از قافله)
  - هم باید دغدغه موج (در اوج نگاه داشتن موج) داشت و هم دغدغه و گرداب‌های حایلی که پس‌آمد این موج و موج سواران است
  - هم باید کت پوزیسیونستی پوشید و هم شلوار اپوزیسیونستی
  - هم باید به تغییر اندیشید و هم به ثبات
- وی سپس جغرافیا و حریم «تصمیم و تدبیر» خود را با قانونی بودن (مخالف نبودن)، مدنی بودن، آوانگارد بودن (پیش‌تازکنش‌ها و واکنش‌های نظری و عملی سیاسی-اجتماعی)، چند ساحتی (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی) بودن، ملی بودن (با تأکید بر چارچوب‌های فراخ هویتی دینی - ایرانی) و تشکیلاتی بودن و... تعریف نموده و به بیان باید‌ها و نباید‌های مورد تأکید خود برای ادامه حرکت‌های جریان موسوی اشاره کرده است. باید‌ها و نباید‌هایی چون:
- ۱- نباید در صورت و سیرت یک اپوزیسیون رادیکال برون نظام فعالیت کرد، باید از تعریف و تصویر شدن به عنوان پوزیسیون نیز پرهیز کرد.
  - ۲- نباید در حریم گفتمان مسلط و در چرخه قدرت مسلط تعریف شد، باید در چرخه تصمیم‌ها و تدبیرها حضور داشت
  - ۳- نباید جنبش را در قالب تنگ و باریک حزبی محدود و محصور کرد، باید در تقاطع سازماندهی و خود جوشی، و جنبش و شکل ایستاد.
  - ۴- نباید فعالیت‌های آتی را جنبش را در یک ساحت خاص و واحد (مثلاً اجتماعی یا فرهنگی و یا سیاسی)، محدود و محصور کرد، باید تمامی عرصه‌ها و ساحت-های جامعه را جغرافیای فعالیت خد تعریف کرد.

۵- نباید جنبش را در یک فضای گفتمانی و ایدئولوژیک خاص و واحد محدود و محصور کرد، باید به گفتمانی فراگیر با حفظ اصول محکمت عقیدتی- هویتی اندیشید.

۶- نباید فعالیت‌های آتی جنبش را در چارچوب تنگ و باریک تفسیرهای رسمی از دین و قانون، محدود و محصور کرد، باید با بازگشت به دین و قانون، این تفسیرهای رسمی را به چالش کشید.

۷- نباید فعالیت‌های آتی جنبش را در جغرافیای کنش‌ها و واکنش‌های موردی و روزمره و نقیضی و شخصی، محدود و محصور کرد، باید با تعریف اهداف و آمال خود، کنش‌ها و واکنش‌های استراتژیک را در دستور کار خود قرار داد.

۸- نباید هدف جنبش را به کسب قدرت سیاسی (ماکروفیزیک قدرت)، و یا سهم شدن در قدرت، محدود و محصور کرد، باید به تسخیر میکروفیزیک قدرت و تسخیر ریزبنده‌های جامعه همت گماشت.

۹- نباید از اندیشه رهبری جنبش خود را رها کنید، باید به رهبری جمعی و یا برنامه آن اندیشید.

۱۰- نباید به تاسیس تک رسانه‌ها برای انعکاس صدا و پیام خود امید بست، باید به انبوهی از رسانه‌های حقیقی و مجازی در سپهرهای مختلف اندیشید.

۱۱- نباید از گفتمان «تغییر» عدول کرد، باید از رهگذر در انداختن جنگ با کلام و جنگ قرائت‌ها از دین و قانون و ساز و کارهای مدنی بسترهای تغییر را فراهم آورد.

۱۲- نباید از جمع و جمعیت کردن افراد و شخصیت‌های مؤثر سراسر کشور (اعم از روحانی و غیرروحانی) غافل شد، باید پیرامون دستور کارهای مختلف و گوناگون (متناسب با سلیق و علایق و مشی و مشرب‌ها) بستر این جمع و جمعیت‌شدگی را فراهم آورد.

۱۳- نباید از امکانات و مقدرات و مقدرات انسانی و غیر انسانی خارج از کشور غافل شد، باید در هر شرایط حفظ استقلال و عدم وابستگی جنبش و رهبران آن دغدغه اصلی باشد.

۱۴- نباید از اصلی و فرعی کردن چالش‌ها (یا آن چه در ادبیات چپ، اصلی و فرعی کردن تضادها معروف است) غافل شد، باید در هر مواجهه و تقابل و تخالف خود، نقش و منفعت را محاسبه کرد.

۱۵- نباید نت استراتژی های تغییر، تلطیف، تحدید و تصحیح خود را در یک دستگاه نواخت، باید از تمامی دستگاهها و نیز از بداهه نوازی و بدیعه نوازی نهایت استفاده را برد.

۱۶- نباید با کارتی که در دست نیست بازی کرد، باید با کارت های اندک در دست، بهینه بازی کرد.

۱۷- نباید از هدایت اعتراض های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قومی و... در یک مسیر و تجمع قدرت ها و اراده های متکثر غافل شد، باید از آناشری نظری و عملی پرهیز کرد و...

این مشاور پست مدرن موسوی در ادامه بر ایجاد یک ستاد مشترک رهبری، مرکب از نمایندگان خاتمی، موسوی، کربوبی و هاشمی تأکید کرده و تشکیل کمیته تدبیر شرایط حال را لازم دانسته و وظایف این کمیته را شامل: تدبیر آنچه به نام جنبش سبز جاری است و بازخوردهای مثبت و منفی آن، بیان کرده است. وی همچنین «مانعت از گذر رقیب از شرایط گذار بحرانی و تثبیت خود» و «جنگ مواضع بر سر هر موضوع» را دو تاکتیک اصلی در این سطح اصلی عنوان کرده است.

وی به شکل عملیاتی تر وظیفه «کمیته تدبیر شرایط حال» را شامل موارد ذیل عنوان کرده است:

۱- زندانیان و خانواده های آنان: پیگیری حقوقی و سیاسی وضعیت زندانیان، رسیدگی به خانواده های زندانیان، کمپین چند میلیون امضاء در دفاع از آزادی زندانیان، هماهنگی خانواده های زندانیان برای اقدامات مشترک، خنثی کردن اقدامات تخریبی علیه زندانیان و مستندسازی وضعیت زندانیان

۲- آسیب دیدگان (درون و برون زندان): همچون مورد نخست

۳- بیانیه ها: تشخیص صدور بیانیه و تنظیم و تدوین برنامه

۴- ارتباط با شخصیت ها (روحانی و غیرروحانی): ارتباط با مراجع و روحانیون ذی نفوذ، ارتباط با شخصیت های دانشگاهی، روشنفکری و سیاسی ذی نفوذ

۵- مناسبت ها و مراسم: تقویم مناسبت ها، خلق مناسبت ها، برنامه ریزی جهت بهره برداری

۶- تبلیغات و ضدتبلیغات

۷- مجلس

۸- مقامات و نهادها

۹- انتخابات

وی در ادامه وظایف «کمیته تدبیر شرایط آینده را نیز شامل: زیرمجموعه های تخصصی همچون کمیته تشکیلات و سازماندهی، کمیته تدوین استراتژی و گفتمان، کمیته تبلیغات و رسانه، کمیته پشتیبانی با وظیفه و اقتدار عالی ترین ارگان تصمیم و تدبیر جنبش عنوان کرده است.

### اهداف کد گذاری شده در سطوح تحلیلی چهارم و پنجم

مشاور ارشد میرحسین موسوی بی شک برای ترسیم سطح تحلیلی چهارم و پنجم، سه سطح استراتژی را مورد توجه قرار داده و موارد گفته شده بالا را به تقریر درآورده است. این سه استراتژی عبارتند از: استراتژی «خلق موقعیت های مطلوب»؛ استراتژی «بهره برداری بهینه از استراتژی های موجود»، و استراتژی «تغییر موقعیت های نامطلوب». در واقع کنش های سیاسی پیشنهاد شده برای جریان سبز بر پایه این سه استراتژی و برای «بهره برداری، تغییر و خلق موقعیت» بوده است. پس بنابراین هدف های تعریف شده با توجه به این سه سطح استراتژی عبارتند از:

۱- فعالیت سیاسی هدف گذاری شده در سال های ۸۱ تا به امروز با تأکید بر «جنبش و توجه به تاثیر گذاری و به حرکت واداشتن ریزبندنه های جامعه» کوشیده و می کوشد با «کوچکتر شدن و گروهکی تر شدن» دامنه تاثیرات خود را برای خنثی کردن تاثیر قدرت حاکم نه در یک تریبون مرکزی، بلکه در محلی ترین نقاط اعمال قدرت خنثی نماید. انتقال از هویت جویی های سازمانی و تشکیلاتی به هویت جویی های گفتمانی مرکزیت گرا نیز بر دامنه این تاثیرات می افزاید. چرا که هدف «کنترل ناپذیر تر بودن این جریان» می باشد. به عبارت دیگر هدف اصلی این جریان آن است که با وارد ساختن «سمت اصلی ضربه» به جانب هزاران مرکز کانون قدرت، در پایین و در سطح جامعه مدنی کار خود را به پیش ببرند. شاید به تعبیر دیگر بتوان شیوه مورد تأکید آنان را به گفته مرحوم جلال آل احمد «مبارزه پاتوقیستی» نام نهاد.

همچنین خلق موقعیت در این فضا دو محور اصلی را نشانه رفته است که یک محور آن به میدان آوردن «روشنفکر آگاه و ناجی» و محور دیگر «توده بی هویت حامل

آگاهی مبهم» است. پس در همین فضا است که در تبلیغات دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری دیده شد که آن روشنفکر آگاه و ناجی چگونه تعریف شد. مشاور ارشد موسوی در سال ۸۳ مختصات این روشنفکر اینگونه ترسیم می‌کند، «در آینده نزدیک، تنها یک سیستم دو چهره امکان بازیگری مؤثر و سیادت و سروری را دارد: سیستمی که هم چهره اقتدار داشته باشد و هم ناظر به رضایت مردم باشد؛ هم مصلح باشد و هم مقتدر؛ هم پراگماتیست باشد و هم پراکتیست؛ هم مصلحت طلب باشد و هم عزت طلب؛ هم اقتصاد محور باشد و هم فرهنگ مشرب؛ هم تکثرگرا باشد و هم تمرکز طلب؛ هم به زندگی روزمره مردم بیندیشد و هم به آینده های دوردست آنان؛ هم درون گرا باشد و هم برون گرا؛ هم محلی گرا باشد و هم جهانی گرا». همانگونه که مشاهده می شود این کدها همان تبلیغاتی است که در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری دنبال شد. موسوی هم خود را اصولگرا می دانست هم اصلاح طلب؛ هم از بازگشت به راه امام (ره) سخن می گفت و هم از مصلحت های کشور در خصوص برخی گذرها (ماجرای در الویت بودن ملت ایران در برابر ملت فلسطین) هم از اصل ۴۳ قانون اساسی و تعاون می گفت و هم از آزادی های فرهنگی، دوستانش در استراتژی ای دوگانه در خفا از رهبری جنبش می گویند و خود او از تابعیتش از مردم ... و

۲- موضوع حاملان و عاملان جنبش سبز اما موضوع دیگری است. تأکید بر جنبش و اینکه جنبش خصیصه ای دینی - ملی داشته باشد و نه اسلامی - ملی، بیانگر آن است که ایجاد یک چتر بزرگ و از هر نحله و فکری تنها برای ثبت جمعیت انبوه دغدغه اصلی این جریان می باشد. وقتی که حاملان و عاملان این جنبش از گروه های مرجع جدید تا نیروهای ملی - مذهبی، قومی - قبیله ای و ملی خارج از کشور تعریف می شوند می - توان دریافت که هدف گذاری صورت گرفته برای ترکیب سازواره از استراتژی انقلاب ۵۷ و استراتژی های نوین مبارزاتی برای خلق موقعیت «حالا وقت تغییر اساسی است»، می باشد. تلقین شرایط انقلاب گونه و اینکه بسترگفتن ها آغاز شده یکی از تأکیدات اصلی در این زمینه است.

۳- تأکید بر پوشیدن کت پوزیسیونستی و شلوار اپوزیسیونستی هم ماجرای جالبی دارد. تأکید برآنکه نه با نظام تعریف شد و نه بر نظام چند هدف عمده دارد. هدف اول

اینکه با ژست اپوزیسیونستی لایه های مخالف اپوزیسیون را با خود همراه ساخته و از مقدمات و امکانات انسانی - فکری آنان یک هم افزایی صورت گرفته و از دیگر سو حمایت های خارجی به این جنبش به عنوان یگانه آلترناتیو نظام میسر گردد. دوم اینکه با ژست پوزیسیونستی هم فشارهای بودن در مقام اپوزیسیونی را از خود کاهش داده و هم کاستی ها، نارسایی ها و ناکارآمدی های انسانی - فکری خود را پنهان دارند. در حقیقت اینان می کوشند با این نقش دو چهره، یک مرجعیت فکری برای حامیان ساخته تا کنش های آنان وام گرفته شود. از دیگر سو اتخاذ این نقش دو چهره برای رسوخ در لایه های مورد نظر جامعه و بهره برداری از نارضایتی ها و جهت دادن به ناراضیان اجتماعی نیز می باشد.

۴- تأکید بر عدم تعریف و محصور نساختن خود در قالب یک حزب و یک گفتمان از این حقیقت پرده برمی دارد که هدف، تشکیل سلسله ای همگون از هویت های متمایز برای «نه» گفتن به وضع موجود می باشد. هدف، به میان کشیدن بسیاری از «دگر» ها زیرچتر گفتمان پهن شده انانی است که اصول، عقاید و ایدئولوژی برایشان مهم بشمار نیست و مهم از نظر آنان تنها «نه» به وضعیت موجود است و تأکید اصلی آنان تلاش برای تغییر گفتمان مسلط است. به این معنا که برای جابجایی قدرت و پیروزی، باید نقاط اصلی و دقایق و عناصر اصلی گفتمان مستقر از محتوا تهی و دگرگون شود.

۵- تأکید بر بهره گیری از هرگونه اعتراض نیز یکی از موارد مهم مورد تأکید جنبش سبز در جزوه مشاور پست مدرن موسوی است. در حقیقت این جنبش خواهد کوشید تا «رونوشتی پنهان» را در برابر رونوشت عمومی حاکمیت تعریف کند. در حقیقت کوشش خواهد شد رقابت سیاسی به «تنفر سیاسی» نزول کرده و جریان دور مانده از قدرت یک انگیزختگی سیاسی هم برای فعالیت خود و هم مزاحمت برای دولت ایجاد کند.

اما رونوشت پنهان چیست؟ رونوشت پنهان مجموعه رفتارهایی است که در حاشیه و به دور از صحنه اتفاق می افتد و نظارتی بر آن وجود ندارد. گروه تابع در ظاهر با طبقه حاکم هماهنگ است، ولی در باطن از آن متنفر است. این رونوشت، منجر به ایجاد جایگاه و پایگاه اجتماعی خاص تابعین و انگیزه کنش و واکنش های آنان می شود. استراتژی های این رونوشت نیز عبارتند از: ریا، غیبت، شایعه، تهدید، تصرف روحی،



نامه های گمنام، حملات توده ای، حسن تعبیر (نشان ندادن معنای واقعی خود)، غرزدن، فرهنگ شفاهی، کارناوال ها، جشن ها و شعائر وارونه نسبت به ارزش های مورد تبلیغ. در این زمینه مشاور ارشد موسوی معتقد است: «هراندازه بردامنه و عمق رونوشت عمومی افزوده شود، رونوشت پنهان نیز، از فراگیری و ژرفای بیشتری برخوردار می شود. به بیان دیگر، قدرت باعث می شود تا افراد به چهره خود ماسک بزنند. هرچه این قدرت قوی تر باشد، ماسک هم به همان اندازه بزرگ تر می شود. تابعین سعی می کنند برای نشان دادن جدایی خود از حاکمان، حتی در مذهب خود تغییری دهند».

۶- تصریح بر اینکه نباید هدف جنبش را به کسب قدرت سیاسی و یا سهیم شدن در قدرت محدود و محصور کرد، بیانگر آن است که هدف موسوی و حامیانش اصولاً آنچه که تصور می شود - حضور در قدرت متمرکز در ریاست جمهوری - نبوده است. مشاور پست مدرن میرحسین در این بخش معتقد است: «چنانچه با بهره ای آزادانه از آموزه های «رزا لوکزامبورگ» قدرت واقعی جنبش اصلاحات را عبارت از تکثر و گسترش پذیری آن بدانیم، آنگاه نباید بگذاریم کسب یک موفقیت نسبی و مرحله ای ما را وسوسه و از تعمیق و گسترش این جنبش غافل کند». وی تصریح می کند: «از مقتضیات دیگر، مقدم و مرجع دانستن منافع و مصالح جنبش اصلاحات بر منافع و مصالح حاملان و عاملان آن است. در این مرحله به هیچ اصلاح طلبی که عزت و شان و منزلت خود را مرهون و مدیون جنبش اصلاحات است، نباید اجازه داد که با چپ روی ها و راست روی ها و فراز و فرودهای کودکانه خود به جنبش جفا کنند. به بیان دیگر، اقتضای عمل سیاسی در این مرحله، جاری شدن کنش ها و واکنش ها اصلاح طلبان در «کادر ضابطه» است».

۷- با توجه به پیشنهادات مطرح شده می توان گفت، هدف دیگر جنبش «طرح رادیکال دمکراسی» خواهد بود. به بیان دیگر و به گفته مشاور پست مدرن، زمانی شرایط ایده آل آنان فراهم خواهد شد که: «گروه ها و اقشار مختلف اجتماعی گوناگون، همگی در تدبیر جامعه خود سهیم شوند و در یک رابطه عرضی با هم بتوانند یک جامعه پویای فاقد دولت (فاقد قدرت مرکزی و فاقد سلسله مراتب طولی قدرت) را بنیان نهند».

۸- تصریح بر خلق انبوهی از رسانه های مجازی در بردارنده موارد مهمی است. مشاور ارشد موسوی در سخنرانی سال ۸۱ خود نیز به بیان برخی از اقدامات احتمالی

اپوزیسیون در آینده پرداخته که بی گمان می‌توان دریافت بیش از هر زمان دیگری همان پیش بینی‌ها به به مانیفست جریان سبز کنونی تبدیل شده است. وی در سخنرانی مذکور می‌گوید: «پدیده جهانی شدن یا جهانی سازی این امکان را فراهم آورده که حصارهای اپوزیسیون حصارهای کنترلی - نظارتی دولت را دور زده و با ایجاد انجمن‌ها و احزاب مجازی و وارد کردن آنان به درون شبکه ارتباطات سیال، سریع و انبوه، به اهداف مبارزاتی خود جامعه عمل بپوشاند. تکنولوژی اطلاعاتی، افراد، گروه‌های سازمان یافته و موجودیت‌های دیگر را قادر می‌سازد تا از فواصل دور و فقط با یک کامپیوتر، مودم و یک خط تلفن سخت‌ترین ضربه‌های فلج‌کننده را به دولت وارد سازند».

این نکته بوضوح نقش شبکه‌های اجتماعی و در اختیار قرار گرفتن شبکه‌هایی همچون «توییتر»، «فیس بوک» و حضور وبلاگ‌ها و سایت‌های دیگر در ایجاد تنفر سیاسی و اطلاع رسانی در خیابان‌ها و شیوه‌های مبارزاتی روشن می‌سازد.

از دیگر اهداف، جنگ مواضع با دولت و تلاش برای عدم تثبیت آن با شیوه‌هایی همچون بارگذاری مصاحبه‌ها با کروی و میرحسین در اینترنت، توزیع اعلامیه‌ها به شکل غیر رسمی در شبکه مجازی و هجمه و حمله به دولت در فضای غیر رسمی است که بیانگر سرمایه‌گذاری در شبکه‌های مجازی و سپس استفاده از فرهنگ شفاهی برای انتقالات میان فردی در جامعه است. در همین زمینه و با توجه به سرمایه‌گذاری جریان سبز در تقاطع‌های ذکر شده، تحریرهای پیشین مشاور موسوی بیش از پیش جالب توجه به نظر می‌رسد. آنجا که وی می‌گوید: «تکنولوژی اطلاعاتی این توان را به افراد و گروه‌ها می‌دهد که علیه دولت دست به جنگ اطلاعاتی بزنند. این امر باعث می‌شود که خشونت در ساختارهای اجتماعی جامعه پخش شود. به طوری که دولتها ناچار می‌شوند در یک جنگ پارتیزانی دائمی وارد شوند... در این شبکه‌ها، افراد و گروه‌ها بدون حضور فیزیکی یا ساخت نهادی - مثل احزاب که احتیاج به رسمیت شناسی داشته باشند - برای اقدام مشترک به هم مرتبط می‌شوند. این تکنولوژی‌های جدید دارای استعداد تقسیم جامعه در عرض مرزهای جدیدی هستند. شبکه‌های الکترونیکی راس و مرکز ندارند، بلکه دارای گلوگاه‌های متعددی هستند که در آنجا مجموعه‌ای از افراد و گروه‌ها برای اهداف مشترک باهم تعامل می‌کنند».

۹- ضرورت توجه به فعالیت مدنی نیز بیانگر یک امر مهم دیگر است. چرا که به باور آنان: «چپ جدید دریافته است که ارتباط بین نیروهای اجتماعی در جامعه مدنی، دست کم به اندازه این که چه کسی قدرت دولتی را در اختیار دارد، اهمیت دارد. هر چند قدرت دولتی دارای اهمیت فوق العاده‌ای است. لکن تنها در صورتی که بتواند اکثریت توده‌ها را بسیج و هژمونی خود را در جامعه مدنی اعمال نماید، قادر به دگرگون کردن جامعه خواهد شد». درحقیقت سران جبهه سبز کوشش می‌کنند تا از طریق جامعه مدنی اعمال هژمونی نمایند. مضاف براینکه کوشش می‌شود با توجه به نبود گفتمان آلترناتیو، اختلاط گفتمانی و مصادره گفتمانی - شخصیتی نیز در دستور کار این جریان قرار گیرد.

۱۰- هدایت اعتراض‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و... در حقیقت تلاشی است برای حاد کردن خصلت‌های اعتراضی عمومی. در این رابطه به نظر می‌رسد از این پس باید منتظر سیاسی کردن حرکت‌های اجتماعی - فرهنگی، صنفی، قومی و حتی فراگیری سریع آن توسط جریان سبز باشیم. تأکید بر فراگیر بودن جنبش دقیقاً در همین نقطه اهمیت می‌یابد که از این پس قرار است هر اعتراض، بهانه‌ای برای حضور در خیابان و تزیق بحران‌های متوالی در این زمینه باشد. تشکیل کمیته برای صدور بیانیه‌ها و نیز ضرورت انتشار آن در مناسبت‌ها نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

### چرا اصلاحات ۲؟

با توجه به موارد گفته شده می‌توان گفت که تاجیک معتقد بود که جریان فتنه راهبردهای ذیل را در دستور کار خود قرار دهد:

- ۱) تلاش برای کاهش رضامندی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در برابر حاکمیت
- ۲) ایجاد چالش‌های قومیتی و صنفی و انگیزختگی اعتراض در میان آنان
- ۳) صدور بیانیه‌های مختلف و تهی شدن مفاهیم انقلابی نسبت به رویدادهای مختلف در آن
- ۴) مخاصمه‌های کلامی نسبت به هرگونه تفسیر حاکمیت در موضوعات مختلف
- ۵) فرهنگی ساختن اقدامات راهبردهای سیاسی و سیاسی ساختن اقدامات حاکمیت در تمامی حوزه‌ها
- ۶) عدم موضع‌گیری‌های صریح نسبت با اخذ شعارهای رادیکال حامیان (نه تأیید نه تکذیب)

- ۷) بالا بردن هزینه های تصمیم گیری برای حاکمیت در بخش های مختلف
- ۸) راه اندازی و همکاری با رسانه های برون مرزی برای ایجاد فشار رسانه ای از برون و بازتاب آن در داخل
- ۹) ایجاد پایگاه نخبگانی و مقاومت ساز در این سطح
- ۱۰) فعال شد گروه های مختلف و سازمان های مردم نهاد در حوزه حقوق بشر، مطبوعات و زنان و کارگران
- ۱۱) تأکید بر «غیرسیاسی بودن و فردی بودن دین»
- ۱۲) تشکیل کارگاههای آموزشی و رادیکال ساختن دانشجویی
- ۱۳) ایجاد اختلال ها موضعی و موضعی در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی
- ۱۴) ایجاد انسداد سیاسی
- ۱۵) تشدید فضای مجازی
- ۱۶) تشدید روند مشروعیت، مقبولیت و اعتمادزدایی از مقامات و نهادهای کشور
- ۱۷) تلاش برای کاهش اقتدار درونی و افزایش فشار بیرونی
- ۱۸) تلاش برای جهت گیری کلی گفتمانی جریان سبزه ها بر اساس دین حداقلی
- ۱۹) بالا بردن هزینه های دفاع و حمایت از دولت
- ۲۰) ایجاد اختلال تحلیلی در میان جریان مقابل خود
- ۲۱) باز تولید حاکمیت دوگانه
- ۲۲) وسعت بخشیدن و کیفی سازی شبکه های اجتماعی
- ۲۳) تعریف، تفسیر دولت به عنوان حاکمیت (هدف همراه سازی اپوزیسیون خارج و داخل نظام)
- ۲۴) ایجاد اختلال در کارویژه های دولت و حاکمیت برای ایجاد بحران کارآمدی
- ۲۵) تأکید بر اردو کشی های خیابانی برای ایجاد بحران مقبولیت
- ۲۶) مرجعیت سازی و جلسات نوبه ای با مراجع همسو و تلاش برای موضع گیری آنان جهت ایجاد بحران مشروعیت
- ۲۷) نمادسازی های جدید متناسب با اقتضائات پراگماتستی برای ایجاد موج جدید و... در مجموع می توان گفت با بررسی های صورت گرفته عملاً می توان دریافت که جریان اصلاحات پس از آغاز بکار دولت دوم خاتمی، تئوریزه ساختن اصلاحات ۲ را در

دستور کار خود قرار داده بود. تبیین شرایط آینده و نیز اعلام مختصات موسوی در آن ایام که در بالا نیز به آن اشاره شد، بیانگر آن است که در سال ۸۴ بنا بر حضور میرحسین موسوی در انتخابات بوده است. اما به دلیل حضور هاشمی رفسنجانی این مسأله با تاخیر مواجه شد و حضور میرحسین به انتخابات ۸۸ موکول شد. با توجه به این قرائن در حقیقت می‌توان گفت حضور خاتمی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری یک بازی سیاسی بیش نبوده و چون وی لیدر جریان اصلاحات شماره یک بوده تنها از وی به عنوان یک حامی و یک فعال در جامعه مدنی برای رأی آوری موسوی استفاده شده است. از دیگر سو تأکید مشاور میرحسین مبنی بر اینکه «حکومت یک امر عرفی است و نه قدسی و حکومت دینی به معنای تسری دین بر همه عرصه‌ها و احکام نیست» مبین تشکیل جمعیت توحید و تعاون توسط موسوی در سال‌های گذشته بوده که خروجی آن منتهی به تز «روش زیست مسلمانی» شده است. روشی که در آن به تز عبدالکریم سروش تأکید شده و براین باور تصریح شده است که جامعه مومنان امکان ممکن برای مسلمین است چرا که اگر جامعه مومن باشد حکومت خود شرایط را برای مومنان فراهم خواهد آورد. درحقیقت مدل مورد اشاره این جریان، مدل مالزی است که گویا سخت مورد توجه تصمیم‌سازان جریان فتنه بوده است.



# فصل هفتم

## اتهام جنایت!

### سناریوی اتهام

هدف قرار دادن سرمایه‌های اصلی اجتماعی و مصادیق برجسته قدرت نرم جمهوری اسلامی مورد توجه دشمنان در جنگ نرم است. برای ناکام گذاشتن و خنثی کردن توطئه‌های دشمنان با کمترین هزینه، آشنایی با راهبردها، سیاست‌ها، شیوه‌ها و روش‌های آنان یک ضرورت است. در جنگ نرم دشمنان علیه جمهوری اسلامی، اصل ولایت فقیه، ولی فقیه و به طور مشخص در مقطع کنونی رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین، اساسی‌ترین و مؤثرترین قدرت‌های نرم جمهوری اسلامی مورد هجوم قرار گرفته است. دشمنان ما به خوبی دریافته‌اند که علل حفظ و نگهداری و استمرار بخشیدن به انقلاب اسلامی، همان علل پدیده آورنده و ایجادکننده انقلاب اسلامی است. در شکل دهی به انقلاب اسلامی سه عامل اصلی اسلام، رهبری و مردم ایفای نقش کرد و در سه دهه گذشته نیز همین سه عامل اصلی، انقلاب اسلامی و مهم‌ترین دستاورد آن یعنی جمهوری اسلامی را در برابر تهاجمات سنگین و انواع دسایس و فتنه‌ها حفظ کرده است. در میان سه عامل مذکور نقش رهبری یک نقش ممتاز و تعیین‌کننده است. اسلام و مردم در سده‌های اخیر همواره وجود داشته‌اند، لکن با حضور شخصیتی چون حضرت امام خمینی (ره) در عرصه سیاست و شروع مبارزه علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی، نهضت ایشان شکل گرفت و در نهایت انقلاب اسلامی را پدید آورد. در طی سه دهه اخیر نیز ولایت فقیه نقش تعیین‌کننده در پیشبرد

آرمان‌های انقلاب و تحقق اهداف جمهوری اسلامی و خشتی کردن توطئه‌ها داشته است. تحلیل مدیریت بحران‌های پس از انقلاب، نشان می‌دهد رهبری در عبور دادن کشور از هریک از این بحران‌ها، نقش اصلی را داشته است.

در حوادث پس از انتخابات با ادعای تقلب و ضرورت آمدن به خیابان‌ها برای مطالبه حقوق عمومی، به صورت برنامه‌ریزی شده، تخریب‌ها و آتش‌زدن‌های اموال عمومی و خصوصی آغاز گردید. کسانی که پشت این صحنه‌ها طراحی کرده بودند به خوبی می‌دانستند که نظام اسلامی با عوامل محل نظم عمومی و امنیت و کسانی که به تخریب اموال دولتی و مردم دست می‌زنند، برخورد خواهد کرد. عده‌ای دستگیر و بازداشت می‌شوند و عده‌ای هم آسیب می‌بینند. پلیس برای متفرق کردن کسانی که دنبال ایجاد اخلال در نظم عمومی هستند از نیروهای ضد شورش استفاده می‌کند. بنابراین با شکل دهی به چنین صحنه‌هایی و تهیه گزارش، فیلم و عکس از آن و با شگردهای عملیات روانی تلاش کردند تا جمهوری اسلامی را یک رژیم سرکوب‌گر و ضد مردمی معرفی کنند. آنها اینگونه تبلیغ کردند که نیروهای پلیس با کسانی برخورد کردند که فقط به نتیجه انتخابات اعتراض داشتند. بدیهی است در چنین شرایطی، افراد غیر مطلع به راحتی تحت تأثیر تبلیغات و عملیات روانی دشمن قرار گرفته و تصور می‌کنند جمهوری اسلامی یک رژیم سرکوب‌گر و ضد مردمی است.

در حوادث پس از انتخابات، جریان فتنه تلاش کرد تا خون‌هایی بر زمین ریخته شود و آن را به نظام اسلامی نسبت بدهد. برای چنین هدفی حتی آنها حمله به حوزه مقاومت ۱۱۷ بسیج را تدارک دیدند و پس از کشته شدن چند نفر آن هم به صورت مشکوک، بلافاصله از آنها با عنوان شهید یاد کرده و اینگونه تبلیغ کردند که نظام آنها را کشته است. حتی جریان فتنه و دشمنان خارجی با به کار بردن کلمه شهید تلاش کردند تا به حرکت جریان فتنه در مقابله با نظام اسلامی مشروعیت بخشند. در این راستا پروژه شهیدسازی شتاب بیشتری پیدا کرد تا از این رهگذر بتوانند با احساسات مردم و به ویژه جوانان و افراد بی بصیرت و کم اطلاع بازی کرده و آنها را مدیریت نمایند. سوژه‌هایی را یکی پس از دیگری خلق کردند و یا سناریوهایی را نوشتند و به اجرا در آوردند. داستان ترانه موسوی، ندا آقاسلطان، سعیده پورآقایی و ... نمونه‌هایی از این دست است. ندا آقا سلطان به طور مشکوکی به قتل می‌رسد و با نسبت دادن این قتل به



نظام اسلامی، تلاش می‌کنند از این کشته به عنوان نماد مظلومیت جریان فتنه استفاده کنند. دست اندرکاران به این مطلب واقف بودند که فقط و فقط با ظالم و ستمگر نشان دادن جمهوری اسلامی می‌توانند عده ای را فریب داده و به صحنه مقابله با نظام اسلامی وارد سازند. بر همین اساس در چارچوب سیاست‌های شیطنی از نوع ماکیاولی چنین نقشه‌هایی را طراحی و به اجرا درآوردند. جالب است که در همین راستا روز عاشورا دیپلمات سفارت آلمان در جمع اغتشاش گران حضور پیدا می‌کند و اقدام به توزیع میچ بندهای سبزرنگی می‌کند که بر روی آن نوشته شده، "I am NEDA"

در فتنه پس از انتخابات نسبت‌های ناروای زیادی به نظام اسلامی داده شد. همه این اتهامات و دروغ پردازی‌ها برای ایجاد یک موج مردمی علیه جمهوری اسلامی بود. انتشار نامه مهدی کروبی مبنی بر تجاوز به زندانیان یکی از این نمونه اقدامات در راستای جنگ نرم برای برانگیختن احساسات و مدیریت آنها می‌باشد.

هر چند در روزهای اول با فضا سازی رسانه ای و دروغ پردازی‌ها دشمنان توانستند عده ای را فریب داده و با تحریک احساسات آنها حوادثی را رقم بزنند، لکن با روشنگری‌های انجام شده، مردم متوجه دروغ پردازی دشمنان و عوامل فتنه شدند. مردم خیلی سریع متوجه شدند که در این عرصه دروغ بزرگ، ادعای تقلب بود و دروغگویان بزرگ کسانی بودند که با چنین ادعاهایی به دنبال فریب مردم و استفاده ابزاری از ملت بودند. مردم به زودی دریافتند که پروژه کشته سازی و عنوان شهید دادن به آنها، چه پشت صحنه‌هایی دارد. مردم به راحتی مسجد ضرار و عوامل فتنه گر را شناختند. روز بیست و دوم بهمن مردم نشان دادند که پیروز میدان جنگ نرم ملت ایران است و این بار نیز دشمنان جز شکست و ناکامی چیز دیگری نصیب شان نگردید.

رهبران و رسانه‌های انقلاب مخملی برای ایجاد انگیزتگی و هیجان نیاز دارند به اموری متوسل شوند که جامعه مخاطب آنها بدون هرگونه تفکر و تأملی نسبت به آن و اکثراً شدید آنی نشان دهد. از این رو در این مرحله آنها متوسل به «دروغ تحریک کننده» می‌شوند. در ابتدای شکل گیری آشوب‌های اخیر تهران استفاده از این نوع دروغ و تأثیر آنی آن مشاهده گردید. آشوبگران به دروغ اعلام کردند که در درگیری‌های کوی دانشگاه چند دانشجو کشته شدن و تعدادی اسامی را نیز اعلام کردند. رسانه‌های حامی آشوبگران نیز اقدام به انتشار این خبر کذب کردند. انتشار این خبر کذب در دامن زدن به آشوب و تخریب آنقدر مؤثر واقع شد که هنگامی که یکی از اغتشاشگران

اقدام به مضروب کردن یک فرد بسیجی کرد و صحنه آن از سیما پخش شد و فرد ضارب پس از چند روز دستگیر شد در پاسخ به این سؤال که چرا شما هم در مضروب کردن یک بسیجی مشارکت کردی، پاسخ داد «من از جلو دانشگاه عبور می‌کردم و دیدم اسامی چند دانشجو را به عنوان کشته شدگان درگیری های کوی به نرده ها نصب کرده بودند، من هم بسیار عصبانی شدم و ناخواسته در مضروب کردن فرد بسیجی مشارکت کردم.» کسانی که متوسل به «دروغ تحریک کننده» می شوند همین را می خواهند. آنها در پی آن هستند تا خبر دروغی را منتشر کنند تا افراد زیادی با شنیدن و یا دیدن آن خبر دروغ، عصبانی و یا خوشحال شوند تا جایی که ناخواسته و ندانسته دست به اقدامی بزنند که دلخواه رهبران آشوبگران است.

مروجین «دروغهای تحریک کننده» طوری عمل می‌کنند که به هیچ وجه زمینه پرسش از آنها درخصوص دروغ ها فراهم نشود. بهترین راه هم برای آنها این است که اجازه ندهند حرکت آشوبی متوقف شود تا برای پیاده نظام آشوب فرصت تفکر و تأمل ایجاد گردد. چنانچه در این مرحله بتوان مشت آنها را باز و دروغ آنها را مستنداً آشکار کرد ضربه سختی به آنها وارد خواهد شد. یعنی همان اتفاقی که در مقابل خبر دروغین کشته شدن چند دانشجو افتاد و سیما یکی از دانشجویانی که ادعا می شد کشته شده است را در اسلامشهر یافت و وی با کارت دانشجویی در مقابل دوربین قرار گرفت و مرگ خود را تکذیب کرد. این اقدام توطئه ستیز سیما ضربه مهلکی را بر پیکر رسانه و تبلیغات رهبران آشوبگران وارد ساخت و اعتماد به آنها را با شک و تردید در هم آمیخت و ادامه کار را برای آنها مشکل ساخت. بخش رسانه ای آشوبگران در همان ایام برای تقویت روحیه پیاده نظامش و نیز برای قویتر کردن انگیزه آنها برای ایجاد تخریب بیشتر اعلام کرد سردار فضلی از حضور برای مقابله با آشوبگران سر باز زده است، به دنبال انتشار این خبر دروغ سردار فضلی در سیما حاضر شد و سخنان محکم و متینی را بیان کرد. این دومین ضربه به بخش رسانه ای آشوبگران بود که به هیچ وجه جبران نشد. سردمداران انقلاب مخملی چون می دانند بهترین زمان برای پیروزی همان چند روز اول است و چنانچه در چند روز اول نتوانند کار مهمی صورت دهند و با گذشت زمان امکان پیروزی کاهش می یابد سعی می‌کنند در کوران حوادث روزهای اول از «دروغ های تحریک کننده» در حد بالا استفاده کنند. چنانچه آنها در این مرحله نتوانند

به پیروزی برسند، از آن به بعد «دروغ های تحریک کننده» آنها ناخواسته به «دروغ های نا امید کننده» تبدیل خواهد شد.

این نوع دروغ اگر چه ماهیتا از نوع «دروغ های تحریک کننده» است، اما بواسطه زمان و موقعیت ارزش تحریک کنندگی را از دست می دهد و تبدیل به «دروغ نا امید کننده» می شود. هنگامی که مخاطب و یا همان پیاده نظام انقلاب مخملی در میانه راه ماند و متوجه شد خبری از پیروزی نیست و برخی از اخبار و وعده هایی هم که رهبرانش داده اند دروغ از آب درآمد در ادامه حرکت دچار شک و تردید می شود و دیگر شنیدن اخبار دروغ به ظاهر تحریک کننده دیگر او را تحریک نمی کند و موجب واکنش آنی وی نمی شود. در این موقعیت پیاده نظام پس از شنیدن اخبار و رسانه های حامی خودش تأمل می کند و منتظر می ماند تا حوادث بعدی تکلیف آن اخبار را روشن کند. دروغ هایی مانند کشته شدن علیرضا توسلی پسر دوازده ساله توسط باتوم در بهشت زهرا (س) و یا دستگیری، هتک حرمت، کشته شدن و آتش زدن جنازه ترانه موسوی از این دست دروغ ها است که با پیگیری و افشاگری سیمای جمهوری اسلامی ایران دروغ بودن آن آشکار شد.

در این فصل کوشیده ایم تا به بررسی تعدادی از مصادیق این سناریوی رسانه ای- تبلیغاتی بپردازیم:

### قتل رسانه ای ندا آقاسلطان

ندا آقا سلطان و قتل وی در جریان حوادث پس از انتخابات، سوژه ای برای حامیان داخلی موسوی و رسانه های خارجی حامی وی شد تا وی را به عنوان نماد مظلوم نمایی خود قرار داده و با انتشار غیر قابل برآورد آن در تمام رسانه های دنیا، اقدام به پیگیری اهداف خود کردند. ندا آقاسلطان دختر جوانی بود که هیچگونه فعالیت و سابقه سیاسی و رسانه ای نداشت طعمه ای شد برای گرگ های زخم خورده داخلی و خارجی که سه دهه است به دنبال نقض استقلال و جمهوریت ایران اسلامی هستند.

ندا آقاسلطان متولد بهمن ۱۳۶۱ در تهران و دومین فرزند خانواده بود. وی در رشته فلسفه اسلامی در دانشگاه آزاد تهران تحصیل کرده بود و تصمیم داشت در صنعت توریسم فعالیت کند به همین دلیل در کلاس های خصوصی زبان ترکی شرکت می کرد

و قصد داشت به عنوان راهنمای تورهای مسافرتی مشغول به کار شود. به گفته پناهی استاد موسیقی آقاسلطان، وی فعال سیاسی نبود.

### نقش مبهم یک نفر

آرش حجازی متولد ۱۳۴۹ نویسنده، مترجم، پزشک، و ناشر ایرانی است. وی پزشکی است که در هنگام شلیک گلوله به ندا آقاسلطان در فاصله نزدیکی از او قرار داشت و براساس آنچه در تصاویر ثبت شده سعی کرد ندا را نجات دهد. این در حالی بود که وزارت اطلاعات پس از آغاز درگیری‌ها و پیش از مرگ ندا آقاسلطان از احتمال حضور نیروهای بیگانه برای دامن زدن به آشوب‌ها و اغتشاشات خیابانی خبر داده بود.

اینکه چرا وی ۲ روز پس از آغاز اغتشاشات به ایران آمد؛ در صحنه قتل دختری که فوراً در تمامی رسانه‌های ضدایرانی منعکس شد، نقش بسیار پررنگی داشت و نهایتاً یک روز پس از این ماجرا به انگلستان برگشته و به تشریح ماجرای قتل آقاسلطان، آنگونه که مطلوب رسانه‌های ضدایرانی است، می‌پردازد و بعد اعلام می‌کند که به دلیل فاش ساختن جزئیات این داستان و احساس خطر شدید، قادر به بازگشت به ایران نخواهد بود. این اقدام وی موجب شد تا گروهی از زنان ایرانی با برپایی تظاهراتی در برابر سفارت بریتانیا در تهران خواستار استرداد وی به ایران شوند.

### نامزد ندا آقاسلطان: ندا از درگیری‌ها دور بود

کاسپین ماکان نامزد ندا آقاسلطان نیز در این رابطه توضیح داد: وقتی که این اتفاق افتاد، ندا از درگیری‌ها دور بود، یعنی در خیابان‌های فرعی نزدیک امیرآباد بود. حدود یک ساعتی با استاد موسیقی‌اش در ماشین پشت ترافیک نشسته بود، از گرما و خستگی کلافه گشته بود و از ماشین پیاده شد که در این هنگام مورد اصابت گلوله قرار گرفت. چند دقیقه بیشتر طول نکشید، بیمارستان شریعتی نزدیک بود، حاضران سعی می‌کنند ندا را با اتومبیل به اورژانس ببرند اما قبل از انتقال به بیمارستان وی فوت می‌کند. نامزد آقاسلطان نیز در جریان این ماجرا دستگیر شد و بعد از گذشت حدود ۲ ماه با وثیقه آزاد شد که او نیز از مرز زمینی به خارج از کشور رفته و ابتدا به انگلستان و سپس آمریکا رفت.

### بازتاب خبر قتل ندا آقاسلطان

تصاویر و عکس‌های ندا آقا سلطان بلافاصله در سایت‌ها و رسانه‌های خبری مختلف در سراسر جهان به عنوان نمادی از کشته شدگان درگیری‌های پس از انتخابات ریاست

جمهوری در ایران منتشر شد. مجله تایم تصویر وی را به عنوان یکی از ده نماد اعتراضی برتر دنیا انتخاب کرد. برای چندین روز شبکه‌های تلویزیونی عمده آمریکا و بیگانه به طور دائم تصاویر ویدیویی لحظه فوت ندا آقاسلطان را پخش کردند. کسانی که این طرح را پیاده کردند حداکثر بهره آن را بردند. اوپاما یکی از عزاداران مرگ دختر ایرانی بیگانه شد و برایش اشک ریخت. شبکه بی.بی.سی پخش برنامه‌های معمول خود را متوقف کرد و هر دقیقه با نشان دادن لحظه فوت ندا مرثیه‌سرایی می‌کرد.

### بورس تحصیلی ندا آقاسلطان!

در اکتبر سال ۲۰۰۹، کالج کوئینز، از کالج‌های تشکیل دهنده دانشگاه آکسفورد در بریتانیا به منظور یادبود ندا آقاسلطان، دوره بورس تحصیلی ندا آقاسلطان برای دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای رشته فلسفه را تأسیس کرد. این اقدام با اعتراض شدید سفارت ایران در لندن مواجه شد و این بورسیه را موجب خدشه‌دار شدن شأن علمی این دانشگاه، دور افتادن از اهداف آکادمیک و به خدمت مطامع سیاسی درآمدن خواند. همچنین در اقدامی دیگر شبکه خبری سی‌ان‌ان در تماسی که با خانواده ندا آقاسلطان برقرار کرد از آنان خواست برای ساخت مستندی درباره زندگی دخترشان با این شبکه همکاری کنند. بر همین اساس، این شبکه خبری برای نشان دادن حسن‌نیت به خانواده آقاسلطان به آنان پیشنهاد داد با دریافت ۱۵۰ هزار دلار عکس‌ها، خاطرات و فیلم‌های مختلف مربوط به مرحومه ندا آقاسلطان را در اختیار سی‌ان‌ان قرار دهند. سی‌ان‌ان قصد داشت با جمع‌آوری این عکس‌ها و نیز اطلاعات بیشتر درباره ندا آقاسلطان دست به ساخت مستندی از این واقعه دردناک زده و با وارونه کردن واقعیت، حملات بیشتری را متوجه جمهوری اسلامی کند.

### پشت صحنه این قتل

حقیقت پنهان نماند. بعدها فیلم مستندی صحنه معروف قتل ندا آقا سلطان در فضای مجازی منتشر شد که بررسی آن نشان می‌داد، قتل ندا آقا سلطان، بسیار مشکوک و یک پروژه طراحی شده از سوی عوامل سرویس‌های امنیتی انگلیس و آمریکا بوده است. تناقضاتی که در این فیلم به آن‌ها اشاره شده و نیز اظهارات آرش حجازی به عنوان فرد حاضر در صحنه و متهم اصلی قتل ندا آقاسلطان از یک سناریوی از قبل طراحی شده

برای این موضوع خبر می‌دهد. براساس تحلیل و بررسی‌های تهیه‌کنندگان این فیلم مستند، آقا سلطان در این صحنه کشته نشده و در جای دیگری به قتل رسیده است. در این مستند، گفته می‌شود که ندا آقاسلطان با همکاری عوامل بیگانه در لحظه فیلمبرداری از صحنه ساختگی قتل خود، با دستگاه یا کیسه‌ای مخصوص، خون را روی صورت خود جاری می‌کند. همچنین تناقض‌های آشکار عکس معروف ندا آقا سلطان با فیلم پخش شده از وی نشان از زوایای پنهان این توطئه دارد. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته روی این فیلم، ندا آقا سلطان در این سناریو، خود همکاری می‌کرده و پس از اینکه همراه با آرش حجازی وارد خودرو برای انتقال به بیمارستان شده، توسط یکی از همراهان کشته می‌شود.

گفتنی است، از همان روزی که فیلم با کیفیت بالای قتل ندا آقاسلطان برای اولین بار از CNN پخش و پیگیری آن به بی‌بی‌سی فارسی سپرده شد، با توجه به شواهد موجود، از جمله کیفیت فیلمبرداری، فاصله فیلمبرداری از محل درگیری، خلوت بودن خیابان، اسلحه به کار برده شده، زاویه اصابت گلوله و اصابت گلوله از فاصله نزدیک (بر اساس گزارش پزشکی قانونی)، فرار آرش حجازی به انگلیس در روز بعد از قتل، ارتباطات حجازی در انگلیس و شواهد دیگر، این فرضیه مطرح شد که آقاسلطان با طراحی سرویس‌های جاسوسی انگلیس و آمریکا و عاملیت بخشی از هواداران موسوی به قتل رسیده است.

با طرح این فرضیه توسط رسانه‌ها و شواهد ارائه شده برای آن در روزهای پس از پخش فیلم در CNN و بی‌بی‌سی فارسی، خشم رسانه‌های بیگانه و همراهان داخلی آنها را برانگیخت به طوری که پس از آن به ورطه تناقض‌گویی و فحاشی افتادند.

### جزئیات این قتل شیطانی

در ابتدای صحنه فیلم معروف ندا آقا سلطان، آرش حجازی به همراه مربی موسیقی ندا آقاسلطان، وی را روی زمین نشانده و دراز می‌کنند. نخستین موضوعی که بسیار جلب توجه می‌کند، حجم خون فراوانی است که روی زمین و زیرپای ندا آقا سلطان ریخته شده است و این در حالی است که این حجم انبوه خون تناسبی با خون ریخته شده بر گلولی ندا آقا سلطان و دستان این ۲ نفر که به ادعای خود می‌خواستند مانع خونریزی شوند، ندارد. مورد قابل توجه دیگر رفتار عادی اطرافیان است. در همان ابتدای فیلم

به خوبی مشخص است که عابران اندک خیابان در حال رفت و آمد عادی خود هستند. ولی این آرش حجازی و مربی موسیقی ندا هستند که هیجان زده شده‌اند. اگر شلیکی صورت گرفته بود، چرا عابران رفت و آمد عادی خود را داشتند. در این فیلم به وضوح مشخص است که آرش حجازی در لحظه‌ای که ندا را روی زمین دراز می‌کند به دوربین نگاه می‌کند و در واقع کاملاً مشهود است که وی به دنبال آن است که ببیند آیا دوربین صحنه را تعقیب می‌کند و در واقع کلیت صحنه را در نظر می‌گیرد.

پس از دراز کردن ندا روی زمین، برای جلب توجه مردم، آرش حجازی فریاد می‌زند [ندا] تیر خورده! قطعاً این موضوع هم برای جلب توجه مردم اطراف که در حال رفت و آمد عادی خود هستند، است و هم اینکه در حال گفتن دیالوگ مربوط به این فیلم هستند. دوربین بلافاصله پس از تصویربرداری از پایین بدن ندا - برای به تصویر کشیدن خونی که روی زمین ریخته شده - به بالای بدن وی می‌رود. در این لحظه به نظر می‌رسد که ندا به دوربین نگاه می‌کند و بلافاصله نگاه خود را از دوربین برمی‌گرداند. در این هنگام مربی ندا فریاد می‌زند که «ندا بمون، ندا نرو، ندا مقاومت کن»، این دیالوگ قطعاً غلظت احساسی این فیلم را افزایش می‌دهد. آرش حجازی نیز به همراه مربی ندا، دست بر گلوی وی گذاشته‌اند و به اصطلاح می‌خواهند مانع خونریزی شوند.

در ادامه فیلم، خون از دهان و بینی ندا خارج می‌شود و فردی که بالای سر ندا ایستاده داد می‌زند که «مُرد آقا، مُرد». در ادامه همین شخص دوباره فریاد می‌زند «مُرد» و اقدام به فریاد زدن و داد کشیدن می‌کند! این فرد همچنین با به زبان راندن برخی الفاظ رکیک - مخاطب وی مسؤولانند - سعی بر آن دارد که واکنش خود به دیدن این صحنه دلخراش را با این الفاظ رکیک انجام دهد تا به نوعی حس قضاوت این صحنه را در بینندگان به وجود آورد.

آرش حجازی پس از خروج از کشور در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی فارسی در توضیح این اتفاق می‌گوید: «سر و صدا را در خیابان شنیدم و تصمیم گرفتم بیرون بیایم و بینم که چه خبره. خیابان خسروی را تا انتها رفتم و رسیدم به خیابان کارگر تا اینکه رسیدم به جایی که مردم جمع شده بودند و ۵۰ متر پایین‌تر پلیس ضدشورش با موتورهایشون ایستاده بودند و مردم را عقب می‌راندند. در یک لحظه گاز اشک‌آور بین مردم پرتاب

شد و مردم وحشت کردند. در همان زمان پلیس به سمت مردم حرکت کرد با موتور و مردم در خیابان خسروی دویدند. ندا هم در میان اون مردم بود<sup>۱</sup> و می‌دیدمش و مرتب در تمام این مدت ما ایشون رو می‌دیدیم. ما همین‌طور دور شدیم تا به تقاطع خیابان خسروی و خیابان صالحی رسیدیم، جایی که مردم پراکنده شدن دیگه و چند نفری ایستاده بودند که ببینن چیکار باید بکنن که در اون لحظه ما صدای تیری رو شنیدیم. من از دوستی که کنارم ایستاده بود پرسیدم که این چی بود؟ گلوله بود؟ و اون گفت که نه. می‌گن که گلوله‌های پلاستیکی دارن. منتها در همان لحظه من برگشتم و دیدم خون از سینه خانم ندا که در یک متری من ایستاده بود داره فواره می‌زنه! من به طرف ایشون رفتم و به کمک فردی که فکر می‌کردم پدرشونه و بعداً شنیدم که معلم موسیقی شونه، روی زمین خوابانیدیم و سعی کردم که با فشار دستم جریان خون رو متوقف کنم ولی گلوله به آئورت ایشون خورده بود و ریه ایشون رو پاره کرده بود. گلوله از جلو وارد شده بود به سینه ایشون. متأسفانه نتوانستم کاری برای ایشون بکنم. متأسفانه هر چه فشار به سینه ایشون آوردم وقتی که آئورت ایشون پاره شده بود، خون در مدت ۳۰ ثانیه، ۴۰ ثانیه از بدن خالی شد.»

حجازی این گمانه که ممکن است شلیک از سوی نیروی انتظامی نباشد را رد کرد و گفت: مردم نه سلاح سرد حمل می‌کردند و نه سلاح گرم. تنها سلاحشون صدایشون بود که اون هم چند روز قبل از این اتفاق، مردم در سکوت راهپیمایی می‌کردند و هیچ‌کس جلوی ایشون نبود. مردم کنار ایشون راهپیمایی می‌کردند. موقعی که صدای گلوله شنیده می‌شد و گلوله از جلو او آمد. کوچی خالی بود موقعی که گلوله او آمد.

### نکات عجیب در صحبت‌های آرش حجازی

(۱) آرش حجازی در توضیح خود از حوادث قبل از صحنه به اصطلاح تیر خوردن ندا، چندبار ندا آقاسلطان را دیده است: «ندا هم در میان اون مردم بود. و می‌دیدمش و مرتب در تمام این مدت ما ایشون رو می‌دیدیم.» آرش حجازی سابقه آشنایی با ندا آقاسلطان نداشته و مدعی شده در صحنه قتل وی را دیده است، با این حال وی چگونه توانسته در میان جمعیت حاضر در خیابان

<sup>۱</sup> - البته حجازی در اینجا به این واقعیت اشاره نمی‌کند که ندا آقاسلطان را قبلاً از کجا می‌شناخته است!!!



خسروی و کارگر ندا را از دیگران تشخیص دهد؟! به عبارت دیگر آرش حجازی در خیابان‌های خسروی و کارگر آیا به دنبال شخص خاصی میان جمعیت بوده که پس از مشاهده به اصطلاح تیر خوردن ندا در خیابان، وی را به یاد می‌آورد؟ قطعا هر فردی که قصد خاصی نداشته باشد، وقتی اجتماعی را می‌بیند، روی فرد خاصی تمرکز نمی‌کند. ولی چگونه حجازی ندا را قبل از آنکه حادثه رخ دهد در خیابان‌های اطراف به یاد می‌آورد؟ مگر آنکه پروژه‌ای از قبل طراحی شده باشد که اجزای آن به خوبی همدیگر را بشناسند و در حال هماهنگی برای انجام آن باشند.

۲) حجازی مدعی می‌شود، تیر به «آئورت» ندا آقاسلطان برخورد کرد. در حالی که اگر تیر به «آئورت» وی اصابت می‌کرد، حادثه دیده اصطلاحاً دچار «confause» (گیج‌شدگی) می‌شد. ولی در تصویر مشاهده می‌شود که ندا آقاسلطان عملاً یکی از دست‌هایش را تکان می‌دهد و به نظر می‌رسد در چند نوبت به دوربینی که با کیفیت بالا تصویر می‌گرفت، نگاه می‌کند. از سوی دیگر اگر آنگونه که حجازی مدعی شده تیر به آئورت ندا اصابت و خون فوران کرده، چرا روی لباس‌های وی آثار خون دیده نمی‌شود و فقط این جلوی پای نداست که حجم فراوانی خون دیده می‌شود! از سوی دیگر اگر گلوله به آئورت ندا برخورد کرده، قطعا خون فوران می‌کند، ولی چرا میزان خونی که دست‌های حجازی و مربی موسیقی به آن آغشته است هیچگونه تناسبی با آن حجم خون فوران شده ندارد؟

۳) این ادعا با یافته‌های پزشکی مطابقت ندارد که «آئورت» پاره شود و ۱۵ ثانیه بعد مصدوم آنچنان هوشیار باشد و به صدای اطرافیان عمل کند. همچنین این موضوع غیرقابل پذیرش است که همزمان با این رفتار بیماری که گلوله به آئورت وی اصابت کرده، خون از بینی مصدوم خارج شود. خروج این میزان خون از بینی، مستلزم آن است که خون وارد ریه و مجاری تنفسی شود و آن را اشباع کند و از راه دهان و بینی خارج شود. در چنین وضعی مصدوم نمی‌تواند بلافاصله قبل از خروج این حجم خون، هوشیار باشد!

## واقعیت ماجرا چه بود؟

شبکه خبری بی‌بی‌سی که عهده‌دار پروژه رسانه‌ای (قتل رسانه‌ای) ماجرای قتل ندا آقاسلطان بوده در این باره چندین بار اقدام به پخش صحنه‌هایی از حضور ندا آقاسلطان در تجمعات می‌کند! جالب‌تر آنکه در یکی از این تصاویر، ندا آقاسلطان در وسط کادر و اصطلاحاً در نقطه «طلایی» دوربین قرار می‌گیرد.

در همین تصویر ندا به عقب برگشته، دوربین را نگاه می‌کند! و سپس به همراه مربی موسیقی خود به سمت راست حرکت می‌کند! جالب آنکه دوربین نیز در حالی که جمعیت حاضر در کادر، فراوانند، اقدام به تعقیب ندا آقاسلطان می‌کند! چرا؟ در میان این همه سوژه چرا دوربین بر ندا آقاسلطان و مربی وی زوم کرده و آنها را تعقیب می‌کند؟! بدون شک به علت ازدحام جمعیت، مکان برای انجام سناریو مناسب نبوده است.

اما در تصویر معروف، فضایی که صحنه قتل ندا در آن اتفاق افتاده، هیچگونه درگیری یا ازدحام جمعیتی را نشان نمی‌دهد. به عبارت دیگر اتفاق خاص و عجیبی در آن اطراف رخ نداده است. بنابراین این موضوع نشان‌دهنده آن است که آشوب‌ها به مکان فیلمبرداری شده سرایت نکرده است! اما آنها مدعی هستند که ندا آقاسلطان در این مکان مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد! جالب آنکه پس از آنکه آرش حجازی و مربی موسیقی ندا، وی را روی زمین می‌خوابانند، اطراف تصویر حرکت عادی مردم را حکایت می‌کند! آیا اگر در آن اطراف صدای شلیک گلوله می‌آمد، حرکت مردم اینگونه عادی بود؟! با نگاهی به فیلم سؤال دیگری که پیش می‌آید این است که چرا ندا پس از اصابت گلوله فرضی، نقش بر زمین نشده و توسط حجازی و استاد خود روی زمین خوابانده می‌شود.

در حالی که اگر در آن صحنه گلوله‌ای به آثورت او خورده بود قطعاً باید خودش نقش بر زمین می‌شد.

در فیلمی که ادعا می‌شود صحنه به قتل رسیدن ندا را نشان می‌دهد، در هنگامی که ندا آقاسلطان روی زمین می‌نشیند، دست چپ وی خالی است؛ موقعی که آرش حجازی و مربی موسیقی، ندا را روی زمین می‌خوابانند نیز دست چپ وی خالی است و حتی هنگامی که دوربین که کیفیت بسیار بالایی دارد، قصد پایان فیلمبرداری از پایین تنه ندا و اقدام به فیلم گرفتن از صورت وی را دارد، در دست چپ ندا هیچگونه شیئی

دیده نمی‌شود. اما بلافاصله پس از آنکه دوربین از پشت سر مربی موسیقی عبور کرده و اقدام به فیلمبرداری از صورت ندا می‌کند، در کمال حیرت در دست چپ ندا شیئی که شباهت زیادی به کیسه خون دارد یا دستگاهی شبیه به آن، دیده می‌شود!! اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود.

ندا آقاسلطان که از وی به عنوان نماد به اصطلاح جنبش سبز یاد می‌شود، همزمان دست چپ خود را نزدیک صورتش آورده و چند بار با انگشت شست خود شیئی در دست خود را فشار می‌دهد. در همین هنگام خون روی دهان و بینی ندا سرازیر می‌شود و در ادامه صحنه پایین رفتن دست چپ ندا به وضوح مشاهده می‌شود!!

در فیلم مستند منتشر شده حرکت دست ندا به وضوح به نمایش گذاشته شده و توضیحات قابل تاملی روی این تصاویر داده شده است که از طراحی یک سناریوی کثیف در این باره خبر می‌دهد. نکته جالب و در عین حال قابل تأمل دیگر اینکه در صحنه‌ای از فیلم، مشاهده می‌شود فردی اقدام به عکس گرفتن از ندا می‌کند. همان عکسی که این روزها معروف‌ترین عکس وی است. اما بررسی صورت ندا در هنگام گرفتن این عکس و خود عکس منتشر شده، نشان می‌دهد طراحان سناریوی قتل ندا، اقدام به دستکاری این عکس کرده و بخش‌هایی از خون ریخته شده بر صورت وی را پاک کرده‌اند.

قطعا وقتی دختری جوان، زیبا و دانشجو برای این سناریو انتخاب می‌شود، می‌بایست هنگام قتل ساختگی وی، جلوه‌های بصری صورتش نمایان باشد! این مستند نشان می‌دهد ندا آقاسلطان در فیلم قتل، به ایفای نقش پرداخته، اما برآستی وی چگونه کشته شد؟ آنگونه که پزشکی قانونی گزارش داده، ندا آقاسلطان با شلیک اسلحه و از پشت و از فاصله‌ای بسیار نزدیک مورد اصابت قرار گرفته است.

همچنین در گزارش پزشکی قانونی آمده است که ندا آقاسلطان با اسلحه‌ای با کالیبر و مدل کوچک به قتل رسیده است. این گزارش پزشکی قانونی نشان می‌دهد، ندا آقاسلطان در صحنه‌ای که فیلم آن هفته‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شد، کشته نشده است. اما ندا همان روز کشته شد، پس ماجرا چیست؟ کارشناسان قطعی‌ترین فرضیه برای قتل ندا را اینگونه می‌دانند که وی در حین انتقال به بیمارستان

کشته شده است. به احتمال قریب به یقین، ندا آقاسلطان در مسیر بیمارستان توسط همان سناریست‌های ماجرا به قتل رسیده است.

### دیگر ابهامات

چرا آرش حجازی ۲۴ ساعت پس از فیلمبرداری از صحنه مشکوک قتل ندا آقاسلطان، ایران را ترک می‌کند؟ این در حالی است که وی ۴۸ ساعت قبل از ماجرا به ایران آمده بود. حجازی که در انگلیس تحصیل می‌کند، ۲ روز پس از حضور در ایران، وارد اتفاقی بسیار مشکوک علیه جمهوری اسلامی ایران می‌شود؛ یک روز بعد نیز وی از ایران خارج می‌شود و برای اولین بار به عنوان شاهد ماجرا در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی فارسی - اصلی‌ترین رسانه حامی موسوی و مخالفان جمهوری اسلامی - اقدام به تشریح ماجرا می‌کند! اما نکته بسیار مشکوک دیگر را از زبان داریوش سجادی از عناصر نزدیک به اپوزیسیون خارج از کشور در گفت‌وگو با سایت ضدانقلاب «گویانیوز» بشنوید.

سجادی در بخشی از این گفت‌وگو، قتل آقاسلطان را سناریویی از پیش تعیین شده می‌داند و می‌گوید: «یک نکته دیگر هم هست که از آرش حجازی شاهد قتل ندا آقاسلطان می‌پرسم. یا ایشان یا هر کس دیگری که می‌خواهد جواب بدهد. ایشان ۴۸ ساعت بعد از حادثه با ویزای آماده در جیب (!) سر از بی‌بی‌سی درآوردند و گفتند ما قاتل ندا را گرفتیم. کارتش را درآوردیم، او بسیجی بود و ... بنده سؤال این است آقای آرش و همه کسانی که خبر را شنیدید، شما می‌گویید جنبش سبز یک جنبش ناپس ملاطفت‌طلب است بعد هم توانستید یک بسیجی آدم‌کش را که یک نفر را در مقابل چشم همه کشته خلع‌سلاح کنید و کارت شناسایی‌اش را هم درآورده‌اید، ایشان هم تمام مدت مثل ماست ایستاده و شما را نگاه کرده؟! از کی تا حالا جنبش سبز اینقدر دلاور شده که یک قاتل مسلح را خلع‌سلاح کند، بعد هم ولش کند؟! آیا روی پیشانی بنده و امثال بنده نوشته شده: ابله؟!»<sup>۱</sup>

قتل رسانه‌ای پروژه قتل آقاسلطان نمونه‌ای مثال‌زدنی است که سرویس‌های اطلاعاتی با همراهی رسانه‌های هماهنگ با خود، یک پروژه قتل را کلید می‌زنند در حالی که برای

<sup>۱</sup> - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۷۷۱۳۲، ۱۴/۱۰/۱۳۸۸

فیلمبرداری، رسانه ای کردن و انتساب آن به دیگران از قبل برنامه ریزی کرده اند؛ در واقع ما در ماجراهایی شبیه مرگ ندا آقاسلطان شاهد یک «قتل رسانه ای» هستیم.

### صهیونیست ها، میزبان نامزد ندا!

اواخر اسفند ۱۳۸۸ کاسپین ماکان، نامزد ندا آقاسلطان (که در حوادث پس از انتخابات به طرز مشکوکی جان باخت)، به تل آویو رفت تا با برخی مسئولان رژیم صهیونیستی دیدار کند. ماکان که پس از قتل مشکوک ندا آقاسلطان در جریان اغتشاشات بعد از انتخابات، خود را نامزد او معرفی کرده بود، چند هفته پس از این اتفاق، ایران را به مقصد انگلستان و سپس آمریکا ترک کرد و در بسیاری از رسانه های غربی از جمله «بی.بی.سی فارسی»، صرفاً به دلیل همراه بودن با «ندا»، عملاً به تحلیلگر مسائل ایران تبدیل شد.

رژیم صهیونیستی با پوشش خبری گسترده مسافرت نامزد ندا آقاسلطان به سرزمین های اشغالی، ضمن دوست خطاب نمودن ماکان، پرده از ارتباط های گسترده بین رسانه های رژیم صهیونیستی با این فرد و فتنه گران از طریق اینترنت برداشت.

سایت وزارت خارجه رژیم صهیونیستی در این باره نوشت: «کاسپین از جانب شبکه ۲ اسرائیل دعوت شده است. این شبکه از حدود ماه ها پیش با کاسپین ماکان ارتباط برقرار کرده بود و از او دعوت کرد تا به اسرائیل بیاید. از آن هنگام تا کنون، این شبکه با مقامات دولتی تماس گرفته و همه اجازه های لازم را برای ورود یک شهروند ایرانی دریافت کرد و حتی از پرز (رییس جمهور رژیم اشغالگر قدس) درخواست کرد تا کاسپین را به حضور بپذیرد و ریاست جمهوری نیز این درخواست را پذیرفت و این دیدار در روزهای آینده انجام خواهد شد.»

این سایت در ادامه به نحوه مسافرت ماکان اشاره داشت. نکته جالب توجه، پیش بینی همه مقدمات سفر برای ماکان و استقبال محافل خبری اسرائیل می باشد. این سایت در این باره می نویسد: "کاسپین با پرواز شماره ۳۸۶ العال (شرکت هوایمایی اسرائیل) از رم وارد فرودگاه بین المللی بن گوریون شد و دو تن از گزارشگران شبکه ۲ تلویزیون اسرائیل از او در کنار هواپیما استقبال کردند".

این پایگاه اینترنتی همچنین پرده از ارتباط تنگاتنگ رسانه‌ای صهیونیست‌ها با فتنه‌گران برداشته و می‌نویسد: «این دو تن "امانوئل روزن" یکی از گزارشگران شبکه دو و "عدی لیبرمن" بودند. "عدی" اگرچه در خانواده‌ای در اسرائیل به دنیا آمده که ریشه اروپایی دارند، ولی از دوران تحصیل در دانشگاه به زبان و ادبیات فارسی علاقه زیاد پیدا کرده و از طریق اینترنت و فیس بوک و چت با ایرانیان بسیاری در سراسر جهان و از جمله در داخل ایران در ارتباط است و با آن‌ها به گفتگو می‌پردازد.»<sup>۱</sup>

«کاسپین ماکان» نامزد همچنین در جریان سفر به سرزمین اشغالی و دیدار با چند نفر از نمایندگان کنست این رژیم، روز دوشنبه با «شیمون پرز» رئیس رژیم صهیونیستی دیدار کرد.

روزنامه صهیونیستی «معاریو» در گزارشی نوشت: «ماکان در این دیدار به پرز گفت: ندا یک روشنفکر بود، یک مبارز برای آزادی و کسی که هیچ چیزی برای او از آزادی مهمتر نبود. پرز نیز گفت: مشاهدات و احساس من نسبت به اردوگاه مخالفین و مبارزین در ایران این است که این مبارزات اخلاقی و معنوی است و ندا به عنوان یک سرباز شجاع در این مبارزات شناخته می‌شود. پرز در این دیدار همچنین گفت: من می‌دانم که شما برای رسیدن به این جا با چه مشکلاتی روبرو شده‌اید و در حال حاضر به دلیل از دست دادن نامزد خود ناراحت هستید، ولی من با شما اظهار همدردی می‌کنم و به شما می‌گویم که شما می‌توانید به راحتی در اسرائیل دوستان بسیاری پیدا کنید. ماکان نیز در جواب به رئیس رژیم صهیونیستی مدعی شد: من نسبت به صحبت‌های شما حسن ظن دارم و احترام به آزادی و حقوق شهروندی را در اسرائیل به خوبی می‌بینم و این نوع برخورد شما با مردم و احترام به آنها، اساساً با احترام به مردم در ایران متفاوت است زیرا در ایران اصلاً چنین برخوردی وجود ندارد.»<sup>۲</sup>

سفر نامزد ندا به سرزمین‌های اشغالی دیگر ابهامی در خصوص نقش صهیونیست‌ها در طراحی و پشت پرده این قتل رسانه‌ای نگذاشت.

<sup>۱</sup> - خبرگزاری فارس، ۰۳/۰۱/۸۹

<sup>۲</sup> - همان، ۱۳۸۸/۰۱/۴

## لیست ۷۲ شهید خیالی!

جریان فتنه برای تحریک احساسات مردم با ارائه لیستی مدعی شد در اغتشاشات پس از انتخابات ۷۲ نفر کشته شده اند. این لیست مجعول اولین بار در سایت حزب مشارکت منتشر و از آنها به عنوان «۷۲ شهید جنبش سبز» نام برده شد.

تحقیقات بعدی نشان می‌داد این لیست دروغی بیش نبوده و مدعیانش برای رساندن آن به عدد خاص ۷۲- تداعی کننده تعداد شهدای کربلا!- به هر حیل‌های از گنجاندن اسامی کسانی که هویت واقعی ندارند تا متوفیان عادی متوسل شده اند. البته چند نفر از شهدای ادعایی فتنه سبز نیز زنده شدند حتی یکی از آسیب‌دیدگان حوادث پس از انتخابات که از قضا توسط آشوب‌گران نزدیک به حزب مشارکت مورد هدف قرار گرفته بود، نسبت به درج نامش در لیست ۷۲ نفره اعتراض کرد. گردانندگان این تئاتر سیاه برای لاپوشانی افتضاح خود، مدعی شدند این ترفند نظام برای مخدوش کردن لیست شهدا و بدنام کردن ما بوده است!

در ادامه به چند شهید خیالی جریان فتنه می‌پردازیم:

### محسن ایمانی

در میان نام کشته شدگانی که نوروز مدعی است خانواده آن شهید! کشته شدن فرزند خود را به ستاد موسوی و کربوبی نیز اطلاع نداده است، نام "محسن ایمانی" به چشم می‌خورد. کسی که مدعی هستند در حادثه کوی دانشگاه کشته شده است. اما این درحالی بود که «محسن ایمانی» واقعی در اواخر خردادماه و همان ابتدا که خبر فوتش، تیتراژ یک رسانه‌های فتنه شده بود در مقابل دوربین صدا و سیما حاضر شد و با نشان دادن کارت دانشجویی خود گفت اصلاً ساکن کوی دانشگاه نیست که حالا بخواهد در اثر حادثه کوی کشته شده باشد!

### علیرضا توسلی

تیرماه ۱۳۸۸ برخی روزنامه‌های داخلی و همچنین سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های خبری فارسی، عربی و آمریکایی اعلام کردند پسر بچه‌ای ۱۴ ساله به نام علیرضا توسلی که در درگیری‌های مراسم چهلمین روز درگذشت کشته شدگان اغتشاشات تهران در بهشت زهرا توسط عوامل انتظامی با ضربه‌های متعدد باتوم دچار مرگ مغزی شده و سرانجام پس از ۴ روز به کما رفتن از دنیا رفته است

سرانجام با پیگیری‌های رسانه‌ها مشخص شد این خبر کذب بوده و کودک ۱۴ ساله بر اثر تصادف با وانت مزدا در ساوه فوت کرده و روز گذشته چهلمین روز فوت این کودک بوده است.

پدر مرحوم علیرضا توسلی در گفتگو با خبرنگاران، ضمن تکذیب اخبار منتشر شده از مرگ علیرضا توسلی گفت: روز هفتم تیر ماه بود که علیرضا به همراه مادرش برای آوردن آب تصفیه شده به خیابان رفتند که در هنگام برگشت از جایگاه برداشت آب متوجه می‌شود کارت شارژ آب را جا گذاشته به سرعت به جایگاه برگشته و کارت را بر می‌دارد در این میان در راه بازگشت و گذشتن از خیابان با یک خودروی مزدا وانت که با سرعت در حال گذر از خیابان بوده برخورد کرده و در جا بی هوش می‌شود.

وی اظهار داشت: علیرضا سریعاً توسط راننده وانت به بیمارستان ساوه منتقل شده که پس از گذشت چند ساعت در ساعت ۲ بعد از ظهر توسط بیمارستان به بیمارستانی در تهران منتقل شد.

توسلی با بیان اینکه در بیمارستان اعلام شد کودک ما دچار مرگ مغزی شده است یادآور شد: در ساعت ۳:۳۰ بامداد ۸ تیر علیرضا بر اثر مرگ مغزی از دنیا رفت و ما جسد وی را در همان تاریخ ۸ تیر تحویل گرفته و دفن کردیم.

وی با بیان اینکه در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۱۶ مراسم چهلم فرزند ما برگزار شده است خاطر نشان کرد: اخبار منتشر شده از مرگ علیرضا مبنی بر اصابت باتوم بر سر وی تماماً کذب بوده و زمانی که ۳۰ روز از مرگ فرزند ما گذشته اعلام شده که این کودک در درگیری-های بهشت زهرا دچار ضربه مغزی شده است که تمام این اخبار را تکذیب می‌کنم.

وی اظهار داشت: دشمنان نظام با توجه به معلولیت چهره این کودک می‌خواهند از احساسات مردم سوء استفاده و نظام جمهوری اسلامی را زیر سؤال ببرند. توسلی تصریح کرد: هموطنان مسلمان ما آن قدر آگاه و بیدار هستند که با این قبیل بازی‌ها و اخبار گول نخورند.

در این میان راننده وانت مزدا گفت: این اتفاق که در تاریخ ۷/۴ اتفاق افتاده بر اثر سهل‌انگاری و سرعت زیاد من اتفاق افتاد که در حال حاضر نیز با عنایت خانواده مرحوم علیرضا توسلی مورد بخشش قرار گرفته‌ام و تنها جریمه‌ای از سوی دادگاه تعیین شده که باید آن را پرداخت کنم.



## احمد نجاتی کارگر

یکی از کشته شدگان خیالی، احمد نجاتی کارگر بود. نام احمد کارگر نجاتی در شماره ۱۸ کشته شدگان حوادث پس از انتخابات در سایت مشارکت آمده و حتی نحوه مرگ وی بر اثر ضرب و شتم در بیمارستان و محل دفن او قطعه ۲۱۳ ردیف ۱۵ شماره ۳۵ ذکر شد.

چند روز بعد «احمد نجاتی کارگر» واقعی در وبلاگ خود با لحنی طنز نسبت به اینکه نام وی در کنار کشته شدگان حوادث پس از انتخابات آمده اعتراض کرد و با اشاره به ادعاهای قبلی سایت حزب مشارکت مبنی بر دفن شبانه تعدادی جسد بی نشان در بهشت زهرا(س) تهران افزود: «چند وقتی حرف از دفن مخفیانه اجساد میزدن و من باور نمی کردم! اما واقعا این دفن مخفیانه رو به قدری استادانه انجام دادن که حتی خود من هم نفهمیدم کی دفن شدم. اصلاً اونقدر کارشون خوب بلد بودن که نفهمیدم کی کشته شدم. عجب دنیائیه این دنیای بعد از مرگ. همه چی عین قبل از مردن و اصلاً هیچی تغییر نکرده. البته هنوز کسی برای سؤال و جواب سراغم نیومده. یا شاید سؤال و جواب هم مخفیانه انجام شده که خودم نفهمیدم...»<sup>۱</sup>

کارگر نجاتی البته در پست قبلی وبلاگ خود، سیر هدف گلوله قرار گرفتن از سوی حامیان جنبش سبز را توضیح داده و به همراه انتشار تصاویری از خود در بیمارستان نوشته است: «مدتی بود که به لطف دوستان سبزمون و با یک گلوله چند گرمی امریکایی یا شاید هم انگلیسی (بخاطر اینکه کالیبر گلوله از یک نوع سلاح نا متعارف در ایران بود) راهی بیمارستان شده بودم. البته هنوز بهبودی کامل حاصل نشده و بعد از یک مدت حرکت چهار پایی (به کمک دو عصا) به تازگی به لطف فیزیوتراپ و آب درمانی سه پایی (تک عصا) شدیم.»

## ماجرای ترانه موسوی

داستان ترانه موسوی از دیگر سناریوهایی بود که سبزهها در پروژه کشته سازی و مظلوم نمایی خود مورد توجه قرار دادند تا اصلاحاتی که به قول سعید حجاریان به "خون" نیاز داشت، بتواند از پیراهن های عثمان برای تضمین حیات سیاسی خود بهره بگیرد.

این پروژه بازتاب گسترده‌ای در سطح جهان به دنبال داشت. این بازتاب تا بدانجا بود که سناتور مک کاتر را بر آن داشت تا رسماً در مجلس سنای آمریکا لب به سخن بگشاید و از جریان ترانه موسوی ابراز تأسف کند. و البته کسی نبود تا از رهبران اقلیت سبز بپرسد این دروغ بافی‌ها با حیثیت ایران اسلامی چه خواهد کرد...

بعد از ماجرای ۷ تیر ۱۳۸۸ که بعد از راهپیمایی از مسجد قبا کلید خورد، اخباری در سایت‌های اقلیت درخصوص دستگیری برخی افراد منتشر شد که ترانه موسوی از جمله آنها بود. معترضان به نتایج انتخابات در مسجد قبا به مناسبت سالگرد شهادت شهید بهشتی گرد هم آمده بودند. در این مراسم مهدی کروبی هم حضور پیدا کرد؛ اما خبری از میرحسین موسوی نشد. بعد از مراسم بود که طبق معمول کار به اغتشاشات خیابانی رسید و بعد هم نوبت به سناریوسازی‌های جدید رسید.

داستان خیالی ترانه موسوی که توسط رسانه‌های حامی فتنه بازگو شد، از این قرار بود که «او در تقاطع میرداماد و شریعتی کلاس آرایشگری داشت! ماشین خود را در یکی از خیابان‌های فرعی بین حسینیه ارشاد و میرداماد پارک کرده بود و در تماسی تلفنی با یکی از دوستان خود قرار گذاشته بود قبل از رفتن به آموزشگاه به مسجد قبا سر بزند و آنجا یکدیگر را ببینند. هنگامی که دوست ترانه به محل قرارشان رسید دید ترانه دستگیر شده و سوار یک ون شد. ترانه موسوی در محل بازداشت موقتش که ساختمانی در نزدیکی پاسداران بود، شماره تلفن خود را به دستگیرشدگان دیگر داده و از آنان می‌خواهد در صورتی که آزاد شدند با خانواده اش تماس بگیرند و دستگیری او را به خانواده اش اطلاع دهند. پس از حدود سه هفته که خانواده اش از وی بی‌خبر بودند افرادی ناشناس در تماس تلفنی به مادر ترانه گفتند دخترش در بیمارستان امام خمینی کرج بستری است. آنها دلیل بستری بودن وی در بیمارستان را تصادف در حومه خیابان شریعتی و پارگی رحم و مقعد عنوان کردند. همچنین تأکید کردند بستری شدن ترانه به تجمع مسجد قبا بی‌ارتباط است. سپس گفتند ترانه مشکل ناموسی داشته است و به همین دلیل می‌خواسته با شلنگ سرم، خود را حلق آویز کند. در پی این تماس تلفنی، خانواده ترانه موسوی به آن بیمارستان مراجعه کردند اما نتوانستند او را بیابند. مسئولان بیمارستان گفتند شخصی با این نام در این بیمارستان بستری نیست. اما یکی از کارکنان بیمارستان به آنها گفت لباس شخصی‌ها خانمی با مشخصات ظاهری

ترانه را در حالی که بیهوش بود به بیمارستان آورده و در همان حالت بیهوش او را برگرداندند. احتمال تجاوز جنسی به او وجود دارد. پدر ترانه موسوی نیز که بیماری قلبی دارد در پی بی اطلاعی از ترانه که تنها فرزندش بوده است در خانه بستری شد. یکی از دوستان ترانه اعلام کرد جسد سوخته وی در اطراف قزوین پیدا شده است. به نظر می آید خانواده او از سوی مقامات امنیتی تحت فشار شدید و تهدید هستند. آنها از ارائه توضیح بیشتر به دوستان ترانه خودداری می کنند و حتی زمان و مکان تشییع جنازه ترانه را مشخص نکرده اند.»

سایت نوروز وابسته به جبهه مشارکت نوشت: «یکی از دستگیرشدگان هفتم تیر ۸۸ با نام "ترانه موسوی" متولد ۱۳۶۰ در وضعیتی نامعلوم به سر می برد. یک ناشناس پس از نزدیک به سه هفته، در تماسی تلفنی با مادر او گفته است که ترانه به دلیل پارگی رحم در بیمارستان امام خمینی کرج بستریست اما خانواده او پس از مراجعه به این بیمارستان نیز نتوانستند از فرزندشان خبری بگیرند.»

این سایت همچنین از قول مادر ترانه موسوی و با اشاره به تماس افراد ناشناس نوشت: «آنها گفته اند ترانه مشکل ناموسی داشته است و به همین دلیل می خواسته با شلنگ سرم، خود را حلق آویز کند.»

سایت نوروز همچنین افزود: «یک شاهد عینی که روز هفتم تیر دستگیر شده بود، می گوید: نیروهای ضد شورش و لباس شخصی روز هفتم تیر من و تعدادی از دستگیرشدگان را سوار بر ونهایی به ساختمانی در اطراف میدان نوبنیاد بردند و به آزار جسمی و روحی ما پرداختند. برخی از دستگیرشدگان را در همان بعد از ظهر به زندان اوین منتقل کردند اما من و بقیه را آزاد کردند. ترانه در میان ما بود. او دختری زیبا، خوش اندام و شیک پوش بود و بازجویی اش از همه بیشتر طول کشید. چشم هایش سبز بود. من و تعدادی را همان شب آزاد کردند و تعدادی را نیز پیش از آزادی ما به جاهای دیگری فرستادند. اما نیروهای لباس شخصی ترانه را همان جا نگه داشتند و حتی به او اجازه ندادند تا با مادرش تماس بگیرد.»

سایت نوروز حتی به وضعیت پدر ترانه موسوی هم اشاره کرد: «پدر ترانه موسوی ناراحتی قلبی دارد و پس از ناپدید شدن تنها فرزندش در خانه بستری شده است.»

چندی بعد بود که خبر پیدا شدن جسد سوخته ترانه موسوی دوهفته پس از دستگیری منتشر شد. با وصفی که از شکل و شمایل و شیک پوش بودن ترانه با آب و تاب منتشر شده بود، انتشار این خبر می‌توانست احساسات زیادی را تحریک کند. در اخبار منتشر شده آمده بود: «جسد سوخته ترانه موسوی که در روز هفتم تیر در نزدیکی مسجد قبا دستگیر شده بود، در حومه‌ی قزوین پیدا شد. این خبر از سوی یکی از دوستان وی منتشر شده است. به نظر می‌آید، خانواده‌ی موسوی به شدت از سوی مقامات امنیتی تهدید شده‌اند. آنان نه تنها از توضیحات بیشتر به دوستان ترانه خودداری کرده‌اند، بلکه نخواستند حتی زمان و مکان تشییع جنازه‌ی وی مشخص شود.»

سایت‌های خبری حامی میرحسین موسوی نوشتند: «ترانه موسوی بنابر گواهی چند بازداشتی دیگر، آخرین بار در مقر پایگاه بسیج در حین بازجویی دیده شده‌است. نیروهای بسیجی پس از این دختر را از دیگر بازداشتیان جدا کردند و به او تجاوز جنسی کردند. ترانه موسوی چندین بار و توسط چندین بسیجی به وحشیانه‌ترین شکل مورد تجاوز قرار گرفت. بر اثر آسیب‌های وارده به رحم و مهبل بیهوش شد. بسیجیان که دیدند کار به جای باریک کشیده است، بدن نیمه جان او را به بیمارستان امام خمینی کرج بردند به این امید که پارگی رحم و مهبل و مقعد او را به سانحه تصادف رانندگی نسبت دهند. در بیمارستان اما با معاینه پزشک معلوم می‌شود که علت آسیب‌های وارده نه سانحه تصادف بلکه تجاوز جنسی بوده است. نیروهای بسیجی که به شدت سراسیمه و نگران شده بودند با مشورت و هماهنگی مقامات بالاتر خود پیکر نیمه جان و بیهوش ترانه را از بیمارستان خارج می‌کنند و به کلیه پرسنل بیمارستان دستور اکید می‌دهند در این باره سکوت کنند و با کسی صحبت نکنند (!) پرستاری که نمی‌خواهد نامش فاش شود اما ترانه موسوی را شناسایی می‌کند. سرانجام نیروهای بسیجی او را به یکی از بیابان‌های خلوت اطراف قزوین می‌برند. در همان حال که بی‌هوش بوده مجدد به او تجاوز می‌کنند و سپس بر روی تن نیمه جانش بنزین ریخته و او را به آتش می‌کشند. تا کلیه آثار و نشانه‌های تجاوز را از بین ببرند.»

داستان سرایی‌های پر از ابهام و تناقض سبزه‌ها پایان نداشت. کدام انسان عاقلی! دختری با این شرایط را به بیمارستان می‌توانست برده باشد با این خیال که دکتر او متوجه نشود و گمان کند این همه در اثر تصادف بوده است!! آن قدر گفتند و نوشتند که تمام دنیا باخبر شود بر سر فرد مجهول الهویه‌ای به نام ترانه موسوی بلاهایی آمده

که حتی در گوانتانامو هم بر سر کسی نیامده است! کسانی که هیچ‌گاه نخواستند پاسخگو باشند، نوشتند و نوشتند و نوشتند و در این میان کسی چون محمد مطهری هم در تابناک نوشت: «آیا مثلاً آنچه در مورد افراد بی‌کسی مانند "ترانه موسوی" دهان به دهان می‌گردد راست است؟ خانواده وی که ظاهراً در اطراف مسجد قبا دستگیر شده به کجا باید مراجعه کنند؟»

و بالاخره نوبت به شیخ ساده لوح اصلاحات رسید. کروی طی نامه‌ای خطاب به هاشمی رفسنجانی از تجاوزها و شکنجه نوشت. او با زبانی سخیف و زنده که حتی رسانه‌های مرتبط با او هم از انتشار آن انصراف دادند، نوشت: «عده ای از افراد بازداشت شده مطرح نموده اند که برخی افراد با دختران بازداشتی با شدتی تجاوز نموده اند که منجر به ایجاد جراحات و پارگی در سیستم تناسلی آنان گردیده است.»

حرف و حدیث‌ها با انتشار این نامه بالا گرفت و رسانه‌ها و شبکه‌های مختلف خارجی این داستان ساختگی را پوشش دادند. و این همه در راستای همان پروژه ۷۲ تن سازی از وقایع بعد از انتخابات بود.

۱۹ مرداد ۱۳۸۸ خبر ساعت ۲۰:۳۰ سیما گزارشی پخش کرد که طی آن واقعیاتی در مورد ترانه موسوی مورد توجه قرار گرفته بود. در این گزارش توضیح داده شده بود که با توجه به آمار موجود تنها سه نفر با نام ترانه موسوی وجود دارند. این گزارش به سراغ یکی از این سه نفر و تنها کسی که می‌توانست مصداق این خیال پردازی‌ها باشد، رفته بود و با خانواده ترانه موسوی مصاحبه‌ای ترتیب داده بود.

چندی بعد سردار رادان هم درخصوص شایعه کشته شدن ترانه موسوی گفت: «زمانی که موضوع خانم موسوی، کشته شدن او همچنین تعرض به وی و بعد هم سوزاندن جسد او عنوان شد، ما هم حساس شدیم که این چه اتفاقی بود که همه می‌دانند، اما پلیس که باید از این اطلاعات باخبر باشد اطلاعی از این موضوع ندارد. در نتیجه پیگیری‌هایی را انجام دادیم که نتیجه‌ای در پی نداشت و در ادامه به سایت جمعیت مراجعه کردیم که اسم سه نفر با نام ترانه موسوی به دست آمد.»

سردار رادان ادامه داد: «یکی از این افراد، دختر دو ساله‌ای بود که اساساً با خبر اینها هماهنگ نبود. دو تن دیگر هم مورد تحقیق و پیگیری قرار گرفتند که مشخص شد خانمی که آنها اعلام کرده‌اند، چندین سال است در خارج از کشور زندگی می‌کند و با خانواده‌اش هم مصاحبه شد که موضوع خنده‌داری بود.»

این همه اما باز هم خیال پردازی‌ها را متوقف نکرد. سؤالی که وجود داشت این بود که اگر واقعا مدعیان راست می‌گویند چرا به سراغ پدر ترانه موسوی که خبر بیماریش را منتشر می‌کردند و مادر او که مصاحبه هایش را نقل می‌کردند نمی‌روند و تصاویر آنها را منتشر نمی‌کنند. اگر واقعا ترانه موسوی دیگری وجود دارد که به هر دلیل ثبت احوال از آن بی خبر است، چرا به یک باره خانواده ترانه موسوی هم همراه با او گم و گور شده اند؟! تناقضات رؤیای پردازی‌های اقلیت هیچ گاه پایانی نیافت و این همه در رسانه‌های خارجی بازتاب پیدا می‌کرد.

اصلاح طلبان هم هیچ گاه درصدد پاسخ به این ابهامات برنیامدند؛ بلکه تنها کوشیدند تا یک طرفه ابهاماتی جدید ایجاد کنند و خود را از زیر بار فشار افکار عمومی رهایی بخشند. به یکباره نه تنها خانواده ترانه موسوی ادعایی اصلاح طلبان گم و گور شده بود، بلکه دیگر حتی خبری از دوستان او هم نبود. با وجود آنکه سایت خبری "الف" نیز طی فراخوانی از مدعیان وجود ترانه موسوی چهارمی در کشور و سایر افراد خواسته بود تا اگر خبری از خانواده ترانه چهارم دارند، ارائه کنند، اما باز هم خبری نشد که نشد.

اصلاح طلبان هیچ گاه نتوانستند ادعاهای خود و خیال بافی‌هایشان را ثابت کنند و اصلاً حتی درصدد اثبات هم برنیامدند. تنها نقشی که مدعیان تجاوز برای خود در نظر گرفته بودند طرح برخی موارد غیر مستند در افکار عمومی و شایعه سازی در سطح کشور و جهان علیه نظام بود.

کروبی در گفتگو با هیئت سه نفره قوه قضائیه که برای پیگیری مسائل بعد از انتخابات تشکیل شده بود، تأکید کرد: «من ترانه موسوی یا اعضاء خانواده او را ندیده‌ام و از افراد مرتبط با آقای میرحسین موسوی و اعضای کمیته‌ای که من و آقای موسوی تشکیل داده‌ایم شنیده‌ام و خودم اطمینان ندارم و فقط صرفاً شنیده‌های این جانب است و در این مورد مستندی ندارم!» اصلاح طلبان اگرچه پذیرفتند سندی ندارند، اما هیچ گاه موضوع را با مردم درمیان نگذاشتند تا سوء استفاده‌ها و آبروریزی‌ها ادامه پیدا کند.

دست آخر کار به مجلس سنای آمریکا کشید تا آبروریزی تمام عیار مدعیان وطن پرستی کامل شود. سناتور تریوس مک‌کارتر ۲۱ جولای ضمن نمایش عکس بزرگی از ترانه موسوی در سنای آمریکا، ماجرای تکان دهنده‌ای از دستگیری، تجاوز و قتل فجیع

ترانه موسوی را برای سناتورهای و خبرنگاران آمریکایی تعریف کرد. او از رهبر ایران خواست تا به عکسی که در کنارش قرار داده بودند خوب نگاه کند.

مک کارتر توضیح داد که نام این دختر ترانه موسوی است. او گفت: «این دختر در نزدیکی مسجد قبا دستگیر شده است؛ جایی که او در صدد رفتن به آرایشگاه بوده است.» مک کارتر توضیح داد که بعد از دستگیری ترانه او تحت فشار قرار گرفته و توسط کسانی که او را دستگیر کرده بودند، مورد تجاوز واقع شده؛ بعد هم در حالی که بیهوش بوده به بیمارستان منتقل شده و در آنجا فوت کرده است.

کارتر از پیدا شدن بدن ترانه بین کرج و قزوین سخن گفته بود که برای جلوگیری از کالبد شکافی سوزانده شده است. این سناتور آمریکایی حتی به وضعیت خانواده ترانه موسوی اشاره کرد و گفت که آنها تهدید شده اند و از آنها خواسته شده سکوت کنند.

مک کارتر بعد از نقل این داستان خیالی با لحنی بی شرمانه خطاب به رهبر انقلاب گفت: «فرانکوم در مورد شما برگزار شد و شما شکست خوردید.» او همچنین عباراتی را به کار برد که حتی ترجمه آن نیز مقدور نیست و این چنین دروغ پردازی‌های اقلیتی پررو دشمنان انقلاب و نظام و امام و کشور را جری کرد تا هر آنچه می‌خواهند در تریبون‌های رسمی علیه ایران و کشورمان بیان کنند. و البته باز هم کسی در داخل پاسنگوی این بازی کودکانه نبود.

چندی بعد سایت خبری الف با دفتر این سناتور تماس گرفت و مستندات ادعای مک کارتر را جویا شد. این سایت خبری در توضیح پیگیری‌های خود نوشت: «خبرنگار الف در جستجوی سرنخی از هویت خانم ترانه موسوی هفته پیش از طریق تلفن، فکس و ایمیل با سناتور مک کارتر تماس گرفت و هر بار از وی پرسید اطلاعاتش از دستگیری و قتل «ترانه موسوی» را از کجا بدست آورده است؟ اما سناتور مک کارتر هر بار به بهانه‌ای از پاسخ به سؤال خبرنگار الف طفره می‌رفت.»

الف همچنین ادامه داد: «نهایتاً صبح امروز منشی سناتور مک کارتر در مقابل اصرار و سماجت خبرنگار الف، گفت: واقعاً نمی‌داند آقای سناتور اطلاعات مربوط به ترانه موسوی را از کجا آورده است!!»

و به این ترتیب داستان جعلی ترانه موسوی به افسانه‌ای پرغصه تبدیل شد که نتیجه آن جز آبروریزی برای ایران و ایرانیان نبود. بازتاب‌های بین‌المللی ادامه یافت و این همه در حافظه تاریخ ثبت شد تا هر بار که سخن از ایران به میان می‌آید با کنایه هم که

شده سخن از ترانه موسوی هم گفته شود. کروی حتی بعد از انتشار تصاویر خانواده ترانه موسوی هم کوشید تا این تصاویر را به خانواده دیگری غیر از خانواده ترانه موسوی اصلی نسبت دهد. این کوشش ها در حالی بود که هیچ ترانه موسوی دیگری از جانب کروی معرفی نشد و خانواده ترانه موسوی واقعی هم پیدا نشدند. چگونه تا قبل از بالا گرفتن ماجرا دسترسی به خانواده ترانه موسوی وجود داشت اما به یکباره این دسترسی قطع شد و خانواده ترانه موسوی به یکباره غیب شدند؟ این سؤالی بود که هیچ گاه اقلیت معترض به نتایج انتخابات به آن پاسخ نداد. اکنون به راستی مردم باید حقوق تضییع شده خود را از چه کسی بازستانند؟

پیگیری‌های خبرنگار صدا و سیما روشن ساخت که ترانه موسوی که عکس او در رسانه‌ها منتشر شده بود در قید حیات بوده مدت‌هاست به همراه همسرش در کانادا زندگی می‌کند و مدت مدیدی بود که به ایران حتی سفر هم نکرده بود!

## ماجرای عاطفه امام

"به داد دخترم برسید!" این جمله‌ای بود که به نقل از مادر "عاطفه امام" تیتراژ اول رسانه‌های خبری شد تا در سلسله دیالوگ‌هایی ترحم‌آمیز و مظلوم نمایانه، قمار آبروی انقلاب و ایران برای جلب منافع سیاسی بازندگان قطعی انتخابات دهم کامل شود. ادعا می‌شد چند نفر با هویت نامعلوم عاطفه امام دختر ۱۸ ساله جواد امام عضو زندانی سازمان مجاهدین را بازداشت کرده‌اند و چادر از سرش کشیده‌اند. بلافاصله پس از انتشار این خبر مادر عاطفه امام به سراغ بی.بی.سی رفت تا با رسانه وابسته به دولت بریتانیا درد و دل کند.

در خبری که بی.بی.سی از این مصاحبه منتشر کرد، آمده بود: «لیلی سادات جلال زاده، همسر جواد امام، در مصاحبه با بی.بی.سی گفته است که عاطفه در یک تماس تلفنی کوتاه با او گفته است که هنگام بازداشت، مأموران چادر را از سر او کشیدند و گفتند که لایق استفاده از این پوشش نیست. عاطفه امام در این گفتگوی تلفنی گفته است که نمی‌داند در کدام محلی در بازداشت به سر می‌برد اما از گفتگوی مأموران دریافته است که احتمالاً در صدد انتقال او به محل دیگری هستند.» جلال زاده در مصاحبه با بی.بی.سی تاکید کرد که دخترش هنگام بازداشت کاملاً سالم بوده و خواست این واقعیت به آگاهی همگان برسد.



روزنامه آمریکایی هافینگتون پست مقاله ای را در مورد مسائل ایران تنظیم کرد و با کلی آب و تاب به نوعی توضیح داد که کار از مقابله با معترضان به انتخابات گذشته و اکنون برای تحت فشار قرار دادن آنها نوبت به بازداشت خانواده شان رسیده! این روزنامه به عنوان نمونه به ماجرای عاطفه امام اشاره کرد و جملاتی را هم از قول مادر عاطفه امام منتشر کرد.

در این میان نوری زاد هم به میدان آمد تا با تایید کامنت جعلی از پسر آهنگران این سناریوی مسخره را کامل کند. کامنتی که چندی بعد به صراحت صحت آن تکذیب شد: «شما را به روح پاک امام و عظمت رسول الله پدرم را دریابید. به خاطر دارم شبی که قطعنامه پذیرفته شد جناب ایشان از بهت و حیرت و نگرانی تا صبح قدم می زد و اشک می ریخت و به مظلومیت امام و شهدا ناله می کرد. اما از آن سال تا به این روزها اینقدر ایشان را آشفته ندیده بودم. این روزها و به دنبال وقایع بعد از انتخابات ایشان مریض شده و برای کمتر برنامه ای قول مساعد می دهد. شبها تا صبح اشک می ریزد و زحمات خود و سایر مجاهدان را از دست رفته می بیند...» این ماجرا به همین نسبت در بسیاری از روزنامه ها و شبکه های تلویزیونی بازتاب گسترده یافت.

ماجراجویی ها ادامه پیدا کرد. مادر عاطفه امام باز هم مصاحبه کرد. سایت کلمه در مقدمه مصاحبه نوشت: «عاطفه امام دختر ۱۸ ساله جواد امام عضو زندانی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و رئیس ستاد انتخاباتی مهندس میرحسین موسوی در تهران، روز گذشته به طرز بدی در حالیکه چادر را از سرش کشیدند بازداشت شد. لیلا سادات جلال زاده مادر عاطفه در گفت و گو با "کلمه" درباره آخرین وضعیت دختر و همسرش اطلاعات تازه ای ارائه کرد. او درباره فشار شدید بر روی دخترش برای اعتراف به روابط نامشروع سخن گفت و از برگزار شدن دادگاه غیرعلنی همسرش بدون حضور وکیل خبر داد. او خواست تا به داد دخترش و دیگر زندانیان سیاسی برسند.

پروژه سناریوسازی و مظلوم نمایی همچنان ادامه داشت و در این مسیر جعل هر خبر کذبی و انتساب هر نسبت ناروایی مشروع می نمود. مادر عاطفه امام در پاسخ به کلمه که از آخرین تماس دخترش سؤال می کرد، گفت: «امروز صبح ساعت ۱۱ دوباره تماس گرفت و گفت که خیلی تحت فشار هست و از او می خواهند تا اعتراف کند.» او مدعی شد از دخترش خواسته اند «به ارتباط نامشروع با یکسری از افراد سیاسی که هم اکنون درون زندان هستند»، اعتراف کند!

جلال زاده مادر عاطفه هم در مورد شکنجه گفت: «می گفت از دیروز تا حالا فقط مقداری آب دادند بخورد. یک دفعه آب یخ رویش می ریزند. در یک اتاق کوچک نگه اش می دارند که مجبور است خودش را درون آن مجاله کند. یک گریه را هم در این اتاق کوچک گذاشته اند.»

مادر عاطفه امام درخصوص هدف کسانی که عضو نیروی انتظامی یا سپاه می خواند گفت: «تنها برای اعتراف دروغین است. آیا اسلام این را به ما گفته که می شود چادر از سر یک دختر ۱۸ ساله بکشند و بدون چادر بین دو مرد بنشانند و با چشم بسته ببرندش و بدون چادر برای تلفن زدن بیرون بیاورندش؟ دختری که پدرش حدود ۸ سال سابقه جبهه دارد. این دختر از شش سالگی چادر سرش می کرده حال چطور جرات می کنند با او این چنین رفتار کنند؟... پدرش امروز دادگاه داشته است. شاید بخواهند با این کارها پدرش را بشکنند یا دخترم وسیله ای شود تا بتوانند به هدفشون برسند و هدفشون هم اعتراف گرفتن از دوستانی است که داخل زندان هنوز شکسته نشده اند. بچه های کوچک را گرفته اند تا با ترس و ارباب بزرگ ترها را بشکنند.»

چندی بعد خبر رها شدن عاطفه امام در بهشت زهرا منتشر شد. در این شرایط نوبت به سازمان مجاهدین رسید تا در نبود تعدادی از اعضای خود در خصوص عاطفه امام نامه سرگشاده صادر کند! در آغاز این نامه خطاب به رئیس قوه قضائیه آمده بود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ ذُونَ عِبَادِهِ وَمَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَضَ حُجَّتَهُ وَكَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتُوبَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَتِهِ عَلَى ظُلْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَّهِدِينَ وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ. (نهج البلاغه، فرمان مالک اشتر) هر که بر بندگان خدا ستم کند، نه با ستم دیده که با خدا در ستیز باشد. و هر که خدا با او بستیزد، منطقتش را فرو می کوبد و تا سقوط یا بازگشت، در جایگاه پیکار با خدا باشد. در دگرگونی نعمت خدا و شتاب در قهر و خشمش، چیزی چونان پای فشردن بر ستم نباشد، چرا که خداوند ناله‌ی انسانهای باز مانده در زیر چکمه‌ها را می شنود و ستم‌گران را در کمین باشد.»

این نامه همچنین می افزود: «دو روز پیش در آستانه برگزاری پنجمین جلسه دادگاه متهمان حوادث اخیر، خانم عاطفه امام دختر برادر مجاهد و در بندهان آقای جواد امام در یکی از خیابان های تهران توسط افراد مسلح و مجهز به بی سیم و دستبند ربوده شد. او پس از دستگیری طی تماس تلفنی خبر دستگیری را به مادر اطلاع می دهد و

به او می گوید مأموران به هنگام دستگیری با اهانت و فحاشی چادر از سر وی کشیده اند. ساعاتی بعد مجدداً با منزل تماس می گیرد و به مادرش می گوید که بازجوها وی را تحت فشار گذاشته اند تا به داشتن روابط نامشروع با برخی فعالان سیاسی در بند اعتراف کند. عاطفه به مادرش می گوید که به توصیه بازجویش با وی تماس گرفته است، زیرا بازجو به او گفته است شرط آزادی وی چنین اعترافی است و در این زمینه می تواند با مادرش مشورت کند. همسر جواد امام بلافاصله طی مصاحبه با رسانه های گروهی داخل و خارج کشور ضمن افشای این توطئه کثیف، مقامات جمهوری اسلامی را مسئول سلامت و حفظ جان دخترش معرفی می کند. پس از رسانه ای شدن این ماجرا و پیگیری های خانواده جواد امام، عاطفه شب گذشته در اطراف حرم امام(ره) رها می شود و به حرم پناه برده آزادی خود را به مادر اطلاع می دهد.

در نامه سرگشاده سازمان مجاهدین با لحنی وقیحانه آمده بود: «جناب آیت الله لاریجانی! قطعاً شما اظهارات بوقچی های تبلیغاتی که این گونه اعمال را اقداماتی خودسرانه از سوی لباس شخصی های ناشناس معرفی می کنند، باور کردنی نمی دانید. از ما نیز نخواهید باور کنیم در کشوری که دستگاه های اطلاعاتی نظامی و غیر نظامی آن به شناسایی و متلاشی کردن مخوف ترین سازمان های تروریستی افتخار می کنند و یک فرد عادی را که به یک بسیجی لگدی زده ظرف چند ساعت شناسایی و دستگیر می کنند، عده ای مجهز به بی سیم و دستبند و سلاح در روز روشن می توانند بارها به کوی دانشگاه حمله کنند و جوانان این مردم را سلاخی کنند و در خیابان آدم ربایی کنند و شجاعانه و بدون ترس از رد یابی تلفن با منزل افراد تماس بگیرند و... و شناسایی هم نشوند.»

با گذشت زمان اما کم کم پرده از این سناریوی دروغین هم برافتاد. همسر جواد امام طی مصاحبه ای خبر دستگیری و بازداشت دختر خود را دروغ اعلام کرد. او گفت: «دختر بنده در اقدامی ماجراجویانه و با توجه به شرایط خاص روحی و روانی ناشی از دستگیری پدرش، چنین اقدامی را کرد که به همین خاطر از همه عذرخواهی می کنم.»

این همه آبروریزی و بیانیه و مصاحبه و دست آخر یک عذرخواهی خشک و ساده که هیچ گاه نمی توانست آبروی از دست رفته ایران را بازستاند.

بعد از برملا شدن این ماجرا بود که سازمان مجاهدین ناگزیر دومین نامه خود را در خصوص عاطفه امام و خطاب به رئیس قوه قضائیه صادر کرد. در این نامه آمده بود: «پیرو

نامه سرگشاده مورخ ۸۸/۶/۱۷ در باره ماجرای ناپدید شدن دختر آقای جواد امام به اطلاع می‌رساند آن نامه با انگیزه های انسان دوستانه و دفاع از حقوق یک عضو سازمان و در پی دو مصاحبه مادر عاطفه امام با رسانه های جمعی مبنی بر بازداشت غیر قانونی دخترش و وادار کردن او به اعتراف های ناشایست نگارش یافت و اکنون که مشارکات طی مصاحبه ای اعلام داشته است ماجرای بازداشت دخترش صحت نداشته و تنها ادعاهای دختری نوجوان بوده است که به انگیزه های احساسی و عاطفی نسبت به پدر دربند خود، آن را مطرح کرده است، طبعاً ما نیز به منظور رفع هرگونه شبهه و سوء تفاهمی وظیفه خود می‌دانیم، مطالب مربوط به این موضوع در نامه مذکور را منتفی اعلام کنیم.»

سازمان مجاهدین که چند سال پیش عدم مشروعیتش از جانب جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اعلام شد، با این همه حاضر نشد از بابت نامه وقیحانه خود و افتراهایی که به نظام بسته است، از ملت ایران عذرخواهی کند.

### سعیده پورآقایی، شهیده خیالی که زنده شد!

در نامه ای که سازمان مجاهدین در خصوص عاطفه امام منتشر کرد هم حرف از سعیده به میان آمد: «جناب آیت الله لاریجانی اگر واکنش سریع همسر شجاع جواد امام نبود و موضوع را رسانه ای نمی‌کرد، اکنون معلوم نبود عاطفه چه سرنوشتی پیدا می‌کرد. آیا زنده بود و یا همچون ترانه موسوی و سعیده پورآقایی باید جسد سوخته اش تحویل خانواده اش می‌شد؟ چرا باید چنین احتمالی را بعید بدانیم؟ مگر پدر سعیده رزمنده ای نبود که بر اثر جراحات شیمیایی به شهادت رسیده است؟ مگر دو عموی او در جبهه های جنگ شهید نشده بودند؟ مگر شهادت پدر و عموهای سعیده زندگی او را تضمین کرد که رزمنده بودن و مجاهدت های پدر عاطفه بتواند زندگی او را تضمین کند؟»

سازمان مجاهدین تمام قد از مصاحبه مادر عاطفه امام با بی.بی.سی و رسانه های خارجی دفاع می‌کرد و در عین حال موضوع کشته شدن سعیده پورآقایی را به مسئولین قضایی کشور یادآور می‌شد.

کمی که گذشت تردیدها دامان مدعیان ماجرا را هم گرفت. سایت نوروز طی مطلبی نوشت: «پایگاه اطلاع رسانی نوروز به اطلاعات تازه ای در خصوص خانم سعیده پورآقایی که مراسم ختم وی چند روز قبل برگزار گردید به دست آورده است. از آنجا که نقاط مجهولی در خصوص نامبرده مشخص و مبرهن شده است که نوروز از اظهار

نظر درباره آن هنوز معذور هست، در حال حاضر برای جلوگیری از هرگونه پیش داوری و قضاوت عجولانه از انتشار این اطلاعات جلوگیری می‌کند و به همین دلیل تمام اخبار درج شده در خصوص این شخص را از سایت خود حذف کرده تا تمامی جوانب و حاشیه های این مسئله برای دست اندرکاران این سایت روشن گردد!»

چندی بعد گزارش کمیته سه نفره‌ای که مسول رسیدگی به این دست مسائل بود، منتشر شد. در این گزارش در خصوص سعیده پورآقایی از قول مهدی کروی آمده بود: «این خانم فرزند شهید است و چند نفر از اعضاء خانواده او شهید شده‌اند و از طرفداران آقای موسوی بودند که با مادرش شبانه تکبیر می‌گفتند آمده‌اند او را در منزل دستگیر کرده‌اند و سپس او را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند و پس از چند روز جنازه او را که بخشی از قسمت پایین بدن او با اسید سوخته بوده مخفیانه به خاک سپرده‌اند. افراد آقای میرحسین به منزل او رفته‌اند و شنیده‌ام آقای میرحسین موسوی در جلسه ختم او شرکت کرده است و من هم قرار بود به منزل آنها بروم که فرصت نشد و فرزندم به سراغ آنها رفت.»

گزارش کمیته سه نفره می‌افزود: «از آقای کروی سؤال شد آیا آنچه در مورد این چند نفر شنیده‌اید برای شما اطمینان حاصل شده که این افراد را در درگیری‌ها و آشوب‌های بعد از انتخابات دستگیر و مورد ضرب و شتم و احیاناً تجاوز جنسی قرار داده‌اند؟ آقای کروی پاسخ داد: نه. من اطمینان ندارم و اینها شنیده‌های من است ولی چون در انتخابات معترض بودم و ذهنیتی داشتم لذا هر کسی ادعایی داشت به سراغ او می‌رفتیم و یا آنها را دعوت می‌کردیم و با آنها صحبت می‌کردیم.»

در این گزارش در خصوص سعیده پورآقایی آمده بود: «۱- پدر وی شهید نبوده و چند سال پیش فوت کرده و اصولاً (س-پ) تنها فرزند خانواده نیست و دختر شهید هم نمی‌باشد. ۲- مشارالیه با مادرش اختلاف داشته و از سال ۸۶ تاکنون ۶ مورد از منزل فراری شده و هر بار مادرش برای پیدا کردن او به مراکز انتظامی مراجعه داشته است و در مواردی پس از روزهایی به منزل برگشته و در چند مورد هم توسط مأمورین انتظامی با پسر و دختر دیگر دستگیر و زندانی و یا تحویل مادرش شده است.» چندی بعد بود که بالاخره سعیده پورآقایی پیدا شد. او ماجرای خود را این گونه روایت کرد: «روز ۱۳ تیر از خانه بیرون رفتم. چون در قفل بود و مادرم ممانعت می‌کرد

از تراس پریدم و پایم شکست، وقتی رفتم بیرون در راه با فردی آشنا شدم، خیلی حالم بد بود و بدنم زخمی شده بود من را به بیمارستان بردند و حدود دو ماه در خانه ایشان بستری بودم و از من پرستاری کردند. در این مدت یک بار یکی از افراد آن خانه بود به من گفت که عکس من را به عنوان کسی که در تظاهرات کشته شده در سایت‌ها زده‌اند.»

سعیده در پاسخ به این سؤال گزارشگر که آیا در این مدت هیچوقت نخواستند او را به خانه برگردانند؟ گفت: «بله، سؤال می‌کردند اما من چیزی نمی‌گفتم و چون حالم بد بود، می‌ترسیدم مادرم مرا اینطور ببیند حالش بد شود، چون بیمار هم هستند. اما وقتی که در سایت‌ها آنطور خبر دادند خیلی تعجب کردم و اصلاً باورم نمی‌شد.»  
او ادامه داد: «حتی اگر می‌خواستم برگردم، با شنیدن این شرایط می‌ترسیدم، چون من که زنده بودم ترسیدم برگردم و واقعاً بلایی سرم بیاورند.»

شنیدن ماجرا اما از زبان مادر سعیده توجه بیشتری به خود جلب می‌کند: «حدود یک ماه و نیم از غیبت سعیده گذشته بود، در تماس تلفنی که خود را معرفی نمی‌کردند گفتند دخترت را کشته‌اند، من گریه زاری می‌کردم و آنها قطع می‌کردند بدون آنکه نام خود را بگویند و فقط می‌دانم مرد بود. چند روز بعد زنگ زدند و گفتند حتماً ختم بگیرید. من هم تصمیم گرفتم مراسم را برگزار کنم چون با این شرایط همه دوستان و آشنایان تماس می‌گرفتند و می‌پرسیدند سعیده کجاست؟ نمی‌دانستم تا کجا می‌خواهم موضوع را کش بدهم، حتی دو بار نه اینکه بخواهم جلب توجه کنم اما به مرز خودکشی رسیدم.»

مادر سعیده می‌گوید: «در مجلس ختم دوستان و آشناها بودند اما پس از اتمام قرائت قرآن ورود مهندس میرحسین موسوی را خیر مقدم گفتند، برایم جای تعجب داشت که ایشان از کجا خبر دارد، پیغام دادند که من بروم که آقای موسوی می‌خواهد تسلیت بگوید البته من نرفتم و گفتم حالم خوب نیست.»

او همچنین از سه آقا و یک خانم سخن می‌گوید که از طرف ستاد انتخاباتی آقای کروبی و برای کمک و پشتیبانی از آنها به درب خانه شان آمده‌اند: «پرسیدم آدرس ما را از کجا آورده‌اند گفتند پیدا کردن آدرس منزل شما برای ما کاری ندارد. گفتند که دخترتان را کشته‌اند یا در قطعه ۳۰۲ دفن کرده‌اند یا در گور دسته جمعی. گفتم شما از کجا می‌دانید، من مطمئن نیستم. گفتند ما مطمئن هستیم. همانجا تکذیب کردم و گفتم دخترم نارسایی قلبی و عارضه کلیوی داشته، گفتند دروغ است نمی‌دانیم شما از چه می‌ترسید و پیگیری نمی‌کنید.»

در واکنش به زنده شدن سعیده پورآقایی رسانه‌های سبز اما طریقی دیگر را پیش گرفتند و این همه را سناریوسازی نهادهای امنیتی کشور خواندند! و توضیح دادند که فریب خورده اند. سؤالی که وجود داشت این بود که بر فرض درستی این توجیه کودکانه برای فرار از فشار افکار عمومی آیا نزدیکان میرحسین و کربوبی همه اطلاعاتشان را به این شکل به دست می‌آورند؟!

اما این به اصطلاح فریب خوردن‌ها یکی، دو مورد نبود که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. این همه در رسانه‌های برون مرزی بازتاب می‌یافت و اخبار آن در اختیار نهادهای حقوق بشری و... قرار می‌گرفت تا در سیاه‌نمایی وضعیت ایران سوژه‌های ساختگی بیشتری برای طرح داشته باشند.

اصلاح طلبان نه تنها هیچ‌گاه اعتراض نکردند و هیچ‌گاه توضیح ندادند که با چه پشتوانه منطقی‌ای به مراسم ختم این دختر رفته‌اند و اخبار مربوط به او را با آب و تاب تمام در رسانه‌هایشان منتشر کرده‌اند، بلکه در جای‌شاکمی نشستند و نهادهای امنیتی را مسئول این ماجرا دانستند! اما آیا می‌شد همه رسوایی‌ها را به نهادهای امنیتی نسبت داد؟ آیا تواتر این فرافکنی می‌توانست در افکار منطقی جلوه کند؟ آیا با پذیرش مدعای اصلاح طلبان، درستی سایر اطلاعاتی که در این زمینه‌ها به آنها می‌رسید و آنها نیز سراسیمه منتشر می‌کردند نیز زیر سؤال نمی‌رفت؟

## تجاوز و شکنجه

در این میان باید به پروژه‌ای دیگر در استراتژی اخیر فتنه اشاره کرد و آن اتهام شکنجه و تجاوز بود! اجرای این پروژه تنها از شخص ساده لوحی انتظار می‌رفت که حاضر باشد آبروی نظام اسلامی را برای قدرت طلبی خویش و برا اساس چند شنیده بی اعتبار لکه دار نماید!

مهدی کربوبی مرداد ۱۳۸۸ اقدام به انتشار نامه‌ای کرد که خطاب به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نوشته بود. وی در این نامه مدعی تجاوز جنسی به دختران و پسران بازداشت شده در حوادث اخیر شده بود. او این چنین طرح موضوع کرد: «اما موضوع مطرح شده از این قرار است: عده‌ای از افراد بازداشت شده مطرح نموده‌اند که برخی افراد با دختران بازداشتی با شدتی تجاوز نموده‌اند که... از سوی دیگر افرادی به

پسرهای جوان زندانی با حالتی وحشیانه تجاوز کرده‌اند به طوری که برخی دچار افسردگی و مشکلات جدی روحی و جسمی گردیده‌اند و در کنج خانه‌های خود خزیده‌اند.<sup>۱</sup> این نامه پس از آنکه در رسانه‌های اصلاح طلب منتشر شد، در صدر اخبار رسانه‌های بیگانه نیز قرار گرفت. شیخ اصلاحات که با طرح این اتهام بدون سند علیه نظام برای رسانه‌های بیگانه خوراک خبری فراهم کرده بود، مدعی شد، این نامه را پس از آن‌که با سکوت ۱۰ روزه هاشمی مواجه شده، منتشر کرده است.

به دنبال این ادعای کروبی، روزنامه جمهوری اسلامی روز بعد دست کروبی را رو کرد و گفت که نه تنها هاشمی رفسنجانی این نامه به آیت الله هاشمی شاهرودی رئیس وقت قوه قضائیه ارسال کرده بلکه شاهرودی نیز به نامه کروبی پاسخ داده و این موضوع را رد کرده است.

این روزنامه در این خصوص نوشته است: «رئیس مجلس خبرگان رهبری، به نامه حجت الاسلام مهدی کروبی درباره آنچه وی به خاطر رفتار ناشایست با بازداشت شدگان حوادث اخیر ابراز نگرانی کرده بود، پاسخ داد. آیت الله هاشمی رفسنجانی نامه آقای کروبی را بلافاصله بعد از دریافت برای رئیس قوه قضائیه ارسال نمود و از وی خواست موضوع را بررسی نماید. جواب آیت الله شاهرودی نیز این بود که در بازداشتگاه‌هایی که زیر نظر قوه قضائیه قرار دارند چنین رفتارهایی با بازداشت شدگان نشده است. این پاسخ عیناً توسط دفتر آیت الله هاشمی رفسنجانی برای آقای کروبی ارسال گردید. البته احتمالاً تا رسیدن به دست آقای کروبی کمی بیش از ۱۰ روز وقت تعیین شده توسط وی طول کشیده است.»<sup>۲</sup>

اما کروبی هرگز از ادعای بدون دلیل خود که بستری برای گسترش دامنه اتهامات علیه نظام را فراهم کرده بود و رسانه‌های اپوزیسیون هر روز شایعه جدید را در این باره مطرح می‌کردند، کوتاه نیامد و در عین حال سندی هم ارائه نکرد.

این بود که موج اعتراضات فعالان سیاسی به ادعای کروبی آغاز شد. کمیته ای نیز که از سوی دکتر لاریجانی مأمور پیگیری و رسیدگی به این موضوع بود پس از بررسی اعلام کرد چنین موضوعی صحت ندارد. اما کروبی در مقابل اظهارات رئیس مجلس

<sup>۱</sup> - مهدی کروبی، ۷ مرداد ۸۸، سحام نیوز

<sup>۲</sup> - روزنامه جمهوری اسلامی ۸۸/۵/۲۲



ادعا کرد که اسنادی در اختیار دارد؛ اسنادی که وی توانست در جلسات روزهای بعد خود با کمیته ویژه مجلس ارائه کند.

با انتصاب آیت الله صادق لاریجانی به عنوان رئیس قوه قضائیه، وی هیئت سه نفره‌ای را برای بررسی حوادث پس از انتخابات دهم به خصوص موارد مورد ادعای کروبی مامور کرد.

این هیئت ویژه متشکل از حجج الاسلام رئیسی، اژه‌ای و خلفی در طول کار خود چند جلسه را با مهدی کروبی برگزار کرد و به بررسی صحت و سقم ادعاهای جنجال‌آفرین شیخ اصلاحات پرداخت اساس این گزارشی مشروح، کروبی که همواره می‌گفت برای ادعایش اسنادی در اختیار دارد پس از یکماه تلاش برای جمع‌آوری اسناد و مدارک، توانست نام پنج نفر را به قوه قضائیه ارائه دهد؛ اما پنج نفر که به هیچکدامشان تجاوز نشده است!

#### اولین سند: ترانه موسوی!

اولین شخصی که کروبی از او نام برده، "ترانه موسوی" است که همانگونه که گفته شد تمام شایعات مطرح شده درباره او با مصاحبه خانواده‌اش با سیمای جمهوری اسلامی ایران تکذیب شد.

در این شایعات مطرح شده بود که ترانه موسوی در جریان تجمعات پس از انتخابات توسط "لباس شخصی‌ها" دستگیر شده و پس از آنکه مورد تجاوز قرار گرفته، او را آتش زده‌اند و داخل چاهی انداخته‌اند.

جالب اینکه کروبی با وجود رسوایی این شایعه باز هم نام ترانه موسوی را به عنوان یکی از ۵ سند خود مطرح کرده است.

#### دومین سند: سند ساختگی شیخ اصلاحات درباره "الف-شین"

دومین فرد مورد اشاره مهدی کروبی آقای "الف-ش" بود که کروبی درباره او گفته است: که این فرد توسط سه نفر در خیابان جردن ر بوده و به جایی برده شده در آنجا افراد دیگری هم بودند؛ سپس چشم‌های او را بسته و مورد ضرب و شتم و تجاوز جنسی قرار داده‌اند.

وقتی که هیئت ویژه از کروی سؤالی کرده که آقای "الف-ش" در چه روزی و در کدام یک از آشوب‌های خیابانی دستگیر شده است؟، او پاسخ داده: "نمی‌دانم من سؤال نکردم ولی در تظاهرات و درگیری نبود."

بر اساس این گزارش به دنبال ادعاهای کروی در خصوص "الف-ش" تحقیقات هیئت سه نفره با جدیت بیشتری حول این فرد ادامه یافته و در ادامه مشخص شده که لوح فشرده ارائه شده در خصوص این فرد ساختگی بوده است.

حتی پس از آنکه هیئت سه نفره خواستار تحقیق در خصوص "الف-ش" شده، حزب اعتماد ملی اعلام کرده که این فرد مفقود شده است!

پس از ادامه تحقیقات هیئت ویژه قوه قضائیه مشخص شده که این فرد مفقود شده به صورت مخفیانه با یکی از افراد مرتبط با کروی و حزب اعتماد ملی به نام "داوری" که یکی از تهیه‌کنندگان لوح فشرده و یکی از افراد معرفی‌کننده این فرد به کروی بود در تماس است.

بعدها مشخص می‌شود که "الف-ش" نه تنهای در هیچ یک از درگیری‌های خیابانی دستگیر نشده بلکه در هیچ یک از مراکز انتظامی و امنیتی نیز سابقه‌ای مبنی بر بازداشت و دستگیری ندارد و تهیه لوح فشرده نیز کاملاً با انگیزه سیاسی و البته خیلی ناشیانه تهیه شده است.

هیئت سه نفره احتمال داده که الف-ش نیز خود از ابهامات و تناقضات فراوان در لوح فشرده آگاه بوده و به همین دلیل مدتی "مفقود" شده بود.

**سومین سند: فردی که ادعای تجاوز ندارد و کروی هم او را ندیده!**

سومین فردی که کروی او را به عنوان سند ادعای خود به قوه قضائیه معرفی کرده است، فردی است که ادعای تجاوز ندارد!

شیخ اصلاحات گفته که این فرد را در جریان درگیری‌های پس از انتخابات نیز بازداشت نشده است!

وی همچنین می‌گوید که او را ندیده‌ام و فقط از افراد مرتبط با حزب اعتماد ملی و آقای میرحسین موسوی شنیده است!

**چهارمین سند: فردی که او هم ادعای تجاوز جنسی ندارد!**

چهارمین سند کروبی فردی است به نام "م-الف" که از طرف "بچه‌های حزب اعتماد ملی" به او معرفی شده که البته او هم ادعای تجاوز جنسی ندارد! "م-الف" فقط گفته که در اداره آگاهی مورد ضرب و شتم و هتاکی قرار گرفته و هنگامی که در مقابل عکس‌العمل او لباسش را کشیدند، دست ماموران به بدنش برخورد کرده است.

**پنجمین سند: فردی که کروبی در موردش اعتراف به اشتباه کرد**

سند پنجم کروبی خانمی بود به نام «س-پ»<sup>۱</sup> که کروبی در خصوص او گفت که این فرد تنها فرزند شهید و از طرفداران میرحسین موسوی بوده که هنگامی که با مادرش در پشت بام تکبیر شبانه می‌گفته دستگیر شده است. کروبی گفت این فرد پس از آنکه مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته، پس از چند روز جنازه‌اش را آن هم در حالی که قسمت پائین بدنش با اسید سوخته بود به خاک سپرده‌اند.

این ادعای کروبی اگرچه می‌تواند دل هر کسی را به رحم بیاورد و او را تحت تاثیر بگذارد اما به شرطی که با تکذیب مادر و خواهرش همراه نمی‌شد.

در مراحل تحقیقات از خانواده "س-پ" مشخص شد که او نه فرزند شهید است و نه تنها فرزند خانواده. جالب اینکه او در طول یک سال و نیم اخیر، ۶ بار از منزل فرار کرده و هر بار نیز مادرش برای یافتن او به مراکز انتظامی مراجعه کرده است. اما جالب تر اینکه در حالی که اصلاح طلبان خبر دفن و مراسم "س-پ" را منتشر کرده و مدعی شده بودند که او در قطعه ۳۰۲ دفن شده، وی با خانه تماس گرفته و گفته که تا چند روز دیگر به منزل باز خواهد گشت!

مادر وی گفته: "آنچه که فعلاً قطعی است عدم حضور س - پ است که مثل دفعات قبل از خانه فرار می‌کرده و سایر مسائل مطروحه از ناحیه آقای کروبی و افراد مرتبط با آقای میرحسین موسوی به هیچ وجه صحت ندارد."

<sup>۱</sup> - سعیده پور آقایی

پس از مشخص شدن اخبار کذب در خصوص "س-پ" و مرور جزئیات با او وی قبول کرده که مسائل مطروحه در مورد این زن کاملاً بی‌اساس و با انگیزه سیاسی مطرح شده است.

اما موارد فوق تمام اسنادی بود که کروبوی هربار در گفتگو با رسانه‌ها و به ویژه از طریق روزنامه خود از آن‌ها دم می‌زد و از در اختیار داشتن آن‌ها به خود می‌بالید. اسنادی که وی با ادعای در دست داشتن آن‌ها همه معترضان به شیوه طرح نگرانی اش را متهم به دروغ‌گویی کرده بود.

شاید کروبوی به خیال خود می‌خواست تا با ارائه نام این افراد خود را تبرئه کند، اما با معرفی این پنج نفر که حتی یکی از آنها هم مورد تجاوز قرار نگرفته اند وی زمینه را برای محکومیت خود فراهم کرد؛ مسأله‌ای که در پیشنهادات کمیته سه نفره به آیت الله آملی هم مطرح و با موافقت رئیس جدید قوه قضائیه همراه شد.

### استقبال سرکرده منافقین!

مسعود رجوی در پیامی که خطاب به مهدی کروبوی در وبگاه گروهک نفاق منتشر شد، با استقبال از تکرار اتهامات ۳۰ سال قبل این گروهک به نظام اسلامی توسط کروبوی اظهار داشت: «اکنون این کروبوی است که پس از ۱۰ روز، نامه ای را که به رفسنجانی نوشته است، ناگزیر منتشر می‌کند. از شقاوت‌ها و شناعتهایی می‌گوید که هنوز از آن برخوردار می‌لرزد. کروبوی می‌گوید که به پسران و دختران این کشور توسط فرزندان مقامات و همدستان همین رژیم آن چنان وحشیانه در زندانها تجاوز شده است که قربانیان دچار افسردگی و مشکلات جدی و روحی و جسمی گردیده اند و در کنج خانه های خود خزیده اند.» مسعود رجوی پس از فهرست کردن دیگر اتهامات خشونت آمیز علیه نظام از قول کروبوی، در ادامه نامه خود با کروبوی همدردی کرده و می‌نویسد: «به راستی کروبوی هم دیگر به تنگ آمده و اکنون پس از ۲۱ سال به همان جایی رسید که منتظری رسید. ای کاش آقایان منتظری و کروبوی و دیگرانی که از این پس به آنان می‌پیوندند، از سی سال پیش نسبت به همین شقاوت‌ها و شناعتهای بیدار و هشیار شده بودند. اما بازهم دیرنیست و بنی بشر برای جبران اتهامات تا لحظه وفات فرصت و امکان بازگشت دارد.»

## ماجرای کهریزک:

از دیگر دستاویزهای دستگاه تبلیغاتی جریان فتنه برای اتهام به نظام اسلامی وقایع یکی از بازداشتگاههای ناجا به نام کهریزک بود. پس از انتشار اخباری مبنی بر اقدامات خلاف قانون در بازداشتگاه کهریزک این بازداشتگاه با پیگیری و دستور مستقیم رهبر معظم انقلاب تعطیل شد و با موافقت معظم له، مجلس شورای اسلامی، مسئول رسیدگی به این موضوع شد. مجلس هشتم نیز با تشکیل کمیته ای به پیگیری موضوع پرداخته و اقدام به تهیه گزارشی کرد که به گزارش بازداشتگاه کهریزک معروف شد.

متن کامل گزارش کمیته ویژه مجلس به شرح ذیل است:

«با استعانت از ذات لایزال الهی و مبتنی بر اصل ۸۴ قانون اساسی گزارش مربوط به حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری در دو بخش به استحضار همه می‌رسد. بخش اول:

چگونگی تشکیل کمیته و اقدامات انجام شده

پس از حوادث انتخابات ریاست جمهوری با تدبیر ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جناب آقای لاریجانی کمیته‌ای جهت پیگیری مسائل مربوط به بازداشت‌شدگان و التهابات پیش آمده تشکیل شد، این کمیته متشکل از جمعی از اعضای کمیسیون‌های امنیت ملی، قضایی، بهداشت و درمان و آموزش و تحقیقات بوده است. در فراز نخست این گزارش شایان ذکر است که قبل از تشکیل این کمیته در روز ۲۴ خردادماه یعنی دو روز پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به مناسبت حوادث به وجود آمده در کوی دانشگاه تهران از جانب ریاست محترم مجلس شورای اسلامی کمیته‌ای با مسئولیت جناب آقای ابوترابی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی تشکیل شد. لذا ارائه گزارش در خصوص حوادث خوابگاه دانشجویان بر عهده آن کمیته می‌باشد و این کمیته ورود در بررسی مسائل مربوطه به کوی نداشته است.

کمیته بررسی مسائل مربوط به حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری رسماً در تاریخ پنجم مردادماه تشکیل شد، اولین جلسه رسمی کمیته در روز دوشنبه ششم مردادماه تشکیل و ضمن بررسی جوانب مختلف حوادث به وجود آمده تقسیم کار شد و مقرر گردید کمیته جلسه‌ای با دادستان وقت عمومی و انقلاب تهران تشکیل دهد. این جلسه در بعد از ظهر همان روز تشکیل شد و قاضی مرتضوی در این جلسه گزارشی از

روند دستگیری‌ها و بازداشتی‌ها ارائه داد، وی گفت هم اینک حدود ۳۹۰ نفر بازداشت هستند که از این تعداد حدود ۲۵۰ نفر بازداشتی‌های میدانی صحنه اغتشاشات و ۵۰ نفر بازداشتی‌های غیرمیدانی هستند.

از وی در خصوص کشته شدن سه تن از افراد بازداشت شده آقایان روح‌الامینی، کامرانی و جوادی فر پرسیده شد. وی دلیل این مسأله را بنا بر بررسی‌های انجام شده از سوی پزشکی قانونی مننژیت دانست و متذکر شد که با سرعت در بازداشتگاه‌ها عملیات واکسیناسیون مننژیت در حال انجام می‌باشد.

هیات از وی پرسید به چه دلیل دستگیرشدگان روز ۱۸ تیرماه به بازداشتگاه کهریزک منتقل شدند، وی ضمن مناسب و استاندارد دانستن این بازداشتگاه مسأله فقدان ظرفیت زندان اوین را اصلی‌ترین دلیل جهت انتقال این بازداشت‌شدگان به کهریزک دانست. در این جلسه هیات، از دادستان وقت تهران خواست اولاً کسانی که دارای اتهام سنگینی نیستند هرچه سریعتر آزاد شوند، ثانیاً تکلیف همه بازداشت‌شدگان براساس قواعد حقوقی هرچه سریعتر تعیین شود، ثالثاً اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها با سرعت انجام پذیرد تا التهابات ناشی از نگرانی آنان کاهش یابد، رابعاً براساس گزارشات رسیده تخلفاتی از ناحیه برخی از ضابطین خصوصاً در کهریزک وجود دارد، لذا هر چه سریعتر مسیر برخورد با آنان هموار شود.

هیات روز سه‌شنبه هفتم مردادماه به زندان اوین عزیمت کرد و طی دیدار پنج ساعته با همه زندانیان دستگیر شده میدانی اغتشاشات دیدار و سخنان آنان را استماع کرد، در وهله نخست هیات به دیدار حدود ۶۰ تن از بازداشت‌شدگان منتقل شده از کهریزک به اوین رفت و به شکل مفصلی سخنان آنان را شنید. آنان مجموعه آزارهای انجام شده را به اطلاع هیات رساندند که اهم آن آزارها عبارت بود از زندانی شدن ۱۴۷ نفر در یک مساحت کم، عدم وجود تهویه، فقدان آب و غذای مناسب، شنیدن فحش‌های رکیک، کلاغ‌پر رفتن همراه با ضرب و شتم، همجواری با اراذل و اوباش و تحقیر شدن.

پس از استماع سخنان آنان در جمع سایر بازداشت‌شدگان نیز حضور یافته و آنان نیز از روند دستگیری، بازداشت و انتقال به اوین نقطه‌نظرات خود را با هیات در میان گذاشتند. مجموعه سخنان آنان نیز اظهار نارضایتی از روند دستگیری و برخوردهای نامناسب در بازداشتگاه‌ها بود. لیکن هیچ‌گونه شکایتی از زندان اوین و ماموران و مسوولان آن نداشتند.

پس از دیدار با زندانیان هیات جلسه‌ای نیز با مسئولان زندان اوین و قاضی حداد معاونت وقت امنیت دادستانی تهران داشت در آن جلسه مسئولان اوین اذعان داشتند که انتقال بازداشت‌شدگان هجدهم تیر به بهانه فقدان جا و ظرفیت در زندان اوین مطلب صحیحی نیست. زندان اوین کاملاً آمادگی پذیرش آن بازداشت‌شدگان را داشته است. در همین روز با همکاری دادستان وقت تهران مقرر شد که حدود ۱۴۰ تن از بازداشت‌شدگان که دارای اتهامات سنگینی نبودند، آزاد شوند که این مسأله طی روزهای سه‌شنبه هفتم و چهارشنبه هشتم مردادماه محقق شد.

در روز چهارشنبه هشتم مردادماه جمعی از اعضای هیات از بند ۲۰۹ زندان اوین بازدید کردند در این بازدید امکان تماس مستقیم با زندانیان فراهم نشد و صرفاً از بندها و سلول‌ها و امکانات موجود و همچنین سلول‌های مربوط به بازجویی‌ها بازدید به عمل آمد. در روز شنبه دهم مرداد جمعی از اعضای هیات با آقای علوی قائم مقام وزارت اطلاعات که در فقدان وزیر در اصل مسوولیت وزارتخانه را عهده‌دار بودند جلسه داشته و پس از این جلسه با حضور مجدد در بند ۲۰۹ زندان اوین هیات با دو تن از زندانیان آقایان قوچانی و چوبینه در خصوص وضعیت زندان و نوع تعامل ماموران و ضابطین گفت‌وگوی مفصلی نمود.

بیشترین نگرانی آنان در خصوص بلا تکلیفی شان در زندان بود.

پس از آن این هیات از بند ۲۴۰ زندان اوین بازدید کرد و پس از آن به شکل رندوم با دو تن از زندانیان آقایان امام و آقای گفت‌وگو کرد. در این گفت‌وگو آنان از وضعیت زندان، ماموران، بازجویان و ضابطین شکایتی نداشتند اما بیان کردند که به دلیل آن‌که زندانی نظامی هستند که خود را متعلق و فدایی آن می‌دانند شکوه دارند و این موضوع را عذابی روحی شدید برای خود می‌دانستند.

هیات در تاریخ ۲۱ مرداد ماه مجدداً از زندان اوین بازدید به عمل آورد و با حضور در بندهای مختلف با بازداشت‌شدگان گفت‌وگو کردند. در نهایت جمعی از اعضای هیات از بند ۲ الف بازدید و با آقایان ابطحی، عطریانفر و تاج‌زاده نیز گفت‌وگو کردند. شایان ذکر است که با عنایت به نگرانی شدید آقای تاج‌زاده از سلامتی وی تا جایی که حتی شایعاتی مبنی بر کشته شدن او منتشر شده بود، هیات اصرار به ملاقات با تاج‌زاده داشت.

خانم الهیان نیز از بند مربوط به نسوان بازدیدى به عمل آورد که در این رابطه گزارشی مبسوط تهیه و به مراجع ذیربط ارسال نمودند. خانم الهیان متذکر شدند که خانم‌های حاضر در بند نسوان شکایتی از وضعیت زندان اوین نداشتند و بیشتر از زندانی بودن خود شاکی بودند.

این هیات روز دوشنبه ۱۹ مرداد ماه در پی تقاضای اعضای کمیته منصوب از ناحیه دو تن از کاندیداها که پیگیر مسایل بازداشت شدگان پس از انتخابات بودند با تقاضای قبلی جهت ملاقات با هیات در مجلس حضور یافته و با کمیته ملاقات کردند، در این ملاقات آنها ضمن تشریح دریافت‌های خود و گزارشات رسیده به آنان، مدعی شدند که ۶۹ نفر در حوادث اخیر کشته شده‌اند، این هیات از آنان خواست لیست حاوی اسامی و مشخصات این افراد را ارائه دهند، آنان نیز لیستی را متشکل از نام و فامیل ارائه کردند، پس از آن از آنها خواسته شد مشخصات بیشتری که قابل پیگیری باشد را ارائه دهند و آنان نیز پذیرفتند ولیکن تا زمان تدوین این گزارش جز همان ورقه حاوی نام و فامیل افراد اطلاعات تکمیلی واصل نشده است.

در همان روز هیات جلسه‌ای را به تقاضای جمعی از خانواده‌های زندانیان از جمله خانم و خواهر تاج‌زاده، خانم میردامادی و خانم تاجرنیا به آنها داشت و نقطه نظرات آنها را نیز استماع کرد، هیات هم چنین با برخی از بازداشت شدگان پس از آزادی نیز تماس گرفت و مجدداً در شرایط جدید از آنان خواست چنانچه دارای اطلاعاتی هستند که در زمان بازداشت نتوانسته و یا نخواستند بیان نمایند را با کمیته در میان گذارند.

پس از انتشار نامه کروی مبنی بر آزار جنسی برخی از زندانیان، کمیته با ایشان نیز جلسه مفصلی داشته و سخنان وی را استماع کردند، هیات هم چنین ضمن دیدار با رئیس قوه قضاییه، آیت‌الله آملی لاریجانی در آغازین روزهای انتساب ایشان ضمن ارائه گزارشی از مجموعه دریافت‌های خویش، خواهان تسریع در روند بررسی پرونده‌ها و تعیین تکلیف باقی مانده زندانیان شد.

کمیته طی جلسه‌ای با هیات سه نفره منصوب از جانب رئیس قوه قضاییه یعنی آقایان رئیسی، محسنی اژه‌ای و خلفی ضمن ارائه گزارش خود از نتایج اقدامات آنان نیز مطلع شد. این کمیته هم چنین طی جلسه‌ای با رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح در رابطه با مسایل مربوط به برخورد جدی با متخلفین به خصوص در بازداشتگاه کهریزک گفت‌وگو نمود و خواستار برخورد جدی و عادلانه با آنها شد.



همچنین این هیات متذکر شد که در نظام عادلانه اسلامی باید بدون توجه به عناوین، با مقصرین اصلی برخورد شود و افکار عمومی باید جدیت در برخورد را ببینند.

از آنجا که به طور همزمان با تشکیل این کمیته، هیاتی متشکل از نمایندگان قوای سه گانه به دستور مقام معظم رهبری در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی جهت بررسی مسایل مربوط به حوادث پس از انتخابات تشکیل شده بود و دو تن از اعضای این هیات آقایان سروری و دهقان نمایندگان تهران و طرهبه جزو هیات بودند لذا کمیته از طریق آقای سروری که عضو مشترک هر دو کمیته بود اطلاعات لازم را تبادل نمودند.

ضمناً طی این ایام کمیته با هدف دفاع از حقوق شهروندی امکان تماس و ارتباط با بسیاری از شهروندان را جهت ارایه هر گونه شکایت یا نقطه نظری چه از طریق تماس تلفنی و یا حضوری فراهم کرده است.

#### \* نتایج و استنتاجات

۱- در خصوص بازداشتگاه کهریزک باید اذعان نمود که از ابتدا این بازداشتگاه با کارویژه نگهداری اراذل و اوباش و فروشندگان کلان مواد مخدر تشکیل شده بود. متأسفانه به مرور زمان سایر زندانیان نیز به دستور مقامات قضایی به آن زندان راه می‌یابند. در خصوص این بازداشتگاه آقای دربین، رئیس دفتر ویژه ریاست وقت قوه قضاییه در تاریخ ۸۶/۱۱/۱۷ طی نامه‌ای محرمانه خطاب به آقایان یساقی، رئیس سازمان زندان‌ها و مرتضوی دادستان وقت عمومی و انقلاب تهران می‌نویسد: در خصوص بازداشتگاه کهریزک موسوم به ۲۱۰ ریاست قوه قضاییه مقرر فرموده‌اند لازم است بازداشتگاه کهریزک با نظارت مستقیم سازمان زندان‌ها برای متهمین دادرسی تهران باشد و هیچ متهمی از حوزه‌های دیگر بدون هماهنگی با دادستان تهران به این بازداشتگاه اعزام نشود.

از این نامه رونوشتی جهت آقایان آوایی، رئیس کل دادگستری استان تهران جهت اقدامات لازم و سردار سرتیپ احمدی‌مقدم فرماندهی نیروی انتظامی جهت استحضار ارسال می‌شود. نتیجه آنکه اولاً کهریزک یک بازداشتگاه رسمی بوده و همه مسئولان قضایی از بالاترین رده از آن مطلع و حتی بازدیدهایی نیز داشته‌اند. لذا اینکه برخی مسئولان قضایی طی مصاحبه‌هایی از خود سلب مسئولیت نموده‌اند به هیچوجه قابل پذیرش نیست و امروز بیش از همه دستگاه قضایی باید پاسخگوی ضعف‌ها و

خلل‌های این بازداشتگاه باشد. ثانیاً اصلی‌ترین دلیل ایجاد بازداشتگاه کهریزک تادیب اراذل و اوباش خطرناک و هتک‌کنندگان به نوامیس مردم، متجاوزین به عنف و فروشندگان بزرگ مواد مخدر و مجرمین خطرناک بوده؛ لذا فارغ از بحث اغتشاشات پس از انتخابات انتقال برخی مجرمین با جرم‌های دیگر به این بازداشتگاه فاقد توجیه است و در این خصوص نیز دستگاه قضا باید پاسخگو باشد.

در همین راستا در تاریخ ۸۸/۱/۳۰ فرماندهی انتظامی تهران بزرگ طی نامه‌ای خطاب به دادستان وقت عمومی و انقلاب تهران متذکر می‌شود که در حال حاضر دادرسی‌های نواحی مختلف تهران بسیاری از متهمان که میزان کشفیات مواد مخدر آنها فقط چند گرم می‌باشد را به زندان کهریزک معرفی می‌کنند و عملاً زندان مذکور محل نگهداری متهمین انواع جرایم شده است. از آنجایی که برابر تدبیر زندان کهریزک جهت نگهداری متهمین اراذل و اوباش و مواد مخدر فروشان ساماندهی گردیده است مستدعی است مراتب را به کلیه دادرسی‌های تهران ابلاغ فرمایید و چنانچه صلاح بدانید از اعزام متهمین غیرمربوط خودداری شود.

همچنین فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در تاریخ ۵/۲/۸۸ طی نامه‌ای خطاب به جانشین ناجا متذکر می‌شود که عطف به نامه شماره ۱۱۱۶ / ۰۷ / ۲۰۴ / ۲ / ۱۷۲۶ مورخ ۸۷/۱۲/۲۱ پلیس آگاهی ناجا در اجرای امریه حضرت عالی نامه‌ای به دادستان عمومی و انقلاب تهران جناب آقای مرتضوی تنظیم مبنی بر اینکه کهریزک برابر تدابیر قبلی محل نگهداری اراذل و اوباش، مواد فروشان و مجرمین خطرناک بوده، لیکن دادرسی‌ها هم‌اکنون بی‌رویه هر نوع متهم را اعزام می‌نمایند؛ لذا ابلاغ فرمایید که مانند قبل فقط متهمین مذکور اعزام گردند.

ثالثاً با توجه به آنچه گذشت اعزام ۱۴۷ تن از بازداشت‌شدگان اغتشاشات روز ۱۸ تیر ماه به چنین بازداشتگاهی به هیچ وجه قابل پذیرش نیست. بر اساس بررسی‌های به عمل آمده در روز ۱۹ تیر ماه به دستور دادستان وقت تهران این جمع از بازداشت‌شدگان به کهریزک اعزام می‌شوند. اگر چه اعزام این افراد به کهریزک حتی در صورت فقدان ظرفیت زندان اوین هم قابل توجیه نیست، لکن مسئولان زندان اوین در جلسه کمیته با آنان اذعان داشتند که زندان اوین ظرفیت پذیرش آن بازداشت‌شدگان را داشته است. ضمن آنکه مسئولان بازداشتگاه کهریزک با این عنوان که ظرفیت پذیرش این تعداد از

بازداشت‌شدگان را ندارند در هنگام نخست از پذیرش آنان سر باز زده و بازداشت‌شدگان ساعتی نیز در بیرون از بازداشتگاه معطل بوده اما به دلیل اصرار مقام قضایی دستور دهنده، مجبور به پذیرش می‌شوند و لذا بازداشت‌شدگان را در سالن کوچک قرنطینه به مساحت ۷۰ متر جا می‌دهند و طی چهار روز حضور این تعداد از بازداشت‌شدگان در شرایط بسیار سخت و بد آب و هوا در گرمای تابستان بدون وجود تهویه و امکانات بهداشتی، غذایی و آشامیدنی و همچنین ضرب و شتم و توهین و تحقیر توسط ماموران نگهداری آنان در جوار ۳۰ نفر از ارادل و اوباش پرخطر همه و همه موجب شد که دل رهبر معظم انقلاب از آن به درد آید.

مقام معظم رهبری پس از دریافت اولین گزارشات از ضرب و شتم و رفتارهای غیرانسانی در بازداشتگاه کهریزک به سرعت دستور انتقال زندانیان به مکان مناسب، تعطیلی زندان کهریزک، بررسی دقیق و همه‌جانبه مسائل به وجود آمده و نهایتاً برخورد با عوامل و مسببان این حوادث را صادر فرمودند و در پی این دستور کمیته‌ای نیز متشکل از نمایندگان سه قوه در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تشکیل شده است. تاکنون مقام معظم رهبری دستورات بسیاری را برای پیگیری و به نتیجه رساندن این مسأله با عنایت به گزارشات کمیته تشکیل شده در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی صادر فرموده‌اند که عملاً مسیر را جهت به ثمر رساندن کار برای مسئولان فراهم آورده است.

کمیته مجلس بر آن است که در مسئله مربوط به بازداشتگاه کهریزک عملاً دو ظلم بزرگ انجام شده است.

الف) ظلم آشکار بر بازداشت‌شدگان ۱۸ تیر ماه که باید از آنان دلجویی درخوری شود.  
ب) ظلم بزرگ‌تر بر نظام جمهوری اسلامی رفته و عملاً آبروی یک نظام برآمده از خون شهیدان به بازی گرفته شده و موجب وهن نظام اسلامی در منظر جهانیان شده است و باید دستگاه قضایی با ریشه‌یابی دقیق و برخورد جدی با همه عوامل این حادثه تلخ اعم از قضایی، اداری و انتظامی و بدون رعایت هر گونه ملاحظه‌ای و با تقدم دلسوزی تام نسبت به آبروی نظام جمهوری اسلامی این مسئله را به نتیجه برساند و افکار عمومی را از اقدامات خود مطلع و با عوامل اصلی بدون توجه به عناوین آنان برخورد نماید.

۲- در خصوص کشته شدن سه تن از بازداشت‌شدگان آنچه تاکنون قابل توجه است اینکه آنان با توجه به عوامل متعدد از جمله کمبود مکان، ضعف امور بهداشتی،

تغذیه نامناسب، گرما، فقدان کولر و ... و در نتیجه ضرب و شتم و بی‌توجهی ماموران و مسئولان بازداشتگاه به وضعیت جسمی آنان بوده و اساساً طرح مسئله‌ای با عنوان مننژیت رد شده است.

مرحوم جوادی‌فر یکی از دستگیرشدگان ۱۸ تیر در بین راه انتقال از کهریزک به اوین جان خود را از دست داده است. ایشان در زمان دستگیری مورد ضرب و شتم قرار گرفته و قبل از انتقال به کهریزک مداوا گردیده ولی با این حال نامبرده از لحاظ جسمی ضعیف شده بود و توان مقاومت در برابر صدمات جسمی و روحی بازداشتگاه کهریزک را نداشته است و در چهار روز حضور در کهریزک یک بار به پزشک وظیفه زندان مراجعه کرده که مداوای خاصی نسبت به ایشان انجام نمی‌پذیرد. به هر حال ایشان با حالت وخیم سوار اتوبوس می‌شود و در همان آغاز حرکت اتوبوس‌ها نامبرده وضعیت بحرانی پیدا نموده و در بیرون از اتوبوس جان می‌دهد.

همچنین مرحوم روح‌الامینی در مسیر انتقال از کهریزک به اوین وضعیت وخیمی داشته که هر چه بازداشت‌شدگان به ماموران محافظ در این خصوص متذکر شده‌اند آنان بدون توجه از این مسأله گذشتند. انتقال از کهریزک به اوین با اتوبوس‌های نامناسب و با ازدحام بسیار زندانیان آن هم در اوج گرما در ساعت ۱۰ صبح تا دو بعد از ظهر انجام شد و در اوین نیز علی‌رغم وخیم بودن وضعیت مرحوم روح‌الامینی از ساعت ۱۴ الی ۱۷ در نوبت قرنطینه بوده و در ساعت ۱۷ پزشک وی را جهت مداوا به بیمارستان اعزام نمود.

مرحوم محمد کامرانی نیز پس از دستگیری بدون بازجویی به زندان کهریزک منتقل می‌شود و در آنجا نیز همچون سایر زندانیان مورد ضرب و شتم و تحقیر قرار می‌گیرد و وی نیز تحمل صدمات وارده را نداشته و پس از بازگشت به زندان اوین به بیمارستان لقمان منتقل می‌شود و در بیمارستان نیز رسیدگی لازم صورت نمی‌گیرد و وضعیت بحرانی نامبرده پس از ۳۰ ساعت از انتقال به بیمارستان به خانواده وی اطلاع داده می‌شود. آنها همان شب فرزند خود را به بیمارستان مهر منتقل نموده، اما انتقال ایشان ثمره‌ای نداشته و وی در بیمارستان مهر جان خود را از دست می‌دهد.

کمیته تأکید می‌کند که بررسی همه‌جانبه دلایل کشته شدن این سه جوان بازداشت‌شده بر عهده دستگاه قضایی است و مسئولان قضایی باید در این خصوص با دقت و سرعت بررسی نموده و به خانواده محترم آنان و افکار عمومی پاسخگو باشند.

۳- در خصوص طرح مسأله آزار جنسی برخی بازداشت‌شدگان کمیته بررسی‌های جامعی انجام داده است. پس از طرح نامه آقای کروبی و انعکاس رسانه‌ای آن هیات با وی ملاقات کرده و خواستار ارایه اسناد و مدارک و شواهد شد. وی در آن دیدار در پاسخ سؤال کمیته مبنی بر اینکه چند نفر به شخص شما مراجعه و مدعی آزار جنسی شده‌اند پاسخ داد که چهار نفر مراجعه مستقیم داشته‌اند. سؤال دیگر کمیته از وی این بود که آیا برای شما وقوع آزار جنسی بر روی این چهار نفر قطعی است؟ وی با برآشفستگی منکر قطعیت شد و قائل بود که به این دلیل نامه‌ای به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال نموده تا بررسی نمایند و در صورت وقوع با این مسأله برخورد جدی شود و در صورت عدم وقوع رفع شبهه شود.

آقای کروبی از ارائه هر گونه سند و مدرکی به کمیته استنکاف ورزید و اعلام کرد در صورت تعیین هیاتی از جانب شخص رئیس قوه قضاییه حاضر است اسناد و مدارک خود را ارایه نماید. این خواسته آقای کروبی از طریق کمیته با ریاست مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر لاریجانی در میان گذاشته شد و نهایتاً ریاست قوه قضاییه با تعیین سه نفر نماینده از طرف خود آنان را مسئول بررسی همه‌جانبه موضوع نمود که گزارش کار این کمیته به اطلاع همگان رسید.

اما کمیته مجلس شورای اسلامی نیز در این خصوص اقدامات جدی و بررسی‌های همه‌جانبه به عمل آورد تا جایی که از طریقی به اطلاع هیات رسید که فردی که مورد آزار جنسی قرار گرفته آماده است ماجرا را برای هیات بیان کند. ریاست مجلس شورای اسلامی به محض اطلاع از چنین مسأله‌ای دستور دادند با تمهیداتی به دفتر خودشان دعوت و هیات با وی گفت‌وگو نمایند. این جلسه با حضور رئیس دفتر ریاست مجلس و حتی دو تن از نمایندگان غیر عضو کمیته، آقایان کاتوزیان و مطهری تشکیل شد و کاملاً برای همه حضار در جلسه آشکار شد که مادر آن جوان بر اثر کثرت شایعات دچار نوعی توهم شده و هیچ‌گونه آزار جنسی متوجه آن فرد نشده و خود وی نیز قائل بود که مادرش درگیر یک توهم ذهنی است.

همچنین اعضای کمیته بررسی‌های دیگری داشته و هیات دبیرخانه شورای عالی نیز در این خصوص به تفصیل بررسی کرده و نتایج هر سه کمیته مجلس، قوه قضاییه و دبیرخانه شورای عالی دقیقاً منطبق بر هم بوده و آن اینکه اعلام می‌شود ضمن

بررسی‌های همه‌جانبه انجام شده به هیچ موردی از آزار جنسی نرسیده و آن را قویا تکذیب می‌نماییم.

۴- در بررسی‌های به عمل آمده از زندان اوین طی بازدیدهای هیات از بندهای مختلف چه زندانیان میدانی اغتشاشات و چه زندانیان غیرمیدانی هیچ گونه شواهدی دال بر شکنجه و آزارهای جسمی دیده نشده است، اما همان‌گونه که در همه ملاقات‌ها با مسئولان قضایی از جانب هیات تبیین شد ضروری است در خصوص زندانیان باقی‌مانده هرچه سریع‌تر تعیین تکلیف شود و آنان در روند دادرسی از همه حقوق خود مبتنی بر قانون برخوردار باشند.

۵- کمیته ضمن دفاع از کلیت نیروی انتظامی و قدرشناسی از زحمات پرسنل پرتلاش نیرو در صیانت از امنیت شهروندان گزارش‌هایی از برخوردهای نامناسب برخی از افراد نیروی انتظامی دریافت نموده است. در این خصوص لازم است سیستم‌های نظارت و بازرسی در این نیرو تقویت شود و از رفتارهای غیرمسئولانه جلوگیری شود. همچنین لازم است نیروی انتظامی از ابزارهای مناسب جهت برخورد با اغتشاشات برخوردار شود که سبب کاهش خسارت‌های جانی و مالی گردد که در این خصوص نیاز است دولت و مجلس تمهیداتی را جهت تامین بودجه و تقویت نیروی انتظامی بیندیشند.

کمیته تأکید می‌کند تمامی بازداشتگاه‌ها باید زیر نظر سازمان زندان‌ها اداره شود و این سازمان موظف است در تمامی زمینه‌ها پاسخگوی شرایط زندان‌ها باشد، لذا در این خصوص مدیریت دستگاه قضایی ضمن بررسی همه جانبه باید دستورات قاطعی صادر نماید. لذا کمیته یادآور می‌شود که هنوز هم برخی دیگر از بازداشتگاه‌ها وجود دارد که هرچه سریع‌تر باید نسبت به نظارت بر آن‌ها و استانداردسازی آنها اقدام شود.

۷- کمیته قائل است متأسفانه عدم اطلاع‌رسانی به موقع به خانواده‌ها در خصوص دستگیری‌ها موجب سردرگمی، گسترش شایعات و ناامنی روانی جامعه شده بود، لذا لازم است اطلاع‌رسانی به خانواده زندانیان توسط نیروی انتظامی، امنیتی و قضایی در اسرع وقت صورت پذیرد. هم‌چنین دستگیری افراد باید در ساعات مناسب که موجب سلب امنیت روانی خانواده‌ها نشود صورت پذیرد.

۸- کمیته معتقد است یکی از نکات مهم برای پیشگیری چنین حوادثی اتخاذ سازوکارهای واقع‌بینانه و طراحی روندهایی است که موجب تکرار چنین وقایعی نشود و

به عنوان پیشنهاد مشخص باید زیر نظر بالاترین مقامات دستگاه‌های ذی‌ربط به شکل نوبه‌ای و مرتب از بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها بازدید به عمل آمده و اشکالات گوشزد شود. همچنین لازم است ضوابطی یکسان برای همه زندان‌ها تدوین شود چنانچه امور نیازمند قانون‌گذاری باشد، بی‌تردید مجلس شورای اسلامی آمادگی همکاری کامل را دارد.

کلام آخر آن‌که کمیته مجلس شورای اسلامی با هدف دفاع از حقوق مردم ضمن بررسی همه جانبه حوادث پس از انتخابات وقت خود را صرفاً به تهیه و ارائه یک گزارش سپری نمود، بلکه از نخستین روز ماموریت یافتن از ناحیه ریاست محترم مجلس شورای اسلامی با جلسات مستمر و ملاقات با مسئولین، بازداشت‌شدگان و خانواده‌های آنان به اصلاح مسیر پرداخت و در این خصوص برخی از اعضای کمیته دهها ساعت وقت جهت پیگیری امور مربوط به پاسخگویی به مردم و خانواده‌ها صرف نمودند، و از طرف دیگری در حالی که استراتژی اطلاع‌رسانی دقیقی جهت ارائه اطلاعات دقیق و شفاف و به موقع برای مردم عزیزمان وجود نداشت این کمیته تلاش کرد تا حدودی این خلا را نیز جبران نماید.

اما در فراز آخر این گزارش باید بر این دو نکته تأکید نمود که ماموریت این کمیته بررسی از نوع معلول بود. بدان مفهوم که حوادثی پس از انتخابات اتفاق افتاد و این کمیته در خصوص بدرفتاری‌ها و کژی‌های پدید آمده در ذیل این حوادث در راستای وظایف نمایندگی و به عنوان دفاع از حقوق شهروندی وارد عمل شده است و طبیعتاً دستورات، بیانات و تأکیدات مقام معظم رهبری مسیر این پیگیری‌ها را هموار و انگیزه این کمیته را در استمرار جدی اقدامات خود مضاعف نمود اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد آن است که از علل اصلی پدید آمدن این حوادث نباید غافل ماند و از جمله القای یک دروغ بزرگ به نام تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و رفتارهای غیرقانونی که سبب ایجاد این حوادث شد و اگر همگان براساس چارچوب‌های قانونی مسیر خود را طی می‌نمودند و اگر دو کاندیدای ریاست جمهوری دست به قانون‌شکنی، تحریک احساسات و عواطف مردم نمی‌پرداختند امروز شاهد این گونه حوادث تلخ نبودیم که سبب هتک حرمت نظام مقدس جمهوری اسلامی و تضييع فرصت گران‌سنگ حضور ۴۰ میلیونی مردم در پای صندوق‌های رای شود. بی‌تردید

آنان باید پاسخگو باشند و دستگاه قضایی در خصوص این گونه رفتارهای مجرمانه نباید بی‌اعتنا باشد.»

در نهایت باید به بیانات رهبر معظم انقلاب اشاره نمایم که ایشان به سناریوی جریان فتنه در اتهام زنی به نظام اسلامی اشاره کردند: «توجه کنید که این مسائل هیچکدام نباید با مسئله اصلی بعد از انتخابات خلط شود. حادثه‌ی اصلی نباید تحت‌الشعاع این حوادث قرار بگیرد. یک عده‌ای آنچه را که بعد از انتخابات اتفاق افتاد، آن ظلمی که به مردم شد، آن ظلمی که به نظام اسلامی شد، آن هتکی که از آبروی نظام در مقابل ملت‌ها به وسیله‌ی بعضی انجام گرفت، اینها همه را ندیده میگیرند، فرضاً مسئله‌ی فلان حادثه را، زندان کهریزک را، یا قضیه‌ی کوی را قضیه‌ی اصلی دوران بعد از انتخابات تا امروز قلمداد میکنند؛ این خودش یک ظلم دیگر است. مسئله‌ی اصلی، مسئله‌ی دیگری است. مسئله‌ی اصلی این است که مردم در یک حرکت عظیمی، در یک انتخابات پرشور خوب کم‌نظیری حضور پیدا کردند و این رأی بالا را توی صندوقها ریختند. هشتاد و پنج درصد شوخی است؟ این انتخابات، نظام را که در این یکی دو سال اخیر همین طور پی‌درپی پیشرفتهای اقتصادی و علمی و سیاسی و امنیتی و بین‌المللی برای خودش کسب کرده بود، در یک مرحله‌ی عالی از امتیاز و آبرو قرار میدهد، بعد ناگهان مشاهده میکنیم یک حرکتی صورت میگیرد برای نابود کردن این حادثه‌ی افتخارآمیز! مسئله‌ی اصلی این است.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - بیانات معظم له در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۸/۶/۴



# فصل هشتم

## روز قدس؛ تقابل فتنه با اسلام

سران فتنه و حامیانشان با صدور بیانیه‌ها و سخنرانی و همچنین رسانه‌های غربی از طریق حجم وسیع تبلیغاتی در چند روز باقی مانده به سالگرد روز جهانی قدس (۲۷ شهریور ۱۳۸۸) قصد داشتند فلسفه وجودی روز قدس که مبارزه با رژیم اشغالگر صهیونیستی و استکبار جهانی و آمریکا و انگلیس است را تغییر داده و از این یوم‌الله در جهت ادامه اغتشاشات پس از انتخابات بهره‌گیری کنند.

حزب اعتمادملی بیانیه‌ای صادر نمود و تلویحا خواستار حضور فتنه‌گران در راهپیمایی روز قدس شد. این حزب با سو استفاده از یکی از بیانات امام(ره) خواستار بهره‌برداری جریان فتنه از این روز بر علیه نظام شد:

«امام خمینی(ره) چند روز پس از صدور این پیام تاریخی در سخنرانی مهمی در جمع اقشار مختلف مردم به تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۵۸ در شهر قم با تکیه بر آموزه‌های دین اسلام به‌ویژه وصیت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب(ع) مبنی بر ضرورت دشمنی با ظالم و حمایت از مظلوم و با تأکید بر این که «روز قدس» یک روز جهانی است، فرمود: «روز قدس روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است... روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند... روز قدس روز اسلام است، روز قدس روزی است که اسلام را باید احیا کرد... و قوانین اسلام در ممالک اسلامی اجرا بشود... روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است؛ روز حکومت اسلامی است...»

روزی است که باید به ابرقدرت‌ها فهماند که دیگر آن‌ها نمی‌توانند در ممالک اسلامی پیشروی کنند. ... روز قدس روز جدایی حق و باطل است. من از خداوند تبارک و تعالی خواهانم که غلبه بدهد اسلام را بر همه قشرهای عالم؛ بر همه مستکبرین، مستضعفین را غلبه بدهد. و از خدای تبارک و تعالی خواهانم که برادرهای ما را در فلسطین، در جنوب لبنان و در هر جایی از عالم که هستند، از دست مستکبرین و از دست چپاولگران نجات بدهد.

حزب اعتماد ملی از همه مسلمانان و عدالت‌خواهان جهان به‌ویژه هم‌وطنان فهیم و شریف می‌خواهد که با تأمل در محتوای عمیق و ارزشمند پیام امام راحل (ره) برای روز قدس، در راستای عینیت بخشیدن به مبارزه با استکبار و ظلم و ستم و احیای اسلام و اجرای قوانین اسلام در ممالک اسلامی بکوشند و اجازه ندهند که مراسم این روز بزرگ و حماسی از محتوا تهی و به آیینی دولتی و حکومتی مبدل شود»<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری با درایت و تیزبینی خویش این موضوع را پیش بینی نموده و نسبت به سوءاستفاده از روز جهانی قدس هشدار داد. معظم له در نماز جمعه ۸۸/۶/۲۰ در خصوص روز قدس فرمودند: «روز قدس یکی از برجسته‌ترین یادگارهای امام عزیز ماست؛ نشانه‌ی دلبستگی انقلاب و دلبستگی ملت ما به ماجرای قدس شریف و ماجرای فلسطین است. به برکت روز قدس، این نام را ما توانستیم هر سال در دنیا زنده نگه داریم. خیلی از حکومتها و خیلی از سیاستها میخواستند، مایل بودند، تلاش کردند، پول خرج کردند که مسئله‌ی فلسطین فراموش شود. اگر تلاش جمهوری اسلامی نبود، اگر ایستادگی جمهوری اسلامی با تمام قوا در مقابله‌ی این سیاست خباث‌آلود نبود، بعید نبود که بتوانند مسئله‌ی فلسطین را بتدریج به زاویه بکشانند؛ اصلاً فراموش کنند. الان هم خود دستگاه استکبار و خود صهیونیستهای خبیث معترفند، معتقدند و ناراحتند از اینکه جمهوری اسلامی پرچم فلسطین را برافراشته است و نمیگذارد که با سازشکاری هائی که می‌خواهند انجام بدهند، مسئله‌ی فلسطین را از دور خارج کنند. روز قدس، روز زنده کردن این یاد و این نام است. امسال هم به توفیق الهی، به هدایت الهی، ملت عظیم ما در تهران و در همه‌ی شهرستانها روز قدس را

گرامی خواهند داشت، راهپیمایی خواهند کرد. در کشورهای دیگر هم بسیاری از مسلمانان در روز قدس از ملت ایران تبعیت میکنند. روز قدس، روز متعلق به مسئله‌ی قدس است و ضمناً مظهر وحدت ملت ایران است. مراقب باشید در روز قدس کسانی نخواهند از این اجتماعات برای ایجاد تفرقه استفاده کنند. از تفرقه باید ترسید. با تفرقه باید مقابله و معارضه کرد. تفرقه نباید به وجود بیاید. آن وقتی ملت ایران میتواند پرچم قدس را با افتخار بلند کند که یکپارچه باشد. در طول این سالها سعی کردند این را هم به هم بزنند، اما بحمدالله نتوانستند؛ ان‌شاءالله بعداً هم نخواهند توانست.»

### حضور فتنه گران در راهپیمایی قدس

علی رغم حضور میلیونی مردم در راهپیمایی در روز قدس سال ۱۳۸۸، در گوشه و کنار تهران افرادی در جهت خلاف شعارهای ضد استکباری و ضد صهیونیستی اقدام به شعار دادن کردند اگرچه این تعداد در برابر تظاهرات چند میلیونی مردم در روز قدس عددی محسوب نمی شوند.

برخی‌های شعرهای آنها چنین بود: «موسوی دستگیر بشه، ایران قیامت می شه». «کروبی دستگیر بشه، ایران قیامت می شه». «ما اهل کوفه نیستیم، پول بگیریم بیاستیم». «منتظری زنده باد، صانعی پاینده باد.» «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» «کروبی بت شکن، بت بزرگ را بشکن»، «کروبی با غیرت صدای خشم ملت»، «روحانی واقعی، منتظری، صانعی»، «شعار ملت ما، مرگ بر روسیه» به غیر از شعارهای عرضه شده شعارهای تندتری هم وجود داشت که از ذکر آن خودداری شد.

تعدادی از آقایان سبزپوش طرفدار موسوی که با کف و سوت قصد اخلال در راهپیمایی عظیم مردم را داشتند، در دست‌های خود بطری‌های آب آشامیدنی نیز حمل و در مواردی آشکار روزه خواری می‌کردند. احیاناً اینان فراموش کرده بودند که حداقل برای ظاهرسازی، روزه خواری خود را پنهان کنند.

### واکنش مردم به فتنه گران

جمعی از طرفداران موسوی صورت خود را با پارچه‌های سبز پوشانده و با کف و سوت و هو کردن در حال پیمودن مسیر خیابان انقلاب و در پاره‌ای از اوقات درگیری

با راهپیمایان و نیروی انتظامی بودند که سرانجام سیل خروشان شرکت‌کنندگان در این راهپیمایی با حلقه زدن دور این افراد و سر دادن شعارهای "مرگ بر منافق"، "مرگ بر جیره‌خوار" و ... آنها را مشایعت کرده و در نهایت در چهارراه کالج، خیابان قدس، خیابان فلسطین و سایر خیابان‌های منتهی به خیابان انقلاب و خیابان آزادی آنان را به بیرون از مسیرهای راهپیمایی هدایت کردند.

این افراد که در طول این مسیر با شعارهای تحریک‌آمیز و با استفاده از چوب پرچم قصد درگیری با مردم و اخلال در روند راهپیمایی داشتند، با تیزی مردم و بدون درگیری به بیرون از مسیر راهپیمایی هدایت و در نهایت متفرق شدند.

اعتراض‌های صریح و سریع مردم به خاتمی، کروی و موسوی که در پاسخ به اظهارات اخیر این افراد مبنی بر استفاده ابزاری از روز قدس به منظور پیگیری مطالبات سیاسی جریان متبوعشان صورت می‌گرفت، موجب شد که جملگی صحنه را ترک کرده و عطای حضور را به لقای حفظ تتمه آبرو ببخشند.

میرحسین موسوی در حالی که قصد حرکت در خیابان انقلاب به سمت چهارراه ولیعصر را داشت؛ با ممانت مردم و جمع کثیری از راهپیمایان روز قدس در تهران روبرو شد.

راهپیمایان هنگام دیدن خودروی حامل موسوی با سر دادن «شعارهای مرگ بر منافق» و «مرگ بر ضد ولایت فقیه» و شعار مرگ بر ... اعتراض خود را نسبت به عملکرد وی در حوادث اخیر پس از انتخابات نشان داده و مانع از حضور وی در صفوف بهم فشرده خود شدند.

محمد خاتمی نیز که قصد داشت در حوالی دانشگاه تهران با پائین آمدن از خودروی خود به جمع راهپیمایان بپیوندند، پس از پایین آمدن از خودرو با خشم مردم شرکت‌کننده در این راهپیمایی روبه شد که شعارهای "مرگ بر ضد ولایت فقیه"، "مرگ بر منافق"، "منافق برو بیرون" و مرگ بر ... را روانه وی می‌کردند.

کروی نیز که سعی داشت از حوالی ساختمان متعلق به روزنامه اعتماد ملی واقع در خیابان کریم‌خان زند به راهپیمایان بپیوندد با شعارهایی از جنس همان شعارهای مردم در واکنش به خاتمی و موسوی (مرگ بر منافق و مرگ بر ضدولایت فقیه و مرگ بر ...) مواجه و در اثر اعتراض مردم مجبور به ترک صحنه شد.

## بازتاب راهپیمایی

رسانه‌های خارجی در بخش‌های مختلف خبری روز جمعه خود، راهپیمایی گسترده مردم ایران در روز جهانی را پوشش خبری دادند. خبرگزاری‌های فرانسه، رویترز، آسوشیتدپرس، آلمان، ایتالیا و همچنین شبکه‌های تلویزیونی فرانسه، «بی.بی.سی»، «سی.ان.ان» در گزارش‌های خود از تهران اعلام کردند که هزاران تن از مردم پایتخت در خیابان‌های شهر در حمایت از مردم فلسطین و محکوم کردن رژیم صهیونیستی راهپیمایی کردند.

البته در این میان شیطنت رسانه‌های بیگانه در پوشش خبری این رخداد مهم کاملاً آشکار بود. از جمله شبکه تلویزیونی العربیه وابسته به دولت عربستان سعودی از وقوع تیر اندازی در جریان راهپیمایی مردم قم خبر داد که بلافاصله از سوی مقامات رسمی کشورمان تکذیب شد. احمد حاجی زاده معاون سیاسی و امنیتی استان قم در رد این تبلیغات منفی رسانه‌های العربیه تأکید کرد که هیچ گزارشی مبنی بر تیراندازی در این راهپیمایی به مسوولان امر نرسیده و این گونه جوسازی‌ها با هدف ایجاد تفرقه در میان صفوف راهپیمایان روز جهانی قدس صورت می‌گیرد.

خبرگزاری آلمان در بازتاب راهپیمایی امروز به مناسبت روز قدس در ایران اعلام کرد، صدها هزار ایرانی به رسم هر سال روز جمعه به حمایت از مردم فلسطین به خیابانها ریختند.

به گزارش خبرگزاری آلمان، در راهپیمایی امروز مردم تهران و تمام شهرهای ایران از سیاستهای رژیم صهیونیستی در رابطه با مردم فلسطین به شدت انتقاد کردند. براساس این گزارش، آیت الله خمینی رهبر فقید جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را برای حمایت از مردم فلسطین روز قدس نامگذاری کرد و از آن سال تا کنون هر ساله مردم ایران بر علیه سیاستها و اقدامات رژیم صهیونیستی نسبت به مردم فلسطین تظاهرات می‌کند.

سایت بی‌بی‌سی فارسی و سایر رسانه‌های بیگانه که تبلیغ بسیاری برای حضور فتنه‌گران در روز قدس داشتند، از صبح روز ۲۷ شهریور به دنبال درو کردن کاشته‌های خود در جهت سوءاستفاده از روز قدس و اخلال در روند برگزاری این راهپیمایی با استفاده از طرفداران موسوی بودند که به واسطه حضور گسترده مردم و فریادهای "مرگ بر

آمریکا، "مرگ بر انگلیس"، "مرگ بر اسرائیل"، "مرگ بر منافق"، "مرگ بر مزدور آمریکایی" به بن بست خوردند. البته فعالیت همسوی برخی رسانه‌های وابسته به جریان دوم خرداد داخل کشور در جهت سیاست‌های این رسانه‌های بیگانه به حدی بود که بی‌بی‌سی فارسی علاوه بر نقل برخی اخبار به نقل از این رسانه، لینک ثابت سایت مذکور را نیز در صفحه خود قرار داده بود.

### شعارهای ساختار شکنانه فتنه گران

رفتار آشوبگران در بعد از انتخابات همراه با خشونت و ویرانگری بود. آنها درصدد بودند با عمق بخشیدن به حرکات تخریبی خود از طریق درگیر شدن با نیروهای انتظامی و وارد کردن آنها به مقابله، توجه رسانه‌های مزدور صهیونیسم جهانی را به خود جلب کنند تا هم نظام تحت فشار قرارگیرد و هم از آنها حمایت شود. در روز قدس هم آنها به سبک گذشته عمل کردند اما با عصبانیتی بیشتر زیرا با چشمان خود دیدند که چه جمعیت عظیمی برای دفاع از ملت مظلوم فلسطین به خیابان‌ها سرازیر شده اند. پس از نماز جمعه ای که به امامت هاشمی برگزار شد و آنها با رفتار عجیب و غریب خود را مضحکه کرده بودند و توانستند خودی، نشان دهند، فرصتی برای ابراز وجود پیدا نکردند تا روز قدس. آنها گمان می‌کردند با تبلیغات داخلی و خارجی که کرده‌ند و حمایت رسانه‌های بیگانه را جلب نموده اند، می‌توانند جمعیت زیادی را در روز قدس به خیابان‌ها بیاورند، اما آنچه اتفاق افتاد عکس خواسته آنها بود لذا آنها ترجیح دادند برای اینکه جمعیت اندک خود را پر تعداد نشان دهند، به دسته‌های کوچک تقسیم شوند و در اطراف محیط اقامه نماز به شکل پراکنده اقدام به خودنمایی کنند. آنچه که با دیدن چهره‌های آنها می‌شد حدس زد این بود که برخی از آنها با گرفتن پول در سازماندهی آنها شرکت کرده اند.

برخی از ساده لوحان تا پیش از روز قدس، وابستگی حرکت سبز به بیگانگان را نفی می‌کردند و آنها را با خاستگاه داخلی تحلیلی می‌کردند. اما در روز قدس ملاحظه شد که آنها شعارهایی سردادند که رضایت بیگانگان و دشمنان را به دنبال داشت و دشمنان نیز به همین خاطر رسانه‌های خود را به شکل درست در اختیار آشوبگران قرار دادند. چنانچه درخصوص وابستگی آشوبگران به دشمنان و اجانب شکی وجود داشته

باشد با شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» که توسط رسانه‌های رژیم صهیونیستی توصیه شده بود! و آشوبگران نیز این شعار را سردادند، این شک برطرف خواهد شد با دیدن سردادن شعار «الله اکبر» در برخی از شب‌ها و فراخوانی به منظور تجمع و تخریب که توسط رسانه‌های بیگانه انجام می‌شود و در داخل هم بعضی به آن عمل می‌کنند، چگونه می‌توان دست و نقش دشمن در این خصوص را نادیده گرفت و وابستگی آشوب طلبان به دشمن را انکار کرد.

میرحسین موسوی در نخستین اظهارنظر پس از راهپیمایی روز قدس که تعداد اندکی به بهانه حمایت از موسوی وارد صحنه شدند و برخلاف راهپیمایان چند میلیونی شعارهای نامتعارف و ضد انقلابی سر می‌دادند آن را نقطه عطف حوادث پس از انتخابات خواند که نشان می‌دهد «حیات جدیدی!» که مردم ایران انتخاب کرده اند گذرا نیست.

او در بیانیه شماره ۱۳ خود به تاریخ درباره این روز گفت:

«راهپیمایی روز قدس امسال در روند حوادث چند ماه گذشته بدون تردید یک نقطه عطف محسوب می‌شود. نتایجی بسیار مبارک از آنچه در این مناسبت اتفاق افتاد انتظار می‌رود که مختص به یک سلیقه و یک گرایش نیست، بلکه فصلی عام و دستاوردی برای تمام کسانی است که در این سرزمین ریشه دارند، حتی اگر برخی از آنها به خاطر پیشداوری‌های نادرست اینک و امروز نتوانند این نعمت و رحمت را لمس کنند.»<sup>۱</sup>

جالب آن است که تفاوت راهپیمایی سال ۸۸ با راهپیمایی‌های سال‌های گذشته تنها سرداده شدن شعارهای ضد انقلابی بود و احتمالاً موسوی نیز همین نکته را نقطه عطف می‌دانست!

او همچنین در دیدار با اعضای فراکسیون اقلیت مجلس به شبکه ساخته شده توسط حامیانش اشاره کرد و گفت:

«برای نمونه برای روز قدس هیچ اطلاعیه‌ای داده نشد، ولی این حضور عظیم در راهپیمایی روز قدس را شاهد بودیم و این در شرایطی بود که با تهدیدات انجام گرفته و حوادثی که در طول سه ماه گذشته اتفاق افتاده بود بسیاری از خانواده‌ها از حضور

فرزندانشان در خیابان به دلیل نگرانی‌هایی که داشتند جلوگیری کرده بودند، و این به جز نتیجه و اثر این شبکه نبود.<sup>۱</sup>

اما یک یک شعارهای ساختارشکنانه‌ای که در روز قدس توسط حامیان موسوی مطرح شد ننگی بود که بر پیشانی فتنه‌گران نشست.

حدود یک ماه پس از راهپیمایی روز قدس، حسین مرعشی سخنگوی حزب کارگزاران درخصوص شعارهایی که طرفداران موسوی در روز قدس سر دادند گفت: «سردادن این شعارها برگرفته از احساسات معترضین است البته من باید به آنها تأکید کنم که ادامه این مهم شاید منجر به شکست جنبش سبز شود. وی از سبزه‌ها خواست تا عصبانیت خودشان را کنترل کنند و همراه و هم‌گام با «مانیفست» موسوی حرکت کنند.» حسین کاشفی سخنگوی حزب مشارکت گفت: هدایت جریان سبز از دستان رهبران آن خارج شده است و این مهم باعث شد که در تجمعات شاهد سردادن شعارهای نامربوط باشیم

موسوی و خاتمی در ۲۳ مهر هشدار دادند: «اگر با حضور انتقادی و اعتراض مدنی «مردم» مقابله شود و اگر تریبون‌های رسمی به دروغ‌گویی، اهانت و ناروایی ادامه دهند، جریان‌هایی پدید خواهند آمد که اصل نظام و انقلاب را زیر سؤال خواهند برد.» میرحسین موسوی در تاریخ ۲۷ مهرماه در گفت و گو با سایت «کلمه» در خصوص بحث وحدت ملی گفت: «تا هنگامی که مسئله بحران و مشکل در کشور قبول نشود، تا هنگامی که اکثریت «مردم» اغتشاشگر نامیده شوند، تا موقعی که «مردم» به حساب نیایند و ... تا موقعی که حق «مردم» برای تعیین سرنوشت شان قبول نشود، راه حل جامعی برای این مشکل پیدا نخواهد شد.»

موسوی در دیدار با کارکنان روزنامه کلمه سبز در تاریخ اول آبان در ارتباط با شعارهایی که طرفداران وی سر می دهند گفت: «شعارهای افراطی ناشی از عصبانیت است. به نفع همه است که شعارهایی متناسب با ظرفیت کشور طرح کنیم و از طرح شعارهای تند و غیر منطبق با وضعیت کشور بپرهیزیم.»

البته باید اشاره کرد که سران فتنه طی مدت پس از انتخابات به کرات از واژه «مردم» استفاده کردند و در تمام این مدت مرادشان از مردم هوادارانی است که با اقدامات ضد

<sup>۱</sup> - پارلمان نیوز، ۱۳۸۸/۷/۹



انقلابی درصدد ساختارشکنی بودند. در این میان یک سؤال جدی و بی پاسخ باقی مانده بود. چرا این آقایان یک جمع اندک و بسیار قلیل را که مجری عوامل دشمنان نظام هستند مردم می دانند، اما میلیون ها انسانی که بارها حمایتشان را از انقلاب، نظام و رهبری اعلام کرده اند نمی بینند. اگر افراد مورد نظر آنها مردمند پس این جماعت چند ده میلیونی کی هستند. مهمتر از همه اینکه این آقایان گمان می کنند که ساختارشکنان از آنها حمایت می کنند، کار از این حرف ها گذشته، آنها پشت سر این سه نفر سنگر گرفته اند و عنان شان در اختیار ضدانقلاب است چنانچه این آقایان تکلیف شان را با ساختارشکنان روشن نکنند در آینده نه چندان دور رسوای مشی در پیش گرفته شده خواهند شد.

پس از مدتی رسانه ها اعلام کردند، صدتن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در پی اغتشاش ها و آشوب های پس از انتخابات و نقش میر حسین موسوی در تحریک آشوبگران و عدم تسلیم وی به رأی مردم و رأی قانون به دادگاه شکایت کردند.

## بازتاب در جهان اسلام

شعارهای فتنه گران و عدول مدعیان خط امام از اندیشه بیداری اسلامی بازتاب های نامناسبی در جهان اسلام و میان علاقه مندان به انقلاب اسلامی داشت. شاید توجه به سخنان سیدحسن نصرالله در این میان راهگشا باشد. دبیرکل حزب الله لبنان در پیامی به حوادث پس از انتخابات ایران اشاره و گفت: «شعار نه غره، نه لبنان اثر منفی زیادی داشته بویژه که رسانه ها و ماهواره های غربی این شعار را برای ایجاد ذهنیت منفی پوشش می دهند»

او همچنین ادامه داد: «بعد از انتخابات در ایران اتفاقات ناگواری افتاد که موجب خون دل و عزای ما شد و بسیاری افراد از سراسر جهان تماس گرفته و گریه می کردند چون ما هویت خودمان را با هویت نظام جمهوری اسلامی یکسان می دانیم»

مسئله بازتاب فتنه پس از انتخابات البته ابعاد گسترده تری نیز داشت. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «در بلوهای بعد از انتخابات، مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی نگران بودند؛ پیغام میدادند به آشنایان خودشان در اینجا، که در ایران چه خبر است؟ اینها میگفتند ناراحت نباشید، نترسید، جمهوری اسلامی قوی تر از این

حرفهاست. یک حکومت اینجوری است؛ دشمنانش آنهائید، دوستانش اینهائید. همه‌ی بدها و شمرهای عالم با او دشمنند، همه‌ی مظلومان با او موافقند؛ ملت فلسطین طرفدار اوست، ملت‌های عربی مقاوم طرفدار او هستند. بله، دولت آمریکا هم مخالفش است، دولت انگلیس هم که خیانت دو‌یست‌ساله در ایران دارد - سابقه‌ی خیانت انگلیسی‌ها در ایران، دو‌یست‌ساله است - با او مخالف است. این مخالفت‌ها کسی را به وحشت نمی‌اندازد. اما یک دولتی بعکس است؛ طرفدارش عبارتند از دزدها و غارتگرها و مستکبرین و زورگویان عالم، مخالفینش عبارتند از ملت خودش یا ملت‌های مؤمن و ملت‌های مظلوم؛ این مایه‌ی ننگ است. جمهوری اسلامی تا امروز مخالفینی داشته است از آن قبیل مخالفین؛ دزدهای عالم، غارتگرهای عالم، مستکبرین عالم؛ اینهائید که با جمهوری اسلامی مخالفند؛ اینهائید که در مجامع جهانی سعی میکنند با جمهوری اسلامی مقابله و مخالفت کنند؛ اما آحاد مردم، توده‌های مردم، دولتهای مستقل، سیاستمداران منفک از آن قدرتها، ملت‌های مظلوم، اینها موافق با جمهوری اسلامی‌اند. به خاطر ترس از اینگونه مخالفت‌ها، نباید چهره‌ی تسلیم به دشمن نشان داد. به هر حال نسل جوان ما بایستی هشیار باشد.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰

# فصل نهم

## ۱۳ آبان؛ حمایت از آمریکا

پس از راهپیمایی و مراسم روز قدس که بسیار باشکوه برگزار شد و نیروهای موسوم به جنبش سبز به واسطه گم شدن در امواج خروشان اقیانوس ملت نتوانستند خودی نشان دهند، آمریکایی ها در انتظار فرارسیدن روز ۱۳ آبان بودند تا شاید جنبش سبز بتواند فضاقت روز قدس را جبران کند و کورسوی امیدی را برای آمریکایی ها روشن سازد. خط سیر آمریکایی ها در مواجهه جدید با انقلاب اسلامی از سه مؤلفه برخوردار است: جنگ نرم، فروپاشی از درون، جنبش سبز آمریکایی ها. این خط سیر را از انتخابات دهم ریاست جمهوری آغاز کردند و با عبور از حوادث پس از انتخابات به روز قدس و پس از آن به روز ۱۳ آبان رسیدند. تبلیغات زود هنگام سبزه‌ها، سردمداری بخش دانشجویی برای حرکت سبزه‌ها در این روز، حداقل تنفرزدایی نسبت به آمریکا و تقویت جنبش سبز برای آینده از جمله نکاتی بود که در این ایام توسط آمریکایی ها تعقیب می شد که هوشیاری مسئولان نظام، انگیزه مردمی و آگاهی قشر دانش آموز و دانشجوی اجازه نداد آمریکا و جنبش سبز به اهدافشان برسند.

جریان شکست خورده در انتخابات دهم ریاست جمهوری بعد از فروکش کردن آشوب‌ها که به شدت حامیان فتنه سبز را با کاهش مواجه کرد، برای امید بخشی کاذب به اندک طرفداران خود جهت حفظ حضور آنها در صحنه مخالفت با نظام، از هر بهانه ای استفاده می کرد تا به نوعی با مصادره ارزشهای انقلاب و بهره‌برداری از حضور مردم

به نفع خودشان در مناسبت‌های ملی و انقلابی، جریان فتنه را زنده و دارای طرفدار نشان دهند. برگزارای جشن تولد برای سران فتنه، استفاده سوء از حضور مردم را راهپیمایی روز قدس و طرح شعارهای هنجارشکنی غرب پسند در آن، تمهیدات خاص برای منحرف‌سازی مراسم بازگشایی دانشگاهها، تبلیغ گسترده برای بهره برداری سیاسی از مسابقه فوتبال دو تیم بزرگ پایتخت و اینک تبلیغات پرحجم برای فتنه سازی در مراسم ۱۳ آبان از این نمونه هاست.

اما به هر حال، شکل گیری بستر اجتماعی جریان فتنه بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری و تلاش گردانندگان آن جهت بهره‌گیری مستمر از این ظرفیت، سبب شده تا مناسبت‌های مهم در تاریخ انقلاب اسلامی که همواره فرصتی برای تجلی اندیشه‌های انقلابی و استکبار ستیزی مردم ایران است، به فرصتی برای به صحنه آوردن باقی مانده عوامل میدانی فتنه جهت ابراز وجود و طرح شعارهای جناحی تبدیل شود.

از سوی دیگر شکاف‌های موجود در نحوه اداره این حرکت و ضعف در مدیریت صحنه باعث شده مدیریت چنین حرکتی در اختیار رسانه‌ها و قدرت‌های غربی قرار گرفته و از آن اجتماعات در راستای طرح شعارهای مغایر با ارزش‌های انقلاب و نظام حتی مناسبت‌های مذکور استفاده شود.

نامزدهای شکست خورده در انتخابات مناسبت ۱۳ آبان را همچون روز قدس، فرصتی برای قدرت نمایی خیابانی می‌دانستند و سعی داشتند از این مناسبت برای فشار به حاکمیت استفاده نمایند در این زمینه می‌توان به مذاکرات نشست مشترک کروی و موسوی در تاریخ ۸۸/۷/۲۴ اشاره کرد. طی روزهای منتهی به ۱۳ آبان ۱۳۸۸ سایتهای اینترنتی مرتبط با جریان فتنه با فراخوان تهیه پوستر، طرح شعارهای متفاوت با شاخصه‌های روز مبارزه با استکبار جهانی توزیع گسترده کارت و تراکت در دانشگاهها و میادین تهران فراخوان گسترده‌ای را برنامه‌ریزی کرده‌اند.

موسوی در آخرین موضعگیری خود در ۸۸/۷/۲۷ که از طریق نواری ویدیویی در سایتهای منتشر شده است تأکید کرد «اعتراضها تا تن دادن به خواسته مردم ادامه می‌یابد.» البته شایان ذکر است به رغم ادعای افرادی نظیر موسوی و خاتمی به عمل در چارچوب قانون اساسی (مباحث مطرح شده در نشست مشترک روز جمعه ۸۸/۷/۲۴)، توجه اصلی آنها معطوف به حفظ ظرفیت‌های خود در تحریکات اجتماعی هواداران بود.

## سیر نزولی جنبش سبز

از بررسی هم همین مقدار تحرکات و خدمات ویژه ای که جنبش سبز به دشمن داشته است، مشخص می شود توانست تا حدی نظر دشمن را جلب کند. به این معنا که دشمن درخصوص توانمندی این جنبش برای تأمین اهدافش تردیدهایی داشت و با گذشت زمان این شک فزونی یافت زیرا حرکت آن در مدتی که ظهور پیدا کرد کاملاً نزولی بود. مروری بر وضعیت آن از آستانه انتخابات ریاست جمهوری دهم تا اغتشاشات پس از انتخابات، روز قدس، بازگشایی دانشگاه ها و روز ۱۳ آبان این نظر را تأیید می کرد.

سیر نزولی این جنبش و عملکرد ناموفق آن اختلاف نظرهایی را نیز در بین صاحب نظران و لزوماً مسئولان آمریکایی ایجاد کرده است. «فلانیت لاورت» تحلیلگر امور خاورمیانه «سی. آی. ای» شورای امنیت ملی و وزارت خارجه آمریکا گفت: «اوباما باید نتیجه انتخابات ایران را بپذیرد و با احمدی نژاد وارد گفت و گو شود. آمریکا نباید به خاطر حمایت از بخشی از جامعه مدنی ایران، منافع گفت و گو با دولت ایران را از دست بدهد، چرا که منافع گفت و گو با احمدی نژاد، بسیار بیشتر از حمایت از جامعه مدنی این کشور است.»

«کریم سجادی» از کارشناسان مؤسسه «کارنگی» نیز اعلام کرد: «آمریکا نباید خود را معطل و مشغول مخالفان دولت در ایران کند، اما در فرایند احتمالی آشتی با ایران نیز نباید این مخالفان را نادیده بگیرد و آب سردی را بر آتش نارضایتی آنان بریزد.» از شیوه مواجهه آمریکا با جنبش سبز معلوم می شود افرادی که به دولتمردان توصیه هایی مانند توصیه «لاورت» و «سجادی» دارند کم نیستند. رفتار کاملاً احتیاط آمیز آمریکایی ها در قبال جنبش سبز نشان می دهد آمریکایی ها در شرایط حاضر آنها را در حدی نمی بیند که از آنها به عنوان اهرم فشار هم استفاده کند.

۱۳ آبان ۱۳۸۸ در فرآیندی شکل گرفت که آمریکایی ها را در برخورد با جنبش سبز به نقطه صفر بازگرداند در این فرایند اموری مانند تبلیغات زود هنگام سبزها، سردمداری بخش دانشجویی، تفرزدایی نسبت به آمریکا و تقویت جنبش سبز برای آینده نظر آمریکا را به خود جلب کرده بود که تماماً در جهت مخالف خواست آمریکا تحقق یافت.

## دعوت به اغتشاش در حمایت از شیطان بزرگ!

میرحسین موسوی با صدور بیانیه ای به بهانه سالگرد ۱۳ آبان، ترجیح داد ماهیت ضد آمریکایی «روز ملی مبارزه با استکبار جهانی» و محتوای آن در زمینه «تسخیر لانه جاسوسی» را مسکوت بگذارد. وی به روال عملکرد چند ماه اخیر خود از ابراز برائت و انزجار نسبت به سیاست‌های ظالمانه و استکباری شیطان بزرگ طفره رفت و این در حالی است که جفاکاری وی در حق کشور و نظام طی ۸ ماه فتنه بارها با ستایش دولتمردان آمریکایی مواجه شد. کسانی چون اوپاما، هیلاری کلینتون، پل ولفویتز و... با نام بردن از موسوی، وی را مردی شجاع و الهام بخش خوانده و نسبت به تحرکات ضدانقلابی او ابراز ذوق زدگی کردند.

موسوی در بیانیه خود تحت «بیانیه شماره ۱۴ میرحسین موسوی در آستانه سیزدهم آبان» با اشاره به مناسبت‌های این روز تبعید حضرت امام و کشتار دانش آموزان از سوی رژیم پهلوی) درباره مناسبت اصلی این روز (تسخیر جاسوسخانه شیطان بزرگ) به این جملات بسنده کرد: «درباره سومین مناسبت، سیزده آبان بسیار گفته شده است، تا جایی که بعید است کمترین اطلاعی از آن ماجرا ناگفته مانده باشد؛ از جمله آن که در این رویداد امام از دانشجویان مسلمان پیروی کرد. ظاهراً این دانشجویان بودند که خود را پیرو خط امام می خواندند، اما در واقع این امام بود که حرکت آنان را دنبال نمود. قطعاً هیچ یک از رهبران و فرماندهان انقلاب در شکل دادن به آنچه در این روز اتفاق افتاد نقشی نداشت. حتی خود دانشجویان تصور می کردند بعد از چند روز حادثه تمام می شود و به خانه هایشان باز می گردند. ولی امام این رویداد را پیگیری کرد و آن را انقلابی بزرگ تر از انقلاب اول نامید.»

وی هیچ اشاره ای به محتوای این مناسبت بزرگ یعنی فتح جاسوسخانه آمریکا و برملا شدن اسناد جاسوسی اعضای گروهک هایی نظیر نهضت آزادی، جبهه ملی، جنبش خلق مسلمان و... که با طراحی کودتا، غائله های مرزی، شایعه پراکنی، منفی بافی و سیاه نمایی، جنگ روانی و مطبوعاتی و القای اختلاف میان مسئولان به جنگ نظام نوپای اسلامی آمده بودند، نکرد و این در حالی است که اغلب گروهک های یاد شده، چه آنها که اعضایشان در داخل کشور هستند و چه آنها که از کشور گریختند - (کسانی نظیر ابراهیم یزدی و علیرضا نوری زاده و...) مشخصاً از اقدامات خیانت آمیز و

ضدانقلابی موسوی طی چند ماه گذشته مکرراً حمایت کرده و حتی گروهک هایی نظیر نهضت آزادی در ارتباط با ستادهای انتخاباتی اصلاح طلبان بوده اند.

حضرت امام با اشاره به اسناد لانه جاسوسی و مشخص شدن ماهیت گروهک های منافق شبه مذهبی - نظیر نهضت آزادی و دولت موقت برآمده از آن بود- که فتح لانه جاسوسی را انقلاب دوم و بزرگ تر از انقلاب اول توصیف کردند و تأکید نمودند که اگر اینها سرکار مانده بودند به اسلام سیلی می زدند.

میرحسین موسوی در بیانیه خود پس از عبور از هویت و ماهیت ضدآمریکایی روز ۱۳ آبان و در حالی که متحدان حزبی وی در دولت اصلاحات تا مرز تعطیلی تمام فعالیت های هسته ای پیش رفتند و خواستار سرکشیدن جام زهر تسلیم شدند، به سیاست خارجی عزتمندانه امروز کشور حمله کرد و با ادعای رفتارهای افراط و تفریطی مدعی شد: «دولتمردان مصالح بلندمدت مردم را به هیچ معامله می کنند و با گشاده دستی از حقوق ملت عقب می نشینند. آنها نشان دادند حتی در تسلیم شدن و کرنش کردن افراط گزند!»

وی آنگاه در تناقض با همین ادعا نوشت «حتی اگر با تلاش دلسوزان، از واگذاری دستاوردهای کشور در زمینه انرژی صلح آمیز هسته ای جلوگیری شود از عواقب افراط و تفریط های دولتمردان ایمن نشده ایم زیرا رفتارهای آنان زمینه را برای اجماع بین المللی جهت اعمال تحریم ها و فشارهای بیشتر به ملت ما فراهم کرده است.»

مانور تبلیغاتی میرحسین موسوی روی فشار جبهه غرب در حالی است که برخی عناصر سیاسی و اطلاعاتی در آمریکا و اروپا اخیراً اعلام کرده اند باید با تشدید فشار تبلیغاتی و فضای روانی علیه جمهوری اسلامی، به تقویت جریان معارض با نظام اسلامی در داخل پرداخت! و با توجه به روشن بودن مسئله آقای موسوی باید توضیح دهد که منظورش از جملات مبهم و دوپهلو برای متهم کردن نظام چیست و چرا جریان رسانه ای هماهنگ با غرب هم نظام را متهم به سازش و امتیاز دادن به بیگانگان می کند و هم در عین حال دفاع نظام از حقوق ملت و باج ندادن در این زمینه را حمل به ماجراجویی و تحمیل هزینه برای کشور می نماید!!

حذف معنادار «برائت از آمریکا» - و لاقبل اشاره به ماهیت روز ملی مبارزه با استکبار- و به جای آن تخطئه عملکرد عزتمندانه نظام در چالش هسته ای در حالی بود

که چند روز پیش از آن جفری فلتن معاون وزیر خارجه آمریکا و تعدادی از اعضای کنگره این کشور در نشست مشترکی اعلام کردند برای برون رفت از بن بست هسته ای، مجدداً حمات از اصلاح طلبان در ایران را به عنوان جایگزین برای تحریم های غیرمؤثر، در دستور کار قرار داده اند. موازی با این پروژه، عناصر سیاسی همسو با غرب در داخل، القای دو محور متناقض «ضعف» و «ماجراجویی» (امتیازدهی و سماجت!) را در پیش گرفته اند.

مخملباف همان ایام بود که تلاش می کرد خود را سخنگوی جنبش سبز در خارج از کشور معرفی کند با انتشار نامه ای خطاب به اوباما، از وی به خاطر تسخیر لانه جاسوسی در ایران عذرخواهی کرد و خواستار معرفی ۱۳ آبان به عنوان روز آشتی با آمریکا شد.

در این نامه آمده است: «ما به شما پیشنهاد می کنیم روز ۱۳ آبان را به عنوان روز دوستی ملت های ایران و آمریکا اعلام کنیم. چرا که اکنون دست های مردم ایران و آمریکا برای فشردن همدیگر بیش از هر زمان به سوی یکدیگر دراز شده اند و برای خلع سلاح جهان از خطر بمب اتمی و مبارزه با تروریسم و استبداد بیش از هر زمان به یاری یکدیگر نیازمندند.»

محسن مخملباف که در انتخابات با صراحت از موسوی حمایت کرد و در فتنه پس از انتخابات در کنار محسن سازگارا به تحریک اغتشاشگران پرداخت، در این نامه خطاب به اوباما می نویسد: «از سویی درک می کنیم که حمله به سفارت امریکا و گروگانگیری کارمندان آن از سوی جوانان انقلابی ما ملت شما را عمیقاً رنجانده است و فراموش کردن آن برای شما بسیار دشوار است، به سهم خود از شما عذر می خواهیم و امیدواریم که ما را ببخشید!»

## اتخاذ مواضع متناقض

نکته حائز اهمیت در خصوص رفتار فتنه در مورد ۱۳ آبان، موضع گیریهای رنگارنگ تئوریسین های فتنه سبز درباره مسأله تسخیر لانه جاسوسی و روز مبارزه با استکبار جهانی بود که این تناقضات را می توان نقطه اوج آشکار شدن این اختلاف نظرهای ۱۸۰ درجه ای دانست که از حمایت از انقلاب دوم تا نفی آن نوسان داشت.



در حالی که میردامادی عضو زندانی حزب مشارکت و از حاضرین در لانه جاسوسی در نامه ای اعلام داشته که از تسخیر لانه جاسوسی پشیمان نیست و صانعی در بیانیه اش از جنایات امریکا و انزجار از آن می نویسد از آن سو شیخ ساده لوح مطرود امام (منتظری) در جواب سؤالی در مورد تسخیر لانه جاسوسی اعلام می دارد: « با آن عوارض منفی و حساسیت شدیدی که بین مردم آمریکا به وجود آورد که هنوز آثار آن باقی است، معلوم شد که کار درستی نبوده!»

در شرایطی که «محسن مخملباف» در نامه ای خطاب به اوپاما پیشنهاد می دهد که «روز ۱۳ آبان را به عنوان روز دوستی ملت‌های ایران و آمریکا اعلام کنیم!» در مقابل عطاءالله مهاجرانی دیگر خارج نشین فتنه سبز در جواب مخملباف می نویسد: «روز سیزدهم آبان ماه بر خلاف نظر برخی از سبز نماها، روز نرمش در برابر آمریکا و یا حتی عذر خواهی از آمریکا نیست... این جنبش در تداوم خود هیچ نیازی به حمایت دولت آمریکا ندارد!»

در حوزه رفتار نیز این تضادها مشهود است. به عنوان نمونه بخشی از سایتها و وبلاگهای فتنه گران از تسخیر سفارت روسیه در روز ۱۳ آبان سخن می گویند و در مقابل سازمان مجاهدین با صدور بیانیه ای اعلام می دارد: «قطعا اعمال هرگونه خشونت، از جمله تعرض به سفارتخانه های خارجی، مغایر با اهداف و مشی جنبش سبز ملت ایران است و طراحان و محرکان و عوامل اینگونه عملیات، نه طرفدار استقلال و آزادی، که وابستگان به سلطه و استبداد هستند.»

### اعلام حمایت گروهک تروریستی منافقین از فتنه در ۱۳ آبان

گروهک منافقین در بیانیه‌ای از عناصر آشوب طلب و اغتشاشگر خواست تا در راهپیمایی انحرافی فردا نقشی فعال ایفا کنند. گروهک تروریستی رجوی در این بیانیه همچنین از عوامل خود که به تازگی از عراق به ایران آمده‌اند خواست تا با ساماندهی مناسب و حضور در راهپیمایی انحرافی روز ۱۳ آبان نقشی فعال در ایجاد درگیری و اغتشاش در این مراسم ایفا کنند.<sup>۱</sup>

## تبلیغات

رسانه ملی و سایر رسانه‌های نظام در آستانه روز ۱۳ آبان با تبلیغات تبیینی و هوشمندانه مردم و به ویژه دانش آموزان و دانشجویان را به سمت ۱۳ آبان هدایت کردند و اندک اندک شور و نشاط مشارکت در مراسم ۱۳ آبان در نزد مردم به وجود آمد تا جایی که بسیاری تحت تأثیر تبلیغات صحیح رسانه‌ها حضور در این مراسم را در برنامه خود گنجانده و به هر نحوی که بود خود را به جلوی لانه رساندند و در مراسم شرکت کردند. این تبلیغات و نیز اخبار حضور سبزه‌ها در روز ۱۳ آبان در مراسم انگیزه افراد را برای حضور افزایش داد تا جایی که یکی از پرشورترین مراسم ۱۳ آبان را در سال‌های اخیر شکل دادند.

مدیریت سنجیده نظام پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در برخورد با کودتاگران مخملی امکان هر گونه تحرکی که بتواند بر توان کمی و کیفی آنها بیفزاید را از آنها سلب کرد. شناخت و آگاهی مردم در موفقیت این شیوه مدیریت بسیار مؤثر بود. این مدیریت هوشمندانه از نگاه بیگانگان پنهان نماند تا جایی که «مارک فاولر» تحلیلگر سابق سیا که اکنون ریاست خانه پرشیا، سرویسی که توسط شرکت مشاوره «بوزالن همیلتون» در واشنگتن اداره می‌شود، گفت: «نظر ما این است که رژیم به طور گسترده-ای مخالفان را ختنی کرده است.»

## نقش آفرینان حماسه

شاید مهمترین نقش در شکست آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۸۸ متعلق به دانش آموزان و دانشجویان شرکت کننده در این مراسم باشد. تحولات مسائل سیاسی اجتماعی چند ماه اخیر در کشور و نقشی که دشمنان نظام در آن داشتند موجب آگاهی و هوشیاری بیشتر دانش آموزان و دانشجویان گردید و همین مسئله باعث شد تا آنها به اهمیت مراسم روز ۱۳ آبان ۱۳۸۸ بیش از پیش واقف شوند و آنگونه مجاهدانه در آن مراسم شرکت کنند و نشان دهند که هیچ اتفاقی نمی‌تواند باعث انحراف نگاه تیزبین این جوانان از شیطان بزرگ شود. نتیجه مراسم ۱۳ آبان امسال این بود که آمریکا همچنان شیطان بزرگ است و جوانان این کشور هر گاه برای کشور احساس خطر بیشتری کنند جانانه تر برای دفاع از نظام در میدان حاضر می‌شوند.

## تبلیغات زودهنگام ولی بی نتیجه

از جمله کارهایی که جنبش سبز برای افزایش هواداران خود در روز ۱۳ آبان انجام داده بود که می‌توانست برای آمریکایی‌ها امیدبخش باشد، اقدام به تبلیغات زودهنگام بود. آنها و آمریکایی‌ها بر این گمان بودند که تبلیغات زودهنگام در اشکال بسیار متفاوت و متنوع از اینترنت گرفته تا پخش پوستر، دیوارنویسی، پخش اعلامیه، ارتباط حضوری و الکترونیکی و... می‌تواند تا حدودی شور و هیجان انتخاباتی تهران را زنده کند و آنها خواهند توانست جمع قابل توجهی را به خیابان بیاورند، با وجود این تلاش‌های زودهنگام که با حمایت گسترده رسانه‌های غربی همراه بود و برخی از سران این حرکت چند روز پیش از برگزاری مراسم نسبت به آن ادعاهای بزرگ کرده بودند، آنها نتوانستند یک دهم جمعیت سبزها در روز قدس را به خیابان‌ها بکشانند. به گفته شاهدان عینی تعداد آنها در محل‌های تجمع شان بسیار اندک و در قالب گروه‌های ۷۰ - ۸۰ نفر بودند و به گفته رئیس پلیس تهران جمع آنها در نقاط مختلف به ۳۵۰۰ نفر نمی‌رسیدند. این عدد غیر قابل مقایسه در برابر جمعیت ۱۰، ۱۲ میلیون نفری تهران، سبزها و آمریکایی‌ها را کاملاً مأیوس و سرخورده کرد و آن چیزی که هر دوی آنها از آن فرار می‌کردند روبه‌رو شدن با این سؤال بود که با وجود این همه تبلیغات درازمدت چرا هواداران آنها نیامدند.

## اغتشاش

روز ۱۳ آبان خبرگزاری‌ها گزارش دادند همزمان با حضور بی‌سابقه مردم تهران در راه‌پیمایی ۱۳ آبان، گروهی از اغتشاش‌گران با تجمع در مناطقی از شهر تهران و با سر دادن شعارهایی در حمایت از سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی به مردم، اموال عمومی و نیروهای انتظامی حمله‌ور شدند.

براساس این گزارش‌ها، آشوبگران که با فراخوان برخی گروه‌های سیاسی و رسانه‌های بیگانه در گروه‌های ۵۰ و ۱۰۰ نفره در میدان هفت‌تیر، خیابان شهید مفتاح، خیابان شهید بهشتی، پل کریمخان و حوالی میدان انقلاب حضور یافته بودند اقدام به طرح شعارهای ساختارشکنانه در حمایت از منافع آمریکا و اسرائیل کردند.

مهدی کروی نیز که در روزهای گذشته با صدور بیانیه‌هایی اقدام به فراخوان فتنه‌گران کرده بود با مشاهده جمع پرشور راهپیمایانی که شعار مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و مرگ بر منافق سر می‌دادند مجبور به ترک میدان هفت تیر شد. نیروهای انتظامی با محاصره آشوب‌طلبان و دستگیری تعدادی از اوپاش اقدام به پاکسازی میدان هفت تیر و خیابان‌های منتهی کرد.

بنابر نقل منابع خبری یاسر هاشمی رفسنجانی با لباس مبدل با حضور در جمع گروهی از حامیان موسوی و کروی که در خیابان شهید بهشتی تجمع کرده بودند، اقدام به تحریک و هدایت آنها می‌کرد.<sup>۱</sup>

### بخش دانشجویی سبزها

پس از برگزاری مراسم روز قدس و حضور کمرنگ و اندک سبزها در این روز برخی که می‌خواستند روحیه این شکست خوردگان در روز قدس را حفظ کنند به این نکته می‌پرداختند که جنبش! به نیروهای پر انرژی و با جنب و جوش نیاز دارد؛ افرادی که بتواند خوب تحرک داشته باشند و بتوانند دیگران را نیز با خود همراه کنند و به میدان آورند و این کار مهم از عهده دانشجویان بر می‌آید. شاید چنین تحلیلی در آن زمان می‌توانست تسکین دهنده رنج آزاردهنده عدم حضور مردم در جنبش سبز باشد اما با فرا رسیدن روز ۱۳ آبان و نحیف تر شدن جنبه حضور آنها در زمانی که تمامی دانشگاه‌ها باز و دانشجویان مشغول به تحصیلند برای کودتاگران مخملی که در حال تبدیل شدن به سایه اند بسیار خردکننده باشد. اینجا هم باز سؤالی مطرح می‌شود اینکه چرا دانشجویان دعوت آنها را بی‌پاسخ گذاشتند.

### تفرزدایی نسبت به آمریکا

شاید رصد سیر حرکت کودتاگران مخملی در ایران آمریکایی‌ها را زودتر به این نتیجه رسانده بود که این جماعت وا داده و بی‌ریشه آن توفانی نیستند که بتوانند پیکر تنومند نظام اسلامی را تکان دهند اما این قدر امیدوار بودند که با حضور آنها در میان جوانان

<sup>۱</sup> - خبرگزاری فارس ۱۳۸۸/۸/۱۳

انقلابی، آگاه و منتفر از آمریکا تا حدودی بتوانند با ممانعت از سر داده شدن شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» نسبت به آمریکا تنفردایی کنند اما از یک سو ناتوانی کودتاگران مخملی در جمع جوانان انقلابی و از سوی دیگر شور و اشتیاق این جوانان برای ابراز انزجار و تنفر نسبت به آمریکا این انتظار ذیلانه آمریکا را نیز با شکست مواجه کرد و جمعیت عظیم تجمع کننده در مقابل لانه جاسوسی بلندتر از هر زمان دیگری شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» را سر دادند.

### بازتاب رسانه‌ای

روزنامه‌های همسو با فتنه ضمن کتمان شور و خروش بیشتر راهپیمایی امسال، سعی کردند همسو با رسانه‌های استکباری دو روایت از مراسم ۱۳ آبان منعکس کنند. اندیشه نو «دو روایت از مراسم راهپیمایی ۱۳ آبان» را در کنار دو تصویر متفاوت تیترو کرد و نوشت: «مراسم ۱۳ آبان امسال در حالی برگزار شد که این مراسم را دو گونه می‌توان روایت کرد، یکی روایتی از حضور پرشکوه مردم به مانند سال‌های قبل در اعتراض به سیاست‌های آمریکا و در پاسداشت یاد و نام تسخیرکنندگان لانه جاسوسی و روایت دیگر حضور گسترده حامیان جنبش سبز در این مراسم بود.»

حیات نو با اختصاص تیترو نخست خود و درج دو تصویر همسو صراحتاً نوشت: «رسانه‌های خارجی و داخلی امسال برای نخستین بار مراسم ۱۳ آبان را با دو روایت پوشش دادند.» این روزنامه با اشاره به برخی درگیری‌ها که منجر به آسیب دیدن ماشین کروی از سوی مردم گردید، افزود: «مراسم گرمی داشت ۱۳ آبان، روز دانش آموز دیروز متفاوت با سال‌های پیش برگزار شد.»

روزنامه اعتماد هم با وجود قرار دادن گزارش راهپیمایی در تیترو اول خود به ذکر جمله «گزارش راهپیمایی سیزدهم آبان» بسنده کرد و خط تبلیغی دوگانگی در انتخابات را این گونه مخابره کرد: «امسال ۱۳ آبان در شرایطی کاملاً متفاوت با سال‌های گذشته در سراسر کشور برگزار شد. روز گذشته فضای شهرهای تهران، رشت، شیراز، مشهد، خرم‌آباد، اصفهان و تمام شهرهای دور و نزدیک حال و هوای دیگری داشت.»

مردم سالاری بدون اختصاص تیتراژ اول خود به درج جمله «مراسم سالگرد ۱۳ آبان برگزار شد» در صفحه اول خود اکتفا کرد و از تلاش اغتشاش گران برای ورود به جمعیت راهپیمایان خبر داد.

فرهیختگان اما بی آنکه در صفحه نخست خود اشاره ای به این رخداد مهم نماید تحت عنوان روایات متفاوت از حاشیه های روز ۱۳ آبان نوشت: «مراسم ۱۳ آبان امسال در حالی برگزار شد که مراسم را به دو گونه می توان روایت کرد یکی روایتی از حضور پر شکوه مردم مانند سال های قبل در اعتراض به سیاست های آمریکا و در پاسداشت و نام تسخیرکنندگان لانه جاسوسی به روایت دیگر حضور برخی معترضان در این مراسم.»

خبر -روزنامه ای که به شکل استیجاری در اختیار جریان فتنه قرار داشت- ضمن عبور سرد از کنار این موضوع مهم در خبری کوتاه و بدون اتخاذ موضعی خاص نوشت: «مراسم راهپیمایی ۱۳ آبان روز مبارزه با استکبار جهانی در مقابله با لانه جاسوسی با حضور ده ها هزار نفر از دانش آموزان و دانشجویان و اقشار مختلف مردم برگزار گردید.»

بی مهری ها و انعکاس دو گانه از حضور حماسی مردم در روز مبارزه با استکبار در حالی صورت گرفت که روزنامه رسالت در سرمقاله ای تحت عنوان ۱۳ آبان و انقلابیون فرسوده و پشیمان نوشت: «در ۱۳ آبان ۸۸، انقلاب شاداب تر، با نشاط تر و سرزنده تر از ۱۳ آبان ۵۸ است. درست ۳۰ سال از آن واقعه می گذرد رویش های انقلاب به قدری است که قدرت ایران و اسلام را در منطقه مثال زدنی کرده است.» این در حالی است که به نوشته رسالت «رسانه های دشمن بیش از یک ماه بود وعده می دادند که روز ۱۳ آبان جریان ضد انقلاب دست در دست انقلابیون فرسوده و پشیمان (بخوانید جنبش سبز) در مقابل لانه جاسوسی آمریکا می آیند و شعار» ما منتظر او با ما هستیم اگر او با ما نیاد همین جا نشستیم سر دهند.»

روزنامه کیهان هم در سرمقاله خود حضور پرشور مردم در ۱۳ آبان امسال را واکنش طبیعی مردم به نفاق جدید توصیف کرد و نوشت: «مردم ایران که به قول حضرت امام (ره) از مردم حجاز در زمان رسول خدا (ص) از مردم عراق در دوران حضرت امیر (ع) برترند و تا کنون علاوه بر عبور از عقبه های سخت و نفس گیر، بسیاری از توطئه های پیچیده دشمنان را خنثی کرده اند، به وضوح و بدون کمترین ابهام، هویت سران

فتنه و دست‌های گرداننده آنها را که از آن سوی مرزها دراز شده بود، می‌دیدند و می‌شناختند بنابراین این بسیار طبیعی و بدیهی بود که دیروز با حضور پرشور و حماسی گسترده تر و فراتر از سال‌های قبل به صحنه بیایند که آمدند. آنها آمده بودند تا به قول امام راحل (ره)، تحلیل‌های غلط امریکا و اسرائیل و توطئه‌های خط نفاق جدید را زیر گام‌های مصمم خود لگدمال کنند که کردند.»





# فصل دهم

## دشمنی فتنه گران با امام (ره)

روز ۱۶ آذر به عنوان روز مقاومت و ایستادگی دانشجویان این سرزمین در برابر استعمار غرب و استبداد و خودکامگی در دفتر تاریخ این سرزمین به یادگار ثبت گردیده است. متأسفانه در جریان فتنه مخملین نیز با بازگشایی دانشگاهها، جریانهای سیاسی مخلوق فتنه سبز این بار دانشگاه را مورد هدف قرار دادند. این جریان آنگاه که پایگاه مردمی خود را به خاطر رفتار ساختارشکنانه و تفرقه افکنانه به سرعت از دست داد، تمرکز خود را به عنوان آخرین راهکار بر روی دانشگاه گذاشته تا این مرکز علمی را به پایگاهی برای تداوم فتنه مبدل نماید.

## تلاش برای ایجاد فتنه در ۱۶ آذر

از فردای بازگشایی دانشگاهها، آنگاه که ایجاد آشوب و بلوا به بهانه سالروز تولد سران فتنه سبز (موسوی، کربوبی و خاتمی) با آشکار شدن دروغ بودن سالروز تولد آنها در ماه مهر بی ثمر ماند، همه نگاههای فتنه گران برای همراه سازی دانشگاه و جنبش دانشجویی به روز ۱۳ آبان دوخته شده بود. اما علی رغم تبلیغات فراوان، فتنه گران با چشمانی متعجب شاهد ناتوانی عناصر نفوذی این جریان در ساماندهی حداقلی بخشی از بدنه دانشگاه در روز ۱۳ آبان بودند. حضور باشکوه ملت در این روز حداقل فرصت

را برای عرض اندام این جریان گرفت و جز جمع چند ده نفره ای متفرق در برخی خیابانهای منتهی به میدان هفت تیر تهران که اتفاقاً اغلب آنها هم دانشجو نبودند، روز ۱۳ آبان به روز یاس فتنه سبز مبدل گردید.

در چنین شرایط بغرنجی بود که تلاش همه جانبه سران داخلی و خارجی فتنه سبز برای ایجاد بلوا در دانشگاه در روز دانشجو در دستور کار کودتاگران قرار گرفت. مروری بر حجم تبلیغاتی و ترفندهای آنها می‌تواند میزان تلاش این جریان برای به آشوب کشاندن دانشگاهها را برای مخاطبین ترسیم نماید. فتنه‌ای که می‌توانست کالبد مغزمرگی شده فتنه سبز را برای مدتی دیگر زنده نگه دارد.

در ادامه نمونه‌هایی از مقدمه‌چینی‌های صورت گرفته برای به آشوب کشاندن روز ۱۶ آذر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱- مقاله نویسی:

اولین گام در این زمینه درج یادداشتها و مقالات متعددی بود که تلاش می‌کرد تا نوعی هویت سبز برای دانشجویان تعریف نماید. مطالبی که بطور گسترده در سایتها و وبلاگهای ضدانقلاب انتشار یافت. این یادداشتها چند ویژگی مشترک داشت: ۱- مشابهت محتوایی، ۲- مشابهت قلمی، ۳- سطحی نگری و نداشتن عمق تحلیل، ۴- غیرعلمی و فاقد منطق و استدلال بودن، ۵- عاطفی، احساسی بودن با هدف تهییج و تزریق شور و هیجان به مخاطب ۶- تحریف کننده حقیقت روز دانشجو ۷- خودبزرگ بینی فتنه سبز ۸- توهین و افتراء به ملت حزب الله و مسئولین نظام اسلامی

به عنوان نمونه در بخشی از مقاله‌ای که در سایت «سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت)» به عنوان مجموعه‌ای که دارای مجوز رسمی برای فعالیت بوده و متعهد به رعایت قانون اساسی است، درج گردیده آمده است:

باری شک نکنید که یک روز سبز دیگر در راه است؛ این بار ۱۶ آذر سبز. دانشجویان از هم اکنون عزم خود را برای برگزاری با شکوه این روز جزم کرده‌اند و بازداشت فعالین دانشجویی این عزم را جزم تر و همبستگی دانشجویان را بیشتر خواهد کرد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> (رشید اسماعیلی، "پیش به سوی ۱۶ آذر سبز"، سایت ادوارنیوز، ۸۸/۹/۱۰).

## ۲- صدور بیانیه:

صدور بیانیه به نام مجموعه‌ها و تشکلهایی که اغلب آنها هویت حقیقی و بیرونی نداشته و بیشتر به شبنامه نویسی توسط محفلی محدود و برنامه‌ریز شباهت دارد، اقدام دیگری بود که می‌توانست خوراک خوب خبری برای سایتهای ضدانقلاب وابسته به فتنه سبز در این ایام باشد. بیانیه‌هایی که توسط برخی رسانه‌های صوتی - تصویری خارج از کشور با آب و تاب فراوان خوانده می‌شد.

به عنوان نمونه بیانیه‌هایی مجهول الهویه با عنوان «دانشجویان سبز دانشگاه‌های ایران!» در اغلب سایتهای وبلاگهای ضدانقلاب در اینترنت منتشر گردید. در بخشی از بیانیه شماره یک آن درباره مطالبات نویسندگان بیانیه که خود را به دروغ نمایندگان دانشجویان کشور معرفی می‌کنند می‌خوانیم:

«ما خواهان ابطال انتخابات غیر قانونی دهمین دوره ریاست جمهوری دهم، رسیدگی، اعاده حقوق، و جلوگیری از پایمال شدن خون صدها شهید جنبش سبز ملت ایران هستیم. به راستی که ندا، سهراب، ترانه موسوی‌ها را فراموش نخواهیم کرد. ما خواهان محاکمه عاملین فجایع رخ داده در بازداشتگاه کهریزک و نظایر آن هستیم...  
ما به سکوت و عدم استقلال نمایندگان مجلس شورای اسلامی، بخصوص نمایندگان تهران معترضیم...»

ما ملت ایران یکپارچه در مراسم ۱۶ آذر ماه شرکت خواهیم کرد، متوجه استیصال و درماندگی حاکمیت بوده و نیک می‌دانیم که این درماندگی حاکمیت را یا مجبور به پذیرفتن خواست‌های انسانی ما خواهد کرد و یا با انجام اعمال غیرعقلانی (همچون گذشته) به سوی پرتگاه نزدیک‌تر خواهد شد. پرتگاهی که دلسوزان جمهوری اسلامی در هیئت اصلاح طلبانی چون مهدی کروبی و میرحسین موسوی و محمد خاتمی سالها پیش از آن سخن گفته‌اند. هشدار می‌دهم که ارباب قدرت آن را جدی نگرفت و آن پرتگاه امروز چقدر نزدیک است...»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> "بیانیه شماره ۱ دانشجویان سبز دانشگاه‌های ایران به مناسبت ۱۶ آذر"، سایت خبرنامه گویا، ۸۸/۹/۱۲.

بیانیه شماره ۲ این محفل نیز چند روز بعد بیرون آمد که تلاش داشت تا هواداران فتنه سبز را به سوی مراکز هدف، سوق دهد و پای ارادل و اوباش را به دانشگاهها بکشاند. در بخشی از آن آمده است:

«دانشگاه‌های تهران، صنعتی شریف، صنعتی امیرکبیر، آزاد واحد پونک، علامه طباطبایی (دانشکده علوم اجتماعی) و دانشگاه خواجه نصیر (دانشکده برق) به عنوان دانشگاه‌های محل برگزاری مراسم ۱۶ آذر معرفی می‌گردند. مراسم دانشجویی در داخل این دانشگاه‌ها از حوالی ظهر آغاز می‌شود و به منظور حضور حداکثری حامیان جنبش سبز ملت ایران اعم از کارمندان، زنان خانه‌دار، دانش آموزان و ... دانشگاه‌های ذکر شده از ساعت ۳ بعد از ظهر به بعد میزبان مردم عزیز می‌باشند و این بار دانشگاه یکصدا و همگام با مردم به وقوع کودتا اعتراض خواهد کرد.

شایان ذکر است در روز دانشجو نه تنها دانشگاه‌های ذکر شده در شهر تهران بلکه کلیه دانشگاه‌های کشور و دانشجویان آزادی خواه این دانشگاه‌ها آمادگی خود را برای میزبانی از رادردانی چون مهندس موسوی، محمد خاتمی و مهدی کروبی شیخ شجاع اصلاحات اعلام می‌دارند...

لذا بدین وسیله بار دیگر و در نهایت احترام، برای ایران و ایرانیان از تمام ملت دعوت می‌کنیم که همراه و همگام با هم در مراسم ۱۶ آذر شرکت نمایند.<sup>۱</sup>

### ۳- دعوت به اغتشاش و کشاندن هواداران به خیابان:

در این بین تلاش‌های بسیاری صورت گرفت تا روز دانشجو را به روزی برای به آشوب کشیدن پایتخت تبدیل نمایند و اندک هواداران باقی مانده را نیز به خیابان بکشاند، غافل از اینکه مدتهاست فتنه سبز دیگر توان آشوب و بلوا را نیز از دست داده و ارادل و اوباش محوری این جریان مورد شناسایی قرار گرفته و دستگیر شده‌اند. نمونه‌ای از توصیه‌ها برای ایجاد اغتشاش را در بیانیه‌ای که با عنوان "جمعی از فعالین جنبش سبز" در برخی از سایتهای ضدانقلاب منتشر گردیده می‌توان مشاهده نمود. در بخشی از این نوشته آمده است:

<sup>۱</sup> "بیانیه شماره ۲ دانشجویان سبز دانشگاه‌های ایران"، سایت خبرنامه امیرکبیر، ۸۸/۹/۱۵.

«کودتاچیان، به امید این که مراسم به صورت محدود و دانشجویی برگزار شود، تمام تلاش خود را بر سرکوب تظاهرات خیابانی و جلوگیری از پیوستن مردم به دانشجویان متمرکز کرده‌اند و به همین دلیل در اطراف دانشگاه‌های مهم تهران موضع گیری خواهند کرد. برای خنثی کردن این تدبیر، برگزاری تظاهرات پراکنده در نقاط مختلف، یک راهکار مناسب است. می‌توان خیابانهای نزدیک دانشگاه‌ها را به عنوان میعادگاهی برای شروع تظاهرات پراکنده در نظر گرفت. با دور شدن از محل دانشگاه، می‌توان همچون مراسم چهارم شادروان ندا آقا سلطان، در خیابانهای دیگر، به تظاهرات و سر دادن شعارهای دلخواه پرداخت... مانند تمام فعالیت‌های قبلی، رسانه شمائید. در روز ۱۶ آذر کفایت خود را در خانه حبس نکنیم. این که تجمع در چه مکان یا زمانی برگزار شود، در درجه اول اهمیت نیست؛ مهم تهیه فیلم و به خصوص عکس و انتشار آن در سطح بین‌المللی است. جهان نظاره‌گر ماست.»<sup>۱</sup>

توصیه‌های مزدور فاسدی چون "محسن سازگارا" که این روزها در آغوش بیگانگان پناه یافته است نیز شنیدنی است. وی که هر روز در VOA برنامه ثابتی دارد، در برنامه روز ۵ شنبه خود در مورد روز ۱۶ آذر چنین تحلیل و توصیه می‌کند: «مطلب آخری که می‌خواهم بگویم در مورد ۱۶ آذر است که خیلی‌ها معتقدند به احتمال زیاد حکومت توان داشتن آدم در سطح تمام دانشگاه‌های کشور، روز دوشنبه آینده بعد از ظهر که مراسم همزمان در تمام دانشگاه‌های کشور هست را ندارد به احتمال زیاد روی چند دانشگاه شاخص مثل دانشگاه تهران یا امیرکبیر یا صنعتی شریف در تهران یا دانشگاه اصفهان یا دانشگاه شیراز، تبریز، اهواز نیروهایش را تمرکز می‌دهد و به این ترتیب نگذارد دانشجویها مراسم ۱۶ آذر را برگزار کنند و بتواند روی طبل پیروزی بزند. به همین دلیل بسیار واجب است که بعد از ظهر دوشنبه ۱۶ آذر در تمام دانشگاه‌های آزاد و دولتی مراسم باشد، مردم هم که به دانشجویها می‌خواهند بپیوندند به همه دانشگاه‌ها، نزدیک‌ترین دانشگاه بروند، همینطور دانش‌آموزان. و با تنوع تاکتیکی فضای شهرها را هم مشغول بکنند که این هم محافظت بیشتری برای دانشجویها می‌آورد و هم تمرین خوبی است برای حرکت پراکنده ولی هماهنگ در دهه محرم و تاسوعا و عاشورا.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> <http://iran-rasa.blogspot.com/16/12/2009.html>

<sup>۲</sup> سایت محسن سازگارا، متن پیاده شده برنامه گفتگوی روزانه روز پنجشنبه ۱۲ آذر ۱۳۸۸.

این جیره خوار صدای آمریکا که نان خود را در تداوم فتنه سبز می‌بیند، تلاش ناشیانه‌ای دارد تا اندک فریب خوردگان داخلی را برای تهیه خوراک برای بیگانگان تشویق نماید و به آنها چنین توصیه می‌کند: «به همه دوستان دانشجو و همه مردمی که به اونها می‌پیوندند برای مراسمی که هم زمان در همه دانشگاه‌ها خواهد بود حتما کسانی در جاهای مناسبی که دانشگاه خودشون رو خوب هم می‌شناسند، مستقر باشند و فیلم و عکس رو فراموش نکنند و برای ارسال اون هاهم از قبل تدارک کرده باشند، سازمان دهی کرده باشند و برای این که فیلم و عکس سند محکم و نیرومندی است که مبارزات ما رو هم به اطلاع دیگران می‌رسونه و به جاهای دیگه کشور می‌برد و هم به اطلاع دنیا می‌رسونه و قدرت جنبش را به خوبی منتقل می‌کند.»<sup>۱</sup>

وی همچنین در روزی دیگر مدعی می‌شود: «امسال هم دانشجویان در سالگرد روز دانشجو در ایران بر ضد دولت کودتاجی اجنبی ساخته حرکت می‌کنند با این تفاوت که این بار این دولت روسیه است که مورد اعتراض دانشجویان قرار دارد.»<sup>۲</sup>

پخش شایعات و بحرانی نشان دادن اوضاع دانشگاهها با هدف تحریک مردم برای همراهی با فتنه گران نیز در همین راستا در دستورکار قرار داشت و به عنوان نمونه سایت معلوم الحالی چون "آینده" که کینه و عداوت متولیان آن نسبت به رئیس‌جمهور منتخب ملت آشکار است، نیز با شایعه پراکنی و علی‌رغم تاکید وزارت علوم مبنی بر اینکه "هیچ دانشگاه و مؤسسه آموزشی در روز ۱۶ آذر تعطیل نیست"، به دروغ ادعا کرد که «برخی دانشکده‌های دانشگاه شهید بهشتی از جمله دانشکده ادبیات، علوم سیاسی و اقتصاد و برق و کامپیوتر این دانشگاه و هم چنین در دانشگاه‌های تهران، شریف، و امیرکبیر روز گذشته به دانشجویان اعلام کردند که کلاس‌ها در روز دوشنبه ۱۶ آذر تعطیل است.»<sup>۳</sup>

#### ۴- بیانیه رهبر فتنه، و اعلام رمز آشوب:

در همین ایام شانزدهمین بیانیه موسوی نیز در تاریخ ۸۸/۹/۱۵ صادر گردید. بیانیه‌ای که قلمی مشابه به بیانیه‌های پیشین موسوی داشت و تلاش می‌کرد تا با ادبیاتی به ظاهر

<sup>۱</sup> سایت محسن سازگارا، متن پیاده شده برنامه گفتگوی روزانه روز جمعه ۱۳ آذر ۱۳۸۸.

<sup>۲</sup> سایت محسن سازگارا، متن پیاده شده برنامه گفتگوی روزانه روز شنبه ۱۴ آذر ۱۳۸۸.

<sup>۳</sup> سایت آینده، ۸۸/۹/۱۴، کد خبر: ۱۵۹۶۶.

خیرخواهانه، تخریب نظام اسلامی و اهداف کودتای مخملین را دنبال نماید. بیانیه موسوی با دفاع از جایگاه جنبش دانشجویی و نقش آن در تحولات اجتماعی و پیوند دانشجو و ملت آغاز می‌شود، اما نتیجه‌ای که از این صغری و کبری می‌گیرد، گزاره باطلی است که به متهم کردن مسئولین نظام اسلامی ختم می‌شود. وی می‌نویسد:

«جنبش دانشجویی در تاریخ معاصر ما همواره حاوی گزارش‌هایی از شکل‌گیری جریان‌های عمیق سیاسی و اجتماعی در متن جامعه بوده است. این نقشی است که اگر حاکمان با درایت برخورد می‌کردند می‌توانست و می‌تواند برای عبور کم‌هزینه به سمت توسعه و پیشرفت بیشترین بهره‌ها را برساند، اما آنان خشمگینانه این نشانگر ذی‌قیمت را می‌شکنند؛ آنان دوست دارند به خود تسلی دهند که حرکت‌های دانشجویی جز غوغای چند جوان پرسروصدا نیستند که اگر خاموش شوند صورت مسئله از اساس پاک خواهد شد»

"دن کیشوت" فتنه سبز که همه را جز خود به دروغ‌گویی متهم می‌کند، خوب بود که بار دیگر رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی را مرور می‌کرد تا معلوم گردد چه کسی به دانشجو و دانشگاه اعتماد کامل دارد. کسی که جنبش نرم‌افزاری و جنبش عدالت‌خواهی را بر محوریت جنبش دانشجویی بنا می‌گذارد و آنان را افسران بزرگ انقلاب در برابر جنگ نرم دشمن معرفی می‌کند، می‌تواند به این گزاره که "حرکت‌های دانشجویی جز غوغای چند جوان پرسروصدا نیستند"؟! معتقد باشد؟ بی‌شک اگر کسی صادقانه مدعی حمایت از جنبش دانشجویی در کشور باشد به این مسأله اعتراف خواهد کرد که رهبری همواره در صدر حامیان جنبش دانشجویی بوده است.

آقای موسوی که خود سالهای متمادی در شورای عالی انقلاب فرهنگی حاضر بوده و از مواضع رهبر انقلاب در حوزه فرهنگ و دانشگاه اطلاع کامل دارند، نباید این چنین ناجوانمردانه و وقیحانه در مورد مسئولین نظام اسلامی نظر دهند. ملت فراموش نکرده است روزگاری را که برخی از حامیان امروز موسوی، آنگاه که بر مسند قدرت تکیه زده بودند، چنان فضای تنگی برای دانشگاه ترسیم می‌کردند که رهبری به صدا آمد و فریاد زد: «بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما، شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتی دانش‌آموزان مدارس، روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ باشد! خدا لعنت کند آن

دست‌هایی را که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند. کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند، مسائل سیاسی دنیا را نمی‌فهمند، جریان‌های سیاسی دنیا را نمی‌فهمند و تحلیل درست ندارند. مگر چنین کشوری می‌تواند بر دوش مردم، حکومت و حرکت و مبارزه و جهاد کند؟! بله؛ اگر حکومت استبدادی باشد، می‌شود. حکومت‌های مستبد دنیا، صرفه‌شان به این است که مردم سیاسی نباشند؛ مردم درک و تحلیل و شعور سیاسی نداشته باشند. اما حکومتی که می‌خواهد به دست مردم کارهای بزرگ را انجام دهد؛ نظام را می‌خواهد با قدرت بی‌پایان مردم به سر منزل مقصود برساند و مردم را همه چیز نظام می‌داند، مگر مردمش - بخصوص جوانان، و بالخصوص جوانان دانشجویی - می‌توانند غیر سیاسی باشند؟! مگر می‌شود؟! عالم‌ترین عالم‌ها و دانشمندترین دانشمندان را هم، اگر مغز و فهم سیاسی نداشته باشند، دشمن با یک آبنبات تُرش می‌تواند به آن طرف ببرد؛ مجذوب خودش کند، و در جهت اهداف خودش قرار دهد! این نکات ریز را، باید جوانان ما درک کنند.» (۷۲/۸/۱۲)

این در حالی بود که موسوی در آن روزگاران سکوت کامل اختیار کرده و عافیت طلبانه فعالیت‌های هنری! خود را دنبال می‌کرد و به تازگی نیز حمایت خود را از آن دوران اعلام نموده است. حال چگونه است که وی سینه چاک دانشجویی شده و خواستار به رسمیت شمردن دانشجویان توسط مسئولین نظام اسلامی است!

ارائه تفسیرهای خیالبافانه در ادامه بیانیه موسوی نیز قابل توجه است. در بخشی از این تحلیل‌ها که معلوم نیست مبتنی بر کدام مستندات ارائه می‌گردد آمده است: «چه تلخ است اگر پس از این همه عبرت‌های دور و نزدیک مشابه این خطا هنوز در رفتار کسانی دیده شود؛ آنهایی که اصرار دارند بگویند مردم دیگر ساکت شده‌اند و فقط دانشجویان مانده‌اند؛ در دانشگاه‌ها هم فقط تهران ناآرام است، از تهران هم فقط دانشگاه‌های مادر هیاهو می‌کنند، آنجا هم کانون جنبش و جوشش، چند نفر جوان غریبند که اگر آنها را به اخراج از خوابگاه و محرومیت از تحصیل تهدید و محکوم کنیم داستان تمام می‌شود.»

چه کسی خواسته که ملت در صحنه نباشند! اگر نظام خواستار حضور ملت در صحنه نبود هیچگاه شخص اول آن "مشارکت حداکثری" را به عنوان راهبرد اساسی



تمامی انتخاباتها بعد از انقلاب مورد تاکید قرار نمی داد. و اگر حضور حداکثری نبود، حماسه ۳ تیرماه ۱۳۸۴ و ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، به وقوع نمی پیوست! این خیالبافیها برخاسته از این باور غلط جریان دوم خرداد بود که در صورت مشارکت حداکثری مردم و آنچه آراء خاکستری می خواندند، این جریان دوم خرداد است که پیروز میدان خواهد بود! لذا جریان اصولگرا همواره از حضور ملت در صحنه واهمه دارد! در حالی که طبل رسوایی این ادعا خیلی وقت است که به صدا در آمده است.

فراز پایانی این بیانیه که به حوزه های دیگری غیر روز دانشجو نیز پرداخته است، عبارت مهمی است که از آن می توان به عنوان "رمز آشوب در ۱۶ آذر" یاد کرد. آنجا که موسوی چنین می نویسد:

«برادران ما! اگر از هزینه های سنگین و عملیات عظیم خود نتیجه نمی گیرید شاید صحنه درگیری را اشتباه گرفته اید؛ در خیابان با سایه ها می جنگید حال آن که در میدان وجدان های مردم خاکریزهایتان پی در پی در حال سقوط است. ۱۶ آذر دانشگاه را تحمل نمی کنید. ۱۷ آذر چه می کنید؟ ۱۸ آذر چه می کنید؟ چشمانی را که در صحن دانشگاه به رزمایش های بی فایده افتاده و آنها را نشانه ترس یافته چگونه تسخیر می کنید؟ اصلاً همه دانشجویان را ساکت کردید؛ با واقعیت جامعه چه خواهید کرد؟»

پیگیری اغتشاشات در دانشگاه ها که تا روز چهارشنبه (۱۸ آذر) ادامه یافت، حکایت از آن است که در ورای متن به ظاهر روشنفکرانه این بیانیه، ظرافتهای امنیتی و پالس های توطئه گرانه نیز وجود دارد و نویسنده بیانیه تلاش دارد تا به بدنه دانشجوی فتنه سبز این پیام را مخابره کند که برای سهم خواهی بیشتر اغتشاشات خود را تا ۱۸ آذر در دانشگاهها ادامه دهند.

#### ۵- بانگ نفاق:

خط نفاق که از همه ابزارها برای تحقق اهداف خود بهره می گیرد تلاش نمود تا با تبلیغات گسترده ای اندک هواداران خود را راضی کند تا در شب عید غدیر (۱۴ آذر) و شب ۱۶ آذر به پشت بام رفته و فریاد الله اکبر سر دهند. صداهایی که در چند روز اول کودتای مخملین تنها در برخی مناطق خاص شهر پایتخت به طور پراکنده شنیده شد و البته مدتهاست از آن خبری نیست. در این شرایط بود که اطلاعیه ها و بیانیه های متعددی در وبلاگها و سایتهای ضدانقلاب منتشر شد و با این اقدام تلاش کرد

تا فتنه سبز را حامی ولایت و امامت و محب اهل بیت (ع) معرفی کند. در یکی از این نمونه ها آمده است:

«اما ملت سبز نهاد ایران نخواهد گذاشت عید غدیر خم که تجلی ولایت مداری اصیل و راستین است به دست کسانی که از ولایت مداری جز هتاکی و زورگویی و حق کشی چیزی نیاموخته‌اند مصادره شود و به خوراک تبلیغاتی رسانه ضد ملی بدل گردد.

کودتاگران سرخ به ما صلح جویان سبز، دشنام می‌دهند و ما پاسخ آنها را با فریادهای الله اکبرمان در شب عید غدیر خم خواهیم داد. آنها ما را اموی خطاب می‌کنند حال آنکه ما مردم ایران پاسخ آن‌ها را با فریادهای یا علی و یا حسین خواهیم داد. این همان مسیر سبزی است که از چهارراه اخلاق و سعه صدر می‌گذرد. ما را با هتاکی و تندروی سری نیست و به همین دلیل است که شعار الله اکبر را برای خود برگزیده‌ایم.

الله اکبر خواهیم گفت تا بدانند که ما مردم مسلمان ایران همچنان زنده‌ایم و از ریا و شرک و سجده بر غیر خدا بیزاریم. الله اکبر خواهیم گفت تا بدانند که این نهضت سبز ماست که علوی است، نه رنگ‌های دروغین و تقلبی متقلبان.»<sup>۱</sup>

#### ۶- تلاش برای همراه نمودن اساتید:

حربه دیگر فتنه‌گران و جریانهای دانشجوی همسو با ایشان، تلاش برای همراه کردن اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاهها با جریان فتنه سبز بود. در این بین رایزنی‌ها و اقدامات مختلفی در دانشگاهها صورت پذیرفت که به عنوان نمونه می‌توان به نامه سرگشاده "جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران (پلی تکنیک)" به اساتید این دانشگاه اشاره نمود که از آنها خواسته شده بود تا با دانشجویان در روز ۱۶ آذر همراهی نمایند. در این نامه آمده است:

«اساتید محترم پلی تکنیک؛ بی‌تردید، سالهاست که به عنوان قلب تپنده جنبش دانشجویی ایران شناخته می‌شویم. جامعه آگاه و هوشیار ما که بیش از ۶ ماه است که بپاخاسته است، چشم به پلی تکنیک تهران دوخته است. و در هر لحظه منتظر است تا خبری از مادر دانشگاه های صنعتی کشور بشنود تا آگاهی کسب کند و شوق و نشاط را به بدنه خود منتقل کند...»

<sup>۱</sup> <http://mowjcamp.com/article/id/70598>

اساتید محترم؛ شاگردان شما در پلی تکنیک تهران، با توکل به لطف و عنایت پروردگار همراه و هماهنگ با سایر دانشجویان کشور، قصد دارند تا ۱۶ آذر امسال را با شور و نشاط بیشتر گرامی بدارند. تعطیلی کلیه کلاسهای دانشکده‌ها و دانشگاه در روز دوشنبه ۱۶ آذر ۸۸ امری ابتدایی و لازم است. تا حداقل در شرایط سخت امنیتی که از سوی مدیریت و حراست دانشگاه اعمال می‌شود، بتوانند صدای اعتراض و صدای همراهی خود را به ملت بزرگ ایران برسانند. حال همراهی و همکاری شما بزرگواران، گامی بلند برای اصلاح کشور و رسیدن به آرمانهای بلند جنبش سبز ملت ایران است. به نمایندگی از کلیه دانشجویان، تعطیلی کلیه کلاسهای درس پلی تکنیک در اعتراض به پایمال شدن حق ملت در تعیین سرنوشت خود، بازداشت‌های غیرقانونی و حبس‌های انفرادی دانشجویان، محرومیت از تحصیل دانشجویان، ستاره شدن آنان، اعلام می‌کنیم. همکاری و همیاری شما را می‌خواهیم و از شما عزیزان دعوت می‌کنیم تا در تجمع مسالمت آمیز دانشجویان پلی‌تکنیک در روز ۱۶ آذر همراه با دانشجویان فهیم پلی تکنیک در صحن دانشگاه حضور بهم رسانید و فریاد آزادی و استبدادستیزی را همراه یکدیگر در دانشگاه طنین انداز کنیم.<sup>۱</sup>

این قبیل اقدامات نیز خوشبختانه ناکام ماند و علی‌رغم تلاش این جریان اساتید دانشگاه نه تنها در صف فتنه‌گران حاضر نشدند بلکه در تجمعات دانشجویان بسیجی دانشگاهها و اساتید برجسته و اعضای هیئت علمی دانشگاهها نیز در دفاع از نظام اسلامی حضوری پررنگ داشتند.

#### ۷- برگزاری نشستها و تجمعات در خارج از کشور:

تلاش برای برگزاری تجمعات و نشستهای مختلف در بیرون از کشور و در میان بخش خارج نشین فتنه سبز نیز از دیگر اقدامات طرح ریزی شده برای روز ۱۶ آذر بود. این قبیل تجمعات که اغلب توسط اعضای ثابت و کادر گروهکهای ضدانقلاب منافقین و سلطنت طلبان و ... پر می‌شود، هرچند با حضور بسیار محدود و چند نفره این افراد برگزار می‌گردد، اما با چنان حجم بالایی تبلیغ می‌شود که گویا میتینگ چندصدنفره و تاثیرگذاری در حال برگزاری است!

<sup>۱</sup> "نامه سرگشاده جمعی از فعالین دانشجویی دانشگاه صنعتی امیرکبیر ..."، سایت خبرنامه امیرکبیر، ۸۸/۹/۱۱

به عنوان نمونه "شبکه‌ی جوانان ایرانی در برلین جمعیت پشتیبانی از مبارزات دموکراتیک مردم ایران" با صدور اطلاعیه‌ای از برگزاری نشستی با عنوان "بحث و گفتگو درباره جنبش دانشجویی در ایران" با حضور میترا خلعتبری (روزنامه نگار)، مینا خانی (فعال دانشجویی)، پویان محمودیان (فعال دانشجویی)، و ف. تابان (سردبیر سایت خبری "اخبار روز") خبر داد.<sup>۱</sup>

#### ۸- بزرگنمایی:

از اقدامات دیگر این جریان برای موفقیت در فتنه گری روز ۱۶ آذر، بزرگنمایی هواداران در بین دانشجویان بود. بزرگنمایی که با دروغ پراکنی و شمارش غیرواقعی توأم بود. به عنوان نمونه سایت فتنه گر ادوار تحکیم، که محفل ضدانقلابیون فارغ التحصیل شده دفتر تحکیم وحدت می‌باشد، در خبری چنین می‌نویسد:

«بیش از ۳۰۰۰ دانشجوی دانشگاه تهران علی‌رغم همه فشارهای نهادهای نامشروع قدرت و فضای امنیتی حاکم بر دانشگاه طوماری تهیه و در آن از دو رهبر اصلی جنبش سبز دعوت کرده‌اند تا در روز ۱۶ آذر با حضور در مقابل دانشکده فنی دانشگاه تهران، یادگاه آن ۳ آذر در خون افتاده به گلوله کودتاچیان سال ۳۲، با حمایت از دانشجویان و جنبش ریشه دار دانشجویی و با توجه به پیوند اعتراضات به نتایج انتخابات با روز دانشجوی سال ۸۸ بر مواضع پیشین خود صحنه گذارند و بار دیگر ایستادگی و اعتراض خود را در برابر استبداد اعلام نمایند... دانشجویان جمع آوری کننده امضاها گفته‌اند که بیش از ۹۰ درصد دانشجویان خواهان حضور کروی و موسوی در دانشگاه تهران هستند ولی محدودیت‌های موجود مانع از جمع‌آوری امضاء از همه دانشجویان شده است.»<sup>۲</sup>

در روز ۱۶ آذر نیز ارائه اخبار دروغ و وارونه که به صورت لحظه به لحظه مخابره می‌شد در دستورکار تیم رسانه فتنه گران قرار داشت و این در حالی بود که آنچه در کف دانشگاه در حال جریان بود از حقیقت دیگری خبر می‌داد. نمونه‌ای از این دروغ پراکنی لحظه به لحظه را می‌توان در سایت سازمان مجاهدین خلق (منافقین) مشاهده نمود. این سایت در روز ۱۶ آذر به شدت فعال بود، و با اخبار دروغ خود که به ظاهر

<sup>۱</sup> "بزرگداشت شانزده آذر در برلین"، سایت اخبارروز، ۸۸/۹/۱۱.

<sup>۲</sup> "دعوت بیش از ۳ هزار دانشجوی دانشگاه تهران از موسوی و کروی ..."، سایت ادوارنیوز، ۸۸/۹/۱۰.

لحظه به لحظه از خیابانهای تهران گزارش می‌شد (بخوانید ساخته می‌شد!) تلاش داشت تا مخاطب کم تعداد خود را شارژ نماید. به نمونه‌هایی از این اخبار دروغ این گروهک مرتد که امروز به صف حامیان موسوی و کروی پیوسته‌اند توجه کنید:

خبر اول: «ستاد اجتماعی مجاهدین در داخل کشور از گسترش تظاهرات دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف تهران خبر داد. ساعت ۱۱ و سی دقیقه بیش از ۵۰۰ نفر از دانشجویان در سمت پایین درب دانشگاه تجمع کرده و شعار مرگ بر دیکتاتور سر می‌دهند. ستاد اجتماعی مجاهدین در داخل کشور هم‌چنین خبر داد در خیابان ولیعصر تهران مردم تجمع کردند و شعار می‌دهند، ایرانی با غیرت حمایت حمایت و مرگ بر دیکتاتور. مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی در ولیعصر به تظاهر کنندگان حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند.»<sup>۱</sup>

خبر دوم: «ستاد اجتماعی مجاهدین در داخل کشور: دانشجویان دانشگاه اراک، عکس گماشته ولی فقیه را به آتش کشیدند. ستاد اجتماعی مجاهدین در داخل کشور خبر داد ساعت ۱۱ و ۱۵ دقیقه امروز دانشجویان دانشگاه اراک، عکس ... احمدی‌نژاد را به آتش کشیدند. بنابه خبر دیگری، دانشجویان کلاس زبان انگلیسی دانشگاه اراک شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. مأموران سرکوبگر حراست در تمامی نقاط دانشگاه به حالت آماده‌باش درآمده‌اند.»<sup>۲</sup>

## آنچه در ۱۶ آذر ۱۳۸۸ اتفاق افتاد

در حالی که رسانه‌های اپوزیسیون تلاش گسترده‌ای را برای ایجاد هماهنگی مخالفین در دانشگاه‌های کشور به کار بسته بودند، آنچه در روز ۱۶ آذر به وقوع پیوست خط بطلانی بر آخرین تلاش فتنه گران در ایجاد آشوب در دانشگاهها بود. در این روز تجمع پرشمار و چندبرابری دانشجویان دانشگاه‌های اصلی تهران مانع ایجاد ناآرامی در این دانشگاه‌ها شد.

<sup>۱</sup> "تظاهرات دانشجویان دانشگاه شریف و گسترش تظاهرات در خیابان ولیعصر"، سایت سازمان مجاهدین خلق، ۸۸/۹/۱۶.

<sup>۲</sup> "دانشجویان دانشگاه اراک، عکس گماشته ولی فقیه را به آتش کشیدند"، سایت سازمان مجاهدین خلق، ۸۸/۹/۱۶.

به گزارش خبرگزاری‌ها، در حالی که برخی رسانه‌های وابسته به جریان اغتشاش با انتشار اخبار ضد و نقیض می‌کوشیدند تا جو حاکم بر دانشگاه‌ها را در روز دانشجو متشنج کنند، اخبار ارسالی خبرنگاران از سطح دانشگاه‌های تهران، شریف، امیرکبیر و علم و صنعت حکایت از ۱۶ آذر متفاوتی دارد. دانشجویان مخالف که از چندی پیش با حمایت تبلیغاتی گسترده رسانه‌های اپوزیسیون خود را برای برگزاری تجمعاتی در محیط دانشگاه آماده کرده بودند، پیش از آنکه برنامه‌های خود را اجرا کنند با جمعیت پرشمار دانشجویان مدافع نظام روبرو شدند.

نکته مهم در اتفاقات دانشگاه‌ها آن بود که به دنبال تمهیدات نیروهای حراست دانشگاه‌های مهم تهران، وزن واقعی دانشجویان مخالف به معرض نمایش درآمد. این مهم پس از آن مشخص شد که حراست دانشگاه‌ها از صبح روز ۱۶ آذر از ورود افرادی به جز دانشجویان به داخل دانشگاه‌ها جلوگیری به عمل آورده بودند.

۱- دانشگاه تهران: گزارش خبرنگاران حکایت از تجمع‌های ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفره مخالفین در مقابل اجتماع ۴۰۰۰ نفره دانشجویان اصولگرا داشت. در دانشگاه تهران و پس از پایان یافتن مراسم ۱۶ آذر با سخنرانی رحیم پور ازغدی و صفار هرنیدی، دانشجویان اقدام به برگزاری راهپیمایی ۴۰۰۰ نفری در محوطه این دانشگاه کردند. دانشجویان شعار می‌دادند: "خونی که در رگ ماست، هدیه به رهبر ماست"، "منافق حیا کن دانشگاه را رها کن"، "انگلیس حیا کن دانشگاه را رها کن"، "انگلیس حیا کن کروی را رها کن"، "آزادی اندیشه با بادکنک (سبز) نمی‌شه".

در این راهپیمایی، دانشجویان پوستری که در آن عکس‌های موسوی، مریم رجوی، مسعود رجوی، شیرین عبادی و برخی سران صهیونیست و سلطنت طلب در کنار هم قرار داده شده بود را با تکرار شعار "مرگ بر منافق" به آتش کشیدند. دانشجویان اعلام کردند، حاضرند برای ساعت‌ها و روزهای متمادی در صحن دانشگاه حاضر شوند، تا منافقین مجال ایجاد فتنه در دانشگاه را نداشته باشند.

در مقابل نیز دانشجویان طیف‌های مختلف ضدانقلاب از طیف علامه تحکیم، مارکسیست‌ها، لیبرال‌ها، جریانات دموکراسی خواه و جریانات قومی که در سالیان اخیر همواره اختلافات و درگیری‌های بسیار جدی در بین آنها وجود داشت، امسال بصورت هماهنگ و متحد، اقدام به تجمع و سردادن شعار در دانشگاه تهران کردند. در میان این

دانشجویان، تعداد زیادی از دانشجویان افراطی دانشگاه‌های علامه، امیرکبیر و شریف نیز دیده می‌شوند.

۲- دانشگاه امیرکبیر: دانشجویان مخالف در دانشگاه امیرکبیر که تعدادشان در حدود ۱۵۰ نفر بود نیز در مقابل ساختمان ابوریحان این دانشگاه ابتدا تجمع کردند و لحظاتی بعد به قصد ضرب و شتم برخی دانشجویان به آنان حمله کردند، اما با تجمع بیش از ۳۰۰ نفر از دانشجویان این دانشگاه در این محل مواجه شدند. جمع سیصد نفره مذکور سپس با بیان شعارهایی، اقدامات خشونت طلبانه این دسته را محکوم کردند. دانشجویان انقلابی در این تجمع، شعارهای "مرگ بر منافق" و "الله اکبر، خامنه‌ای رهبر"، را تا متفرق شدن کامل مخالفین ادامه دادند.

از حوادث جالب توجه در این دانشگاه دستگیری "مجید توکلی" دانشجوی افراطی دانشگاه امیرکبیر بود، که روز ۱۶ آذر در دانشگاه امیرکبیر با جسارت خاصی در میان دوستان خود مشغول هتک حرمت و توهین به مقدس‌ترین ارکان نظام بود. وی که به دلیل ضعف علمی و مشروطی پی در پی از دانشگاه اخراج شده است، عامل اصلی فتنه گری در این دانشگاه بود که بطور مخفیانه وارد دانشگاه شده و هنگامی که تلاشهای وی برای به آشوب کشیدن دانشگاه با هوشیاری دانشجویان با شکست مواجه شد، برای خروج از دانشگاه در یک اقدام عجیب، با آرایش و لباس زنانه آماده فرار از دانشگاه شد. او که همانند زنان محجبه، مانتو به تن کرده و مقنعه و چادر به سر داشت و حتی یک کیف زنانه را نیز برای محکم کاری به دوش انداخته بود، در رسیدن به هدف خود ناکام ماند و توسط مامورین امنیتی دستگیر شد.

در حالی که عکس‌های توکلی در بسیاری از تجمعات دانشجویان افراطی به عنوان نماد "مقاومت جنبش دانشجویی" در میان تجمع‌کنندگان توزیع می‌شد، مشخص نیست از این پس آیا عکس او در لباس زنانه هم در تجمعات کاربرد خواهد داشت یا نه؟!

۳- دانشگاه صنعتی شریف: بیش از ۲۰۰ نفر از دانشجویان با سردادن شعارهای مرگ بر آمریکا، الله اکبر، مرگ بر منافق، دانشجویان می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد، در مقابل گروهی از دانشجویان که تعداد آنها را کمی بیش از ۱۰۰ نفر ارزیابی کرده‌اند، تجمع کردند.

مطابق این گزارش، حضور چندصد نفره این دانشجویان باعث شد که به تدریج از تعداد آشوب طلبان که برخی سران آنها را اخراجی‌های سالهای گذشته این دانشگاه و دانشگاه امیرکبیر شکل داده‌اند، کم شود.

این گزارش حاکی است که پس از تقابل دانشجویان با شعارهای ضدانقلابی مخالفین، آنها ترجیح دادند تا تنها علیه دولت و انتخابات شعار بدهند. با این حال این دسته از دانشجویان افراطی تلاش کردند تا با ایجاد درگیری، جمع و شعارهای خود را به بیرون از دانشگاه هدایت کنند که البته موفق نشدند.

۴- دانشگاه علم و صنعت: بیش از ۶۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت هم در مقابل تعداد نزدیک به یکصد و پنجاه نفره دانشجویانی که تلاش می‌کردند با حرکت به سمت درب اصلی دانشگاه فضای دانشگاه را هیجانی کنند و مردم خارج از دانشگاه را به استمداد بطلبند، شعارهای اعتراض آمیز سر دادند. مخالفین که لباس های سبز بر تن داشتند شعارهایی علیه بسیج سر دادند. با این حال جمع ۶۰۰ نفره دانشجویان با فرا رسیدن ظهر، "نماز وحدت" خوانده و سپس پرچم آمریکا را آتش زدند.

آنها سپس در مقابل جمع کمتر از دویست نفره‌ای که جلوی در اصلی دانشگاه ایستاده بودند به تکرار شعارهای "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر منافق"، دانشجوی می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد" پرداختند.

### حوادث خارج از دانشگاه

از خارج دانشگاه خبرها از درگیریهای پراکنده در برخی نقاط در اطراف میدان انقلاب حکایت داشت. اغتشاشگران چندین نقطه از خیابانهای اطراف دانشگاه تهران را به آشوب کشانده و در نقاطی همچون تقاطع خیابان جمهوری با خیابان دانشگاه و یا میدان ولیعصر(عج)، چند دستگاه موتور سیکلت و سطل زباله را به آتش کشیدند.

همچنین جمع دیگری از فتنه گران به تحریک فائزه هاشمی از مقابل سردر دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات به سمت میدان پونک به راه افتادند، که با حضور نیروهای انتظامی متفرق شدند.

از نکات قابل تأمل که ماهیت فتنه گران حامی موسوی و کروبی را به خوبی آشکار می‌سازد، انتشار خبر اهانت به ساحت مقدس حضرت امام(ره) بود. در حاشیه برگزاری مراسم روز دانشجو در دانشگاههای کشور، تصاویری در برخی از رسانه‌های ماهواره‌ای نشان داده شد که در آن حامیان خیابانی موسوی اقدام به پاره کردن و آتش زدن تصاویری از امام خمینی(ره) کردند.



این تصاویر که روز گذشته با استقبال رسانه‌های ضد ایرانی دیگر همراه شده بود، بارها و بارها از شبکه‌های انگلیسی و سعودی از جمله "العربیه" پخش شد و تبدیل به بیت الغزل این رسانه‌ها در گزارش‌هایشان از تهران شده بود.

کینه‌ورزی نسبت به بنیانگذار جمهوری اسلامی و آتش زدن تصاویر رهبر کبیر انقلاب در حالی از سوی طرفداران مهندس موسوی صورت گرفته است که وی همواره در شعارهای خود تا قبل از انتخابات ادعای تداوم راه امام خمینی (ره) را مطرح می‌کرد.<sup>۱</sup>

همچنین پس از ناکام ماندن اغتشاشگران در روز ۱۶ آذر، روز سه شنبه ۱۷ آذر نیز دانشگاه تهران شاهد صف‌آرایی دانشجویان ولایی و فتنه انگیزان سبزپوش بود و طرفداران موسوی تلاش تازه‌ای را برای ایجاد اغتشاش در دانشگاه تهران آغاز کردند.

پیگیری اغتشاشات در دانشگاه‌ها که فردا و پس فردای روز دانشجو نیز ادامه داشت، در حالی صورت گرفت که موسوی رمز این اغتشاشات را در بیانیه آخر خود به مناسبت روز دانشجو صادر کرده بود، آنجا که وی تاکید داشت: «۱۶ آذر دانشگاه را تحمل نمی‌کنید. ۱۷ آذر چه می‌کنید؟ ۱۸ آذر چه می‌کنید؟»

## حمایت غرب از فتنه گران ۱۶ آذر

حمایت دوباره سران کشورهای غربی از فتنه گران بار دیگر ماهیت این جریان را برای همگان آشکار نمود. وزیر خارجه انگلیس در پی تجمع روز گذشته حامیان موسوی مقابل دانشگاه تهران، با مداخله‌ای آشکار در امور داخلی ایران، از این تجمع حمایت کرد.

به گزارش فارس به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی فرانسوی زبان "روماندی"، "دیوید میلیبند" در روز ۱۶ آذر در پی تجمع و تظاهرات جمعی از حامیان میر حسین موسوی در دانشگاه تهران، در ادعایی اعلام کرد: «ایران نباید تظاهرات کنندگان را سرکوب کند و ما از این بابت نگران هستیم.»

وی در ادامه اظهارات مداخله‌جویانه خود افزود: «آزادی بیان سیاسی ارزشی نهادی و اصولی است که هر دولتی باید به آن احترام بگذارد.»

وزیر خارجه انگلیس همچنین گفت: «ما از مقامات ایرانی می‌خواهیم که به آزادی و حقوق شهروندان خود احترام بگذارند.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> "حامیان موسوی چرا عکس امام خمینی (ره) را به آتش می‌کشند؟"، سایت رجانیوز، ۸۸/۹/۱۷.

"ایان کلی" سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با دلداری دادن به عناصر آشوب طلب گفت: «آنها بدانند صدایشان شنیده می شود و اقدامات سرکوبگرانه دولت ایران علیه مردمی که برای حقوق دموکراتیک تلاش می کنند از دید آمریکا پنهان نیست.»

وی همچنین قانون شکنی، فحاشی، تخریب مراکز اداری، ضرب و شتم دانشجویان انقلابی و... را اعتراض مسالمت آمیز توصیف کرد و مدعی شد: «برخورد با این حرکت‌ها بی‌اعتنایی به حقوقی است که در قانون اساسی ایران گنجانده شده است.»<sup>۱</sup>

همچنین باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا نیز در آخرین اظهارات خود در مراسم دریافت جایزه صلح نوبل که کاخ سفید پیشاپیش گزیده آن را منتشر کرد، از تظاهرکنندگان ایرانی ستایش نموده و اظهار داشت: «آمریکا همیشه در کنار کسانی که به دنبال آزادی هستند خواهد ایستاد، از جمله در ایران، میانمار و زیمبابوه.»

وی افزود: «ما به عزت خاموش اصلاح طلبانی همچون آنگ سائنگ سو کی، شجاعت زیمبابوه ای هایی که رأی خود را در مقابل ضرب و جرح به صندوق انداختند و صدها هزار نفری که ساکت در خیابان های تهران راهپیمایی کرده اند، گواهی می دهیم... این مسوولیت تمام مردم و ملت های آزاد است که برای این جنبش ها روشن سازند که امید و تاریخ در کنار آنها است.»<sup>۲</sup>

## واکنش مردم به توهین به حضرت امام و سقوط فتنه

از واکنش مردم چیزی گفته نشده

اقدام توهین آمیز هوادارن فتنه سبز و پاره کردن تمثال مبارک بنیانگذار جمهوری اسلامی در حالی در روز ۱۶ آذر صورت گرفت که پیش از آن آرمانهای حضرت امام(ره)، بارها در قول و عمل سران فتنه سبز مورد هتک قرار گرفته بود.

مخالفت با اصول صریح قانون اساسی و بی اعتبار دانستن نهادهای قانونی کشور، ایجاد اختلاف و دودستگی در جامعه و رو در رو قرار دادن مردم، ایجاد ناامنی و دعوت به اغتشاشگری و حمایت از آشوبگران، اقدام علیه امنیت ملی و همسویی با بیگانگان و

<sup>۱</sup> "حمایت وزیر خارجه انگلیس از حامیان موسوی"، سایت رجانیز، ۸۸/۹/۱۷.

<sup>۲</sup> "انگلیس و آمریکا سنگ پا را هم از رو بردند"، سایت جهان نیوز، ۸۸/۹/۱۸.

<sup>۳</sup> "به عزت خاموش اصلاح طلبان در خیابان های تهران گواهی می دهیم"، سایت رجانیز، ۸۸/۹/۱۹.

حرکت در قالب سناریوی کودتای مخملین، ایستادگی در برابر رهبری انقلاب و حکم صریح ولایت مطلقه فقیه، همراه شدن با مطرودین حضرت امام(ره) چون شیخ ساده لوح مخلوع امام، همراه شدن با معاندین حضرت امام(ره) و دشمنان انقلاب اسلامی چون گروهک منافقین و سلطنت طلبان نیز فهرست سیاه مخالفت‌های عملی سران فتنه سبز با سیره و آرمانهای بزرگمردی است که این افراد خود را متصف به آن می‌دانند و خود را "خط امامی" می‌خواندند.

### تکذیب به جای محکومیت

نکته قابل توجه عکس العمل سران فتنه و رسانه‌های حامی به اهانت به تمثال حضرت امام(ره) بود.

قائم مقام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره) در نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان صداوسیما به جای محکومیت اهانت به امام(ره)، روشنگری رسانه ملی را در خصوص هتکان محکوم کرد. او در نامه خود نوشته بود: «علی رغم آن که این روزها بعضاً شعارهای ساختارشکنانه دیگری با کمال تأسف مطرح شده اما هتک حرمتی نسبت به ساحت امام خمینی(ره) گزارش نشده است!» و ادامه داد «هیچ یک از شبکه‌های خارجی و رسانه‌های دیداری و نوشتاری - علی ما نقل - چنین مطلبی را انعکاس نداده اند!»<sup>۱</sup>

این در حالی بود که شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی بیگانه، مخصوصاً شبکه‌های آمریکایی و اسرائیلی با ذوق زدگی فیلم پاره کردن تصویر حضرت امام(ره) را که به طور جداگانه از سوی خبرنگاران خود تهیه کرده اند، در چند نوبت پخش کرده و برای طرفداران سبز اموی هورا کشیدند. به عنوان مثال، شبکه تلویزیونی «العربیه» وابسته به عربستان سعودی هر چند ساعت یک بار فیلم یاد شده را پخش می‌کرد و به افتخار! سران فتنه و حامیان آنها کف می‌زد!

البته علی‌داری، قائم مقام صداوسیما در پاسخ حمید انصاری تأکید کرد: «آگاه باشید که متأسفانه این حادثه واقعی است و با کمال تأسف بسیار از شبکه‌های تلویزیونی بیگانه تصاویر و گزارش‌های مشروح‌تری را در این خصوص با آب و تاب پخش کرده‌اند.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۹/۲۱

<sup>۲</sup> - خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۹/۲۱

مهدی کروی نیز به جای محکوم کردن رفتار معترضان در پاره کردن عکس امام(ره)، فیلم‌هایی که از وقایع ۱۶ آذر از صدا و سیما پخش شده را، مونتاژ دانست و برخی مجموعه‌های خبری صدا و سیما را به "تفرقه پراکنی و توهین مسلم و میرز به امام" متهم کرد. کروی در این نامه که در سایت منتسب به او منتشر شده، نوشت که «تصاویر مونتاژ شده‌ای از دانشجویان معترض نشان داده شد که این گونه استنباط می‌شد عکس‌های بنیانگذار انقلاب توسط این دانشجویان پاره و مورد تعرض قرار گرفته است.» دبیر کل حزب اعتماد ملی ترجیح داد که به جای محکوم کردن اقدام پیاده نظام فتنه در پاره کردن عکس امام، سردادن شعار علیه نظام و ابراز براهت از سران رژیم صهیونیستی و غربی، تجمعات غیرقانونی گروه سبز را "اعتراضات واقعی و حقیقی مردم" نامیده و بگوید که برخی عامدانه به دنبال بد نام کردن این تجمعات و باز کردن راه برای جریان‌های افراطی هستند.<sup>۱</sup>

سایت اینترنتی بی.بی.سی که به همراه شبکه ماهواره‌ای آن از چندین روز پیش از ۱۶ آذر با انتشار اخبار، گزارش و مطالب مغرضانه و جهت دار سعی در تغییر ماهیت روز دانشجو داشت و دانشجویان را به اغتشاش و آشوب دعوت می‌کرد، با انتشار عکس امام(ره) مطلبی را ذیل عنوان «انتقاد از پخش فیلم تلویزیونی اهانت به عکس آیت الله خمینی» منتشر کرد و از صداوسیما بخاطر پخش تصاویر اهانت حامیان موسوی به امام خمینی(ره) انتقاد کرد!<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری به تشریح علل این رویداد ناگوار (اهانت به امام توسط فتنه گران) پرداختند و به جریان فتنه هشدار دادند: «خب، اینها ایجاد فتنه می‌کند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود می‌کند. شعار طرفداری از قانون می‌دهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام می‌دهند. شعار طرفداری از امام می‌دهند، بعد کاری می‌کنند که در عرصه‌ی طرفداران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم می‌کنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم می‌گیرند؛ بر اساس آن تصمیم، عمل می‌کنند؛ تشویق می‌شوند علیه مصالح ملی،

<sup>۱</sup> - پایگاه اطلاع رسانی سحر نیوز، ۱۳۸۸/۹/۱۸

<sup>۲</sup> - کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۱

علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد می‌کند، همان فریب، همان غبارآلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) هست: «و لكن يؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فيمزجان فهنالک يستولى الشيطان على اوليائه»؛<sup>۱</sup> یک کلمه‌ی حق را با یک کلمه‌ی باطل مخلوط می‌کنند، حق بر اولیاء حق مشتبّه می‌شود. اینجاست که روشنگری، شاخص معین کردن، مایز معین کردن، معنا پیدا می‌کند.»

البته ملت مسلمان محکومیت هتاکان را رها نمی‌کرد. در این میان موج اعتراضات به پا خواسته، نه تنها اهانت‌کنندگان به تمثال امام(ره) را نشانه رفته بود، بلکه بیش از آن زمینه‌سازان این اقدام و هتاکان به اندیشه و آرمانهای امام راحل را محکوم می‌کرد. زمینه‌سازانی که مدعیان خط امام در فتنه سبز، در ردیف اول آن قرار داشتند.

اعلام راهپیمایی در سراسر کشور جهت اعلام انزجار ملی از توهین‌کنندگان به شخصیت درخشان تاریخ کشور و آرمانها و اندیشه‌های ایشان، فرصت مناسبی بود که این متهمان بخشی از عملکرد نامطلوب خود را از اذهان پاک نمایند و در مسیر همگرایی با ملت و نظام اسلامی قدم بگذارند. اما متأسفانه آخرین فرصت نیز برای این جریان از بین رفت و "تجدید بیعت باشکوه ملت با امامشان" در غیاب سران فتنه برگزار شد.

در حالی که در هوای سرد و بارانی آخرین جمعه پاییزی، میلیونها عاشق امام - که به احترام سیدشهادان(ع) و شاگرد خلفش خمینی کبیر(ره) پیراهن عزا بر تن داشتند - در سراسر کشور به خیابانها آمدند تا عمق نفرت و انزجار خود را نسبت به هتاکان به امام(ره) نشان دهند، بار دیگر این فتنه گران سبزپوش بودند که حاضر به همراهی با ملت نشدند.

حامیان خارج نشین فتنه سبز از جمله "محسن مخملباف" و "محسن سازگارا" که به شدت از حضور ملت در این حرکت نگران بودند از مردم خواستند در راهپیمایی روز جمعه شرکت نکنند. جمعی از هواداران این فتنه در وبلاگهای خود به صراحت نوشتند: «۱- خیلی ها مثل من اعتقادی به خمینی ندارن و کاری هم باهاش ندارن که بخوان بیان ازش حمایت کنن! ۲- هرچقدر هم که سبزه‌ها در این راهپیمایی حضور داشته باشن،

<sup>۱</sup> - نهج البلاغه، خطبه‌ی ۵۰: "و همواره پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل را در هم می‌آمیزند و در چنین حالی شیطان بر یاران خود مسلط می‌شود."

حکومت اونو مصادره میکنه و میگه اینا مخالف جنبش سبز هستن. ۳- تجربه نشون داده چند تظاهرات پشت سر هم انرژی رو یکمی کاهش میده پس بهتره به فکر تاسوعا و عاشورا باشیم. چون تاسوعا و عاشورا هم از لحاظ گستردگی و هم از لحاظ تاریخیچه سیاسی انقلاب خیلی پر اهمیت تره. ۴- باید محرم شروع بشه تا همه ی شرایط رو بتونیم خوب اسکن کنیم و بهترین تصمیم رو بگیریم. چون تجربه نشون داده در شرایط خیلی مهم جنبش سبز خیلی تیزهوشانه عمل میکنه.»<sup>۱</sup>

برخی دیگر از اظهارات حامیان فتنه سبز نیز به خوبی نشان می‌دهد که آنها از چه کسانی خط می‌گیرند: «در راهپیمایی ۲۷ آذر نباید شرکت کرد. به چند دلیل. ۱- این راهپیمایی را حکومت ترتیب داده است و تمام سو استفاده از این راهپیمایی را خواهد کرد. ۲- کروی و موسوی هنوز برای شرکت کردن اعلام آمادگی نکرده‌اند. آنها نمی‌توانند مستقیماً اعلام کنند که شرکت نکنید. عدم اعلام حضور به معنی قبول نداشتن این راهپیمایی است. ۳- مجید انصاری اعلام کرده که همچنان منتظر صدور مجوز برای مجمع روحانیون مبارز هستیم آنهم برای یک روز دیگر. ۴- کم بودن زمان برای اطلاع رسانی و عدم اطلاع رسانی از طرف سایت کلمه. ۵- گفته ی سازگارا مبتنی بر این که بهتر است کسی در این راهپیمایی شرکت نکند تا بتوان تمام زور و قدرت حکومت در برگزاری یک راهپیمایی نمایشی آنهم با به میان وسط کشیدن آقای خمینی را دید و حکومت و طرفدارانش به وضوح ببیند که هیچ جایگاه مردمی ندارد. در محرم و روزهای دیگر فرصت برای یک راهپیمایی میلیونی فراهم است.»<sup>۲</sup>

سران داخلی فتنه همچون مجمع روحانیون مبارز و موسوی و کروی نیز اعلام کردند که در روز جمعه در میان آحاد میلیونی ملت نخواهند بود. این جریان با بهانه تراشی خواستار برگزاری راهپیمایی مستقل در روز دیگری شدند!

اتخاذ چنین تصمیمی سؤالات متعددی را برای اذهان ملت ایجاد کرد. از جمله اینکه مدعیان خط امام چرا حاضر به حمایت خالصانه از امام(ره) نیستند؟ چرا حتی در حمایت از امام بدنبال فرصت طلبی برای تداوم فتنه سبز بوده و بدین منظور راهپیمایی

<sup>۱</sup> <http://bikhaneman-behnaz.blogspot.com/2009/12/27.html>

<sup>۲</sup> <http://joojetighi.wordpress.com>

مستقلی را خواهان می‌باشند؟ چرا در زمانی که حامیان آنها در دانشگاه تهران به ظاهر راهپیمایی در رفع اتهام از خود در اهانت به امام برگزار می‌کنند، نه تنها شعاری در دفاع از آرمانهای امام نمی‌دهند، بلکه فرصت طلبانه عکسهای شیخ شاده لوح مطرود امام را - که به پدر معنوی فتنه سبز مبدل گردید- بر دست می‌گیرند!

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در آخرین سخنانشان در دیدار با جمعی از روحانیون و مبلغین دینی در مورد این رفتار سران فتنه فرمودند: «من هیچ اعتقادی ندارم به دفع؛ من گفتم در نماز جمعه؛ اعتقاد من به جذب حداکثری و دفع حداقلی است؛ اما بعضی کانه خودشان اصرار دارند بر اینکه از نظام فاصله بگیرند.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - بیانات معظم له، ۸۸/۹/۲۲





# فصل یازدهم

## انتحارا!

بعد از شکست اقدامات فتنه گران در "طرح شعارهای انحرافی در روز قدس" و "به خیابان کشاندن هواداران در ۱۳ آبان"، روز ۱۶ آذر نیز با حضور قاطع دانشجویان انقلابی و تسخیر دانشگاه، به روز شکست فتنه گران سبزپوش تبدیل شد و مشخص شد که تنها پایگاه به ظاهر باقی مانده برای فتنه گران (دانشگاه) نیز مدتهاست توسط حامیان انقلاب اسلامی فتح گردیده است.

همچنین از سویی دیگر فضای ایجاد شده در جامعه ناشی از خشم و انزجار ملت نسبت به توهین کنندگان به ساحت مقدس حضرت امام خمینی (ره) که توسط حامیان فتنه گران سبزپوش صورت پذیرفت، این گروهک را در وضعیت بغرنجی قرار داده است. لذا تلاش برای خروج از انفعال و تغییر وضعیت افکار عمومی، به اولویت اول سران فتنه تبدیل گشت.

## پروژه محرم سبز!

در این شرایط پروژه از پیش تعیین شده "محرم سبز" که از هفته ها قبل در دستور کار این گروهک قرار داشت، از اهمیت دوچندانی برای آنها برخوردار شد و با تمام توان برای اجرای آن دست بکار شدند.

جریان مستاصل شده خط نفاق برای تداوم حداقل حیات خود این بار نیز استفاده ابزاری از دین را برگزیده و به ایام محرم الحرام به چشم فرصتی برای احیاء دوباره فتنه سبز بعد از شکست های پی در پی در ماه های گذشته می نگرد.

این خط نفاق که هدایت رسانه‌ای آن توسط محافل بیگانه و اپوزیسیون خارج از کشور (که همگی امروز در صف حامیان موسوی و کروبی در آمده‌اند)، صورت می‌پذیرد، از ابزار رسانه‌های صوتی و تصویری و سایتهای خبری و وبلاگهای وابسته استفاده کرده و این خط را تبلیغ می‌کنند.

به عنوان نمونه "محسن سازگارا" از سران خارج نشین فتنه سبز که مدتهاست به مزدور VOA آمریکایی مبدل گردیده، در برنامه "گفتگوی روزانه" خود در این شبکه درباره "پروژه محرم" می‌گوید: «اما نکته چهارمی که می‌خواستم بگویم مسئله محرم و تظاهرات تاسوعا و عاشورا است. فرصت کمی داریم بنابراین از امروز و فردا تا روز اول محرم اصل بحث ما غیر از یک مرور کوتاه روی خبرها روی آکسیون بزرگ محرم متمرکز خواهد شد. به هر حال آنچه که مسلم است این است که تمرینی که در ۱۶ آذر شد نشان داد در سطح کشور با تنوع تاکتیک‌ها و پراکندگی همه ملت می‌توانند هماهنگ باشند. در ده شب اول محرم و با پرچم سبز یا حسین و عزاداری برای شهدای جنبش و شهدای عاشورا می‌توانیم در سطح کشور حرکت داشته باشیم ولی روز نهم و روز دهم یعنی روز تاسوعا و عاشورا شنبه و یکشنبه ششم و هفتم دی ماه، یک مسیر واحد در هر شهر قرار است اعلام شود که همه ما آنجا برویم و جمعیت میلیونی خود را در سطح کشور نشان دهیم و همه ملت یک پارچه و یک صدا به دنبال خواست خودشان باشند!؟»<sup>۱</sup>

وی همچنین از "آکسیون شام غریبان" سخن گفت و مدعی شد می‌توان به آن امید داشت: «نکته ی سوم امروز مربوط است به آکسیون ما در ماه محرم. البته ما ۱۶ آذر را در پیش رو داریم اما این بحث هم مطرح شده است که ضمن اینکه در ۱۰ روز اول ماه محرم حرکت‌های خود را انجام داده و در روزهای تاسوعا و عاشورا آن را به اوج می‌رسانیم، از ظهر عاشورا و برای شام غریبان در خیابان‌ها نشسته و با یک بسیج عمومی دست به تعطیل عمومی در کشور بزنیم. بعد از ۱۳ آبان مشخص شد که جنبش سبز دیگر یک طفل تازه به دنیا آمده نیست، حال دیگر این جنبش تبدیل به نوجوانی شده است که خیلی تجربه اندوزی کرده و بارور شده است. ولی برای تحقق آکسیونی که

<sup>۱</sup> "متن پیاده شده روز چهارشنبه ۱۸ آذر ۱۳۸۸"، سایت محسن سازگارا.

برای شام غربیان مطرح شده است نیاز به این است که در سمت جنبش، ما رشد جغرافیایی و رشد در طبقات مختلف اجتماعی و همچنین رشد کیفی داشته باشیم و در سمت کودتاچیان نیز باید مشروعیت زدایی سپاه از نظر اخلاقی، مالی و سیاسی تشدید شده و اختلاف های درونی سپاه نیز افزایش یابد که باعث فلج شدن این سازمان شود و به حدی از ناتوانی برسد که ما بتوانیم آکسیون نهایی خود را به مرحله ی اجرا بگذاریم.<sup>۱</sup> توهمات و خیالبافی های سازگارا هرچند بیشتر به فکاهی و "دروغ سال" شباهت دارد، اما از تلاش گسترده تبلیغاتی منافقین جهت ایجاد فتنه در ماه محرم حکایت دارد. نویسنده یکی از وبلاگهای هوادار فتنه سبز نیز می نویسد: «اگر روزهای نامبرده (۱۳ آبان و ۱۶ آذر) فقط یک روز بودند، الان با دو ماه محرم و صفر روبرو هستیم که می توانیم از آن به سود جنبش و به سود مردم ایران استفاده کنیم.»<sup>۲</sup> نویسنده دیگری در وبلاگ خود آورده است: «از آنجا که می دانید به جنبش سبز مجوزی داده نمی شود و این جنبش مجبور است از راهپیمایی دولت استفاده کند. اما در ماه محرم که یک بهانه محکم است برای جنبش سبز که به بیرون بیاید. نکته جالبی که در ماه محرم اتفاق می افتد افتادن بلندگو دست مردم است که این خود یک حرکت با ارزشه.»<sup>۳</sup>

خبر مرگ "رهبر معنوی فتنه سبز"<sup>۴</sup> نیز فرصت جدیدی را در اختیار فتنه گران قرار داده تا به بهانه سوگواری برای وی، اقدامات تفرقه افکنانه خود را ادامه دهند. هرچند صدور پیام تسلیت رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی علی رغم پیش بینی دشمنان، بخش عمده ای از خوابهای دیده شده فتنه گران برای سوء استفاده از مرگ آقای منتظری را نقش بر آب کرد، اما بی شک تفرقه انگیزان دست از کار نکشیده و برنامه های مختلفی را برای بهره برداری سیاسی از این واقعه طراحی کرده اند. در این بین در اولین گام

<sup>۱</sup> "متن پیاده شده روزشنبه ۱۶ آبان ۱۳۸۸"، سایت محسن سازگارا.

<sup>۲</sup> <http://iranghalam10.mihanblog.com>

<sup>۳</sup> <http://aminshut.blogfa.com>

<sup>۴</sup> این صفتی است که فتنه گران سبزپوش بر آن تاکید دارند. به عنوان نمونه محسن کدیور، از سران خارج نشین

فتنه سبز که خود را شاگرد آقای منتظری معرفی می کند، در پیام تسلیت خود چنین آورده است: «جنبش سبز

ملت ایران در عزای رهبر معنوی خود عزادار است.»

موسوی و کروبى به همراه صانعى و بیات زنجانى روز دوشنبه را عزای عمومى اعلام کردند، این در حالى است که این آقایان که از حداقل صلاحیت عرفى در این زمینه برخوردار نبوده و از طرفى هیچ یک از علما و مراجع عظام تقلید که پیام تسلیت نیز برای فوت آقای منتظرى صادر نموده اند، اعلام عزای عمومى نکرده اند!

فتنه گران که اغلب آنها حداقل حدود اولیه شرعى همچون رعایت حجاب و روزه داری در ماه رمضان را رعایت نمى کنند، به یکباره سوگوار "مرجع تقلید" شده و در یکشنبه شب گذشته میدان محسنی را برای تجمع هواداران سوگوار سبزپوش منتظرى! انتخاب مى کنند تا بار دیگر بر طبل نفاق و تفرقه بکوبند و شعار سر دهند که: «منتظرى زنده است - مرجع پاینده است»<sup>۱</sup>

همزمان شدن مراسم شب هفتم آقای منتظرى با شب شام غریبان حسینی نیز فرصت سوء استفاده دیگری برای جریان سبز در این ایام خواهد بود که از چندی پیش در حال برنامه ریزی برای آن مى باشند.

## موانع پیش روی جریان فتنه

عدم اعتقاد به فلسفه عزاداری برای امام حسین(ع) در بین بخشی از سران خارج نشین کودتای سبز یکی از موانع پارادوکسیکال این جریان برای بهره برداری از مراسم محرم بود. ملت فراموش نکرده بود روزگاری نه چندان دور را که کسانی از این جریان، حادثه عاشورا را نتیجه تندروی! پیامبر(ص) در بدر و احد دانستند؟! یا فراموش نکرده اند ادعای افرادی چون کدیور را که نگاه شیعه به جایگاه الهی اهل بیت را اندیشه‌ای انحرافی و متأثر از القائات شیعه غالی دانست و یا اظهارات سروش سبزپوش امروز که مقام عصمت و مصونیت از خطا و گناه را نه تنها برای اهل بیت(ع) که برای پیامبر(ص) نیز نفی مى کند. با چنین شناخت انحرافی از جایگاه اهل بیت(ع) دیگر نمی توان از عزاداری برای سالار شهیدان سخن گفت.

رفتار سیاسى جریان فتنه در این ایام نیز از عدم سنخیت با حرکت امام حسین(ع) حکایت داشت. مخالفت با امام و رهبری جامعه اسلامی، همپیمانی با بیگانگان و

<sup>۱</sup> "تظاهرات در بلوار میرداماد و میدان محسنی همچنان ادامه دارد"، سایت خبری تحلیلی سایتک، ۸۷/۹/۲۹.

دشمنان دیرینه اسلام، عدم پایبندی به ارزشهای اسلامی، و در آخرین گام هتک حرمت به ساحت مقدس حضرت امام(ره) چهره‌ای از هواداران فتنه سبز در اذهان عمومی ساخته است که چندان مشابهتی با عزاداران حسینی ندارد.

اکثریت مطلق کسانی که هیئات عزاداری محرم را برگزار و اداره می‌کنند، ملت حزب الهی هستند که خود را حافظ شعائر اسلامی و نظام اسلامی می‌دانند. کسانی که هرچند ممکن است به گزینه ای غیر از رئیس‌جمهور منتخب مردم در انتخابات دهم رأی داده باشند، اما در دفاع از حریم ولایت و رهبری جامعه با تمام توان ایستاده‌اند و این درس را از مکتب عاشورا آموخته‌اند. این افراد در حوادث پس از انتخابات که به ماهیت جریان فتنه و نفاق پی برده و صف خود را از آنها جدا ساخته‌اند و بی‌شک منافقین جدید جایی در میان آنها نخواهند داشت.

بدین ترتیب طراحان فتنه تصمیم گرفتند پروژه خود را در جایی به جز هیئت‌های مذهبی به اجرا برسانند.

## پروژه عاشورا

بهره برداری از حوادث و آشوب‌های به وجود آمده پس از انتخابات ریاست جمهوری تا روز عاشورا و برنامه‌ریزی جهت براه انداختن آشوب‌های این روز، از جمله اقداماتی بوده که در دستور کار دشمنان انقلاب قرار داشت که در این راستا حضور جریانات سکولار، گروهک‌های ضد انقلاب، سلطنت‌طلب‌ها، منافقین و فرقه ضاله بهائیت و .... در روز عاشورا از نکات قابل توجهی است که اقدامات و اهداف گروهک‌های ضد انقلابی و غیرقانونی مخالف برای ضربه زدن به نظام را نشان می‌دهد.

از دو هفته قبل از روز عاشورا سایت وزارت خارجه اسرائیل، شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان بی.بی.سی و آمریکا و فضای اینترنتی توئیتر - که رسماً از سوی وزارت خارجه آمریکا برای کمک رسانی به موسوی و خاتمی فعال شده بود- برای عاشورای سال ۱۳۸۸ دستورالعمل‌های صریح و بی‌پرده ای خطاب به عوامل داخلی خود صادر می‌کردند و مخصوصاً سایت وزارت خارجه اسرائیل که دو روز قبل از روز قدس شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» را به آشوبگران دیکته کرده بود، طی دو هفته اخیر

تأکید می‌ورزید، آشوبگران باید از فرصت نیمروز عاشورا که مردم به طور سنتی در هیئت‌ها و دسته‌های سینه زنی به عزاداری مشغولند برای حضور در خیابان استفاده کنند! البته در کنار سازماندهی اینترنتی، تحریکات و برنامه‌ریزی‌های پشت پرده سران فتنه نقش اصلی در وقایع دیروز داشت. یکی از مهمترین نمونه‌های قابل ذکر مراسمی است که محمد خاتمی شب‌به‌شب در جماران برگزار کرد که طی آن علاوه بر صحنه سازی و ایجاد درگیری‌های ساختگی، زمینه و فرصت لازم برای اهانت جمعی از اوباش به ایام عزای امام حسین(ع) فراهم آوردند. در این مراسم که برخی منابع نزدیک به اصلاح طلبان از به هم خوردن آن توسط «لباس شخصی» (!؟)ها خبر دادند خاتمی طی سخنانی عمیقا منحرف، امام حسین(ع) را با فتنه‌گران قیاس کرده و ایشان را رهبر آنها خواند. البته تحرک دیگر نیز در شب‌به‌شب (شب عاشورا) با صحنه‌گردانی سران فتنه در خیابان‌های جماران و نیاوران رخ داد و طی آن صدها نفر از اوباش در شب عاشورا به سردادن سوت و کف زدن پرداختند و سپس همین حرکات را برای چند ساعت در میدان تجریش هم ادامه دادند که نهایتا این تحرکات با برخورد مردم مومن و عزادار خاتمه یافت.

از سوی دیگر پس از حادثه روز عاشورا، نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس ضمن تحسین اقدام اغتشاشگران بر لزوم بکارگیری بیشتر آمریکا از فضای مجازی اینترنت در راستای براندازی جمهوری اسلامی ایران سخن گفت و به این ترتیب نقش بیگانگان را به وضوح برملا کرد.

در این راستا دشمنان قسم خورده انقلاب که قبل و پس از انتخابات تمامی امکانات و توانایی‌های خود را در راستای تزلزل در ستون نظام اسلامی (اصل ولایت فقیه) بسیج کرده بودند، به زعم خود تلاش کردند با آوردن همه توان تشکیلاتی خود در روز عاشورا، ضربه اساسی را بر نظام وارد سازند که با حضور به موقع ملت بزرگوار ایران، این توطئه خنثی گردید.

واکنش‌های دشمنان انقلاب اسلامی پس از اغتشاشات روز عاشورا نشان می‌دهد که آنها در صدد بودند از طرق ذیل به اهداف شوم خود برسند که به فضل الهی در این زمینه ناکام ماندند.

این اهداف عبارت بودند از:

- حمایت از ساختار شکنی در روز عاشورا توسط آمریکا، رژیم صهیونیستی، کشورهای اروپایی، سازمان‌ها و نهادهای وابسته به آنها.

- القای ناتوانی نظام در برخورد با اقدامات براندازانه اغتشاشگران.
- افزایش مخالفت‌ها و القای سقوط نظام پس از عاشورا.
- تشدید اقدامات ساختارشکنانه علیه نظام اسلامی.
- تحریک مردم به حضور در آشوب‌ها و اغتشاشات.

حضور منافقین، سلطنت‌طلب‌ها و سایر گروهک‌ها به صورت سازمان یافته در اغتشاشات روز عاشورا زمینه تعرض به مقدسات اسلامی را فراهم ساخت.

در این رابطه تعداد قابل توجهی از گروه‌های منحرف که ارتباطات محفلی از طریق سیستم مجازی با یکدیگر داشته‌اند، به همراه عناصر فرقه ضاله بهائیت که برای فتنه‌انگیزی در روز عاشورا مستقیماً به سران فرقه در اسرائیل وصل و توسط آنها هدایت می‌شدند در دسته جات ۳ الی ۴ نفره در قبل از فتنه روز عاشورا در مکان‌هایی مستقر و پلاکاردها و بنرهای اهانت‌آمیز علیه نظام و مقدسات را تهیه و به خیال باطل خود اعلام نموده بودند که باید در روز عاشورا کار نظام اسلامی یکسره شود.

از همین رو درحالی که ملت شهید پرور ایران در روز عاشورا در تکیه‌ها و مساجد مشغول عزاداری بودند، گروه‌ها و شبکه‌های مرتبط منافقین، سلطنت‌طلب‌ها، فرقه ضاله بهائیت و گروهک‌های غیرقانونی، با هلله و سوت و کف، ضمن اهانت به مقدسات، ضرب و شتم، هتک حرمت و توهین به عزاداران حسینی(ع) و مامورین انتظامی، مرتکب جرایم مهمی مانند محاربه و اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور شدند و حتی از انجام جرایم بر ضد عفت و اخلاق عمومی و احتراق، تخریب و اتلاف اموال عمومی و خصوصی به قصد مقابله با نظام اسلامی دریغ نمودند.

در این رابطه منافقین دستگیر شده اعتراف کرده‌اند که برای ایجاد ناامنی، آشوب و اغتشاش، تجمعات و تظاهرات غیرقانونی، خاصه به بهانه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و حوادث بعد از آن، به کرات در مقراین گروهک ملحد و محارب در عراق و سایر کشورهای اروپایی آموزش ترور و آشوب دیده‌اند و در اقرار تکمیلی خود اعتراف نموده‌اند که در همان ایام انتخابات ضمن جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات، حضور فعالی در تمامی تجمعات غیرقانونی و ضدانقلابی در بعد از انتخابات داشته و به صورت سازماندهی شده ماموریت‌هایی از قبیل بمب‌گذاری، ترور و انتساب آن به نظام، نصب تراکتهای تبلیغاتی، شعار نویسی، تخریب و به آتش کشیدن اموال اشخاص

حقیقی و حقوقی به منظور ایجاد نارضایتی در بین مردم و کسبه را برعهده گرفته و فیلم صحنه های درگیری، آشوب و اغتشاشاتی را که خود به وجود آورده بودند در اختیار عناصر و سرپل های نفاق در خارج از کشور و عوامل اطلاعاتی دشمن و شبکه های معاند خارجی قرار داده اند.<sup>۱</sup>

## فتنه گری در عاشورای حسینی

در حالی که میلیون ها عزادار ایرانی و عاشق حضرت اباعبدالله در عاشورای حسینی (۱۳۸۸/۱۰/۷) مشغول عزاداری بودند، تعدادی از طرفداران موسوی و خاتمی قبل از ظهر عاشورا و با جدا کردن صف خود، با برگزاری تجمع های غیرقانونی در برخی خیابان های تهران که هیچ شباهتی با عزاداری اباعبدالله الحسین نداشت، به طرح شعارهای ضد انقلابی و ساختار شکنانه پرداختند که از همان موقع عزاداران حسینی به مقابله با آنها پرداختند که فرار آشوبگران را در پی داشت. ولی پاسخ عزاداران به افراد فریب خورده پس از نماز ظهر عاشورا ابعاد گسترده تری پیدا کرد.

برخی افراد فریب خورده و آشوبگر در خودروهای خود بسان مراسم عروسی بوق می زدند. برخی نیز در تجمع ها هلهله و شادمانی و خرابکاری می کردند. آشوبگران حرمت روز عاشورا را با این اقدامات خدشه دار می کردند.

اراذل و اوباش با سوء استفاده از حضور مردم در مراسم عزاداری اباعبدالله الحسین دست به آشوب و خسارت به اموال مردم (موتورسیکلت، خانه، سطل های زباله، خودروی شخصی مردم) زدند. افراد فریب خورده شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر می دادند، ولی با حضور مردم در صحنه پا به فرار گذاشته و متواری شدند.

این افراد در روز عاشورا به جای عزاداری با طرح شعارهای انحرافی علیه نظام جمهوری اسلامی، ارکان نظام و مطابق خواست دشمن و رسانه های غربی به جشن پرداختند.

آشوبگران که عمداً خیابان هایی را که خالی از حضور دسته های عزاداری بود برای تحرکات خود انتخاب کرده بودند، در موارد متعدد به سر دادن سوت، کف، هلهله و شعارهای بسیار اهانت آمیز پرداخته و عمق بی اعتقادی خود به ارزش های اسلامی را به

<sup>۱</sup> - کیفرخواست متهمان حوادث روز عاشورا



نمایش گذاشتند. در جریان این آشوب چند قرآن، پرچم های منقش به نام امام حسین و حضرت زهرا و همچنین موتورسیکلت های پارک شده عزاداران در کنار چند مسجد به آتش کشیده شد. این عده که با پشتیبانی و دعوت رسمی سران فتنه از جمله موسوی، خاتمی و کروبی در اغتشاشات حضور پیدا کرده بودند کاملاً متعلق به طیف های ضدانقلاب و به وضوح فاقد هرگونه تعلقی به ارزش های اسلامی بوده و دیروز اصرار داشتند که این بی اعتقادی خود را به نمایش بگذارند. به گفته برخی منابع بخشی از اغتشاشگران روز گذشته تهران از شهرهایی چون قم و اصفهان و همچنین شهرهای مرزی به تهران منتقل شده بودند و انواع و اقسام سلاح های سرد همچون چاقو، قمه، چماق و حتی گاز اشک آور در اختیار داشته اند.

به گزارش منابع خبری ظهر عاشورا عده ای از حامیان موسوی که با حرمت شکنی از روز شهادت سیدوسالار شهیدان و یاران باوفای ایشان، به خیابان ها آمده و برخی اماکن عمومی و تعدادی خودروی عمومی و شخصی را به آتش کشیدند، با حضور در میدان جمهوری اسلامی و مشاهده برگزاری نمازظهر عاشورا در هیئت رهپویان آل طاها، به عزاداران حسینی حاضر در این هیئت هجوم آورده و به سمت آنها سنگ پراکنی کردند. فتنه گران تعدادی از نمازگزاران را نیز مورد ضرب و شتم قرار داده و با سنگ پراکنی به سوی «حجت الاسلام صالحان» امام جماعت این هیئت، وی را مجروح کردند.<sup>۱</sup>

## مقابله مردم با هتاکان

نکته بسیار مهم درباره حوادث دیروز این است که مردم تهران دیروز نه تنها مثل تمامی موارد گذشته توجهی به اغتشاشگران نشان ندادند بلکه به محض آنکه دریافتند که این افراد در برخی خیابان های تهران مشغول حرمت شکنی هستند مجالس عزاداری خود را نیمه تمام رها کرده و با حضور در خیابان ها ظرف چند دقیقه بساط فتنه را درهم پیچیدند. مقارن ظهر دیروز عزاداران حضرت سیدالشهدا(ع) در دانشگاه تهران- که مثل همیشه عده آنها از چند هزار نفر فراتر می رفت- از جمله کسانی بودند که بعد از اقامه نماز ظهر از دانشگاه خارج شده و چند ده نفر آشوبگر حاضر در میدان انقلاب را تار و

مار کردند. در دیگر نقاط تهران هم به محض آن که نیروهای مردمی و عزاداران حسینی از حسینیه ها و مساجد خارج شدند دیگر اثری از آشوبگران باقی نماند.

## کشته سازی

رسانه‌های وابسته به صهیونیسم با بزرگنمایی آشوب در برخی خیابان ها و دمیدن در صحنه اغتشاش ادعا کردند این حوادث چند کشته داشته است.

به حداکثر رساندن خشونت و کشته سازی جزو پروژه هایی بوده است که جریان فتنه گر از ابتدای آشوب‌های بعد از انتخابات در دستور کار داشته اما این پروژه در روز عاشورا شدتی مضاعف یافت.

یکی از کشته شده ها سیدعلی موسوی خواهرزاده میرحسین موسوی بود که در مقابل منزلش هدف گلوله قرار گرفت و منابع آگاه مرگ او را کاملاً مشکوک و شخص وی را به سبب نزدیکی به موسوی و حضور فعال در تجمعاتی از این دست «نشان شده» توسط منافقین و عناصر نفوذی دانستند.

## بازتاب اغتشاشات روز عاشورا

روزنامه های وابسته به جریان فتنه تلاش کردند تا با سوءاستفاده از شرایط حداکثر بهره‌برداری تبلیغاتی را بنمایند.

در این راستا روزنامه آرمان در نخستین روز پس از این واقعه با درج تصویری از اغتشاشات خیابانی، از عاشورای متفاوت خبر داد و در تیتیر اول خود نوشت: «درگیری های دیروز تهران ۴ کشته و ۳۰۰ بازداشت».

این روزنامه همچنین تیتیر «خواهرزاده میرحسین موسوی کشته شد» را در کادری سبز قرار داد و اطلاعیه نیروی انتظامی را در صفحه نخست خود درج کرد و در تیتیر آن نوشت: «۵ نفر کشته شدند».

روزنامه اعتماد هم در این روز با خونسردی تمام «سخنرانی ناتمام خاتمی در حسینیه جماران» را به عنوان مهمترین دغدغه اش تیتیر اول خود قرار داد و در تیتیر دوم خود به سخنان فرماندهان نیروی انتظامی اشاره کرد و از میان اظهار نظر آنها، علل ورود

غیر مجاز چند مأمور پلیس به خبرگزاری ایسنا را سوتیتر کرد تا صراحتاً اعلام نماید که اهانت به مقدسات مردم ایران هیچ اهمیتی برای آنها نداشته و ندارد.

روزنامه دانشگاه آزاد اسلامی «فرهیختگان» نیز با چشم بستن بر بزرگترین اهانت به مقدسات ملت ایران، صفحه نخست خود را چنان تنظیم کرد که گویی هیچ اتفاقی در روز عاشورای حسینی رخ نداده است. این روزنامه در تیتیری کوچک به انعکاس اظهارات سردار رادان پرداخت و از قول وی نوشت: «دستگیری ۱۵ فرد خودسر در حوادث پس از انتخابات»

مردمسالاری هم که در این روز «دو استعفا از فرهنگستان در پی برکناری میرحسین» را با حروف نسبتاً درشتی برجسته کرده بود، جمله «در تجمعات دیروز کسی کشته نشد» را تیتیر اول خود ساخت و ذیل آن تجمع عده ای لباس شخصی در برابر یک حسینیه متعلق به یکی از سران اصلاحات را درج کرد تا جایگاه دغدغه های دینی خود از جمله جنایات هولناک روز عاشورا را مشخص نماید.

البته وقایع روز تاسوعا و عاشورای ایران آن قدر اهمیت داشت که کاخ سفید را هم وادار کند برخلاف روند مسامحه گونه گذشته اش نسبت به اغتشاشات تهران رسماً به میدان بیاید و بیانیه رسمی صادر کند. بانیان گوانتانامو و ابوغریب که در سایه طرح شعار دروغین حقوق بشر و دموکراسی لشگرکشی به کشورهای مختلف دنیا را در کارنامه خود ثبت کرده اند، در جایگاه شاکی نشستند و از موضع بالا ایران را به فقدان پشتوانه مردمی، بحران داخلی و دیکتاتوری محکوم کردند.

کشوری چون آمریکا که طی سال های بعد از تاسیس، با سیر نزولی شرکت مردمش در انتخابات مواجه بوده و در بهترین حالت بیست درصد اختلاف مشارکت عمومی در انتخابات نسبت به ایران را در کارنامه خود دارد، به خود حق داد تا ایران را فاقد پشتوانه مردمی معرفی کند و اغتشاشگرانی را که به خیابان ریخته بودند، شهروندانی (!) بنامد که در جستجوی حقوق جهانی خود هستند!

کاخ سفید در بیانیه خود که ساعاتی بعد از انتشار اخبار اغتشاشات تهران منتشر شد، ضمن حمایت از آشوب طلبان تصریح کرد: «امید و تاریخ همگام با کسانی است که حقوق جهانشمول خود را با ابزار مسالمت آمیز مطالبه می کنند.»

این بیانیه ایران را حکومتی لقب داد که از آمال و آرزوهای مردم خود می هراسد. در این بیانیه آمده بود: «حکومت مبتنی بر هراس و خشونت هرگز عادلانه نیست و همانگونه که پرزیدنت اوباما نیز در اسلو گفت این بسیار گویاست که برخی حکومتها از آرزوهای ملت خود بیش از قدرت هر کشور دیگری می ترسند.»

کاخ سفید پیشتر در خصوص فوت آیت الله منتظری هم بیانیه ای صادر کرده و تصریح کرده بود: «خانواده او و همه جویندگان حقوق جهانشمول و آزادی‌هایی که او پیوسته مدافع آنها بود در یادها و نیایش ما خواهند بود!»

آمریکا البته به همین میزان هم بسنده نکرد. باراک اوباما نیز به میدان آمد و گفت: «مردم ایران ماه‌هاست که تنها احقاق حقوق جهانشمول خود را طلب می‌کنند و جهان هر بار، شجاعت و اراده آنها در این خصوص را تحسین کرده است.» او ضمن محکوم کردن مسائل اخیر ایران و برخورد مسئولین با حرمت شکنان روز عاشورا، تصریح کرد: «اراده رهبران ایران برای حکومت از راه ایجاد وحشت و ستمگری، قادر به از میان بردن این اشتیاق مردم نخواهد بود.»

فرانسه نیز به میدان آمد و از مقابله با اغتشاشات اقلیتی قانون گریز و دین ستیز در ایران با عنوان سرکوب اعتراضات مردمی یاد کرد. برنار والرو سخنگوی وزارت خارجه فرانسه گفت: «در زمانی که شمار کشته شدگان افزایش می یابد، فرانسه بار دیگر نگرانی عمیق خود را ابراز می دارد و بازداشت‌های خودسرانه و خشونت اعمال شده علیه معترضان عادی را محکوم می کند.»

اظهار نظر مقامات فرانسوی در حالی بود که همین کشور سال ۲۰۰۸ را با آشوب‌های خیابانی آغاز کرده بود و مثلا در نوامبر ۲۰۰۷ نیز مردم، کارکنان و دانشجویان در اعتراض به اصلاحات سارکوزی که سن بازنشستگی را شامل می شد، به اعتصاب، اعتراض و تحصن روی آورده بودند. این اعتراضات بعد از این نیز بارها در فرانسه به برخورد حکومت با معترضینی که تنها حقوق خود را مطالبه می کردند، انجامید. و این همان فرانسه ای است که امروز از خدشه دار شدن حقوق بشر در ایران سخن می گوید.

مرکل صدراعظم آلمان هم از دیگر چهره هایی بود که در خصوص وقایع ایران لب به سخن گشود. او در یک بیانیه شدید اللحن درگیری های اخیر در ایران را بی رحمانه خواند و کشته های این وقایع را ناشی از اقدامات غیرقابل قبول نیروهای امنیتی دانست.

مرکل ضمن محکوم کردن و تالیع ایران گفت: «از ایران می خواهم به تعهداتش در معاهده بین المللی (سازمان ملل) در مورد حقوق مدنی و سیاسی عمل کند و به خصوص، حق آزادی بیان از طریق برپایی تظاهرات مسالمت آمیز نباید محدود یا با خشونت سرکوب شود.»

کانادا هم به جمع شاکیان ایران پیوست. لورنس کانون وزیر امور خارجه کانادا در بیانیه ای گفت: «تلاش ایران برای محدود کردن آزادی بیان و برگزاری تجمع به ویژه در روز مقدس عاشورا، تاسف بار است.» این بیانیه همچنین می افزود: «مردم ایران سزاوارند که صدایشان شنیده شود و از حقوقی که محق آن هستند، بدون بیم از خشونت و ارباب، برخوردار شوند!»

وزارت امور خارجه ایتالیا هم رسماً بیانیه صادر کرد و از ایران به خاطر مواجهه با حرمت شکنان عاشورای حسینی انتقاد کرد! در این بیانیه ایتالیا از جایگاه ناصحی دلسوز سخن راند و تصریح کرد: «حفظ جان انسان یک ارزش اساسی است که باید در هر جا و در هر شرایطی از آن دفاع کرد!»

رهبر یکی از احزاب ایتالیایی هم گفت: «جوانان ایرانی با برگزاری تظاهرات اعتراضی، یک رژیم قرون وسطایی که آماده است جهان را به یک فاجعه بکشاند، به ستیزه خواندند.» وی همچنین افزود: «رژیم لحظه ای در شلیک کردن به سوی زنان و مردانی که برای دموکراسی به خیابانها می آیند، درنگ نمی کند. در عین حال پیئتر و مارچنارو رئیس کمیسیون حقوق بشر مجلس سنای ایتالیا نیز خواستار برگزاری نشستی فوق العاده توسط نمایندگان عضوین کمیسیون در مورد وقایع اخیر و نقض حقوق بشر در ایران شد.»

اینها همه و همه گوشه ای از پیامدهای قانون شکنی کسانی بود که حرمت عاشورای حسینی را هم نگه نداشتند و به بهانه اعتراض به تقلبی که هیچ وقت سندی بریا آن ارائه نشد به خیابان ریختند و به هیئت‌ها و مراسم عزاداری یورش بردند. قانون کشنی های اقلیتی که رأی اکثریت را نپذیرفتند تا با خودخواهی خود رأی اکثریت را به محاق ببرند، در سرتاسر دنیا به سوژه های اول خبری برای تخریب و جبهه ایران تبدیل شد.

## تخریب حداکثری وجهه نظام

از همان ساعات اولیه اغتشاش در تهران و برخی شهرها اخبار مربوط به تجمعات خیابانی به شکل گسترده‌ای در رسانه‌های خارجی انعکاس یافت و چندی بعد نیز در

صدر اخبار رسانه‌ها و روزنامه‌های کشورهای مختلف دنیا قرار گرفت. رسانه‌های خارجی در برآورد تعداد کشته‌شدگان وقایع روز عاشورا با هم مسابقه گذاشتند و عکس‌ها و تصاویر مربوط به ایران را به طور گسترده‌ای منتشر کردند.

روزنامه انگلیسی تایمز نوشت: «با وجود آنکه خبرنگاران خارجی از پوشش خبری این تظاهرات منع شده بودند، اما تصاویر مخابره شده به اطافهای خبر رسانه‌های غربی که توسط تلفن همراه گرفته شده بود، گوشه‌هایی از تظاهرات اعتراض آمیز یکشنبه مردم ایران را به تصویر می کشید.

این روزنامه همچنین اخبار مربوط به اغتشاشات را پوشش داد و به نقل از علی انصاری استاد مطالعات ایران در دانشگاه سنت آندروی انگلیس نوشت: «دیگر شکی نیست که تغییر در نظام سیاسی ایران در حال وقوع است.» او همچنین از قول یکی از فعالان اپوزیسیون تصریح کرد: «رژیم اکنون در وقت اضافه بسر می برد. کشور به طور یکپارچه به پا خواسته است.» این روزنامه در ادامه از قول یک فعال سیاسی نوشت: «مردم جانشان به لب رسیده و دیگر از هیچ چیز نمی ترسند!

روزنامه‌ها و رسانه‌های مختلف با آب و تاب تمام وقایع عاشورا را منعکس کردند و در رؤیای خیال پردازانه این گونه وانمود کردند که انگار اکثریت مردم در مقابل حکومت به پا خواسته اند و ایران با چالشی داخلی مواجه است و به زودی از پای درخواهد آمد!

تایمز ضمن اشاره به کشته شده‌های روز عاشورا نوشت: «تظاهرات اپوزیسیون در روز یکشنبه برای اولین بار شاهد تیراندازی ماموران امنیتی به صفوف تظاهرکنندگان بود.» این روزنامه به نقل از یک شاهد عینی نوشت: «زن مسنی را دیدم که به صفوف ماموران امنیتی می رفت و فریاد می زد خجالت نمی کشید مردم خودتان را می کشید؟!» و ادامه داد: «این شاهد می افزاید: دو افسر پلیس با شرمندگی گفتند که به خاطر پول این کار را می کنند!»

از این دست گزارش‌ها و داستان‌سرایی‌ها در رسانه‌های خارجی به کرات به چشم می خورد. و این همه همان چیزی است که در نهایت چیزی جز آبروریزی برای ایران را به دنبال نخواهد داشت. در واقع اغتشاشگرانی که رأی اکثریت مردم را برنتافتند و

جمهوریت نظام را به مسلخ هواهای نفسانی خود بردند، زمینه ای را فراهم کردند تا دروغ پردازی ها و تخریب ها علیه ایران بعد از انتخابات بی سابقه چهل میلیونی شدت بگیرد. شبکه تلویزیونی الجزیره قطر هم با اشاره به اخبار ضد و نقیض از تعداد کشته شدگان تصریح کرد: «صرف نظر از درستی یا نادرستی این اطلاعات و آمار، صرف کشته شدن افرادی و اعتراف تلویزیون ایران به کشته شدن چند نفر، نشانه بسیار خطرناکی است بخصوص که مدتی بود خیابان های تهران آرام شده بود.»

خبرگزاری رویترز هم گزارش داد: «این کشتارها و ابعاد این رویارویی می تواند نشانه ای از یک مرحله ی بی ثباتی جدید باشد که طی آن نیروهای امنیتی وفادار به آیت الله علی خامنه ای رهبر عالی ایران تلاش می کنند تا این جنبش (جریان) اصلاح طلب را سرکوب کنند.»

این خبرگزاری به نوشته یک تحلیلگر ساکن آمریکا اشاره کرد که در آن ضمن طرح احتمال فروپاشی ایران آمده بود: «اگر اینگونه باشد، نشانگر آن خواهد بود که حکومت مذهبی ایران در نهایت به دست خودش از میان می رود... مردم ایران شخصیت های اصلی در این ماجرا هستند و از نمادهای بسیار مشابهی استفاده می کنند که موجب می گردد تا جمهوری اسلامی این فصل را در یک قرن چالش برای دموکراسی به پایان برساند.»

### محکومیت حرمت شکنی فتنه گران

جمعی از فعالان سیاسی و نمایندگان مجلس نیز در واکنش به اقدامات هتاکانه جریان فتنه در روز عاشورا در اظهارنظرهایی جداگانه خواستار برخورد جدی با عوامل این اقدام ننگین سران فتنه سبز اموی شدند.

سردار محمدرضا نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفین تأکید کرد: ما نباید از عناصر اصلی فتنه و اتاق فکر آنها غافل شویم. آنان سرمایه های اجتماعی خود را از دست داده اند و امروز تنها امیدشان به سرمایه آشوبشان است که تعداد آنها به چند صد نفر هم نمی رسد. سرمایه آشوبی که پس مانده های رژیم سلطنتی، بهائیان، وهابیون، ساواکی ها، منافقین و فرزندان رشوه خواران و پورسانت بگیرها و قاچاقچی ها تشکیل شده که بقایای آن را در روز عاشورا شاهد بودیم.

حجت الاسلام محمد محمدی ری شهری نیز با ابراز تاسف شدید از بی حرمتی ساختارشکنان به تاسوعا و عاشورای حسینی در نشست شورای هماهنگی بعثه مقام معظم رهبری، بالاترین حق را حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دانست و افزود: افرادی که در برابر نظام و شعارهای اصیل آن ایستاده اند چه بخواهند چه نخواهند در جهت منافع دشمنان نظام و امام امت عمل می‌کنند.

کاظم جلالی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به عدم محکومیت حوادث روز عاشورا و اینکه عده ای حتی نظام را محکوم کرده اند، تأکید کرد: این محکومیت نظام توسط برخی، طنز تلخ تاریخی است که عده ای به امام حسین(ع) جسارت کرده اند و پرچم های عاشورا را آتش بزنند و بعد کسانی در مقابل این اقدامات حکومت و نظام اسلامی را محکوم کنند.

محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس هم خطاب به هنجارشکنان روز عاشورا تأکید کرد: این عده معدود با اقدامات ساختارشکنانه و هنجارشکنانه خود تیر آخر را بر پیکر خود زدند. وی از دستگاه های امنیتی خواست تا این هنجارشکنان را شناسایی کرده و به قوه قضائیه معرفی کنند تا دستگاه قضایی با دقت و سرعت عمل به وظیفه خود عمل کرده و با مجازات عوامل این گونه اقدامات آنان را به سزای اعمال خود برساند.

جمع کثیری از نهادها، سازمان ها و تشکل های مختلف نیز همصدا با ملت غیور ایران با انتشار بیانیه های جداگانه ای ضمن محکوم کردن این رفتار توهین آمیز در روز عاشورا برخورد قاطعانه با فتنه گران را مورد تأکید قرار دادند.

در همین رابطه موسسین جامعه زینب، خانم ها زهرا عباسی و شمسی معتضدی با صدور بیانیه ای تأکید کردند: امروز خواهران و زنان انقلابی جامعه اسلامی با اندیشه زینبی به طور قطع خواستار شناسایی و برخورد قاطعانه قوه قضائیه با مسببان این فتنه شوم می باشند.

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز ضمن محکوم کردن هتک حرمت مقدسات در روز عاشورای حسینی از همه مردم خواست، هوشیاری خود را حفظ کنند و آمادگی را برای جلوگیری از فتنه های بعد افزایش دهند.



به علاوه ارتش جمهوری اسلامی ایران هم در بیانیه ای حرکت عده ای معلوم الحال از عوامل فتنه در روز عاشورای حسینی را شدیداً محکوم کرده و خواستار پیگیری و برخورد جدی با این گونه حرکات آشوبگرانه و تفرقه افکنانه از طریق مجاری قانونی شد. جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی نیز در همین زمینه با صدور بیانیه ای تأکید کرد: بعد از اهانت به امام و انقلاب، این بار اهانت به ساحت مقدس حضرت امام حسین (ع) بار دیگر این پیام رسا و روشن را به مسئولان امنیتی و قضایی می دهد که ادامه سهل انگاری در برخورد با سران فتنه و مصلحت جویی های غیرمنطقی در برابر حامیان عاطفی و سیاسی آن، تسامح در برابر فرصت سوزی هاست.

جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد هم در بیانیه ای اعلام کردند: ما دانشجویان از مسئولان قضایی کشور مصرانه تقاضا داریم تا عوامل اصلی این هتاک ها را یک بار و برای همیشه مورد برخورد قاطع قرار دهند. ما به عنوان بخش عمده ای از جامعه دانشگاهی کشور هشدار می دهیم که در صورت نیاز و چنانچه مسئولین از وظایف خود کوتاهی کنند و مستقیماً وارد میدان مقابله با منافقین شده و کار را برای همیشه تاریخ ایران به اتمام می رسانیم.

مجمع تشخیص مصلحت نظام با صدور بیانیه ای حوادث روز عاشورا را محکوم کرد. در این بیانیه آمده است: «حوادث تاسف بار روز عاشورا در خیابان های تهران این نگرانی را در میان دلسوزان واقعی نظام و قاطبه مردم عمیق تر کرده است که معاندین ضمن نفوذ در میان معترضین با دلایل غیر منطقی هدف وسیله را توجیه می نماید حاضرند برای مطامع زودگذر دنیوی خویش، علاوه بر استفاده ابزاری از نظام اسلامی و کلیت آن، عاشورا و فرهنگ عدالتخواهی و شهادت طلبی سرور شهیدان را نیز مخدوش نمایند. این گروه امروز نیز حقانیت اسلام و انقلاب و نظام ولایی و رهبری را بر نمی تابند و اقداماتی کرده اند که دشمنان قسم خورده ما را شاد و وفاداران به نظام را خشمگین کردند.»

مجمع تشخیص مصلحت نظام با محکومیت شدید اتفاقات ساختار شکنانه روز عاشورا ضمن دعوت همگان به بردباری، صبوری و شکیبائی، از مسئولان و مردم همیشه در صحنه می خواهند که نگذارند مخالفان اصل نظام و مشی اعتدال اسلامی، بیش از این با کارهای افراطی و تفریطی آب بر آسیاب کسانی بریزند که در طول تاریخ

آرمان های اباعبدالله الحسین (ع) در ظلم ستیزی را دشمن اصلی خویش می دانستند و امروز با همه راههای ممکن به مقابله با این فرهنگ اصیل اسلامی برخاسته اند.

## خروش عاشورائیان

در محکومیت حرمت شکنی گستاخانه جماعت فتنه گر در عاشورای حسینی، تجمع بزرگ ملت غیور ایران اسلامی روز ۹ دی ۱۳۸۸ سراسر کشور را فرا گرفت.

تجمع بزرگ عاشوراییان در محکومیت حرمت شکنی عاشورای حسینی از سوی فتنه گران روز چهارشنبه ۹ دی ۱۳۸۸ ساعت ۱۵ در میدان انقلاب تهران برگزار شد و مردم عاشورایی دیگر استان های کشور نیز در برنامه ریزی های جداگانه ای در روزهای سه شنبه و چهارشنبه تجمعات چشمگیری را ترتیب دادند.

## همه آمده بودند

حماسه حضور نهم دی ماه از ویژگی های بسیاری برخوردار بود. یکی از ویژگی های این حضور حماسی، فراگیر بودن آن از جهت شرکت تمامی اقشار جامعه بود. در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی و فتنه های پس از انتخابات دهم، عده ای تلاش کردند اینگونه القا کنند که حکومت پشتوانه های مردمی خود را از دست داده و متکی به سپاه و بسیج شده است. رسانه های غربی طی ماه های اخیر با بزرگنمایی تجمعات مخالفان، به مخاطبین خود القا می کردند که مردم ایران در برابر نظام اسلامی و رهبری آن ایستاده اند. حضور ده ها میلیون نفری مردم از تمامی اقشار جامعه در تظاهرات پاسداشت حرمت عاشورا و دفاع از ولایت و نظام اسلامی، بطلان تحلیل دشمنان و مخالفان را اثبات کرد. مصاحبه های خبرنگاران با مردم، نشان می دهد که بسیاری از کسانی که به میرحسین در انتخابات رأی داده بودند، صف خود را از فتنه گران جدا کرده و در مقابل ساختارشکنان قرار گرفته اند.

مردم مسلمان و انقلابی ایران با خروش و خشم مقدس عاشورایی خود، آرزوهای آمریکا، صهیونیسم بین الملل و تمامی متحدین آنها را زیر پا لگدمال کردند. پلاکاردها، پوسترها، دست نوشته ها و شعارهای آتشین و کوبنده مردم که از عمق جان آنان برمی

خاست، به خوبی ثابت کرد که تمام تلاش دشمنان در سال های اخیر جز آب در هاون کوبیدن و مشت بر سندان زدن نبوده است.

شعارهایی چون: «موسوی مرگت باد، کروی بی ننگت باد»، «موسوی قاتل است، محاکمه اش واجب است»، «نگ بود نوکری آمریکا، ننگ بود سوزاندن خیمه ها»، «ما عاشق حسینیم، دشمن میرحسینیم»، «موسوی، بی.بی.سی، عامل انگلیسی»، «موسوی منافق اعدام باید گردد»، «کروی بی سواد، عامل دست موساد»، «خاتمی، موسوی این آخرین اخطار است»، «جنبش سبز اموی افشا باید گردد»، «خواص بی بصیرت، براءت براءت» و «لعن علی عدوک یا حسین، کروی، خاتمی و میرحسین» از یک طرف و شعارهایی چون: «حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست»، «اینهمه لشکر آمده، به عشق رهبر آمده»، «وای اگر خامنه‌ای حکم جهادم دهد، ارتش دنیا نتواند که جوابم دهد»، «تا خون در رگ ماست، خامنه‌ای رهبر ماست» و «خامنه‌ای خمینی دیگر است، ولایتش ولایت حیدر است» از طرف دیگر، نشان داد که مردم با حضور ده ها میلیونی خود در سراسر کشور و حضور قریب چهار میلیون نفری فقط در شهر تهران چه می خواهند.

### فتنه گران؛ مفسد فی الارض و محارب با خدا

از نظر عاشوراییان و مردم ایران که در روز نهم دی ماه برای محکوم کردن جریان نفاق و فتنه به صحنه آمده بودند، اغتشاشگران، آشوب طلبان و سران فتنه مصداق مفسد فی الارض بودند. آیت الله علم الهدی عضو مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه مشهد که سخنران راهپیمایی عظیم مردم تهران بود، در بخش هایی از سخنان خود که با تکبیر از عمق جان برخاسته مردم همراه شد، با اشاره به حوادث اخیر و نقش سران فتنه گر در این حوادث، خطاب به عوامل اصلی فتنه گفت: «اگر توبه نکنید، محاربت و مردم و نظام با شما به عنوان محارب برخورد خواهند کرد».

در قطعنامه پایانی این اجتماع باشکوه و میلیونی، با محکوم کردن حرمت شکنی ها و خوش خدمتی اغتشاشگران و فتنه انگیزان به صهیونیست‌ها، آمده است: «ما اعلام می‌کنیم اغتشاشگران و آشوبگران روز عاشورا را که علیه قرآن، ارزش‌ها و مقدسات اسلامی و نظام جمهوری اسلامی دست به توطئه زدند، مصداق بارز ضد انقلاب، مفسد

فی الارض و محارب با خدا می دانیم و از نهادهای مسئول خواهان شناسایی، محاکمه عاملان و مسببان این حرمت شکنی و اشد مجازات برای آنان هستیم.»

## سردرگمی رسانه‌های خارجی

حضور حماسی و خروش انقلابی مردم عاشورایی ایران، تمامی رسانه‌های خارجی را دچار بهت و سردرگمی کرد. این رسانه‌ها که طی ماه‌های اخیر تجمعات محدود مخالفین و ساختارشکنان را با آب و تاب بازتاب داده و بعضاً از برخی از تجمعات ضدانقلابی در تهران در روزهایی چون ۱۶ آذر و ۳۱ آبان و همچنین عاشورا به صورت زنده و لحظه‌ای گزارش منتشر می‌ساختند، در قبال حضور دهها میلیونی مردم ایران در واکنش به حرمت شکنی ضد انقلاب در روزهای عاشورا، کور و لال شدند. این رسانه‌ها در واقع غافلگیر شدند و به دلیل توهمی که نسبت به اوضاع ایران پیدا کرده بودند، هرگز انتظار نداشتند و تصور نمی‌کردند که مردم ایران اینگونه وارد صحنه شده و متحد و منسجم بر مدار ولایت فقیه، به مخالفت با ساختارشکنان و فتنه انگیزان و حامیان خارجی آنها بپردازند و از نظام اسلامی و رهبر معظم انقلاب اسلامی دفاع کنند.

رسانه‌هایی چون VOA، B.B.C، العربیه، الجزیره و رادیو فردا، هنگامیکه مجبور شدند از سر اضطرار اخباری از این حضور ماندگار را منتشر سازند، براساس قاعده همیشگی خود که از کوه کاه می‌سازند و کاه را کوه نشان می‌دهند، حضور دهها میلیونی مردم ایران را، حضور هزاران نفری و حداکثر دهها هزار نفری معرفی کرده و آن را نیز یک حضور دولتی نامیدند.

وسعت جمعیت انقلابی در ۴ خیابان بزرگ اصلی منتهی به میدان انقلاب اسلامی چنان خیره کننده و چشمگیر بود که خبرگزاری‌های آلمان و فرانسه با وجود تلاش آشکار برای کاستن از سیل جمعیت، رقم صدها هزار نفر را مخابره کردند و این در حالی است که در سیاق کاری خبرگزاری‌های غربی مذکور، معمولاً تجمعات انقلابی با مقیاس یک دهه یا یک صدم کوچک تر گزارش می‌شود.

در این میان صدای آمریکا و بی.بی.سی انگلیس که در وحشی‌گری اوپاش اجیر شده در روز عاشورا به صورت آن لاین و لحظه به لحظه به تحریک و گزارش و بزرگ نمایی دسته‌های ۴۰-۳۰ نفره اوپاش می‌پرداختند و مدعی بودند «مردم کنترل پایتخت

را از دست نیروهای امنیتی خارج کرده و به دست گرفته‌اند!! این بار تا ساعت‌ها سکوت اختیار کرده و سپس مدعی شدند «ده‌ها هزار نفر!» در تظاهرات دولتی (!) دیروز شرکت کرده‌اند. البته بی.بی.سی خباث خود را بیشتر نشان داد و در خبر دوم به جای تعبیر «ده‌ها هزار تظاهرکننده»، تعبیر «تظاهر کنندگان» را جای داد. بی.بی.سی به فاصله ۳ روز باقی مانده حیثیت خود را نیز به حراج گذاشت. بی.بی.سی در قسمت گزارش تصویری هم عمدتاً عکس‌های یک تا چند نفره تظاهرکنندگان را به نمایش گذاشت.

اقدام مضحک‌تر از تحرکات BBC و VOA، رویکرد رسانه‌ای چون رادیو فردا، رادیو زمانه، العربیه، نوروز، امروز، جرس و اغلب سایت‌های ضد انقلاب بود که تا ساعت پایانی شب حاضر نشدند هیچ خبر و تصویری از راهپیمایی کم سابقه ملت عاشورایی در تهران منتشر کنند و بعضاً به خبرهای چند سطری بسنده کردند.

این رسانه‌ها بر این نکته تکراری و مشابه اصرار داشتند که به مخاطب خود بگویند، اینها کارمندان دولت بودند که با یک روز مرخصی دادن به آنها و به وسیله اتوبوس به راهپیمایی آمده بودند. مضحک تر آنکه اعلام کردند دولت با دادن ساندریس و ساندریچ مردم را به خیابان‌ها کشانده بود!

البته برخی از مطبوعات‌های وابسته به جریان فتنه به سادگی از کنار این مسئله گذشتند و با ادامه رویه خود اثبات نمودند که هیچ چیز برایشان دارای اهمیتی بیش از منافع جناحی و حزبی شان نیست.

## عاشورا جداکننده حق و باطل

عاشورای امام حسین (ع) در سال ۶۱ هجری، جبهه حق از جبهه باطل را به طور کامل جدا ساخت. عاشورا نتیجه بی بصیرتی و فتنه‌ها بود، لکن خود عاشورا بصیرت‌افزایی کرد و راه نجات را از راه ضلالت و گمراهی تمیز داد. قیام مختار و توأبین و ده‌ها قیام دیگر در جامعه اسلامی پس از عاشورای سال ۶۱ هجری، نشان می‌دهد که خون امام حسین (ع) و اصحاب با وفایش تا چه اندازه در ایجاد بصیرت مؤثر واقع شده است. طی چند ماه اخیر جامعه انقلابی و اسلامی ایران با فتنه‌های پیچیده‌ای روبه‌رو گردید و عده‌ای را به ویژه از خواص دچار تردید کرد. تردید و سکوت خواص فتنه‌انگیزان را بسیار امیدوار کرده بود و آنان با ادعای خط امامی تلاش می‌کردند تا مردم را همراه

خود سازند. حوادث تلخ روز عاشورا که از سوی بهائیت، منافقین، سلطنت طلبان و اراذل و اوباش و با زمینه سازی های سران فتنه و با حمایت و پشتیبانی غربی ها به وقوع پیوست، ماهیت جریان فتنه را برای تمامی آحاد جامعه آشکار ساخت. در واقع روز عاشورای امسال، مظلومیت امام حسین (ع) در امتداد تاریخی همان حادثه سال ۶۱ هجری سبب گردید تا مرزهای جبهه حق و جبهه باطل در ایران اسلامی کاملاً روشن و شفاف گردد. عاشورای ۸۸ صف عاشوراییان را از صف یزیدیان و صف انقلابیون اصیل از مدعیان منحرف و وابسته به اجانب را کاملاً جدا ساخت. عاشورا در مردم ایران بصیرتی ایجاد کرد تا ماهیت جریان های سیاسی و عوامل فتنه را به خوبی بشناسند.

خلق حماسه بزرگ و ماندگار نهم دی ماه با حضور و خروش انقلابی ده ها میلیون ایرانی با غیرت در سراسر کشور، یک بار دیگر حقیقت بزرگی را آشکار ساخت. ایرانیان در این روز به همه جهانیان این پیام را دادند که اسلام فلسفه وجودی ایران است و ایران به برکت اسلام نفس می کشد و حرکت می کند. مردم ایران نشان دادند که اسلام، قرآن، امام حسین (ع)، عاشورا و ولایت فقیه، هویت ایرانی را تشکیل می دهد و هرگز اهانت به این هویت را بر نمی تابند.

صاحب نظران و کارشناسان مسایل راهبردی بر این اعتقاد هستند که هرگز نباید هویت اصلی یک ملتی را مورد هجوم قرار داد. آنان بر این اعتقادند در صورت هجوم به هویت اصلی که فلسفه وجودی یک ملت را تشکیل می دهد، آن ملت به خروش آمده و با تمام توان از خود دفاع می کند. بر همین اساس، طی سال های اخیر، هرگاه موضوع حمله نظامی به ایران از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی به میان می آمد، با مخالفت جدی بخشی از کارشناسان و صاحب نظران آنها مواجه می گردید. دلیل اصلی مخالفان حمله نظامی به ایران، در یک جمله خلاصه می شود. جنگ و تجاوز نظامی، ایرانیان را منسجم کرده و متجاوز را شکست می دهد. آنان بر این باور بودند که ایرانیان برای حفظ ایران، تمامی اختلافات را کنار گذاشته و حول ولایت فقیه برای مقابله با متجاوز متحد می گردند. به همین خاطر آنان از حمله نظامی به ایران تاکنون اجتناب کرده و با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم و از طریق فتنه انگیزی به دنبال رسیدن به مقاصد شوم خود بودند. حوادث پس از انتخابات و ساختارشکنی ها در روزهای قدس، سیزده آبان، شانزده آذر و در نهایت در روز عاشورا با چنین نگرشی طراحی و اجرا گردید.

ورود بی شرمانه و هتاکانه سرسپردگان و مزدوران اجانب به حریم دین و اعتقادات مردم و شکسته شدن حرمت عاشورای حسینی، آنچنان با واکنش انقلابی مردمی عاشورایی مواجه گردید که همگان فهمیدند دین و ارزش های دینی، اسلام و عاشورا، امام حسین و ولایت فقیه برای مردم ایران از هر چیز دیگر با ارزش تر است.

### سقوط فتنه کلید خورد!

همانگونه که اشاره شد، راه مقابله با فتنه ایجاد بصیرت در جامعه است. حوادث تلخ عاشورای حسینی، بصیرت انقلابی مردم ایران را به اوج رساند و مردم ایران به ماهیت واقعی جریان فتنه و عوامل آن پی بردند. مردم ایران به خوبی فهمیدند که انتخابات و موضوع تقلب در انتخابات همگی بهانه ای بود برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی و به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی که از سوی جبهه ای گسترده از دشمنان خارجی و انقلابیون فرسوده و پشیمان از مبارزه دنبال شد. با فرو افتادن پرده نفاق از چهره عوامل اصلی فتنه و مشخص شدن همراهی آنان با اغتشاشگران و آشوب طلبان که عمدتاً سرنخ آنان در دستان بیگانه می باشد، باید گفت کمر فتنه شکست و چشم او کور شد.

### فتنه حکمیت

حمیت و غیرت مردم در دفاع از ارزشهای الهی و اسلامی و نظام انقلاب، گویی لریزه عجیبی بر تن سران داخلی و خارجی فتنه انداخت. این چنین بود که موج جدیدی از تحركات سیاسی برای کنترل خشم مقدس مردم و نظام آغاز شد.

### فاز اول - عقب نشینی تاکتیکی

اولین فاز این تحركات صدور موضعی از سوی سران فتنه بود که در آن علی رغم حمایت از فتنه گران و پافشاری بر مواضع پیشین، نشانه هایی از عقب نشینی تاکتیکی نیز مشاهده می شد.

میرحسین موسوی پس از حماسه ۹ دی، با صدور بیانیه شماره ۱۷ و حمایت رسمی از حرمت شکنان روز عاشورا، آنها را مردمی خداجو و تجمع شان را خودجوش خواند.

مروری بر فرازهای مختلف این بیانیه نشان می‌دهد که نویسنده باز هم همچون بیانیه‌های پیشین خود آسمان و زمین را به هم بافته تا در ذیل کلمات و عبارات "حقیقت" را کتمان نماید. این نوشته که در اوج بی‌انصافی و بی‌اخلاقی، و قدرت طلبی و نفاق نوشته شده است، به کلاف سردرگمی شباهت داشت که برای فهم آن باید رمز گشایی شود تا اغراض نویسنده برای مخاطب مشخص گردد:

۱- موسوی در تلاش بود تا خود را از حوادث تلخ روز عاشورا مبرا سازد، لذا ادعا کرد که چون در این زمینه بیانیه‌ای صادر نکرده است، ریشه این اقدام را باید در جای دیگری جستجو نمود. ما نیز بر این باوریم که مدتهاست کار از دست موسوی و کروبوی خارج شده و صحنه گردان این عرصه کسان دیگری هستند که موسوی و کروبوی را نیز به بازی گرفته اند. اما مسأله آن است که این سران فتنه بودند که زمینه ساز این شرایط شده و تا عدم براءت کامل از عاملان این حوادث، نام ایشان در صدر فهرست مجرمان اغتشاشات اخیر باقی خواهد ماند.

۲- وی بلافاصله با نادیده گرفتن دستهای پشت پرده سناریوی "محرم سبز" از جمله گروهک منافقین و سران خارج نشین کودتای مخملین همچون سازگارا و مخملباف و ... تلاش دارد تا این اقدام جنایت آمیز را حرکت "ملت خداجوی"؟! معرفی کند که با استفاده از "شبکه های وسیع اجتماعی و مدنی که در طول انتخابات و بعد از آن به صورت خود جوش شکل گرفته است"؟! طراحی شده است! چنین گزارش تحریف آمیزی از جنایات روز عاشورا نه تنها واقعیات را تغییر نمی‌دهد، بلکه افکار عمومی را بیش از پیش نسبت به سران فتنه سبز بی اعتماد می‌سازد. مدعیانی که در روز روشن دروغ می‌گویند و رقیب را متهم به دروغگویی می‌کنند.

۳- موسوی اوپاش فتنه گر را "عزاداران حسینی" می‌خواند که در این روز مقدس حسین حسین گویان! (بخوانید میرحسین! میرحسین! گویان) به صورت مسالمت آمیز و بدون شعارهای تند روانه میدانها و مسیرهایی شدند که خود انتخاب کرده بودند!

در این میان معلوم نیست موسوی در مورد چه حوادثی صحبت می‌کند و کدام صحنه را شرح می‌دهد! آنچه به گزارش قریب به اتفاق تمامی حاضرین در صحنه بدست می‌آید، در روز عاشورا عده ای اوپاش که با قیافه های آراسته که شباهتی نیز به عزاداران حسینی نداشت، کف و سوت زنان و هلله کشان - که بیش از هر چیز



صحنه حمله سپاهیان عمر سعد به خیمه های اباعبدالله را در عصر عاشورا تداعی می کرد - به خیابانها ریخته بودند که با شعارهای اهانت آمیز به آموزه های ناب اسلام و تفکر حضرت امام خمینی (ره)، خیابانهای پایتخت را تخریب و به آشوب بکشاند!

این گروه در این روز به دعوت و تحریک عناصر معلوم الحالی چون "نوری زاده" لندن نشین، شعارهای خود را تندتر کرده و این بار اصل نظام جمهوری اسلامی را نشانه رفته بودند.

۴- وی در اقدامی فرافکنانه از "خشونت های غیرقابل باوری" سخن می گوید که توسط "نیروهای لباس شخصی که امروز هویت آنها بر کسی پوشیده نیست!" صورت گرفته است. اقداماتی چون "زیر کردن راهپیمایان"، "به زیر انداختن افراد بی گناه از روی پل ها و بلندی ها"، "تیراندازی و ترورها". موسوی در این عبارات تلاش دارد تا با دروغگویی و تحریف حقایق، از بار گناه هواداران او باشش بکاهد و با برائت آنها از جنایات صورت گرفته، نیروهای انتظامی و بسیج را مسئول قتل های صورت گرفته در این روز معرفی نماید. این در حالی است که تمامی مدارک موثق از کشته شدن اغلب این افراد توسط آشوبگران خبر می دهد. در این روز نیروی انتظامی از هیچ سلاح گرمی بهره ننجسته و از سویی دیگر بسیج در این روز در صحنه درگیری ها حضور نداشته است، چرا که ملت حزب الله و بسیجی در این ساعات در هیئات عزاداری سالار شهیدان مشغول عزاداری بودند.

۵- در ادامه موسوی در حالی سخن از تخریب مشروعیت نظام می زند که چشم خود را بر حضور میلیونی ملت در روز چهارشنبه و در راهپیمایی "برائت از منافقین" بسته است و در بیانیه اش اشاره به آن ندارد. معلوم نیست وی تا به کی چشم بر حقایق خواهد بست و در حمایت از جمعی او باش هوادار خود، آنها را مردم خطاب خواهد نمود!

۶- بخش تعجب برانگیز و فرافکنانه دیگر این بیانیه گریزی است که موسوی به یکباره به نقد عملکرد دولت دهم می زند و می نویسد: «با مشکلات بر زمین مانده اقتصادی و معیشتی کشور که به دلیل ضعف مفرط دولت روزبروز وخیم تر می شود چه می کنید؟ با چه پشتوانه ای از کارآمدی و انسجام ملی و سیاست خارجی مؤثر، سایه قطعنامه ها و امتیازخواهی های بیشتر را در سطح بین الملل از سر کشور و ملتمان دور می کنید؟»

گویا موسوی فراموش کرده است که بخش عمده‌ای از مشکلات فوق محصول و نتیجه رفتار غیرقانونی وی و هوادارانش در بعد از انتخابات بوده است. برآستی چه کسانی قریب هفت ماه است که نظام را درگیر مسائل حاشیه‌ای و قدرت طلبانه خود کرده و توان و انرژی کشور را به هدر داده‌اند؟ چه کسانی ایجاد اختلاف کرده و تسلیم قانون و رأی ملت نشده‌اند و بر طبل تقلب و تفرقه و رویارویی کوفتند! چه کسانی زمینه‌های سوء استفاده و تشدید فشارهای بیگانگان و دشمنان خارجی نظام اسلامی را فراهم آورده‌اند؟ بیگانگانی که به صراحت تشدید فشارهای خود علیه نظام اسلامی را در راستای حمایت از موسوی اعلام کرده‌اند!

۷- راهپیمایی باشکوه و تاریخی ملت در برابر آشوبگران هوادار موسوی در روز عاشورا و اعلام انزجار از سران فتنه که با فریاد بلند و خشم انقلابی ملت همراه و در شعارهای ایشان تعیین یافته بود، موسوی را چنان به خشم آورد که اعلام کرد: «بنده به صراحت و روشنی می‌گویم فرمان اعدام و قتل و زندانی کربوی و موسوی و امثال ما مشکل را حل نخواهد کرد!» وی البته تلاش دارد تا بار دیگر با تحریف حقایق این شعارها را به تریبونهای رسمی نظام منسوب نماید که قصد هدایت مردم را داشتند، غافل از اینکه تمامی حاضرین در صحنه راهپیمایی دیدند و شنیدند که این توده‌های به خشم آمده ملت بودند که با تمام وجود شعار "مرگ بر منافق" سر می‌دادند!

البته به نظر می‌رسد موسوی حسابی از جان خود ترسیده است! از این رو بلافاصله می‌نویسد: «سخنان روز چهارشنبه میدان انقلاب و قبل از آن در نماز جمعه هفته پیش دانشگاه که توسط چهره‌های منتسب به نظام ایراد گردید، نتایج هر نوع اقدام تروریستی را مستقیماً به سمت کانون نشانه خواهد رفت و گره مشکل بحران کنونی را ناگشودنی خواهد ساخت.»

۸- موسوی فریب‌کارانه در برابر شعار "مرگ بر موسوی" ملت در راهپیمایی میلیونی روز چهارشنبه، طلب شهادت کرده و آرزومند است که با شهادی بعد از انتخابات محسوس شود! البته مشخص نمی‌کند که منظور از شهادی بعد از انتخابات چه کسانی هستند! آیا منظور بسیجیانی هستند که توسط اوباش حامی موسوی به شهادت رسیده‌اند یا "شهادی ساختگی" ستاد جنگ روانی کودتاگران که آمار آنها هر روز در حال افزایش است و یا معدود افرادی که در فتنه و آشوب ساخته شده توسط هواداران

موسوی، خوششان بی دلیل ریخته شده است! وی فراموش کرده است که طبق تمامی آموزه های قرآنی و رهنمودهای اهل بیت(ع)، خون کسی که در برابر حکومت اسلامی ایستاده و قصد براندازی آن را داشته باشد، به هدر رفته است و در ادبیات اسلامی در مورد او به جای اصطلاح "شهادت" از واژه "هلاکت" استفاده می شود!

وی در حالی که نشانه های پیری و فرسودگی در کلامش آشکار است، جملات مشهور حضرت امام(ره) را به اشتباه و تحریف شده بر زبان می آورد که "بکشید ما را، ما نیرومندتر می شویم". اصل عبارت امام راحل که در پیام تسلیت شهادت استاد شهید مرتضی مطهری صادر شده چنین است: "بکشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می شود".

۹- موسوی تاکید می کند که «بنده به صراحت می گویم تا وجود یک بحران جدی در کشور به رسمیت شناخته نشود، راهی برای خروج از مشکلات و مسائل پیدا نخواهد شد.» معلوم نیست تاکید بر پذیرش وجود بحران در کشور چه تاثیری بر صورت مسأله دارد. به فرض پذیرش ادعای موسوی در وجود بحران در کشور، راه حل مواجه با بحران و خروج از مشکلات بوجود آمده، برخورد با بحران آفرینان است! کسانی که هر روز بر طبل اختلاف زده و تلاش دارند تا آشوبگران را به صحنه بیاورد و با بحران آفرینی مطالبات قدرت طلبانه خود را دنبال نمایند.

۱۰- موسوی همچنین مدعی می شود که نظام برای "کسب امتیازهای جناحی و کینه ورزی" گروهک منافقین را بار دیگر زنده کرده است! موسوی که گویا قصد دارد تا به هیچ وجه حقایق را نبیند، چشم خود را بر اظهارات این ایام سران گروهک منافقین بسته است و حتی حقایقی چون دستگیری برخی اعضای منافقین در فتنه های اخیر را که خود ایجاد کرده است، نمی بیند! البته این یکی از ویژگیهای منحصر به فرد سران جبهه دوم خرداد است که همواره جریان اصولگرا را به "توهم توطئه" متهم می سازند.

۱۱- موسوی در ادامه تلاش دارد تا جریان خود را جریانی اصولگرا و معتقد به آرمانهای اهل بیت(ع) و آموزه های حضرت امام(ره) نشان دهد. این در حالی است که مهمترین رکن اندیشه سیاسی حضرت امام که ولایت مطلقه فقیه باشد، با صراحت از سوی هواداران موسوی در این روزها نفی شده است. بازی با کلمات و ادعاهای روشنفکرانه ای چون "اعتقاد به تفسیر رحمانی از اسلام" پاسخ مناسب برای ابهامات ایجاد شده در افکار عمومی نسبت به ادعای خط امامی بودن این جریان نیست. اسلام

ناب محمدی (ص) و خط امام (ره) شاخصه‌هایی دارد که بهتر است موسوی به وفاداری خود و هوادارانش به آنها به زبان اعتراف نماید و در رفتار سیاسی نیز به آن ملزم باشد و از کسانی که مخالف این آرمانها و شاخصه‌ها هستند براءت بجوید. تنها در این صورت است که خواهد توانست از زیر اتهامات و بدبینی‌های ایجاد شده در افکار عمومی خارج شود.

۱۲- موسوی مدعی است که وی و دوستانش "پای بنیان سرسخت استقلال کشور" می‌باشند اما معلوم نیست که نشانه‌های این پایبندی چیست؟ حمایت‌های همه جانبه رسانه‌های بیگانه از فتنه سبز، پناه بردن بخش قابل توجه از سران و هواداران فتنه سبز به دامان بیگانه (افرادی چون: مهاجرانی، گنجی، سازگارا، مخملباف، بشیریه، کدیور، سروش، گوگوش و ...)، حمایت مالی بیگانگان از کودتای مخملین موسوی، حمایت سفارتخانه‌های خارجی از آشوبگران در تهران، افزایش تحریمها و فشارهای بین‌المللی علیه دولت دهم و نظام اسلامی در حمایت از فتنه گران، حکایت از آن دارد که این جریان برای کسب قدرت حاضرند از تمامی منافع ملی کشور از جمله رکن اساسی "استقلال" بگذرند و پای بیگانگان را به اختلافات درونی و رقابت‌های سیاسی داخلی کشور بکشانند.

۱۳- دروغ‌ترین و طنزترین فراز این بیانیه آنجایی است که موسوی مدعی می‌شود: «جنبش سبز مخالف دروغ است و آنرا آفتی خانمان برانداز برای کشور می‌داند و از این رو دروغ‌های سیاسی و امنیتی و اقتصادی و فرهنگی و امثال آنرا خطری بزرگ برای کشور می‌دانیم.»

مروری بر دروغ‌هایی که موسوی و هواداران وی تنها در جریان انتخابات تا به امروز، هر روز از طریق رسانه‌های دروغ پرداز خود داده‌اند، مثنوی هفتاد من کاغذ است که فهرست کردن کامل آن خارج از حوصله این نوشتار است و البته فرازهای مختلف این بیانیه نمونه جالبی از این دورغ پردازیهاست!

۱۴- اعلام اینکه "ما نه آمریکایی هستیم و نه انگلیسی" و اینکه "مضحک است که به ما تهمت اهانت به قرآن، عاشورای امام حسین یا پاره کردن عکس حضرت امام (قدس سره) زده شود. مسلماً حرمت شکنی اگر در روز عاشورا صورت گرفته باشد مورد تایید ما نیست"، تنها عبارات قابل توجه و امیدبخشی است که خوانندگان این

بیانیه را به توبه و بازگشت این جریان به مسیر صحیح امیدوار می‌سازد. البته این اعلام برائت زبانی نیازمند الزامات عملی نیز می‌باشد که موسوی و هوادارانش باید خود را ملزم به آن نمایند و گرنه افکار عمومی این ادعا را نیز تنها فریبی تزویرآمیز برای فرار از معرکه ایجاد شده تحلیل خواهد نمود.

۱۵- موسوی قبل از ارائه شروط خود برای پایان دادن به فتنه، یادآور می‌شود که تغییر وضعیت کنونی و بازگشت کامل آرامش به کشور یک "فرآیند تدریجی" است (بخوانید فرسایشی!) که به این زودی‌ها محقق نخواهد شد. بدین معنا که فتنه‌گران همچنان بر فتنه‌گری ادامه خواهند داد و به تدریج و با امتیاز گرفتن از نظام ممکن است که گامهایی را به عقب گذاشته و اجازه دهند که جامعه روی آسایش را بعد از مدتها ببیند! ادبیات سهم خواهانه و تهدیدآمیز موسوی نشان می‌دهد که وی همچنان به حمایت اغتشاشگران حامی خود چشم دوخته است و می‌خواهد به پشتوانه رفتار آشوبگرانه آنها از نظام اسلامی امتیاز بگیرد، غافل از آنکه دوران "شعبان بی‌مخ‌ها" به سر آمده و آشوبگران کوچک تر از آنند که بخواهند در معادلات سیاسی کشور نقشی ایفا نمایند.

۱۶- بخش پایانی بیانیه ۱۷ موسوی معرفی خود به عنوان یک حکیم جامعه‌شناس و منجی است که در ظاهر راهکارهایی حکیمانه و مشفقانه در پنج بند برای عبور از بحران ارائه داده است! اما در واقع باید آن را شروطی برای پایان دادن به فتنه دانست! نکته قابل توجه عدم الزام موسوی به پایان دادن به فتنه‌گری است. موسوی مشخص نکرده که با تحقق همه این خواستها آیا تضمینی وجود دارد که وی و هوادارانش به فتنه‌ها پایان دهند، یا اینکه در گام بعدی خواسته‌های جدیدتری را برای پایان دادن به فتنه طرح خواهند نمود!؟

۱۷- بند اول این راهکارها تاکید بر مسأله‌ای است که همواره در سه دهه اخیر در کشور اجرا شده و آوردن آن در اینجا تنها از کینه موسوی نسبت به دولت دهم حکایت دارد. "اعلام مسئولیت‌پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت و مجلس و قوه قضائیه" پیام بند اول است که در دولتها و مجالس مختلف از جمله دولت نهم و دهم این امر جاری و ساری بوده است. به جرات می‌توان گفت که بیشترین نظارتها توسط مجلس در زمان استقرار دولت نهم و دهم بوده که قابل مقایسه با هیچ یک از دولتهای پیشین نیست. مروری بر لوایح رد و اصلاحی دولت نهم و دهم در مجلس، میزان طرح سؤال و

استیضاح هیئت وزیران و تصویب دهها طرح تحقیق و تفحص از بخشهای مختلف زیر مجموعه قوه مجریه، به خوبی نشان می‌دهد که این ادعای مطرح شده توسط موسوی همچون دیگر ادعاهای وی دروغی بیش نبوده و در زمان حاکمیت دولت نهم و دهم، مجلس و دولت به وظایف قانونی خود در قبال یکدیگر پایبند بوده‌اند.

۱۸- بند دوم این راهکارها، تلاش برای گرفتن امتیاز مبنی بر امکان ادامه حیات سیاسی فتنه‌گران در انتخابات بعدی است. فتنه‌گران و جریانهای سیاسی حامی آن به خوبی می‌دانند با توجه به رفتار سیاسی بروز داده شده در انتخابات دهم، بی‌شک طبق اصول صریح قانون اساسی و قانون انتخابات صلاحیت لازم برای نامزد شدن در انتخابات بعدی را نخواهند داشت، لذا تلاش دارند تا به نحوی پایان دادن به فتنه را مشروط به الزامات قانونی برای تداوم حیات سیاسی خود کنند. «تدوین قانون شفاف و اعتماد برانگیز برای انتخاباتها به نوعی که اعتماد ملت را به یک رقابت آزاد و منصفانه و بدون خدعه و دخالت قانع سازد.» و اینکه «قانون فوق باید شرکت همه ملت را علیرغم تفاوت در آراء و اندیشه‌ها تضمین کند و جلوی دخالت‌های سلیقه‌ای و جناحی دست اندرکاران نظام را در همه سطوح منتفی سازد» دقیقاً با همین هدف پیشنهاد شده و خلاصه کلام آن کنار گذاشتن وظایف قانونی شورای نگهبان در نظارت استصوابی بر انتخابات است، تا راه برای حضور مجدد فتنه‌گران در انتخابات بعدی از جمله انتخابات شوراها و مجلس فراهم آید.

۱۹- بند سوم بیانیه موسوی درخواست "آزادی زندانیان سیاسی و احیاء حیثیت و آبروی آنهاست!" این درخواست غیرقانونی موسوی در حالی مطرح می‌شود که وی در بند اول خواستار حرکت قوای سه‌گانه در چارچوب وظایف قانونی شده بود. اینکه چطور موسوی حتی حاضر نیست به رأی دستگاه قضایی تمکین کند و آنگاه دم از قانونگرایی می‌زند و تلاش دارد تا با این درخواست دادگاه و قاضی مستقل را تحت فشار قرار دهد، نشانه دیگری از دروغگویی و رفتار نفاق‌گونه وی می‌باشد.

همچنین تاکید بر "احیاء حیثیت و آبروی" مجرمینی که در اقدامات غیرقانونی بعد از انتخابات نقش داشته‌اند، با هدف ایجاد فضا برای تداوم حیات سیاسی این افراد صورت گرفته است؛ مجرمینی که طبق قانون موجود انتخابات صلاحیت تصدی پستهای کلیدی را نخواهند داشت.

در پس موضوع "احیاء حیثیت و آبروی" این مجرمین معنای دیگری نیز نهفته است و آن پذیرش اشتباه نظام در مواجهه با خط نفاق و کودتاگران سبزپوش است. این عمل به معنای بیگناه دانستن سران فتنه بوده و پذیرش این مسأله است که مسئولین نظام در برخورد با فتنه گران اشتباه کرده‌اند! و در اصل اعتراف تلویحی به این مسأله است که فتنه گران، جریان پاکي بودند که به حق! نسبت به نتایج انتخابات اعتراض داشته‌اند و جریان رقیب که در انتخابات تقلب کرده بود! با استفاده از قدرت نظامی خود به سرکوب این بیگناهان پرداخت و برخی از سران آنها را دستگیر نمود. این در حالی است که مبتنی بر اسناد دقیق و محکمه پسند، دستگیر شدگان مجرمینی بودند که در قالب سناریویی از پیش تعیین شده علیه نظام اسلامی و امنیت ملی کشور اقدام کرده‌اند.

۲۰- بند چهارم به آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و اجازه نشر مجدد روزنامه‌های توقیف شده اشاره دارد، بدون آنکه تلاش نماید تعریف صریح و دقیقی از آزادی رسانه ارائه دهد. مطبوعات و رسانه‌های توقیف شده همگی در چارچوب قانون بسته شده‌اند و مبتنی بر قانون می‌توان از فعالیت مجدد آنها سخن گفت.

البته با دقت در پیشینه نظرات موسوی و همفکران او می‌توان گفت منظور وی از آزادی رسانه به نحوی که "نگاهها از آن سوی مرزها به شکوفایی خلاقیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی داخلی برگردد!" آن است که به همان کسانی که امروز رسانه‌های فارسی زبان بیگانگان را اداره می‌کنند (امثال مهاجرانی، گنجی، سازگارا، مخملباف و ...) و اتفاقاً اغلب آنها از همراهان و هواداران جبهه دوم خرداد بودند (و البته امروز به دامان بیگانگان پناه برده‌اند)، اجازه داده شود تا به داخل آمده و بطور رسمی و قانونی! به ترویج عقاید خود پردازند! آنگاه است که دیگر نگاهها از بیرون متوجه خلاقیت! داخلی می‌شود!

۲۱- در بند آخر "به رسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی و تشکیل احزاب و تشکلهای و پایبندی به اصل ۲۷ قانون اساسی" تاکید شده است و از نظام خواسته تا اجازه برگزاری تجمعات به گروههای سیاسی داده شود.

در این باره باید گفت این اصل قانونی بیش از ۳۰ سال است که در نظام جمهوری اسلامی در حال اجراست و گروهها و تشکلهای سیاسی مختلف در مناسبات گوناگون بارها تجمعات قانونی خود را با دریافت مجوز از نهادهای ذی ربط برگزار کرده‌اند که

آخرین نمونه آن، تجمعات انتخاباتی پیش از برگزاری انتخابات ۲۲ خرداد است. اگر مشی نظام بر جلوگیری از برگزاری این تجمعات بود، دهها تجمع و گردهمایی مختلف هواداران موسوی و کروبی در خیابانها و میداین مختلف شهرها، قبل از انتخابات دهم ریاست جمهوری چگونه برگزار شد؟ اما اگر منظور موسوی از اصل ۲۷ قانون اساسی، اجازه نظام به احزاب برای "اردو کشی های خیابانی" و کشاندن هواداران به خیابان برای ایجاد آشوب و بلوا و تبدیل کردن تظاهرات خیابانی به اهرم فشاری برای اثرگذاری بر نهادهای قانونی و پیگیری مطالبات حزبی از طریق فشارهای خیابانی به جای راهکارهای قانونی باشد، باید گفت این تفسیر ناصوابی از اصل ۲۷ قانون اساسی بوده و نه تنها نظام اسلامی بلکه هیچ نظام سیاسی دیگر نیز چنین اجازه ای را صادر نخواهد نمود.

البته کسی که اقدامات آشوبگران هتاک در تجاوز به حقوق ملت و حمله به عزاداران حسینی در روز عاشورا را "مردمی خداجوی" و "عزاداران حسینی" معرفی می کند که در این روز مقدس حسین گویان به صورت مسالمت آمیز! و بدون شعارهای تند روانه! به صحنه آمدند، کاملاً معلوم است که منظورش از "به رسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی" چیست!

به هر حال راهکارهای موسوی را باید سهم خواهی و شروطی دانست که وی برای پایان دادن به فتنه، پیش روی نظام قرار داد. شروطی که پذیرش آن به معنای مهر تأییدی بر اقدامات غیرقانونی فتنه گران بعد از انتخابات ۲۲ خرداد بود. این در حالی است که اجرای آن شروط نیز نمی توانست ضمانتی برای پایان فتنه ها باشد.

مهدی کروبی، رأس دیگر فتنه نیز ضمن به رسمیت شناختن دولت دهم، در مصاحبه با روزنامه فایننشیال تایمز گفت: «نیروهای دو جناح جمهوری اسلامی که دغدغه نظام اسلامی را دارند، به محض اینکه متوجه شوند، خدایی نکرده، انقلاب، نظام و جمهوری اسلامی در خطر است، با هم متحد خواهند شد.»

وی با اشاره به سخنان چند روز پیش رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح می کند که «آقای هاشمی رفسنجانی به درستی گفتند که بهترین کسی که می تواند موجب حل مشکلات شود، رهبر انقلاب هستند. با آقای هاشمی موافقم.»



## فاز دوم - نامه نگاری

در مرحله بعد طراحی بدین گونه بود که توسط نیروهای موجه تر، مقام معظم رهبری تحت فشار قرار گرفته و حال که سران فتنه از موضع خود کمی عقب نشسته اند، نظام نیز کمی کوتاه آمده و تن به حکمیت دهد. و البته روشن بود که این جا منظور از حکمیت، دخالت مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس آن بود که البته تحت پوشش عناوین دیگری این مسئله دنبال می شد.

محسن رضایی در تاریخ ۸۸/۱۰/۱۱ در نامه‌ای خطاب به رهبر معظم انقلاب اسلامی نوشت: «عقب نشینی آقای میر حسین موسوی از انکار دولت آقای احمدی نژاد و پیشنهاد سازنده ایشان به اینکه مجلس و قوه قضاییه به وظایف قانونی خود در قبال پاسخگو کردن دولت عمل کنند، هر چند دیر هنگام بود ولی می‌تواند سر آغاز یک حرکت وحدت بخش در جبهه معترضین با دیگران باشد.»

رضایی در ادامه از رهبر معظم انقلاب اسلامی چنین درخواست کرد: «صدور پیامی از سوی حضرتعالی و یا رهنمودهایی در یک سخنرانی می‌تواند حرکت جدیدی که برای وحدت، همدلی، برادری، گذشت و ایثار در جامعه شروع شده را تقویت و استمرار بخشد تا هم کسانی که در جناح های سیاسی اشتباهاتی داشته‌اند از اشتباه خود برگردند و همکاری با یکدیگر را آغاز کنند و هم از شروع فعالیت افراط گرایان جلوگیری و دشمن کمین کرده را نا امید سازند. از طرف دیگر، نشاط سیاسی جدیدی همراه با تقویت اعتماد عمومی برای سرعت بخشیدن به فعالیتها و پیشرفت کشور و رسیدن به اهداف چشم انداز ایران ۱۴۰۴ بوجود آید»

این درخواست در حالی صورت گرفت که رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها در چندماه گذشته در سخنرانی های مختلف، راه حل مناقشات و مکانیزم ایجاد همدلی و برادری را که بازگشت، تسلیم و عمل به قانون باشد را مشخص نموده بود. هرچند رهبر معظم انقلاب اسلامی با درایت خویش از ورود به برنامه جدید فتنه خودداری کردند و نامه رضایی بی پاسخ ماند اما معظم له هوشمندانه نسبت به شکل گیری فتنه جدید هشدار دادند.

معظم له در آن دیدار ضمن مقایسه روز ۹ دیماه ۱۳۸۸ با ۱۹ دیماه ۱۳۵۶، این روز را روزماندگار تاریخ این ملت دانست که به واسطه بصیرت ملت خلق گردید. ایشان

ضمن اشاره به شرایط فتنه و بررسی نمونه تاریخی آن در دوران امیرالمومنین به تحلیل شرایط امروز پرداخت و در شرح صف آرای دشمنان علیه انقلاب اسلامی به جبهه حامیان استکبار جهانی اشاره داشتند که از ابتدای انقلاب تا به امروز فعالیت داشته و همواره در برابر خط امام و ملت قرار داشتند.

رهبر معظم انقلاب در ادامه با تاکید بر دو موضوع اساسی، زمینه های لازم برای مهار فتنه را فراهم ساختند. معظم له در پاسخ به آن بخش از نامه رضایی که "از شروع فعالیت افراط گرایان" اظهار نگرانی کرده بود فرمودند: «در شرایطی که دشمن با همه‌ی وجود، با همه‌ی امکانات خود درصدد طراحی یک فتنه است و می‌خواهد یک بازی خطرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد. دستگاه‌های مسئولی وجود دارند، قانون وجود دارد؛ بر طبق قانون، بدون هیچگونه تخطی از قانون، بایستی مُرّ قانون به صورت قاطع انجام بگیرد؛ اما ورود افرادی که شأن قانونی و سمت قانونی و وظیفه‌ی قانونی و مسئولیت قانونی ندارند، قضایا را خراب می‌کند. خدای متعال به ما دستور داده است: «و لایجرمنکم شئان قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی». بله، یک عده‌ای دشمنی می‌کنند، یک عده‌ای خباثت به خرج می‌دهند، یک عده‌ای از خباثت‌کنندگان پشتیبانی میکنند - اینها هست - اما باید مراقب بود. اگر بدون دقت، بدون حزم، انسان وارد برخی از قضایا بشود، بی‌گناهی که از آنها بیزار هم هستند، لگدمال می‌شوند؛ این نباید اتفاق بیفتد. من برحذر میدارم جوانهای عزیز را، فرزندان عزیز انقلابی خودم را از اینکه یک حرکتی را خودسرانه انجام بدهند؛ نه، همه چیز بر روال قانون.»

معظم له از سوی دیگر به وظایف مسئولین اشاره کردند و از آنها خواستند که به این وظایف عمل کنند. عباراتی که نویسنده مذکور نیز می‌تواند از لابلای آن وظایف خود را مشخص نماید. در این عبارت آمده است: «مسئولین کشور بحمدالله چشمشان هم باز است، می‌بینند؛ می‌بینند مردم در چه جهتی دارند حرکت میکنند. حجت بر همه تمام شده است. حرکت عظیم روز چهارشنبه نهم دی ماه حجت را بر همه تمام کرد. مسئولین قوه‌ی مجریه، مسئولین قوه‌ی مقننه، مسئولین قوه‌ی قضائیه، دستگاه‌های

گوناگون، همه می‌دانند که مردم در صحنه‌اند و چه می‌خواهند. دستگاه‌ها باید وظایفشان را انجام بدهند؛ هم وظایفشان در مقابل آدم مفسد و اغتشاشگر و ضدانقلاب و ضد امنیت و اینها، هم وظایفشان در زمینه‌ی اداره‌ی کشور».

بدون شک کنترل خشم انقلابی و پرهیز از افراطی‌گری از یکسو و عمل قاطع مسئولان به وظایف قانون از سوی دیگر، راهکاری است که در این مقطع می‌توان به عنوان راه عملی برای مهار و پایان دادن به فتنه مورد توجه همه شخصیتها و مسئولین قرار گیرد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در انتهای سخن با نگاهی به آینده، در مورد مهمترین مسائل کشور فرمودند: «دشمن می‌خواهد با این حوادث، چرخهای کشور از کار بیفتد؛ نباید به دشمن کمک کرد. دشمن می‌خواهد با اینگونه حوادث، چرخ پیشرفت اقتصادی متوقف بشود؛ دشمن می‌خواهد چرخ پیشرفت علمی که بحمدالله دور برداشته است و حرکت علمی خوبی آغاز شده و رو به رشد هم هست، متوقف بشود؛ دشمن می‌خواهد حضور سیاسی قدرتمندانه‌ی جمهوری اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی را که امروز از گذشته بسیار بارزتر و پر جلوه‌تر است، مخدوش کند، خراب کند با این مسائل اینجوری؛ نباید به دشمن کمک کرد. بنابراین مسئولان باید کارهای خود را در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در همه‌ی زمینه‌هایی که مسئولیتی دارند، وظیفه‌ای دارند، با قدرت، با قوت و با دقت انجام بدهند. همکاری‌های با دولت و مسئولین کشور هم باید ادامه پیدا کند».

این کلام نیز می‌تواند اشاره به آن بخش از نامه رضایی باشد که آورده بود: «صدور پیامی از سوی حضرتعالی و یا رهنمودهایی در یک سخنرانی می‌تواند... از طرف دیگر، نشاط سیاسی جدیدی همراه با تقویت اعتماد عمومی برای سرعت بخشیدن به فعالیتهای و پیشرفت کشور و رسیدن به اهداف چشم انداز ایران ۱۴۰۴ بوجود آید»  
بدین ترتیب توطئه جدید حکمیت نیز ختشی شد!

### فتنه در نفس مصنوعی!

البته فتنه گران نیز به تقلا کردن خود برای بازیابی و تجدید قوای خود ادامه می‌دادند. موسوی امروز به محور وحدت تمامی ضدانقلابیون علیه نظام مبدل گردیده بود و

جریانهای معاند نظام اسلامی از گروهک منافقین تا سلطنت طلبان و سکولارها و سوسیالیستها، جملگی خود را هوادار فتنه سبز معرفی می‌کردند. او به خوبی می‌دانست که اظهار نظر صریح در مورد باورهایش به هر نحو، ممکن است بخشی از این هواداران رنگارنگ را برنجانند و موجب ریزش آنها گردد. لذا در ماههای اخیر تلاش کرده بود تا با سخنان چند پهلو جبهه متحد ضدانقلاب را همگرا نگاه دارد. البته از این مسأله غافل بود که بازی در نقش "محور وحدت بخش ضدانقلابیون"، موجب شده که پایگاه اجتماعی اصیل خود را از دست داده و بخش عمده‌ای از رأی ۱۳ میلیونی وی که بخاطر معرفی خود به عنوان نخست وزیر حضرت امام(ره) در ۲۲ خرداد کسب گردیده بود را از دست داده بدهد.

زهره رهنورد در گفتگو با روزآنلاین، در پاسخ به این سؤال که از بیانیه هفدهم میرحسین موسوی، برخی اینگونه برداشت کرده‌اند که آقای موسوی، دولت محمود احمدی نژاد را به رسمیت شناخته است، گفت: «من فکر می‌کنم و برداشت من این است که از متن همین بیانیه به وضوح می‌توان فهمید که آقای موسوی، دولت برآمده از تقلب را به رسمیت نمی‌شناسد... من در آن بیانیه نه تنها هیچ گونه سازشی نمی‌بینم، بلکه آن بیانیه کف خواسته‌ها و آرمانهای مردم است و حداقلی از خواسته‌های مردم و حکومت می‌تواند به راحتی این خواسته‌ها را عملی کند.»

البته صدور چنین بیانیه‌های مبهم و چندپهلوی، گاه هواداران وی را نیز دچار سردرگمی می‌کند که آخرین آن بیانیه شماره ۱۷ بود که در آن به شروط وی برای پایان دادن به فتنه‌ها اشاره شده بود. این بیانیه با اینکه با هجمه و واکنشهای تند بخشی از هواداران خارج نشین موسوی همراه بود، اما از سویی دیگر با حمایت بخش دیگری همراه بود که از جمله می‌توان به جمعی از روشنفکران سکولار اشاره کرد که با صدور اطلاعیه‌ای به استقبال بیانیه موسوی رفتند.

این جمع مملو از عناصر معلوم الحالی است که در این سالها کینه و نفرت خود را از نظام اسلامی مخفی نگه نداشته‌اند. در این فهرست اسامی زیر به چشم می‌خورد: ارواند آبراهامیان، داریوش آشوری، ژانت آفاری، نیره توحیدی، رامین جهانبگلو، فاطمه حقیقت جو، بیژن حکمت، مهدی خانابابا تهرانی، فریبا داوودی مهاجر، حمید دباشی،

احمد صدری، کاظم علمداری، مهرانگیز کار، احمد کریمی حکاک، حسین کمالی، مهرداد مشایخی، منصور علی میرسپاسی، عباس میلانی، آرش نراقی، حسن یوسفی اشکوری و ... در بخشی از این بیانیه آمده است: «موسوی، در عین الویت قائل شدن برای جنبش کثرت گرایانه ی مردم ایران، نشان داده است که به منظور پیشبرد خواسته های همین جنبش آماده است با دستگاه حاکم مذاکره کند. اشاره ی غیر مستقیم او به برکناری «قانونی» محمود احمدی نژاد از طریق رای مجلس را می توان نشانه ی همین گرایش دموکراتیک دانست.»

نکته برجسته این اطلاعیه آنجایی است که این جریان از بند ۴ پیشنهاد موسوی به وجد آمده و آن را محور همکاری اصلاح طلبان و نیروهای سکولار معرفی می کند. در این اطلاعیه آمده است: «برجسته ترین وجه این بیانیه چهار بند مربوط به «انتخابات آزاد» و پیش شرطهای برگزاری آن، از جمله آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و رسانه ها، و تاکید بر حق تشکیل احزاب و برگزاری اجتماعات است. این خواسته ها از هنگام برگزاری انتخابات خرداد ماه به بعد از سوی هواداران دموکراسی و کثرت گرایی بارها مطرح شده است. امیدواریم طرح این مطالبات تاریخی در بیانیه ی میرحسین موسوی زمینه را برای پذیرش عمومی آنها و گسترش همکاری میان نیروهای گوناگون جنبش سبز، چه اصلاح طلبان مسلمان و چه نیروهای سکولار- دموکرات، فراهم کند.»

در سایه چنین حمایتهایی است که ملت به موسوی همچنان به دیده شک نگاه کرده و او را متهم ردیف اول فتنه های اخیر می بینند. سکوت در قبال صدور چنین اطلاعیه هایی توسط موسوی به خوبی نشان می دهد که وی در مسیر استحاله تا بدانجا پیش رفته است که سخنان و امال و آرزوهای "نیروهای سکولار- دموکرات" از زبان وی خارج می شود.

در همین راستا، جمع دیگری نیز از عناصر معلوم الحال لائیک حامی فتنه سبز به صحنه آمده و ضمن انتقاد از خواسته های موسوی خواستار عبور وی از اصول بنیادین نظام اسلامی و ایستادگی وی در مقابل انقلاب اسلامی شده اند. در بخشی از این بیانیه با صراحت آمده است: «دل بستن به اصلاح در چارچوب نظام خودکامه ولایت مطلقه فقیه، که در قانون اساسی کنونی رسمیت یافته است، دور از واقع بینی و نادیده گرفتن خواست های ریشه دار مردمی است که جنبش سبز را به راه انداخته اند.»

نویسندگان این بیانیه که در میان امضا کنندگان آن عناصر فاسقی چون ماشاالله آجودانی، شهرنوش پارسی پور، باقر پرهام، فرج سرکوهی مشاهده می‌شود، از کوتاه آمدن سران داخلی فتنه احساس خطر کرده و خطاب به موسوی می‌نویسند: «بیم آن می‌رود که پافشاری بر این گونه مواضع و چشم بستن بر واقعیات موجود، به عواقبی بسیار ویرانگر و خطرناک برای میهن عزیزمان ایران بینجامد»

ماشاءالله آجودانی، یکی از امضاء کنندگان بیانیه مذکور، به بی.بی.سی فارسی گفت که مطالبات مطرح شده در بیانیه شماره ۱۷ آقای موسوی با "هوشمندی و خرد" مطرح شده است، "اما جنبش سبز ایران یک جنبش چند صدایی است و آقای موسوی بخشی از این جنبش را نمایندگی می‌کند. ما از مطالبات او در بیانیه حمایت می‌کنیم، اما انتظار نداریم که او در داخل ایران حرفی را بزند که ما در خارج از ایران می‌زنیم!"

این بیانیه با آب و تاب فراوان مورد توجه رسانه‌های ضدانقلاب از جمله بی.بی.سی قرار گرفت و این بنگاه خبرپراکنی صهیونیستی، برنامه «نوبت شما» متعلق به تلویزیونی بی.بی.سی فارسی خود را نیز به طرح این سؤال اختصاص داده که «به نظر شما خواسته اصلی جریان اعتراضی موسوم به "جنبش سبز" در ایران چیست؟» و به دنبال آن است تا مشخص نماید «خواسته جنبش سبز؛ اصلاح است یا تغییر حکومت؟»

سازگارا و مخملباف نیز شومن های VOA، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام داشتند: «مهندس موسوی بر پس گرفتن رأی مردم مصراست و دولت احمدی نژاد را کماکان غیر مشروع می‌داند.» و «آن چه در این اطلاعیه مطرح شده به عنوان کف مطالبات مردم است.»

## تشکیل اتاق فکر

اما در سطحی کلان تر بیانیه مشترکی توسط عناصر فراری و معلوم الحالی چون بازرگان، سروش، گنجی، کدیور و مهاجرانی انتشار یافت که به خوبی اهداف پشت پرده و پنهان سران داخلی و خارجی فتنه سبز را بر ملا می‌ساخت.

دو روز پس از آنکه میرحسین موسوی بیانیه جدید خود را صادر کرد و در آن حرمت‌شکنان روز عاشورا را مردم خداجویی نامید که حسین حسین‌گویان به خیابان‌ها آمدند و در عین حال، با یک عقب‌نشینی تلویحی دولت را به رسمیت شناخت،

عبدالکریم سروش، محسن کدیور، عطاءالله مهاجرانی، عبدالعلی بازرگان و اکبر گنجی در بیانیه‌ای مشترک که در رسانه‌های جریان فتنه از آن به‌عنوان بیانیه پنج روشنفکر ایرانی در حمایت از بیانیه موسوی یاد شد، به میدان آمدند تا بر خواسته‌های غیرقانونی خود پافشاری کنند و در ضمن نشان دهند کار در دست موسوی نیست که اگر وی به هر دلیلی قصد عقب‌نشینی کرد، بقیه نیز پشت سر او حرکت کنند

نویسندگان بیانیه ضمن اشاره به بیانیه موسوی می‌نویسند: «بخشی از این خواسته‌ها را آقای میر حسین موسوی در بیانیه‌ی هفدهم خود آورده است که با توجه به تنگناهای سیاسی داخل کشور جنبه‌ی حداقلی دارد.»

بیانیه نویسان در ادامه موارد ده گانه‌ی ای را به عنوان مطالبات فتنه سبز از نظام اسلامی مطرح می‌کنند که در صدر آن نامشروع اعلام کردن دولت منتخب ملت است. در این بند آمده: «استعفای آقای محمود احمدی‌نژاد و برگزاری مجدد انتخابات ریاست جمهوری تحت نظارت نهادهای بی‌طرف»

این بیانیه توسط کسانی نوشته شده که اغلب آنها یاران و همراهان کلیدی جریان دوم خرداد در سالهای پیش بودند و در مجموعه ضدانقلاب، نزدیکترین گروه شناخته می‌شوند. چندی بعد نیز توسط یکی از اعضای همین جمع تشکیل اتاق فکر جنبش سبز! اعلام شد.

البته بیانیه شماره ۱۷ موسوی که از سوی ۵ روشنفکر ضددین، که خود را اتاق فکر جنبش سبز می‌خواندند و ۵۴ سکولار مقیم خارج مورد حمایت قرار گرفت، آخرین اقدامات رادیکالی نامزد شکست خورده انتخابات نبود. او در روزهای ابتدایی بهمن ماه ۱۳۸۸ به منزل ویلایی و مجلل مهدی کروی رفت و این دو نفر، ضمن اعتراض به آنچه که آن را تداوم وضعیت موجود نسبت به احکامی که بدون رعایت مراحل دادرسی برای اعدام برخی از شهروندان صادر شده و اجرای عجولانه آن می‌خواندند، با ابراز تاسف نسبت به اعدام برخی از شهروندان خواستار رسیدگی قانونی به وضعیت بازداشت شدگان اخیر شدند. موسوی و کروی گفتند به نظر می‌رسد چنین اقدامی برای ایجاد خوف در مردم جهت عدم حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن است، این در حالی بود

که مقایسه کیفرخواست این دو اعدام شده با اظهار تأسف از اعدام آنان توسط موسوی و کروبی، حقایق دیگری را آشکار می کرد.

دو محکوم اعدام شده، محمدرضا علی زمانی و آرش رحمانی پور به اتهام فعالیت در گروهک تروریستی انجمن پادشاهی و اقدام به اخلال در امنیت ملی از طریق اقدام به بمب گذاری و ترور مسئولان نظام محاکمه شده بودند.

تهیه بیش از یکصد کیلوگرم مواد مورد نیاز جهت ساخت بمب و چاشنی متعلقه و آماده نمودن بمب به منظور استفاده در مکان های اعلام شده، انجام حداقل پنج مورد عملیات انفجاری آزمایشی و تصویربرداری از مراحل انفجار و ارسال آن به پست الکترونیکی انجمن که دو مورد از این انفجار در اتوبان شهید بابایی و سه مورد آن در بزرگراه بسیج بوده است، قصد انفجار و بمب گذاری در حسینیه ای واقع در شهرک ولی عصر (عج) که بمب مذکور عمل نکرده است، قصد انفجار در امامزاده علی اکبر چیدر و امامزاده زید بازار تهران و پمپ بنزین بهارستان به منظور انتقام از معدومین حادثه انفجار حسینیه سیدالشهداء (ع) شیراز و تأثیر منفی در انتخابات ریاست جمهوری دهم، انجام اقدامات جهت تهیه مواد منفجره و ساخت بمب به منظور انفجار بعضی از حوزه های رأی گیری انتخابات ریاست جمهوری دهم از جمله حسینیه ارشاد و مسجدالنبی (ص) نارمک به لحاظ پخش مستقیم جریان برگزاری انتخابات از تلویزیون و استفاده بیشتر تبلیغاتی از این انفجارها به جهت پخش مستقیم مراسم رأی گیری، اعتراف به آشنایی با انجمن پادشاهی از طریق ایمیل و تماس تلفنی با جمشید و عضویت در این گروهک و اخذ کلیه دستورهای لازم جهت انجام عملیات خرابکارانه تنها بخشی از اقدامات تبهکارانه دو فرد اعدام شده بود.



# فصل دوازدهم

## کوبیدن آخرین میخ بر تابوت فتنه

### ۲۲ بهمن، آخرین فرصت!

سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان بزرگترین نماد وحدت ملی دانست که در طول سه دهه گذشته با حضور باشکوه ملت در صحنه شکل گرفته است. در پایان هر سال، این روز عزیز به نمادی برای ترک خصومت‌ها و اختلاف و یکپارچگی و محبت و وحدت ملی تبدیل می‌گردد که در آن اقشار مختلف و با انواع سلاطین فرهنگی و سیاسی در ذیل آرمانهای انقلاب و امام و مردم، به دور هم آمده و همگرایی خود را در ذیل آرمانهای انقلاب فریاد می‌زنند.

اما ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ با توجه به حوادث تلخ به وقوع پیوسته بعد از انتخابات ۲۲ خرداد، راهپیمایی از ویژگی خاصی برخوردار بود. جریان سیاسی فتنه که دیگر رمقی برایش باقی نمانده و با حماسه بزرگ ملت در راهپیمایی میلیونی "برائت از منافقین" در نهم دیماه در "وضعیت کما" قرار گرفته است، به شدت از تکرار باشکوهتر حماسه نهم دیماه و حضور میلیونی ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن در هراس بود، لذا در تلاش بود تا با هوچی‌گری و راه اندازی تبلیغات رسانه‌ای حداقل هواداران اجیر شده خود را که اغلب آنان منافقین و ضدانقلابیون و زخم خوردگان از ملت و انقلاب اسلامی باشند، به خیابانها بکشاند.

البته در این میان از آنجا که مهار افسار فتنه از دست سران داخلی فتنه خارج گشته بود، در انتخاب خط مشی واحد در قبال دهه فجر امسال دچار اختلاف شدید شده و نسخه های متنوع و گاه متناقض را پیشنهاد کردند.

در ابتدا مدتها تلاش داشتند تا دهه فجر را به قول خودشان به "دهه سبز" تبدیل نمایند. و برای هر روز آن برنامه ای طراحی و اجرا نمایند. به عنوان نمونه محسن سازگارا شومن (!) جریان فتنه در برنامه تلویزیونی روزانه خود در روز یکشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۸۸ اعلام داشت:

«ساعت ۹ صبح ۱۲ بهمن که قرار است زنگ مدرسه‌ها را به صدا در بیاورند، بوق کارخانه‌ها را بزنند و امثال این قبیل کارها. به نظر من فرصت خوبی است که بچه‌ها در مدرسه‌ها همزمان با این زنگی که می‌خواهند بزنند، هر جا که امکانش وجود دارد شعارهای جنبش سبز را سر بدهند و همزمان در خیابان‌ها هر کسی که می‌تواند، بوق اعتراض بزند، «V» نشان بدهد و [صدای] اعتراض جنبش سبز را بلند کند. در همین راستا، عرض کنم که دربی تهران (مسابقه استقلال و پرسپولیس) در روز ۱۴ بهمن هم در راه است و پیشنهادهای زیادی در این باره آمده است که به هر صورت، سبز کردن استادیوم مثل بار قبل بازی این دو و شعارهای جنبش را دادن یا در دقایق مختلفی حرف‌های جنبش را زدن می‌تواند آبروریزی بزرگی را برای حکومت - آن چنان که بار قبل بود - ایجاد کند.»!

در خبری دیگر شبکه جنبش راه سبز (جرس) اعلام نمود که سبزه‌ها در چهارمین روز دهه فجر سبز، جمعه ۱۶ بهمن، مصادف با اربعین حسینی و چهلم شهادت مظلومانه تعدادی از هموطنانمان در عاشورای خونین در بهشت زهرا تجمع می‌کنند! وی از هواداران خود خواست تا در ساعت ۹ صبح در سراسر کشور بر سر مزار شهدا حاضر شوند! اما همه شاهد بودند که دیگر کسی از حامیان سبز باقی نمانده که بخواد با این جریان همراه باشد.

با نزدیک شدن ایام دهه فجر فتنه‌گران متوجه شدند که از بضاعت لازم برای انجام این کار برخوردار نیستند، لذا چنین تصمیم‌گیری شد که توان ناچیز باقی مانده را در راهپیمایی ۲۲ بهمن متمرکز سازند. در مورد حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن نیز اختلاف نظر بسیاری نزد اصحاب فتنه وجود داشت:

دسته‌ای از تحریم و عدم حضور سبزپوشان در این روز سخن می‌گفتند و بر این باور بودند که چنین حضوری تنها به نفع رقیب بود و نظام با ابزار رسانه ای خود آن را مصادره به مطلوب می‌نماید. و جریان سبز نخواهد توانست اقدام قابل توجهی انجام دهد.

گروهی دیگر بر تلاش برای حضور همه جانبه سبزه‌ها تاکید داشته و اصرار بر اینکه سبزه‌ها با شعارهای ساختارشکنانه و نمادهای فتنه‌گرانه خود حضور یابند و میدان آزادی را تسخیر نمایند! بی‌شک این گروه در دل سناریوی فتنه‌گری خود ایجاد اغتشاش و درگیری و کشاندن آن به سطح شهر را نیز دنبال می‌کردند.

به عنوان نمونه محسن سازگارا عنصر دست‌نشانده سازمان سیا در برنامه دگری در روز ۱۳ بهمن به اغتشاشگران چنین خط می‌دهد: «در مسیرهای حکومت میتونیم حرکت بکنیم، راهپیمایی بکنیم، با نمادهای جنبش سبز، با شعارهای خودمون، با علامت V و پیشنهادم این است که اگر جایی احساس کردیم که خطری هستش و مشکلی هستش میشه با سکوت به مسیر ادامه داد و سپس وارد میدون آزادی شد.»

جمعی دیگر از سران فتنه که هنوز خود را مدعی خط امام دانسته با رویکردی منافقانه از هواداران خود خواستند تا با حضور در راهپیمایی شعارهای انقلابی و همسوی با ملت سردهند و از فریاد شعارهای ساختارشکنانه پرهیز نمایند و تنها با نمادهای سبز خود حضور یابد تا بتواند کثرت خود را به دوربین‌ها نشان دهند!

به عنوان مثال مجمع روحانیون در بیانیه خود با تاکید بر "حضور آشکار" می‌نویسد: «بخصوص از عزیزانی که به هر حال دارای اعتراضاتی به روند امور هستند می‌خواهیم که در عین حضور آشکار در صحنه و با پرهیز از هر گونه خشونت و رعایت اخلاق مدنی حتی در برابر خشونت خشونت‌گران، سعه صدر و تحمل را به نمایش بگذارند.» میرحسین موسوی نیز، که پس از عاشورای تلخ تهران گفته بود، هوادارانش بدون درخواست او نیز به خیابان‌ها می‌آیند در سخنانی که سایت کلمه از اظهار آن‌ها در جمع برخی جوانان خبر داد، خواستار حضور جمعی هوادارانش در روز ۲۲ بهمن شد. موسوی که چند ماهی بود درباره دروغ بزرگ خود، یعنی تقلب چیزی نگفته بود، در این دیدار ضمن نفی شعار "نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی" گفت: اگر قرار باشد فلان کار را نکنیم، چون به نفع انگلستان است و کار دیگری را نکنیم چون به نفع روسیه است، هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم.

موسوی هم چنین گفت که اگر رژیم پهلوی قانون اساسی مشروطه را رعایت می‌کرد، سرنگون نمی‌شد!

در این میان انتشار برخی بیانیه‌های مشکوک احزاب مرتبط با جریان فتنه نیز قابل تأمل بود. در بیانیه موسوم به شورای هماهنگی جبهه اصلاحات ضمن دعوت از مردم

برای حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن، با لحنی اهانت آمیز آمده بود: «در ۲۲ بهمن با نماد سبز می آییم تا اعلام نماییم وا اسفا از تنگ نظری و کوتاه بینی کوچکانی که بر صدر نشسته اند و هر معترض و منتقدی را عامل بیگانه و فریب خورده و برانداز می دانند و هر انتقادی را تخریب، که ظرفیت انقلاب اسلامی و پویایی آن در گرو تضارب اندیشه و افکار است و نابودی کشور، سرنوشت محتوم سیستم های تک صدایی.»

در ذیل این بیانیه که از سوی سایت‌های حامی میرحسین موسوی منتشر شد، نام احزاب و گروه‌های مختلفی چون حزب مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، مجمع نمایندگان ادوار مجلس، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، حزب اسلامی کار، حزب مردم سالاری، حزب کارگزاران ایران اسلامی، حزب همبستگی و مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیة قم به چشم می‌خورد.

اما بعد از انتشار این بیانیه برخی چهره‌های اصلاح طلب به تکذیب آن پرداختند. محمد هاشمی طی مصاحبه‌ای با شبکه ایران هرگونه اقدامی که منجر به ایجاد تفرقه در میان مردم شود را رد کرد. وی با اظهار بی‌اطلاعی از بیانیه موسوم به شورای هماهنگی جبهه اصلاحات گفت: «قبل از انتخابات، آقای هدایت‌آقایی نماینده حزب کارگزاران در این شورا بود که اکنون ایشان در زندان هستند و یقیناً اطلاعی از این بیانیه ندارند.»

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، همچنین همراه داشتن نماد در ۲۲ بهمن را به شدت تقبیح کرد و ضمن رد مفاد این بیانیه، بر حضور وحدت‌آفرین مردم در این راهپیمایی تأکید نمود.

حجت‌الاسلام محمدتقی فاضل‌میددی، عضو ارشد مجمع مدرسین و محققین وابسته به جناح اصلاح طلبان حوزه علمیة قم نیز بیانیه صادره از سوی شورای هماهنگی جبهه اصلاحات را بیانیه‌ای تند خواند که "بوی جنگ و دعوا می‌دهد". وی همچنین با اشاره به این مطلب که نام مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیة قم، به عنوان یکی از امضاکنندگان این بیانیه آورده شده است، اعلام کرد که این بیانیه مورد تصویب اعضای این مجمع نیست.

در عین حال محمد سلامتی، دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب نیز بیانیه منتشر شده از سوی "شورای هماهنگی جبهه اصلاحات" را پیشنهادی یک بیانیه دیگر خواند که اشتباهات منتشر شده است!

پس از این اظهارنظرها بود که دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب از تکذیب این بیانیه سخن گفت. محمود عباس زاده مشکینی با بیان اینکه در ماده ۱۶ قانون احزاب، گروههای سیاسی از ارتکاب افعالی منع شده اند که نقض وحدت ملی و تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت جزو این افعال است، با اشاره به بیانیه موسوم به شورای هماهنگی گفت: «در پی انتشار این بیانیه دبیرخانه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب دیروز بعد از ظهر رسماً و کتباً از احزاب عضو شورای هماهنگی جنبه اصلاحات خواست که موضع خود را در خصوص مفاد بیانیه منتشره مورد اشاره رسماً اعلام کنند، که تا ساعت ۱۳ امروز سه شنبه ۸۸/۱۱/۲۰ پاسخ هشت حزب به دبیرخانه واصل شده است که مفاد بیانیه مورد اشاره را تأیید نکرده و یا بیانیه های مستقل صادر کرده اند و رونوشت آن را به دبیرخانه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب ارسال کرده اند.»

انتشار این بیانیه های جعلی و عدم واکنش جدی به آن از سوی سران اصلاح طلبان شاید به نوعی پرده از شیوه انتشار بیانیه های این جریان برداشت. بیانیه هایی که از سوی مراجع نامعلوم و مثلاً برای امیدبخشی و روحیه دادن به اقلیت شکست خورده و رادیکالیزه کردن روند آنها صادر می شود و سران این جریان نیز با مماشات از کنار آن عبور می کنند. یا اینکه در نهایت تنها در واکنش به پرسش های مکرر به تکذیب لفظی اکتفا می کنند.

انتشار این بیانیه در حالی است که بیانیه اعتماد ملی هم مسئله ساز شده است. مطابق اعلام منتجب نیا سخنگوی اعتماد ملی، این حزب هم اکنون در تعطیلی به سر می برد و طبیعی بود که از همان آغاز این بیانیه نیز با واکنش اعضا مواجه شود.

محمد جواد حق شناس، محمد رضا خباز، محمد رئوف قادری، کامران احمدیان و... از جمله چهره هایی بودند که به بیانیه اعتماد ملی واکنش نشان دادند یا آن را تکذیب کردند. و این البته جای سؤال بود که چرا چنین بیانیه ای بدون هماهنگی با اعضا و تصویب در شورای مرکزی از سوی حزبی صادر می شود که دبیر آن تا پیش از این از حزب گرایی و ضرورت وجود احزاب در کشور سخن می گفت.

محمد رئوف قادری، یکی از اعضای شورای مرکزی اعتماد ملی انتشار این بیانیه را یک "طرح مفتضح" خواند و گفت: «ملت ایران باشکوه تر از ۹ دی ماه این بار در روز

۲۲ بهمن در پاسخ به رسانه‌های بیگانه و حامیان خارج نشین رفراندومی را برای دشمنان به نمایش خواهند گذاشت تا دیگر با چنین طرح‌های مفتضحی اجازه اظهار نظر نداشته باشند.»

گفتنی است چندی پیش سید حسین معصومی، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی و رئیس شاخه فرهنگیان این حزب از همراهی به آقای کروبی استعفا داده بود. در عین حال برخی دفاتر استانی اعتماد ملی هم نسبت به تندروری‌های دیرکل واکنش نشان داده بودند و بعضاً با استعفا یا صدور بیانیه خط خود را از کروبی جدا کرده بودند. به نظر می‌رسد اصلاح طلبان در یک سردرگمی بی نظیر به سر می‌برند و این مسئله با ریزش‌های شدید در میان حامیان‌شان تشدید نیز شده است. انتشار بیانیه‌هایی از این دست را شاید بتوان نتیجه فقدان هماهنگی و رهبری مشخص در این جبهه دانست.

### تاکتیک اسب تروا

در این میان "ابراهیم نبوی"، طنزنویس و هرزه‌گوی ضدانقلاب که در روزگاری نه چندان دور در برابر ملت توبه کرده بود و اینک در آغوش بیگانگان به هتک حرمت نظام اسلامی مشغول است، در جایگاه تئوری پرداز و استراتژیست! فتنه‌گران به صحنه آمد و در مقاله‌ای که در سایت جرس با مدیریت عطا مهاجرانی (سیاستمدار زن باره و وزیر فرهنگ دولت دوم خرداد) در تاریخ ۲۹ دیماه منتشر کرد، از هواداران سبزپوش خواست تا از تاکتیک "اسب تروا" برای فتح میدان آزادی استفاده کنند.

این تاکتیک با استقبال فراوان سایت‌های و وبلاگ‌های ضدانقلاب مواجه شد و به سرعت تبلیغ گردید. به عنوان نمونه محسن سازگارا عنصر دست‌نشانده سازمان سیا در روز ۱۳ بهمن به اغتشاشگران چنین خط می‌دهد: «در مسیرهای حکومت میتونیم حرکت بکنیم، راهپیمایی بکنیم، با نمادهای جنبش سبز، با شعارهای خودمون، با علامت V و پیشنهادم این است که اگر جایی احساس کردیم که خطری هستش و مشکلی هستش میشه با سکوت به مسیر ادامه داد و سپس وارد میدان آزادی شد.»

این طرح برای تسخیر میدان آزادی حتی در سایت ضدانقلاب "بالاترین" نیز به بحث گذاشته شد و با ۷۹ درصد آراء به توافق مرورگران آن سایت رسید.

## توهم مجازی به سر می‌رسد!

رسانه‌های مجازی که به ابزار نوین استیلای غرب بر دیگر کشورها تبدیل گشته‌اند، در ساختن دنیایی دروغین و دور از واقعیات عینی آنقدر مهارت یافته‌اند که هر کاربری را تا مرز باور به پیش می‌برند. میلیون‌ها سایت و وبلاگ فعال در دنیای اینترنت که هویت واقعی آنها معلوم نیست، امروز به طراحانی تبدیل گشته‌اند که اذهان کاربران خود را متناسب با آنچه خود می‌خواهند می‌سازند.

فتنه سبز نیز از همان روز اول توهمی بود که بر اساس بافته‌های دنیای مجازی برای سران فتنه شکل گرفت. بخش عمده‌ای از اطلاعات رسیده به موسوی مبتنی بر اخباری بود که رسانه‌های دنیای مجازی از قبیل شبکه‌های ماهواره‌ای و سایتها و وبلاگهای اینترنتی رصد و جعل کرده و به عنوان خبر در اختیار وی قرار داده بودند. شایعات و اطلاعات نامطمئنی که متأسفانه توسط سران فتنه به عنوان اخبار مستند، مبنای تصمیم‌گیری و رفتار و عمل سیاسی قرار گرفت.

نتایج همین نظرسنجی‌های غیرواقعی، آمار و ارقام ساختگی، طومارها و بیانیه‌های حمایتی با امضاها نامعلوم و مجهول الهویه، مقالات و یادداشت‌های پرطمطراق، گزارشها و برنامه‌های مستند جعلی و ... بود که نامزد جریان فتنه را چنان دچار توهم نمود که پیش از پایان زمان رأی‌گیری، خود را پیروز انتخابات دانست و وقتی واقعیت صحنه انتخابات آشکار شد، باز هم از دنیای ساختگی و مجازی بیرون نیامد و ادعای تقلب را مطرح ساخت و بر آن اصرار نمود.

ذهنیت مشوش موسوی پس از انتخابات نیز بیش از پیش متأثر از دنیای مجازی شکل گرفت، آنگاه که جمعیت تجمع غیرقانونی حامیان خود را ۲۵ خرداد را بیش از ۱۰ برابر اعلام کرده و بر این باور شد که می‌تواند آراء بخش شمالی پایتخت را نمونه‌ای نرمال از آراء جمعیت سراسر کشور بداند و به پشتوانه آن خواسته‌های غیرقانونی خود را در کف خیابانها طلب نماید. در ادامه همین مسیر بود که ماجرای دروغ پراکنی‌های کربوبی در مورد کهریزک، و جعل اسامی و آمار و ارقام شهدای ساختگی فتنه‌گران نیز ساخته و طراحی گردید.

توهمات ناشی از دنیای مجازی سبزه‌های فتنه‌گر، تا به آنجا ادامه یافت که ستاد خارج نشین فتنه سبز از تسخیر میدان آزادی توسط سبزپوشان در روز ۲۲ بهمن خبر

داد و مدعی شد ۲۲ بهمن سبز امسال با حضور میلیونی حامیان موسوی و کروبی برگزار خواهد شد. این خیال بافی ها تا بدانجا ادامه یافت که آنها حتی از آکسیون نهایی و سقوط نظام اسلامی در ۲۲ بهمن نیز سخن به میان آوردند. حجم هجمه تبلیغاتی فتنه گران در فضای مجازی و سایبر به حدی بود که هر مرورگر صفحات اینترنتی و بیننده شبکه ماهواره ای را دچار شک و توهم می ساخت که ۲۲ بهمن امسال متفاوت از سالهای گذشته و به رنگ سبز خواهد بود!

صبح روز ۲۲ بهمن فرا رسید و به تدریج مسیرهای منتهی به میدان آزادی مملو از میلیونها جمعیتی شد که از ۸ ماه فتنه گری از ۲۲ خرداد تا ۲۲ بهمن به خشم آمده بودند، جمعیتی بیش از تمامی ۲۲ بهمن های پیشین! و در این بین خبری از فتنه گران سبزپوش نبود! ملت یکپارچه و یک رنگ همان شعارهای انقلاب را فریاد می زدند و از هرگونه تفرقه و چند رنگی براءت می جستند. حاضران در صحنه به خوبی دیدند که فاصله بین دنیای مجازی ساختگی رسانه ها، با جهانی که ایرانیان در آن زیست می کنند از کجا تا به کجاست!

حضور دهها میلیونی ملت ایران در بیعت دوباره با آرمانهای انقلاب و امام در راهپیمایی سراسر کشور می تواند سران فتنه سبز را به خود آورده و آنها را از خواب خرگوشی ۸ ماهه بیدار سازد. این بشرطی است که آنها حاضر باشند پلکهای سنگین به هم بسته را باز کرده و پنبه های فرو رفته در گوش را برداشته و از هپروت دنیای مجازی خارج شوند و حقیقت را ببینند!

## سر خوردگی شدید و نزاع فتنه گران پس از شکست بزرگ

اعتراف سبزه ها به شکست اگرچه از همان ساعات اولیه روز آغاز شد، اما با گذشت زمان و بی نتیجه ماندن روحیه و امید دادن ها، ماجرای لشکر شکست خورده ای که می خواست با ایده اسب تروا میدان آزادی را تسخیر(!) کند، وارد فاز جدیدتری شد.

حضور بی سابقه ملت از همان ساعات اولیه یکپارچگی مردم در مقابل فتنه گران را به تصویر کشید. این همه، یأس و ناامیدی گسترده اقلیت سبزپوش را به دنبال داشت. کسانی که نمی توانستند به خواست و رأی اکثریت احترام بگذارند، کوشیدند تا با روحیه دادن به یکدیگر به خود تلقین کنند که پیروز خواهند شد!



ساعاتی بعد اما کشتی روحیه و امید دادن هم به گل نشست و باب متهم کردن و دنبال مقصر گشتن باز شد. عمده ترین انتقادات متوجه طرح اسب تروا بود. مطابق این طرح سبزه‌ها قرار بود به صورت کاملاً عادی و بدون نمادهای سبز از همان ساعات اولیه میدان آزادی را به تسخیر (!) خود درآورند تا بدون ممانعت نیروی انتظامی بتوانند جایگاه را در اختیار بگیرند.

قرار بود با آغاز سخنرانی رییس جمهور، با هماهنگی‌هایی که انجام شده بود، سبزه‌ها به یکباره نمادهای سبز خود را بیرون بیاورند و با شعارهای یکپارچه در سخنرانی احمدی نژاد اختلال ایجاد کنند؛ به گونه‌ای که صدای شعارهایشان از تلویزیون هم پخش شود!

این ایده کودکانه محصول تلاش‌های شبانه روزی و برنامه‌ریزی‌های متفکرانه سیاستمداران برون مرزی بود؛ همان کسانی که میرحسین هیچ‌گاه حساب جنبش سبز را از آنان جدا نکرد.

با بالاگرفتن یأس و ناامیدی، برخی سازگارا و چهره‌های خارج نشین را به باد انتقاد و ناسزا گرفتند و برخی نیز میرحسین را عامل این بدبختی‌ها دانستند.

در این میان البته باز هم رؤیایپردازی‌ها ادامه پیدا کرد. یکی از کاربران بالاترین در مطلبی با عنوان "طرح مسخره اسب تروا" نوشت: «چقدر نوشتیم و چقدر فریاد زدیم که این طرح مسخره، محکوم به شکست است. چقدر بحث کردیم که با چهره و لباس حزب الهی رفتن به قصد فتح میدان آزادی، آب به آسیاب دشمن خواهد ریخت. کوه گوش شنوا. دخترک میگریست وقتی سوارشان کردم. میگفت همه از ما بودند اما نتوانستیم تکانی بخوریم. از ساعت ۶ صبح آمده بودند. همراهش که پسری بود با ظاهر حزب الهی، عرقش را با چفیه دور گردن پاک کرد و گفت از کجا میدانی همه از ما بودند. دخترک در بین گریه بیصدایش گفت: آخه شعارهای او را تکرار نمی‌کردند. و پسر فحش میداد به...»

یکی دیگر از کاربران با تأکید بر اینکه ما شکست نخورده‌ایم! نوشت: «مقصر تضعیف روحیه کسانی هستند که توقعات را بالا بردند.» این اگر چه انتقادی روشن بود نسبت به رؤیایپردازی‌های اصحاب فتنه اما در عین حال اعتراف روشنی نیز بود به در اقلیت قرار

داشتن سبزه‌ها؛ اقلیتی که رای اکثریت را نمی‌پذیرند و جمهوریت نظام را با خودخواهی - های خود مورد هجمه قرار داده اند.

البته برخی هم بودند که تقصیر را بر گردن عدم اطلاع رسانی و زمین و زمان و کائنات و ... انداختند! شاید اوج رؤیاپردازی‌ها نوشته‌ای بود که با عنوان "تلویزیون ایران یه صحنه کوتاه از خیابون آزادی نشون می‌ده، اونم با فیلتر رنگی!" منتشر شد. در این مطلب آمده بود: «تلویزیون صحنه خیابون انقلاب رو با یه فیلتر رنگی سبز نشون می‌ده که پارچه های سبز مردم به چشم نیاد!»

در مطلب دیگری هم با عنوان "شما را به خون شهدای سبزمان قسم می‌دهم انقدر ناامید نباشید..." آمده بود: «دوستان به خدا قسم ایران قیامت بوده (!) گول رسانه‌های رژیم رو نخورید. اینها جنگ روانیه. من از ایران خبر موثق دارم که ایران غوغا بوده (!) سبزه‌ها غوغا کردند (!) صدای این ملت سبز مظلوم رو به دنیا برسونید. انقدر ناامید نباشید.»

با مروری گذرا در سایت بالاترین عناوین دیگری هم البته به چشم می‌خورد. عناوینی نظیر: «چرا پا پس کشیدین؟ چرا شروع کردین به غر زدن؟ هنوز که نباختیم... هر چی می‌کشیم از دست این رهبرای خارج نشین می‌کشیم... حکومت کودتا ۸ ماهه که شکست خورده ولی ادعای پیروزی می‌کنه و بعضی از ما با وجود مقاومت ۸ ماهه داریم شکست را زمزمه می‌کنیم... روحیه خودتونو نبازید، اینا نمی‌تونند این حضور (!) رو از ما بدزدن... ناامیدی ممنوع... دوستانی که مسافرت رو بر مقاومت ترجیح دادند حالشون چه طوره؟ سواحل زیبای شمال خوش می‌گذره؟»

### وقتی اسب تروا در گل می‌ماند!

حالی که بعد از راهپیمایی گسترده و بی‌نظیر مردم در ۲۲ بهمن و ناکام ماندن فتنه‌گران، دعوا در بین حامیان این جریان بالا گرفته است و این طیف در کش و قوس متهم کردن یکدیگر به عنوان عامل شکست، معتقدند که دیگر روش‌های انگلی یعنی چسبیدن به راهپیمایی‌های ملی و مذهبی و اردوکنی‌های خیابانی جواب نمی‌دهد، باید سراغ شیوه‌های دیگر رفت.

علیرضا نوری‌زاده کارمند موساد انگشت اتهام را به جانب سبزه‌ها گرفت و از اینکه در میدان آزادی ابراز حضور نکرده‌اند، انتقاد کرد.

نوری زاده طی سخنانی طرح اسب تروآ را از نظر منطقی بدون اشکال توصیف کرد. او گفت: «بحتی که سبزه‌ها بروند در درون جمعیت از نظر منطقی چیز بدی نبود. بروند و شعار بدهند و احمدی نژاد را هو کنند.»

او همچنین ضمن اشتباه خواندن سکوت سبزه‌هایی که گفته می‌شد در میدان آزادی حاضر شده اند، تصریح کرد: «وقتی شما در یک جمع بزرگ قرار دارید، اگر واقعا ۱۰ هزار نفر باشید و دستتان را ببرید بالا چه کار می‌توانند بکنند؟ اگر در میدان بودید، باید ابراز حضور می‌کردید!»

نوری زاده همچنین از اینکه سبزه‌ها حرف میرحسین بیچاره! را هم گوش نمی‌کنند، انتقاد کرد: «این موسوی بیچاره در مصاحبه‌اش اعلام کرد طرفداران جنبش سبز با هویت خود حاضر شوند، یعنی بنر سبز را داشته باشند. این رو این بیچاره گفت. ما گوش نمی‌کنیم.»

اظهارات نوری زاده در خصوص عدم توجه به حرف‌های موسوی در حالی بود که تا پیش از این تئورسین‌های خارج نشین ایده‌ای مخالف ایده او را تبلیغ می‌کردند و معتقد بودند مطابق ایده اسب تروآ باید بدون مظاهر جنبش سبز وارد جمعیت شد و به یک‌باره برنامه را به هم ریخت.

با این همه نوری زاده به دفاع از موسوی، کروبوی و خاتمی هم پرداخته و گفت: «اون‌هایی که ایراد می‌گیرند به موسوی و کروبوی و خاتمی! چه کار می‌خواستید دیگه انجام بدهند؟ چه انتظاری دارید؟»

این در حالی است که سایت اصلی فتنه‌گران جرس از یک سو و محسن سازگارا از سوی دیگر با اعلام تلویحی شکست اردوکشی‌های خیابانی به فکر به کار بستن تاکتیک‌های جدید افتاده‌اند!

این سایت که در همان ایام از سوی ارتش سایبری ایران هک شد، در مطلبی از کسانی که آیه یأس می‌خوانند انتقاد کرد و با تأکید بر ضرورت به کار بستن تاکتیک‌های جدید نوشت: «باید به راه‌هایی خلاقانه‌تر برای نشان دادن اعتراض به وضع موجود در آینده اندیشید و صرفاً به نمایش اعتراض خیابانی دلخوش نبود. برخی ایده‌های خلاقانه برای اعتراض‌های آینده از هم‌اکنون توسط کاربران جنبش سبز در فضای مجازی پیشنهاد شده‌اند که می‌توان آن‌ها را ذیل سرفصل عملیات نافرمانی مدنی دسته‌بندی کرد.»

محسن سازگارا نیز با تأکید بر اینکه اردوکشی خیابانی متمرکز جواب نمی‌دهد، از ضرورت پیدا کردن راه‌هایی جدید برای اعلام حضور سخن گفت و توضیح داد که یگانه تاکتیک ما حضور در خیابان‌ها نبوده و نیست. او همچنین وعده کرد که در روزهای آتی بیشتر در این خصوص سخن بگوید!

این همه در حالی است که سبزه‌ها انگشت اتهام را به جانب شخصیت‌های مختلف این جریان گرفتند و نوری‌زاده و سازگارا را عامل سی‌آی‌ای خواندند. یکی از حامیان جنبش سبز، محسن سازگارا را تشنه قدرت خواند و او را مزدور لقب داد. او همچنین نوشت: «سؤال بزرگ این است که چگونه مردم را به مسیری هدایت کردید که از طرف حکومت کاملاً محاصره شده بود و از جوانان می‌خواستید فقط سکوت کنند! مکانی که باعث شد هر شخصی که آنجا حضور داشته، خواسته و یا ناخواسته به عنوان موافق نظام جلوه کند و در برابر دوربین‌های تلویزیونی قرار گیرد.»

این نوشته همچنین می‌افزود: «شما باختید و باز هم می‌بازید اگر راه خود را از مسئولان سابق جمهوری اسلامی و صدای آمریکا جدا نکنید، چند دقیقه فکر کنید چرا صدای آمریکا، رادیو فردا، صفحه فیس بوک میرحسین موسوی و بعضی سایت‌های به اصطلاح سبز پیچ اصلی مرا بلاک کرده و هر گونه کامنت، فیلم که در آن براندازی و مقابله به مثل است را حذف می‌کند و یا ایمیل‌های تهدید آمیز و رسمی از افرادی که در این شبکه‌ها کار می‌کنند... این جنبش به هیچ کجا نمی‌رسد اگر سکوت کنید و ساده لوح باشید...»

این حامی جریان سبز انگشت اتهام را به جانب میرحسین، کروبی و خاتمی نیز گرفت و نوشت: «باورتان نیست که موسوی یا کروبی یا خاتمی عامل هستند؟؟؟؟؟ پس به بازی اعدام ادامه می‌دهند!!!!!! اگر واقعا مخالف بودند...»

این همه در حالی است که خودزنی‌ها در میان فتنه‌گران پس از این شکست بزرگ بالا گرفت. یکی دیگر از حامیان این جریان ضمن توصیف حضور خود در میدان آزادی و اینکه در میان آن جمعیت امکان عرض اندام نداشته است، می‌نویسد: «واقعا کم نبودن اینهایی که خانوادگی اومده بودن، پرچم ایران دستشون بود، می‌دیدن که بسیجی‌ها دارن باتوم دور سرشون می‌چرخونن و حمله می‌کنن سمت ما، اما اینا

همچنان داد می زدن: مرگ بر منافق! دردناک بود که بچه پنج، شش ساله شون مثلا ما رو نگاه می کرد و پرچمشون رو تکون می داد: مرگ بر تفاق (به چی تو همین مایه ها!)»  
 او همچنین می افزاید: «دردناک تر اینکه نفرت رو می شد توی تمام چشم آدمهای شهر دید امروز. می ترسم؛ از اینکه قرار باشه تنها وحدتمون همین باشه، همین نفرت، بدجوری می ترسم...»

آری! اسب تروای سبزپوشان در گل ماند و هیچ سبزی نه تنها در میدان آزادی قابل مشاهده نبود، بلکه در هیچ یک از مسیرهای راهپیمایی نیز خبری از سبزه ها نبود و فتنه گران جرات عرضه اندام در برابر صفوف به هم پیوسته ملت را نداشتند! ۲۲ بهمن باشکوهتر از گذشته برگزار شد و منافقین از خوف ملت به لانه های خود خزیدند!  
 شکست سهمگین فتنه گران آنها را به شدت برآشفته و دنیای مجازی خود ساخته آنها این روزها مملو از اظهارات ضد و نقیضی است که بر علیه یکدیگر می نویسند و هر یک سعی دارد شکست را به گردن دیگری بیندازد!

برخی اقدام طراحان تاکتیک اسب تروا را خائنی دانستند که با قصد حمایت از نظام اسلامی و مهار سبزه ها در این روز به جنبش سبز خیانت کردند! و اظهار داشتند که باید به طرح موسوی عمل می کردند که گفته بود جنبش سبز باید با هویت اصلی خود در صحنه راهپیمایی حاضر می شد! برخی طراح این سناریوی را فردی ناشی دانستند که دیگر نباید نظریه پردازی کند و خطاب به وی اعلام داشتند که: «آقای نبوی، کار هر خر نیست خرمن کوفتن!»

از سویی دیگر جمعی از شکست خوردگان از ملت از وی خواستند تا به خاطر اشتباهش از سبزه ها عذرخواهی کند. برخی دیگر نبوی را مقصر ندانسته و عیب کار را در عدم اجرای صحیح این تاکتیک دانستند. برخی دیگر نیز اعتراف کردند در برابر نیروهای حامی نظام کم آورده اند و سبزه ها جرات نکردند تا سبز بودن خود را اعلام نمایند! برخی دیگر نیز با کمال پر رویی ادعاهای خود قبل از راهپیمایی را فراموش کرده و اظهار داشتند که پیروز روز ۲۲ بهمن بودند چرا که توانسته اند نظام اسلامی را به هراس اندازند و همین قدر هم برای سبزه ها پیروزی است!؟

جالب ترین واکنش را کاریکاتوریست فتنه سبز - نیک آهنگ کوثر - داشت که با کشیدن کاریکاتوری طرح شکسته خورده نبوی - مهاجرانی را به سخره گرفت.

در این برخی دیگر نیز راهکارهای جالب جدیدی مطرح ساختند و از آنجمله اینکه: «تا اونجایی که میتونیم در بسیج نفوذ کنیم و سعی در برقرار کردن ارتباط با بسیج و نیرو و بازوی سرکوب داشته باشیم تا اونها رو با واقعیت این رژیم آشنا کنیم.»  
 "ابراهیم نبوی" نیز بعد از بیش از ۲۴ ساعت سکوت در صفحه فیس بوک خود ظاهر شد و اعلام داشت: "نظریه اسب تروا از نظر تاکتیکی اشتباه بود، من رسماً از همه عذر می‌خواهم"

مقام عظم رهبری (مدظله العالی) که در طول ۸ ماه فتنه به خوبی از میراث حضرت روح الله حراست نموده بودند این چنین شکست جریان فتنه را تبیین نمودند: «یک عده هم در داخل، بعضی از روی غفلت، بعضی از روی بی‌عقلی، بعضی از روی عناد و دشمنی، هی علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه این حرکت کلی نظام حرف زدند؛ هی گفتند: مردم، مردم، مردم! خوب، این مردم. بیست و دوی بهمین نشان داد که مردم کجایند، چه میخواهند، چه میگویند. غرّه شدند به توهّمهایی که به آنها القاء شد. خیال کردند یا خودشان را به نادانی زدند که مردم از انقلاب دست شستند، مردم از امام دست شستند. روز بیست و دوی بهمین، آگاهی و بصیرت مردم، همت مردم، ایمان مردم و توفیق الهی که شامل حال مردم شد، پاسخ کوبنده‌ای به آنها داد»<sup>۱</sup>

### مصادره به مطلوب سران فتنه!

مدتی به طول انجامید تا فتنه گران به خود آیند و متوجه شوند که چه افتضاحی به بار آورده اند و بعد از آن بود که تلاش کردند تا آبروی رفته را بازسازی کنند و با ارائه قرائتی جدید و با تحریف حقایق آشکار، ۲۲ بهمن را نوعی پیروزی برای خود معرفی کنند!  
 به عنوان نمونه علی شکوری راد عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت! در یادداشتی که در سایت نوروز دو روز بعد از ۲۲ بهمن منتشر گردید ادعا کرد که بخش عمده‌ای از جمعیت حاضر در صحنه ۲۲ بهمن حامیان فتنه سبز بودند که تنها "نتوانستند بطور عمومی از نماد سبز استفاده کنند!" وی در ادامه در توضیح ادعای پیروزی فتنه گران در ۸ ماه گذشته چنین ادعا می‌کند:

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان، ۸۸/۱۱/۲۸

«در حالی که آنها از ابزار و امکانات و امنیت بسیار زیاد برای برنامه‌ریزی و سازماندهی برخوردار هستند معترضین از هرگونه امکانی محروم شده‌اند و از هیچ امنیتی حتی برای یک تلفن زدن برخوردار نیستند. با این حال هشت ماه است که جنبش اعتراضی مردم زنده است و علی‌رغم همه فشارها بالیده است و این خود پیروزی کمی نیست. پیروزی واقعی برای آنها خاموش کردن اعتراضات مردمی است و برای جنبش اعتراضی بقا و بالندگی. آنها پیروز نیستند چرا که نتوانسته‌اند جنبش سبز را خاموش کنند و برای جلوگیری از بالندگی آن در ۲۲ بهمن ناگزیر شده‌اند همه ظرفیت خود را بکار بگیرند و با این حال همچون تلاش ناکامشان برای مصادره ۴۰ میلیون شرکت‌کننده ادعایی در انتخابات گذشته نمی‌توانند انبوه شرکت‌کنندگان در راهپیمایی ۲۲ بهمن را به نام خود ثبت کنند.»

اینکه در روز ۲۲ بهمن ماه جمعیت کثیری بودند که ممکن است در روز ۲۲ خرداد به نامزدی غیر از دکتر احمدی نژاد رأی داده باشند، حرف درستی است، ولی این بدین معنا نیست که آنها حاضرند از اقدامات فتنه‌گرانه و غیرقانونی سران شکست خورده در انتخابات پیروی نمایند. در حقیقت ۱۳ میلیونی که در ۲۲ خرداد ماه به موسوی رأی داده‌اند وی را گزینه‌ای می‌خواستند که مطالبات ملت را در چارچوب قانون اساسی دنبال نماید نه اینکه با عبور از قانون و سر دادن شعارهای ساختارشکنانه سناریویی را دنبال نماید که بازیگران اصلی آن در آنسوی مرزها هدایتگر آن باشند. این جمعیت مدتهاست که از سران فتنه سبز اعلام براءت کرده‌اند و بی‌شک در روز ۲۲ بهمن همراه مابقی ملت شرکت نموده‌اند. آنها اگر می‌خواستند با فتنه‌گران همراهی کنند یا باید به راهپیمایی نمی‌آمدند و یا باید سوار بر اسب تراوای سبزپوشان شده و با نمادهای سبز خود، فضای یک رنگ جمعیت را چند رنگ می‌کردند!

از همه جالبتر واکنش سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است که در سفسطه‌گری و مغالطه‌ی طولانی دارد. سازمان در بیانیه صادره خود به صحنه حضور میلیونی ملت را اینگونه گزارش می‌کند: «راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال گسترده‌تر و پرشورتر از سال‌های اخیر برگزار شد. این گستردگی و شور بی‌گمان مرهون حضور آگاهانه و مسئولانه کلیه اقشار و گرایش‌های مختلف جامعه‌ای است که بخش وسیعی از آن به ویژه طی هشت

ماه گذشته نارضایتی و اعتراض خود را به روندهای جاری و رفتار جریان حاکم در نادیده گرفتن حقوق شهروندی و مقاومت لجوجانه در برابر خواسته‌ها و مطالبات قانونی و مشروع خویش به اشکال مختلف ابراز داشته است. از این رو حضور پر شور و گسترده افشار و گرایشهای مذکور بیش از هر چیز بیانگر بی پایگی و کذب ادعاهای جریان حاکم مبنی بر ضدیت معترضان با اصل نظام و انقلاب است.»

بیانیه نویسان سازمان فراموش کرده بودند که فتنه گران سبزپوش از مدتها قبل در تلاش بودند تا اسب تراوای خود را به میدان آزادی برسانند و دهه فجر را برای اولین بار به "دهه فجر سبز" تغییر دهند، حالا که شکست سناریوهای خود را دیده اند، در ادعایی مضحک مدعی شده اند که جمعیت میلیونی حاضر در راهپیمایی همان حامیان فتنه سبز هستند که همان آرمانهای نظام و انقلاب را خواهانند! سازمان البته مشخص نکرده است که کسانی که شعارهای ساختارشکنانه در دوران هشت ماهه پس از انتخابات سر داده اند، چه کسانی هستند؟! چرا از نماد سبز استفاده می‌کنند و از موسوی حمایت می‌کنند! چرا از جانب سران فتنه ملت خداجوی خوانده می‌شوند! چرا گروههای دوم خرداد از جمله سازمان مجاهدین از آنها برائت نمی‌جویند! اگر به واقع فتنه گران و هواداران آنها همان شعارهای انقلاب و مردم را سر می‌دادند و به آن پایبند بودند دیگر تمایز و اختلاف بر سر چه چیزی ایجاد شده است؟!

در این بیانیه سازمان در نگاهی وارونه حضور نیروهای امنیتی در مراسم ۲۲ بهمن را نشان از بی اعتماد نظام به ملت تعبیر نمود! این در حالی است که وجود نیروهای امنیتی تنها به خاطر جلوگیری از اقدام فتنه گرانی بود که حتی حاضر نیستند به مقدسات احترام بگذارند و روز عاشورا را فرصتی برای اغتشاشگری و هتک حرمت به ارزشها و مقدسات قرار می‌دهند! البته این فتنه‌گران هستند که توسط موسوی به عنوان "ملت خداجوی"! معرفی و مورد حمایت قرار می‌گیرند!

علی افشاری عضو فراری و سابق دفتر تحکیم وحدت نیز در مقاله‌ای به بررسی ماجرای ۲۲ بهمن پرداخت و چنین نوشت: «اما بر خلاف ادعاهایی که در دو سوی میدان مطرح می‌شود، سی و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی هیچ برنده‌ای نداشت و در



شرایط کنونی هیچکدام از نیروهایی که رو در روی هم قرار گرفتند نمی‌توانند غریبو فتح سر دهند.<sup>۱</sup>

وی که معلوم نیست طبق چه معیاری از پیروزی و شکست سخن می‌گوید فراموش کرده است که مهمترین اهداف فتنه‌گران در ۲۲ بهمن تسخیر میدان آزادی و خیابانهای اطراف بود که در عمل هیچ یک از آنها محقق نگردید. وی با بازی با الفاظ تلاش دارد که چنین شکست مفتضحانه‌ای را شکست ننامد! وی ادامه می‌دهد: «رویارویی جنبش سبز و حکومت در فضای پس از انتخابات حکم بازی پینگ‌پنگ را داشته است که تا کنون در عمده مقاطع مهم، ضربات جنبش سبز بر زمین حریف نشسته است و تنها در ۲۲ بهمن نتوانست نیروهای حکومتی را تحت الشعاع قرار دهد... نوار پیروزی‌های جنبش سبز در ۲۲ بهمن قطع شد اما این اتفاق به معنای شکست نیست. عدم پیروزی لزوماً معنای شکست را ندارد. جنبش‌های اجتماعی حالت نوسانی و متغیر دارند. بنابراین نباید انتظار داشت که جنبش سبز همواره مسیر خطی رو به رشدی را طی کند. کسانی که فکر می‌کردند در ۲۲ بهمن می‌توان اقتدار حکومت را از بین برد، در اصل شکست تصور سطحی و خیال‌بافانه خود را به نظاره نشستند... سبز در ۲۲ بهمن کامیابی سیاسی نداشت اگرچه به لحاظ اخلاقی پیروز شد...»<sup>۲</sup>

یکی دیگر از ضدانقلابیون به نام «محمد برقی» نیز در مقاله‌ای با عنوان «۲۲ بهمن پیروزی دیگری برای جنبش سبز» می‌نویسد: «اگر توجه شود که سیاست اصلی سران جنبش سبز در این مرحله تلاش برای ریزش در جناح حاکمیت است، لذا سیاست حکومت در این روز دو دستاورد بزرگ برای مبارزات جنبش سبز داشت: الف- ضربه دیگری بر ذهن طرفداران مؤمن حکومت و لرزشی دیگر در ذهنیت اینان در مورد حقانیت حکومت و قدمی دیگر در جهت سست شدن اراده‌ی نیروهای نظامی - امنیتی برای سرکوب جنبش سبز؛ ب- تجربه‌ای دیگر برای ناامید شدن خوش بینان به حکومت (چون آیت الله موسوی اردبیلی) در مورد اصلاح آن.»<sup>۳</sup>

۱ - علی افشاری، "۲۲ بهمن بی برنده"، سایت جرس، ۸۸/۱۱/۲۹

۲- علی افشاری، "۲۲ بهمن بی برنده"، سایت جرس، ۸۸/۱۱/۲۹

۳- محمد برقی، "۲۲ بهمن پیروزی دیگری برای جنبش سبز"، سایت جرس، ۸۸/۱۲/۱

موسوی و کروبی نیز که چند روزی بعد از حضور باشکوه مردم در ۲۲ بهمن سکوت اختیار کرده بودند، به دیدار هم رفته و به ارزیابی این راهپیمایی پرداختند. در این دیدار که سحام نیوز مدعی انجام آن است، موسوی و کروبی از حضور با صلابت و آرام مردم در راهپیمایی مذکور تشکر کرده و مدعی شدند که جریانی قصد دارد حضور اقشار مختلف جامعه را برای اهداف و اغراض سیاسی خود مصادره کند!

این در حالی است که سران فتنه هشت ماه بود که از طرف ملت سخن می‌گویند و مطالبات ملت را برای اهداف و اغراض سیاسی خود مصادره کرده‌اند! آنگاه این حق را برای نظام قائل نیستند تا حضور ۵۰ میلیونی ملت را که در آن شعار حمایت از نظام اسلامی و برائت از مشرکین و منافقین سر داده اند را حمایت از خود بدانند!

رئیس دولت اصلاحات نیز در جایی دیگر در دیدار با خانواده‌های روزنامه‌نگاران زندانی (۸۸/۱۲/۳) در سخنانی ملایم‌تر به اظهار نظر در مورد راهپیمایی پرداخت و اشاره کرد: «۲۲ بهمن گذشت؛ ۳۱ سال است که مردم با هر گرایش و عقیده مخلصانه می‌آیند و با اصل نظامشان تجدید میثاق می‌کنند، امسال هم با همه دلخوری‌هایی که بوده ۲۲ بهمن با حضور همه باشکوه بود.»<sup>۱</sup>

وی در ادامه افزود گفت: «اصلاً ۲۲ بهمن زمان تسویه حساب و اردوکنی و این مسائل نیست و مصادره آن به نفع یک جریان خاص جفای به انقلاب و نظام است و اهانت به مردمی که صاحب انقلاب و کشورند.»

گویا خاتمی فراموش کرده بود که اردوکنی خیابانی ابزار غیرقانونی است که جریان ایشان برای قدرت طلب و فشار به نظام سیاسی ابداع نموده است. خاتمی بدون توجه به اظهارات حامیان فتنه سبز در داخل و خارج، با فرافکنی نظام را به بهره برداری سیاسی متهم می‌سازد در حالی که مردم حاضر در صحنه آمده بودند تا با آرمانهای امام و رهبری و انقلاب اسلامی بیعتی دوباره داشته باشند.

جنجالی‌ترین نظر را نیز کروبی در این بین ارائه کرد و با صدور پیامی برای ملت! (۸۸/۱۲/۳) ادعا نمود که "نیروی‌های نظامی و امنیتی، تهران را به یک پادگان

تبدیل کرده بودند؟! وی می گوید: «آنها با هر حرکت و نشانه‌ای از عدم موافقت با وضع موجود، به شدت برخورد می کردند و آنرا خفه می کردند.»<sup>۱</sup>

کروبی ادعا می کند که مردم به دعوت جریانهای سیاسی فتنه گر بودند که به صحنه آمدند و «بدون دعوت جریانهای سیاسی و حضور مردمی، راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال، به راهپیمایی بی رمق یگانهای نظامی و امنیتی تبدیل می شد و امکان چنین بهره برداری تبلیغاتی برای ایشان فراهم نمی آمد.»

شیخ ساده لوح فراموش کرده بود که این جریان فتنه بود که از هواداران خواسته بود با نماد سبز به خیابان بیایند و در ملت یکدست و یک رنگ جامعه اسلامی اختلاف ایجاد کنند. در واقع وی به جای اینکه بررسی کند که چرا ملت از این راهکار عملیاتی سبزه پیروی نکردند و این نشان از عدم باقی ماندن هواداران قابل توجهی در جبهه فتنه گران است، همچون دیگر همفکرانش به تحریف واقعیت پرداخت و حضور ملت را مصادره به مطلوب می کند.

دروغ پردازیهای شیخ ساده لوح ادامه یافت و وی مدعی شد نظام با «صدها اتوبوس و قطار نیرو به تهران اعزام کرده است!» این در حالی است که راهپیمایی سراسری ۲۲ بهمن با حضور ۵۰ میلیونی ملت در سراسر کشور برگزار شده است و در این صورت باید شاهد خالی شدن راهپیمایی دیگر شهرها می شدیم. همچنین نباید فراموش کرد آنچه مهم است بیعت تمامی ملت ایران زمین با آرمانهای انقلاب است و تنها ملاک و معیار نمی تواند پایتخت باشد.

وی در ادامه در ادامه سیره عملی اش دو راهکار غیرقانونی پیشنهاد می دهد: «۱- مجوز بدهند که در میدانی از تهران راهپیمایی از طرف ما برگزار شود تا اقلیت و اکثریت مشخص شود. امنیتش را هم خودمان تامین می کنیم و تضمین می دهیم که این راهپیمایی با پرهیز از هرگونه شعار ساختارشکن برگزار شود؛ یک راهپیمایی آزاد، آنهم یکبار برای همیشه، تا وزن هر گرایش در جامعه ما، بی فشار و تهدید روشن شود... ۲- درحالی که جریان تمامیت خواه می خواهد راهپیمایی ۲۲ بهمن را به فراندومی برای تایید سیاستهای خشونت آمیز و ضد مردمی خود تبدیل کند، پیشنهاد می کنم که براساس اصل ۵۹ قانون

اساسی، رفراندومی برای برونرفت از بحران برگزار شود تا به حاکمیت شورای نگهبان پایان دهد... کارنامه انتخابات دهم ریاست جمهوری نشان داد که این، تنها رفراندوم است که می‌تواند راهگشای ما برای عبور از این تنگناها باشد..»

کروبی که معلوم نبود چه کسانی این حرفها را در دهان وی گذاشته بودند فراموش کرده بود که پابندی به قانون و برگزاری انتخابات در نظام های مردم سالار است که می‌تواند راهگشای عبور از تنگناها باشد. نه راهکارهای غیرقانونی و عوام فریبانه همچون برگزاری میتینگ! آقای کروبی چه زود فراموش کرده بود که آراء ایشان در رفراندوم بزرگ ملت در ۲۲ خرداد کمتر از آراء باطله بوده است.

به هر حال حماسه بزرگ ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن اردوگاه فتنه گران را چنان به چالشی کشاند که تا مدت‌ها سران فتنه از تجزیه و تحلیل صحیح آن چه بر سر این به اصطلاح جنبش آمده است ناتوان ماندند. اما نکته‌ای که روشن بود آن بود که حضور میلیونی و با بصیرت ملت در حماسه ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ آخرین میخ را بر تابوت فتنه کوباند!

و در آخر باید گفت ملت قهرمان، با حضور تاریخی خویش خستگی ۸ ماه نبرد با فتنه را از جان و تن رهبر خویش که با استقامت و پایداری در مقابل زیاده خواهی های داخلی و خارجی فتنه را سرنگون کرد، به در کردند و این چنین بود که معظم له نیز از حضور حماسی ملت این چنین تقدیر نمودند:

«ملت عظیم الشان و شگفتی آفرین ایران

خسته مباد گامهای استوارتان، سربلند باد پرچم همت و آزادگی تان، درود خدا بر عزم راسخ و بصیرت بی همتایتان که همیشه در لحظه‌ی نیاز، صحنه رویارویی با بد دلان و بدخواهان را عرصه‌ی پیروزی حق میسازد و نمایشگاهی از عزت و عظمت می آراید.

و سپاسی از ژرفای دل و جان، آفریننده‌ی هستی را که دست قدرت خود را در عزم و ایمان و بصیرت شما نمایان ساخت و در سی و یکمین سالروز تولد جمهوری اسلامی، نیرومندی و سرزندگی این نظام را که بر ایمان و اعتماد به نفس ملتی کهن تکیه زده است، بیش از همیشه به رُخ دشمنان کشید.

آیا سی و یک سال آزمون و خطای چند دولت متکبر و زورگو کافی نیست که آنان را از خواب غفلت بیدار کند و بیهودگی تلاش برای سیطره بر ایران اسلامی را به آنان تفهیم نماید؟

آیا حضور دهها میلیون انسان بصیر و پُر انگیزه در جشن سی و یک سالگی انقلاب کافی نیست که معاندان و فریب خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از "مردم" میزنند، به خود آورد و راه و خواست مردم را که همان صراط مستقیم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و راه امام بزرگوار است، به آنان نشان دهد؟

دوستان و دشمنان ملت ایران بدانند که این ملت، راه خود را شناخته و تصمیم خود را گرفته است و برای رسیدن به قلّه‌ی پیشرفت و سعادت با تکیه به خدا و اعتماد به قدرتی که خداوند به او بخشیده است هر مانعی را از سر راه برخواهد داشت. کمک و توفیق الهی یار این ملت و دعای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه پشتیبان آنان باد»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - پیام تشکر و قدردانی رهبر انقلاب اسلامی از حضور دهها میلیونی ملت شگفتی آفرین ایران ۱۳۸۷/۱۱/۲۲



## منابع

### خبرگزاری‌ها

خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، باشگاه خبرنگاران جوان، رسا، شبکه خبر دانشجوی، شبکه خبری برنا، فارس، مهر، واحد مرکزی خبر

### سایت‌های خبری

پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، آفتاب، اصلاحات، الف، امروز، انتخاب، اندیشکده راهبردی امنیت نرم، انصار نیوز، ایران امروز، آینده، برخیز، بصیرت، بی.بی.سی فارسی، پارلمان نیوز، پیک نت، تابناک، تریبون، تریبون مستضعفین، ثانیه نیوز، جرس، جماران، جمهوریت، جنبش سبز علوی، جهان نیوز، جوان آن لاین، جوان فردا، خبر آنلاین، خبرنگار امیرکبیر، خبرنگار دانشجویان ایران، خرداد نو، دکتر سروش، دیپلماسی ایرانی، رادیو فردا، رجا نیوز، روزآن لاین، روزنا، رویداد، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سازمان مجاهدین خلق، سایه، سحام نیوز، سحر نیوز، سلام نیوز، شبکه ایران، صدای آمریکا، عصر ایران، عملیات روانی، فرارو، فردا، قلم، کلمه، گویا، مشروطه نیوز، موج سوم، نخستین، نواندیش، نوروز، هرانا، هم میهن نیوز، یاری نیوز

### روزنامه‌ها

آرمان روبرو، عمومی، آفتاب یزد، ابتکار، ابرار، اطلاعات، اعتماد، اعتماد ملی، ایران، بهار، حیات نو، جام جم، جمهوری اسلامی، جوان، خبر، خراسان، دنیای اقتصاد، کلمه سبز، کیهان، مردم سالاری، همشهری، وطن امروز، یاس نو

## هفته نامه

پنجره، تحلیل هفته، تبیین رهنمودها، شهروند امروز، صبح صادق

## ویژه نامه ها

ویژه نامه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، روزنامه ایران، مهر ۱۳۸۸

رمز عبور، ویژه نامه نوروزی روزنامه ایران، اسفند ۱۳۸۸

ویژه نامه نوروزی روزنامه جوان، اسفند ۱۳۸۸

## وبلاگ‌ها و سایت‌های شخصی

اکبر گنجی، بیم موج، خبرنگار تهرانی، دست نوشته های یک دانشجو، دکتر

سروش، رایگاه، لهجه عشق، محسن سازگارا، محسن کدیور، محسن مخملباف